

فصلنامه مولانا

ادبی، علمی، فرهنگی و پژوهشی

صاحب امتیاز: پوهنتون مولانا جلال الدین محمد بلخی

مدیر مسؤل: دکتور عبدالحی آرام

سردبیر: پوهاند گل احمد فیضی

هیئت تحریریه و شورای مشاوران

- ۱- الحاج محمد یحیی انوری (رئیس پوهنتون مولانا جلال الدین محمد بلخی)
- ۲- پوهندوی دکتور محمد ناصر حیدر (معاون علمی)
- ۳- پوهاند گل احمد فیضی (رئیس پوهنحی طب)
- ۴- دکتور تمیم عزیزی (آمر دیپارتمنت طب)
- ۵- پوهاند دکتور صالح محمد راسخ
- ۶- پوهندوی سکندر سپهر
- ۷- پوهندوی عبدالمحمد توخی (رئیس پوهنحی اقتصاد)
- ۸- محمد خالد انوری (معاون مالی و اداری)
- ۹- محمد ناصر اکبری (رئیس تضمین کیفیت)
- ۱۰- جان محمد جیحون (معاون امور فرهنگی)
- ۱۱- دکتور عبدالحی آرام (رئیس مرکز تحقیقات علمی)
- ۱۲- جمشید نژند (معاون امور محصلان)
- ۱۳- احمد جاوید کمالیار (رئیس پوهنحی حقوق و علوم سیاسی)
- ۱۴- الله مراد نظری (رئیس پوهنحی ژورنالیزم)
- ۱۵- دکتور صوفیا وزیری (رئیس پوهنحی تعلیم و تربیه)
- ۱۶- نصیب الله رووفی (آمر دیپارتمنت اداری و دیپلماسی)
- ۱۷- شاه محمد فلاح (آمر دیپارتمنت قضایی)

ویراستاران: نعمت الله پیک و شریفه وصیف

دیزاین: میرویس پیمان

ایمل آدرس: maulanauniversity@gmail.com

وبسایت: www.mawlana.edu.af

نشانی دفتر: مزارشریف شمال چوک کفایت، سرک چهل متره، پوهنتون مولانا جلال الدین محمد بلخی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	انسان در اندیشه مولانا شاه محمد فلاح
۲۲.....	بازاندیشی در رابطه به حقوق عمومی و حقوق جزا فرانگیز انوری
۴۰.....	فعالیت کتابخانه ها در امپراتوری سلجوقیان در شهر باستانی مرو..... الله مراد نظری
۴۶.....	مطالعه حساسیت استافیلوکوکهای طلایی در برابر وانکو مایسین جدا شده از نمونه های کلینیکی در شفاخانه حوزه وی وکلینیکیهای خصوصی شهر مزار شریف..... نویسنده: پوهنمل داکتر حامد پارسا استاد دیپارتمنت میکروبیولوژی پوهنحی طب پوهنتون بلخ
۵۳.....	مدیریت صنف حامد ایوبی
۶۴.....	ابزار های قدرت نرم روسیه در روابط بین الملل طی سال های ۲۰۱۰ - ۲۰۲۱..... نصیب الله رووفی
۸۶.....	بررسی تأثیر تحصیلات بر عاید مجموعی خانواده ها در شهر ایبک..... نویسنده : امید اوزمان
۹۲.....	ترکیب کیمیاوی و ارزش غذایی و دوایی بادنجان رومی و بادنجان سیاه..... نویسنده: پوهاندگل احمدفیضی
۹۸.....	د بیع وفاء حکم په اسلامي معاملاتو کې لیکوال: سید محمود مقصودی
۱۰۶.....	بررسی اعاده اعتبار تاجر ورشکسته در حقوق ایران و افغانستان..... نویسنده: احمد مسعود محمدی
۱۱۸.....	نقش قرضه های کوچک و متوسط در سرمایه گذاری تجاران زن در ولایت بلخ..... نویسنده: احمد ارشاد جسور
۱۳۲.....	واقعات کمبود کلسیم نوزادی..... نویسنده: داکتر سید محمد مجتبی سدیس متخصص امراض داخله اطفال و نوزادان
۱۵۸.....	اقتصاد افغانستان در دو دهه گذشته..... نویسنده: محمد اکبر فرهمند
۱۶۵.....	صلح و همزیستی در اندیشه مولانا و پیام آن برای انسان امروز..... نویسنده: سلطان مسعود محب

انسان در اندیشه مولانا

نویسنده: شاه محمد فلاح

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
گفتند یافت می‌نشود جُسته‌ایم ما گفت آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست
زین هم‌رهان سُست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

چکیده

انسان به عنوان یکی از موضوعات اصلی جهان بینی، همواره مورد بحث بوده است؛ در جهان بینی اسلامی نیز من‌حیث خلیفه و مُعرف خالق هستی، به بحث گرفته شده است. مولانا جلال الدین محمدی بلخی عارف فرزانه جهان اسلام، انسان را در پرتو آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) به معرفی گرفته است. وی انسان را حاوی دو نیروی بی‌نهایت کُشنده به سوی اعلیٰ علیین و یا اسفل السافلین (روح و نفس) میداند که هر یک این دو نیروی متخاصم، دارای یک همکار (ملک و شیطان) و نوع اغذیه به خصوص خود (عبادات و ترک آن) می‌باشند. میزان قوام و کُشدگی این نیروها، با توجه به قوت و مؤثریت نوع غذاها و چگونگی کیفیت رسیدن آن به حلقوم (هسته توحید قلب) این نیروها سنجیده می‌شود و عقل به مثابه پرتوافکن برای این دو نیرو، فقط آینه داری میکند.

سؤال این است که این نیروها چگونه انسان را به سوی خیر و یا شر میکشانند؟ همکاران این نیروها چگونه عمل میکنند؟ نوعیت تغذیه آنها چگونه است؟ تحقیق حاضر با عنایت به اندیشه مولانا، در پی تبیین این سؤالات است.

کلید واژه‌ها: روح، نفس، ملک، شیطان، عبادات، قلب، عقل.

مقدمه

انسان موجودیست دو بُعدی، یک کفه آن آسمانی و ملکوتی و کفه دیگر آن، زمینی و ناسوتی. زشتی و زیبایی رفتار و کردار انسان، با توجه به کفه آسمانی وی سنجیده می‌شود. تربیت و اصلاح رفتاری انسان به بُعد معنوی وی مربوط است، نه به جسم خاکی وی. به هر اندازه که انسان از لحاظ معنوی به غنا دست پیدا میکند، به همان پیمانانه در عملکرد وی اصلاحات بوجود می‌آید و هر مقداری که از لحاظ معنوی به فقر مواجه میگردد، به همان پیمانانه به سوی زشتیها و ناپسندنیها می‌گراید. شناخت و تعریف که مولانا از انسان دارد نیز بر همین معیارها استوار است؛ چنانچه می‌گوید:

ای برادر تو همان اندیشه‌یی ما بقی تو استخوان و ریشه‌یی
گرگست اندیشه ات تو گلشنی ور بود خاری تو هیمه گلخنی
گر گلابی بر سر جیب زبند ور تو چون بولی برون افکنند

همه حرکات و سکنات انسان، منشأ در اراده قلبی و خواست قلبی وی دارد که مولانا آن را اندیشه خوانده است. انسان عملی را انجام نمی‌دهد، مگر این که خودش خواسته باشد، به استثنای برخی

عملکرد اضطراری و غیر ارادی وی. پس خوب بودن و بد بودن رفتار، کردار و نیات انسان، مربوط به نیروهای محرک موجود در قلب وی است، نه ابدان و جسم زمینی وی.

دانشمندان زیادی انسان را مورد بحث قرار داده است، از جمله افلاطون انسان را در برابر کل هستی، وی را عالم صغیر نامیده است؛ اما مولانا با توجه به عظمت، برازندگی، زیبایی ساختاری و پیچیدگی های رفتاری انسان، لقب عالم اصغر را صرف به ساختمان صوری و ظاهری انسان داده است و ساختار درخشانده بعد معنوی انسان را بزرگتر از عالم میدانند.

پس به صورت عالم اصغر تویی هم به معنی عالم اکبر تویی

تحقیق حاضر، در پی تبیین حقیقت این مسئله، با عنایت به اندیشه مولانا جلال الدین محمد بلخی است. منبع اساسی این تحقیق، تألیفات خود مولانا (مثنوی معنوی - نسخه کلاله و دیوان شمس) است؛ اما در تبیین و تعاریف برخی اصطلاحات، از کتب دیگر نیز استفاده صورت گرفته است.

روح

تو ز گَرْمنا بَنی آدَمَ شهی	هم به دریا هم به خشکی پا نهی
که حملنا هم علی البحری به جان	از حملنا هم علی البر پیش ران
مر ملایک را سوي بر راه نیست	جنس حیوان هم ز بحر آگاه نیست
تو به تن حیوان، به جانی از ملک	تا روی هم بر زمین، هم بر فلک
تا به ظاهر مثلکم باشد بشر	با دل یوحی إلیه دیده ور
قالب خاکی فتاده بر زمین	روح او گردان بر آن چرخ برین
ما همه مرغابیانیم ای غلام	بحر می داند زبان ما تمام

(مثنوی معنوی، ص ۳۳۹)

روح چیست؟ روح، چکیده عالم قدس است. روح، عامل حیات است. روح، منبع خیر، خوبی، نیکویی، طاعت، عبادات، کمالات باطنی... انسان است. ماهیت و حقیقت روح از عالم امر است، نه عالم خلق که بتوان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؛ یعنی کالبد انسان دارای روح حیات بخش جسم است که همه مالیکول ها و انساج بدن به طول اضافه از صدها سال، منظم فعالیت میداشته باشد و حواس خمسه را با غیره حسیات انسان، فعال نگاه میدارد. همین که روح از جسد مفارقت کرد، همه هست و بود مادی و معنوی وجود انسان نیست و نابود میگردد (فیضانی، ص ۲).

میل هر جانی بسوی تن بود هر تنی از روح آستن بود

(مثنوی معنوی، ص ۶۲)

حقیقتاً که روح مصفا به عنوان تحفه خاص الهی، مایه حیات انسان است. با محض مفارقت روح از تن، دیگر همه خصایص، ویژگی ها، جمال، کمال، توانایی ها و تصرفات از انسان ستانده میشود. نه تنها که

انسان مالکیت و تصرف ندارد، بلکه همین تن مادی نیز به همین حالت خود باقی نمی‌ماند و در ظرف چند روز، می‌شارد و از بین می‌رود.

تن همی نازد به خوبی و جمال روح پنهان کرده فر و پر و بال
 گویدش کای مزبله تو کیستی؟ یک دو روز از پرتو من زیستی
 غنج و نازت می نگنجد درجهان باش تا که من شوم از تو جهان
 گرم دارانت تورا گوری کنند کشکشان در ته گور افکنند
 تا که چون در گور یارانت کنند طعمه موران و مارانت کنند
 تن همی نازد به خوبی و جمال روح پنهان کرده فر و پر و بال
 بینی از گند تو گیرد آن کسی که به پیش تو همی مردی بسی
 چون نَفَخْتُ بودم از لطف خدا نَفَخَ حق باشم ز نای تن جدا
 (مثنوی معنوی، ص ۱۷۴)

این استدلال مولانا در سیاق آیه قرآن کریم است که الله منان می‌فرماید: *فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ* (الحجر/ ۲۹). پس وقتی کالبد انسان را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده درافتید.

فعال بودن حواس و قوه‌ها در وجود انسان، از برکت موجودیت روح در قالب خاکی انسان است. به مجرد مفارقت روح از تن خاکی انسان، قالب خاکی به انفساخ می‌گراید.

پرتو روح است نطق و چشم و گوش پرتو آتش بود در آب جوش
 تو قیاس از چرخ دولابی بگیر گردشش از کیست؟ از عقل منیر
 گردش این قالب همچون سپر هست از روح مُستر ای پسر
 گردش این باد از معنی اوست همچو چرخ‌کی کو اسیر آب جوست
 (مثنوی معنوی، ص ۱۷۴)

کار روح در وجود همه انسان‌ها یکسان است، یعنی اصلاً ملاحظه نوعیت و جنسیت برای روح مطرح نیست، همه فعالیت‌ها و کارکرد‌های که در وجود یک شرقی دارد، در وجود یک غربی عین فعالیت را انجام می‌دهد، در وجود یک مرد انجام می‌دهد، در وجود یک زن نیز عین فعالیت را دارد.

روح با علمست و با عقلست یار روح را با تازی و ترکی چه کار؟

(مثنوی معنوی، ص ۲۰۵)

با این تفاوت که هرکه به ندای روح گوش دهد و خواسته‌های آن را برآورده سازد، برای وی راهگشای خوبتر بوده و سرخ‌های بیشتر برایش می‌دهد.

هر گیارا، کش بود میل علا در مزید است و حیات و در نما
 چون که گردانید سر سوي زمين در کمی و خشکی و نقص و غبین
 میل روحت، چون سوي بالا بود در تزاید، مرجعت آنجا بود
 ور نگونساري، سرت سوي زمين آفلی حق لا یحب الآفلین
 (مثنوی معنوی، ص ۲۶۸)

کار روح، بر وفق و مراد مقتضیات آسمانی آن است و میخواهد انسان را به کمال برساند و آسمانی سازد
 و هر آن گرهی را که عقل نتواند باز کند، جهت گشایش آن راهکار دهد.

حس اسیر عقل باشد ای فلان عقل اسیر روح باشد هم بدان
 دست بسته عقل را جان باز کرد کارهای بسته را هم ساز کرد
 (خاری، ص ۴۱۰)

مولانا، با عنایت به پیچیدگی رفتاری و توانایی های معنوی که انسان دارد، بُعد مرئی و بُعد نامرئی وی
 را از هم جدا میدانند و تا رسیدن امر موعود، هر دو بُعد وی کمالات جداگانه دارد.

حد جسمت یک دوگزر خود بیش نیست جان تو تا آسمان جولان کنیست
 چون خدا مر جسم را تبدیل کرد رفتنش بی فرسخ و بی میل کرد

ملک

ملک، ملائک یا ملائکه که در زبان فارسی به آن فرشته گویند، جسم لطیف نورانی است که به اشکال
 گوناگون میتواند متشکل شود و به حکم خداوند (ج)، در آفاق و در انفس انسان ها وجود دارند (دهخدا،
 فرهنگ دهخدا). ملائکه مأموریت مختلف دارد، تنها در وجود انسان چند نوع مأموریت را انجام میدهند،
 از قبیل: محافظت انسان ها، کتابت گفتار انسان، الهامات به کارهای خیر به انسان و کارهای دیگر که
 به حکم خداوند در هستی دارند و همه آن بر اساس آیات قرآنکریم ثابت است. چنانچه خداوند ج،
 میفرماید: *إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ* (فصلت/۳۰). در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی
 کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و می گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده
 یافته بودید، شاد باشید.

مولانا با توجه به آیات قرآنکریم، توصیه دارد که از پیروی خط مشی شیطان دوری گزینید تا مستعد
 جذب الهامات ملکی گردید؛ زیرا ساختار معنوی انسان طوری مهندسی گردیده است که خواه نا خواه یا
 تحت وسوس شیطانی قرار دارد و یا از طرف ملائک برایش الهامات صورت میگیرد.

طفل جان از شیر شیطان باز کن بعد از آتش با ملک انباز کن
(مثنوی معنوی، ص ۱۱۱)

پس قرین هر بشر در نیک و بد آن ملک باشد که ماندش بود
(مثنوی معنوی، ص ۱۸۸)

هر زمان در سینه نوعی سر کند گاه دیو و گاه ملک گاه دام و دد
(مثنوی معنوی، ص ۲۵۴)

وقتی انسان از شر وساوس شیطانی در امان بوده و الهامات ملکی بر وی تالی گردد، جایگاه اش از خود ملائک برتر می‌گردد، چون انسان جایگاه خلیفه الهی دارد و تکریماً مسجود ملائک است.

وز ملک، جان خداوندان دل باشد افزون، تو تحیر را بهل
ز آن سبب آدم بود مسجود شان جان او افزون تر است از بودشان
ور نه، بهتر را سجود دون تری امر کردن هیچ نبود در خوری
کی پسندد عدل و لطف کردگار؟ که گلی سجده کند در پیش خار
جان چو افزون شد گذشت از انتها شد مطیعش جان جمله چیزها
مرغ و ماهی و پری و آدمی زانکه او بیش است و ایشان در کمی
(مثنوی معنوی، ص ۳۲۳)

غذای روح

هین غذای دل طلب از هم دلی رو بجو اقبال را از مقبلی
صحبت صالح تو را، صالح کند صحبت طالح تو را، طالح کند
(مثنوی معنوی، ص ۷۵)

این تأمل مولانا شاید در سیاق آیه کریمه ۱۱۹ سوره توبه باشد که الله متعال میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ. ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

پاکی و طهارت قلبی، وسیله جذب رحمت راهگشایی و نور دیده قلب انسان مؤمن است. وقتی انسان تقوای الهی پیشه کند، موانع و سدود در عرصات زندگی مادی و معنوی وی رفع و دفع می‌گردد. چنانچه الله منان میفرماید: ... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. و هر کسی که تقوای الهی پیشه کند، خداوند (ج)، راه نجات برای وی فراهم می‌کند.

ذکر حق پاک است، چون پاکی رسید رخت بر بندد، برون آید پلید
می‌گریزد ضد ها از ضدها شب‌گریزد، چون بر افروزد ضیا
چون بر آمد نام پاک اندر دهان نی‌پلیدی ماند و نی‌آن دهان
(مثنوی معنوی، ص ۳۴۹)

مولانا، با عنایتی به دستورات قرآنی، سعادت و شقاوت رفتاری انسان را در وجود خود وی میداند. انرژی و قوت رفتن انسان به سوی خوبی‌ها و زشتی‌ها در نهاد انسان عجین است. بر انسان است که چگونه میخواهد باشد، اگر آینه دل را صیقل زند، همین انسان مادی ملکوتی میگردد و در رفتار وی خیر و خوبی دیده میشود، اگر غفلت ورزد، زمین گیر گردیده و امید خیر و انسانیت از وی نیست.

عالمی را یک سخن ویران کند روبه‌ان مرده را شیران کند
 جانها در اصل خود عیسی دمنده یک زمان زخمند و گاهی مرهمند
 گر حجاب از جانها برخاستی گفت هر جانی مسیح آساستی
 گرسخن خواهی که گویی چون شکر صبرکن از حرص این حلوا مخور
 صبر باشد مشتهای زیرکان هست حلوا آرزوی کودکان
 هر که صبر آورد گردون بر رود هر که حلوا خورد واپس تر رود

(مثنوی معنوی، ص ۱۱۰)

ای که صبرت نیست از دنیای دون صبر چون داری ز نعم الماهدون؟
 ای که صبرت نیست از پاک و پلید صبر چون داری از آن کت آفرید؟
 ای که صبرت نیست از ناز و نعیم صبر چون داری از الله کریم
 ای که صبرت نیست از فرزند و زن صبر چون داری ز حی ذوالمنن؟
 ای که صبرت نیست از آب سیاه صبر چون داری تو از خشم اله؟

(مثنوی معنوی، ص ۳۱۳)

نفس

موسی و فرعون در هستی توست باید این دو خصم را در خویش جست

(مثنوی معنوی، ص ۳۸۸)

طبق آیات قرآنکریم، بعد مادی انسان از عصاره زمین ساخته شده است (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ) و به حقیقت انسان را از عصاره گل آفریدیم (المؤمنون / ۱۲). اشاره قرآن به همان جسم مادی انسان است؛ اما این عصاره در عین حال دو نوع کارکرد دارد: از راه مرئی در تقویه و رشد جسم و مالیکولهای ضایع شده جسم انسان سهیم است، چرا که ذاتاً از جوهره زمین است. بنابر این، همه نیازمندیهای جسم نیز از فراوردههای زمین تأمین میگردد. وظیفه دیگر نفس، تقویه نیروی نامرئی محرک منفی در وجود انسان است، مانند: انانیت، حرص بیجا، تفاخر به داشته‌ها، کبر، خود بزرگ بینی، در مجموع آنچه به نام رذایل اخلاقی معروف است که نیروی جاذبه آن، همانا ماهیت نفسی است که از عصاره زمین ساخته شده است (فیضانی، ص ۲).

چه خرابت میکند نفس لعین دور می اندازدت سخت این قرین
 این جراحتهها همه از نفس توست لیک مغلوبی ز جهل ای سخت سُست
 آتشت را، هیزم فرعون نیست زآنکه چون فرعون او را عون نیست
 گلخن نفس تو را خاشاک نیست ورنه چون فرعون، او شعله زنیست
 (مثنوی معنوی، ص ۳۷۸)

نفس آدمی خاصیت اژدها را دارد، جز به خواسته های خودش، دیگر به تبعیت و اطاعت هیچ امری سر خم نمیکند، مگر در جای که توان نداشته باشد. راهکار مولانا در چنین حالات این است که خواسته های آن باید تعدیل شود، در غیر آن امکان مهار آن نیست.

نفست اژدهاست، اوکی مرده است؟ از غم بی آلتی افسرده است
 گر بیابد آلت فرعون او که به امر او همی رفت آب جو
 آن گهان بنیاد فرعونی کند راه صد موسی و صد هارون زند
 کرمک است این اژدها، ازدست فقر پشه ای گردد ز مال و جاه صقر
 اژدها را دار در برف فراق هین مکش او را به خورشید عراق
 (مثنوی معنوی، ص ۳۸۱)

بهر این بعضی صحابه ازرسول ملتمس بودند مکر نفس غول
 کاو چه آمیزد ز اغراض نهان؟ در عبادت ها و در اخلاص جان
 (مثنوی معنوی، ص ۶۱)

اگر لجام خواسته های بی حد و حصر نفس گرفته نشود، همه ارزش ها و فضیلت های معنوی از انسان سلب گردیده و به یک موجود هیولایی مبدل میگردد که همانند یک حیوان درنده، آنچه خواسته باشد، میکند.

چون سزای این بت نفس، او نداد از بت نفسش، بتی دیگر بزاد
 مادر بتها، بت نفس شماست زآنکه آن بت مار و، این بت اژدهاست
 بت شکستن سهل باشد، نیک سهل سهل دیدن نفس را جهل است، جهل
 صورت نفس ار بجویی ای پسر قصه دوزخ بخوان با هفت در
 هر نفس مکر و درهر مکر از آن غرقه صد فرعون با فرعونیان
 (مثنوی معنوی، ص ۷۷)

با شناخت ژرف که مولانا از نفس دارد، به جز استغاثه از ذات حق جل واعلی، عقل و هوش ظاهری انسان را برای باز دارندگی خواهشات نفسانی انسان کافی نمیداند.

ای شهان گشتیم ما خصم برون ماند خصمی زو بتر در اندرون
 کشتن این، کار عقل و هوش نیست شیر باطن سخره خرگوش نیست
 هفت دریا را در آشامد هنوز کم نگردد سوزش آن خلق سوز
 سیر گشتی؟ سیر گوید نی هنوز اینت آتش اینت تابش اینت سوز
 عالمی را لقمه کرد و در کشید معده اش نعره زنان هل من مزید
 چون که جزو دوزخ است این نفس ما طبع گل دارد همیشه جزوها
 قوتی خواهیم ز حق دریا شکاف تا به ناخن برکنم این کوه قاف
 سهل شیری دان که صفها بشکند شیر آن است آن که خود را بشکند
 تا شود شیر خدا از عون او وارهد از نفس و از فرعون او
 (مثنوی معنوی، ص ۱۰۲)

توصیه دیگر مولانا جهت رهیدن از درد نیش زنی های نفس، صبر و بردباری در برابر خواسته های نفس است، یعنی آنچه نفس میخواهد، نباید آنرا به خواسته های آن لیبیک گفت. توصیه مولانا این است که شکست نفس در میدان برد و باخت، کار هر انسان عادی نیست، مگر این که معرفت علمی از آن داشته باشد و به مکاید آن پی ببرد. هر که توانست این غول را مات نماید، کرسی خلیفه الهی را احراز نموده و هر آنچه خدا آفریده است، از وی اطاعت میکند.

ای برادر صبر کن بر درد نیش تا رهی از نیش نفس گبرخویش
 کان گروهی که رهیدند از وجود چرخ و مهر و ماهشان آرد سجود
 هر که مُرد اندر تن او نفس گبر مر و را فرمان برد خورشید و ابر
 چون نداری طاقت سوزن زدن از چنین شیر ژیان پس دم مزن
 (مثنوی معنوی، ص ۱۶۴)

از بارگاه ذات صمدانی حق جل و اعلیٰ به استغاثه می‌خواهیم که از روی لطف و کرمش، دست ما را با ید بلاکیفش گرفته و از این غول گریز صفت، ما را نجات دهد.

الها!

دست گیر از دست ما، ما را بخر پرده را بردار و پرده یی ما مدر
 بازخر ما را از این نفس پلید کاردش تا استخوان ما رسید
 (مثنوی معنوی، ۲۹۱)

شیطان

علت ابلیس انا خیری بودست وین مرض در نفس هر مخلوق هست
 گرچه خود را بس شکسته بیند او آب صافی بین و سرگین زیر جو
 چون بشورانی مرا او را ز امتحان آب سرگین رنگ گردد در زمان
 در تگ جوست سرگین ای فتی گرچه جو صافی نماید مر ترا
 (مثنوی معنوی، ص ۱۷۲)

شیطان در لغت به معنی سرکش، نافرمان و متمرّد، بد خو، سخت دل آمده است. هدف از شیطان همان ابلیس است که از درگاه الله منان رانده شده است. اصل شیطان از آتش ناصاف و آمیخته به تاریکی کفر، تمرد و انکار است که به حکم خالق ذوالجلال، در جسم انسان مانند خون در جریان است. (دهخدا، فرهنگ دهخدا). نظر به آیه ۱۱۲ سوره مبارکه الانعام، انسان های شیطان صفت نیز شیطان خوانده میشود. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ... این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم.

طبق آیه قرآن کریم، وقتی انسان اوصاف شیطانی پیدا کند، دیگر شیطان جنی دنبال او را میگذارد، زیرا او خود به شیطان (شیطان انسی) مبدل میگردد. كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (حشر، ۱۶). کار آنها، همچون شیطان است که به انسان گفت: کافر شو (تا مشکلات ترا حل کنم) وقتی که انسان کافر شد، گفت: من از تو بیزارم، من از پروردگار عالمیان میترسم.

چون به بد نامی برآمد ریش او دیو را ننگ آید از تفتیش او
 دیو سوی آدمی شد بهر شر سوی تو ناید که از دیوی بدتر
 تا و بودی آدمی دیو از پیت می دوید و می چشانید او میت
 چون شدی در خوی دیوی استوار می گریزد از تو دیو ای نابکار
 آنکه اندر دامت آویخت او چون چنین گشتی ز تو بگریخت او

(مثنوی معنوی، ص ۱۲۰)

برخی از انسان های کوتاه فکر و مغلوبین دیو لعین، با چرا-چرا های نفسانی از باهمی شیطان با خودش انکار میورزند، در حال که این انکار، اولین ترفند شیطان است که به انسان وسوسه میکند که گویا شیطان در وجودش نیست.

فلسفی مر دیو را منکر شود در همان دم سخره دیوی بود
 گر ندیدی دیو را، خود را ببین بی جنون نبود کبودی بر جبین
 (مثنوی معنوی، ص ۱۷۴)

مولانا میگوید: اگر دیو در خونت جریان نداشته باشد، چرا باید شأن و شوکت خلیفه الهی خویش را با گفتار و کردار پوچ و بی معنی، زیر سؤال ببری و بعداً ندامت ها کنی؟

ور ز دستت دیو خاتم را ببرد پادشاهی فوت شد، بختت بمرد
 بعد از آن "یا حسرتا شد للعباد بر شما مختوم تا "یوم التناد"
 ورتو دیو خویشتن را منکری چون روی آنجا توروشن بنگری
 مکر خود را گرتوانکار آوری از ترازو و آینه کی جان بری؟

(مثنوی معنوی، ص ۱۸۵)

مولانا، با فراست و کیاست معنوی که دارد، یکی از خصلت های خطیر شیطان را تزویر گُربُزی آن میداند و هوشدار می دهد که فریب تلبیس آن را نخورید که تجربه شیادی این موجود خناس بر سر تخته شطرنج، برابر با تاریخ نسل آدم در روی زمین است. آن که بابا را به خطا سوق داد، با نواده اش چه ها خواهد کرد؟

جان بابا، گویدت ابلیس هین تا به دم بفریبت دیو لعین
 این چنین تلبیس با بابات کرد آدمی را آن سیه رخ، مات کرد
 بر سر شطرنج چُست است این غراب تو مبین بازی به چشم نیم خواب
 زآن که فرزین بندها داند بسی کو بگیری در گلویت چون خسی
 در گلو ماند خس او سالها چیست آن خس؟ مهر جاه و مالها

(مثنوی معنوی، ص ۲۰۷)

مولانا، با توجه به دستورات قرآنی، مقرر بود و باش شیطان را دل انسان معرفی میکند. با مدهانت های که شیطان دارد بر دل، یعنی سلطان جسم تسلط پیدا میکند و قصاب وار از هوا های نفسانی انسان را پُر میسازد و بعد از آن، پَر و پوستش میکند.

خانه دیو است دلهاي همه کم پذیر از دیو مردم دمدمه
 صد هزار ابلیس لاحول آر بین آدمیا ابلیس را در مار بین
 دم دهد گوید ترا ای جان و دوست تا چو قصابی گشد از دوست پوست
 دم دهد تا پوستت بیرون گشد وای آن کز دشمنان افیون چشد
 سر نهد بر پای تو قصاب وار دم دهد تا خونت ریزد زار زار

(مثنوی معنوی، ص ۲۱۲)

مولانا، راه نجات انسان را از مکاید و شرارت های شیطان، در تقوای الهی و همنشینی با دوستان خدا میداند. چنانچه خداوندج، میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (توبه/ ۱۱۹). ای کسانی که ایمان آورده اید! از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

هر که خواهد همنشینی با خدا او نشیند در حضور اولیا
 از حضور اولیا گر بگسلی تو هلاکی، زآنکه جزو بی کلی
 هر که را دیو از کریمان وابد بیگسش یابد، سرش را او خورد
 یک بد است از جمع رفتن یک زمان مکر شیطان باشد این نیکو بدان
 (مثنوی معنوی، ص ۲۸۰)

صورت مردان و معنی این چنین از برون آدم، درون دیو لعین
 (مثنوی معنوی، ص ۳۱۷)

خویشتن را عاشق حق ساختی عشق به دیو سیاهی در باختی
 عاشق و معشوق را در رستخیز دو بدو بندند و پیش آرند تیز
 (مثنوی معنوی، ص ۳۶۶)

غذای نفس

سلامتی معنوی انسان مؤمن، در رعایت همه ارزش های دینی است. یگانه عامل که چون دشمن خون به کف فرا راه رسیدن انسان به آرامش ذهنی و طمأنینه قلبی است، این دشمن (شیطان) قسم خورده است. هر که از وسوس آن جان به سلامت برد، حقاً که به سعادت دست پیدا میکند. به همین دلیل است که الله متعال به مؤمنان امر میکند که ای کسانی که ایمان آورده اید، از خط مشی شیطان پیروی نکنید که او دشمن پیدا و آشکار شماست.

طفل جان از شیر شیطان باز کن بعد از آنش با ملک انباز کن
 تا تو تاریک و ملول و تیره ای دان که با دیو لعین همشیره ای
 لقمه ای کان نور افزود و کمال آن بود آورده از کسب حلال
 (مثنوی معنوی، ص ۱۱۱)

او چو بیند خلق را سرمست خویش از تکبر میرود از دست خویش
 او نداند که هزاران را چو او دیو افکند ست اندر آب جو
 (مثنوی معنوی، ص ۱۱۹)

توصیه رهایی بخش که مولانا در مورد جلوگیری از وسوس شیطان دارد، آزاد شدن انسان از بند خواسته های نفسانی است. بزرگترین حربه شیطان در القاء وسوسه در قلب انسان، همین خواسته های نفسانی و حواس آخذه انسان است، اگر توجه به حواس صورت گیرد و خواسته های نفس تعدیل گردد، زمینه القای وسوسه شیطان نیز تضعیف میگردد.

بند بگسل، باش آزاد، ای پسر چند باشی بند سیم و بند زر
 گر بریزی بحر را در کوزه ای چند گنجد؟ قسمت یک روزه ای
 کوزه چشم حریصان پُر نشد تا صدف قانع نشد، پر درنشد
 هرکه راجامه ز عشقی چاک شد او ز حرص و عیب کَلّی پاک شد
 (مثنوی معنوی، ص ۴۷)

یکی از خصلت های نفس خود بین انسان این است که ملامتی را به خود نمی گیرد، بلکه همواره بر دیگران دندان خائی میکند و در جستجوی راه فرار و برائت خویشتن است.

همچو صاحب نفس، کاو تن پرورد بر دگر کس، ظن حَقْدی میبرد
 کاین عدو و آن حسود و دشمن است خود حسود و دشمن او آن تن است
 او چو موسی و تنش فرعون او او به بیرون میدود که کو عدو؟
 نفس او در خانه یی تن نازنین بر دگر کس، دست میخاید به کین
 (مثنوی معنوی، ص ۲۳۰)

حتی تا جای که انسان های نفس پرور، خواسته های شخصی و فردی خویش را رنگ و بوی دینی داده و فکر میکنند که عملکرد ایشان به خاطر مصلحت دینی است.

خویش بین چون از کسی جرمی بدید آتشی در وی ز دوزخ شد پدید
 حمیت دین خواند او، آن کبر را ننگرد در خویش، نفس گبر را
 حمیت دین را نشانی دیگر است کاز آن آتش جهانی اخضر است
 (مثنوی معنوی، ص ۱۷۷)

از دیدگاه مولانا، نفس آدمی مکار است و هر لحظه مکر میزاید، پس اگر خواسته باشیم که آن را مهار نماییم، باید مکارگی و تزویر های آن را شناخت. یکی از خدعه های نفس این است که در برخی موارد به کار های ظاهراً خوب امر میکند، اما آن را وسیله ریا و خود بزرگ بینی ساخته و معنویت قلبی انسان را نیز از بین میبرد.

مشورت با نفس خود گر میکنی هر چه گوید، کن خلاف آن دنی
 گر نماز و روزه میفرمایدت نفس مکار است، مکر می زایدت
 مشورت با نفس خود اندر فعال هرچه گوید عکس آن باشد کمال
 من ز مکر نفس دیدم چیزها کاو برد از سحر خود تمییزها
 وعده ها بدهد ترا تازه به دست کو هزاران بار آنها را شکست
 عمر اگر صد سال خودمهلت دهد اوت هر روزی بهانه یی نو نهد
 (مثنوی معنوی، ص ۲۸۵)

از دید مولانا، یکی از عوامل گشونده نفس به سوی بدکنشتی ها، افراط در پرداختن به تن مادی است. این تن مادی را هرچه چرب و شیرین دهی، مساوی است با زوال معنویت.

در زمین مردمان خانه مکن کار خود کن کار بیگانه مکن
 کیست بیگانه تن خاکی تو کز برای اوست غمناکی تو
 تا تو تن را چرب و شیرین می‌دهی جوهر جان را نیننی فربهی
 گر میان مشک تن را جاشود روز مردن گند او پیدا شود
 مشک را بر تن مزین بر دل بمال مشک چه بود؟ نام پاک ذو الجلال
 آن منافق مشک بر تن می‌نهد روح را در قعر گلخن می‌نهد
 بر زبان نام حق و در جان او گندها از فکری ایمان او
 (مثنوی معنوی، ص ۲۱۲)

قلب / دل

هدف از قلب، همان دل انسان است. از دیدگاه عرفا، قلب محل کارگردانی دو نیروی نامرئی روح و نفس در وجود انسان و میدان تاخت و تاز دو محرک آنها (ملک و شیطان) است (فیضانی، ص ۴). محل اصلاح و فساد رفتاری و گفتاری انسان، دل است. چنانچه حضرت پیامبرص، میفرماید: *الْإِنِّ فِي الْجَسَدِ مُضَغَتْ إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ* (مشکاه المصابیح، ص ۲۴۱). به درستی که در جسد انسان یک پاره گوشت است، اگر آن پاره گوشت صالح شد، همه جسد صالح میشود و اگر همان توتۀ گوشت فاسد شد، کلیه جسد انسان فاسد میگردد. آگاه باشید که آن پارچه گوشت قلب است!

بندگان خاص علام الغیوب در جهان جان جواسیس القلوب
 در درون دل در آید چون خیال پیششان مکشوف باشد سر حال
 در تن گنجشک چه بود برگ‌وساز؟ که شود پوشیده آن بر عقل باز
 آنکه واقف گشت بر اسرار هو سر مخلوقات چه بود پیش او؟
 آنکه بر افلاک رفتارش بود بر زمین رفتن چه دشوارش بود؟
 (مثنوی معنوی، ص ۲۵۶)

خداوند(ج)، نیز در قرآنکریم بارها در مورد اصلاح و فساد انسان، اشاره به قلب انسان کرده است. در قرآنکریم کلمه قلب به شکل جمع ۱۰۴ مرتبه و به شکل مفرد ۱۳ بار ذکر گردیده است که همه، به گونه صریح و یا ضمنی دلالت بر اصلاح و فساد حالت معنوی انسان دارد. خداوند(ج)، در آیات متعدد قرآنکریم از *(فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ)* یاد نموده و این مرض را عامل همه بدکنشستی های انسان میدانند. فرعون، نماد از چنین مریضان است.

نفس توست آن مادر بد خاصیت که فساد اوست در هر ناحیت
 هین بکش او را که بهر آن دنی هر دمی قصد عزیزی می کنی
 ازوی این دنیاخوش برتست تنگ از پی او با حق و با خلق جنگ
 نفس کشتی باز رستی ز اعتذار کس ترا دشمن نماند در دیار

گر شکال آرد کسی بر گفت ما از برای انبیا و اولیا
انبیا را نی که نفس کشته بود پس چراشان دشمنان بود و حسود
گوش نه تو ای طلب کارصواب بشنو این اشکال و شبهت راجواب
دشمن خود بوده اند آن منکران زخم بر خود می زدند ایشان چنان
دشمن آن باشد که قصد جان کند دشمن آن نبود که خود جان میکند
(مثنوی معنوی، ص ۲۳۱)

حیله کرد انسان حیله اش دام بود آن که جان پنداشت خون آشام بود
در بیست و دشمن اندر خانه بود حیله فرعون زین افسان بود
صد هزاران طفل کشت آن کینه کش و آن که او می جست اندر خانه اش
(مثنوی معنوی، ص ۸۳)

مولانا این نوع مرض را به خاری تعبیر نموده است که در دل خلیده است و از وفرت درد همین خار است که چنین انسان ها از اوامر و نواهی الهی سرکشی میکنند و همانند گژدم، همنوعان خود را نیش میزند.

چون کسی را خار در پایش خلد پای خود را بر سر زانو نهد
وز سر سوزن، همی جوید سرش ور نیابد میکند با لب ترش
خار در پا شد چنین دشوار یاب خار در دل چون بود؟ واده جواب
خار دل را گر بدیدی هر خسی دست کی بودی غمان را بر کسی
چونکه اسرار نهان در دل شود آن مرادت زودتر حاصل شود
(مثنوی معنوی، ص ۵۲)

انسان های مصاب به امراض معنوی، ضمن این که توانایی دیدن حق، شنیدن حق و گفتن حق را ندارند، بلکه هر امر را بر اساس خواست نفسانی خود تعبیر و تفسیر میکنند.

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به سوی دیده شد
چون دهد قاضی به دل رشوت قرار کی شناسد ظالم از مظلوم زار؟
(مثنوی معنوی، ص ۶۰)

به تعبیر مولانا، مواخذه و محاسبه الهی نیز بر اساس اراده و نیت قلبی انسان است، زیرا قلب پادشاه تن خاکی است. هر فرمانی که از طرف دل صادر گردد، تن مجری آن است.

ما برون را ننگریم و قال را ما درون را بنگریم و حال را
ناظر قلبیم، اگر خاشع بود گر چه گفت لفظ، ناخاضع بود
زانکه دل جوهر بود گفتن عرض پس طفیل آمد عرض، جوهر غرض
چند ازین الفاظ و اضمار و مجاز سوز خواهم، سوز، با آن سوز ساز
(مثنوی معنوی، ص ۲۶۶)

به همین دلیل است که عرفا توجه بی حد و حصری به دل مبذول میدارند و سعی و تلاش شان همین است که آیینه دل باید صیقل بخورد تا زمینه جذب الهامات ملکی خوبتر مساعد گردد.

چشم من خفته، دلم بیداردان شکل بیکار مرا بر کار دان
گفت پیغمبر که عینایی تنام لاینام قلبی عن رب الأنام
چشم توبیدار و دل خفته به خواب چشم من خفته، دلم در فتح باب
مر دلم را پنج حسی دیگر است حس دل را هر دو عالم منظر است
تو ز ضعف خود مکن در من نگاه برتوشب برمن همان شب چاشت گاه
بر تو زندان برمن آن زندان چو باغ عین مشغولی مرا گشته فراغ
پای تو در گل، مرا گل گشته گل مر ترا ماتم، مرا سور و دهل
در زمینم با تو ساکن در محل میدوم بر چرخ هفتم چون زحل

(مثنوی معنوی، ص ۳۳۱)

گوش دادن به نصایح و فرموده های مردان خدا، میتواند راه خوبی برای برون رفت از سُخرگی نفس باشد. این حقیقت را شنو از گوش دل تا برون آیی به کلی زآب و گل

(مثنوی معنوی، ص ۴۷)

مولانا دل را محل رشد بذر عشق، محبت و مودت میداند. وقتی نهال عشق در دل انسان درست آبیاری گردد، عاشق را به دیار معشوقش میرساند.

عاشقی پیداست از زاری دل نیست بیماری چو بیماری دل
علت عاشق ز علتها جداست عشق اصطرلاب اسرار خداست

(مثنوی معنوی، ص ۵۱)

دل ترا، در کوی اهل دل کشد تن ترا، در حبس آب و گل کشد
هین غذایی دل طلب از هم دلی رو بجو اقبال را از مقبلی

(مثنوی معنوی، ص ۷۵)

نورِ نورِ چشم خود، نور دل است نور چشم، از نور دلها حاصل است
باز نور نور دل، نور خداست کاو ز نور عقل و حس، پاک و جداست

(مثنوی معنوی، ص ۹۱)

مولانا به هم‌فکری و همدلی معتقد است، نه هم‌زبانی و هم‌نژادی؛ گاهی دیده میشود که یک شخص حتی بیشتر از اقارب و خویشاوندان خود، با رفیق همفکر خود همراز بوده و با او خورسند است و این یکی از ویژگی های فطری انسان هاست.

هم زبانی خویشی و پیوندی است مرد با نامحرمان چون بندی است
 ای بسا هندو و ترک هم زبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان
 پس زبان محرمی خود دیگر است هم دلی از هم زبانی بهتر است
 غیر نطق و غیر ایماء و سجل صد هزاران ترجمان خیزد ز دل
 (مثنوی معنوی، ص ۹۴)

جان های بسته اندر آب و گل چون رهند از آب و گلها شاد دل
 (مثنوی معنوی، ص ۱۰۰)

گاهی همزبانی را به معنی و مترادف همفکری و همدلی میدانند.
 هرکه او از هم زبانی شد جدا بی نوا شد گرچه دارد صد نوا
 (مثنوی معنوی، ص ۴۷)

نزد مولانا ادای رسالت و تعهد خلیفه الهی و ارسال پیام مهم است، نه وزن و سجع و قافیه. این نوع علم و هنر که از اعطیات موهوبی الله منان است، مَر- مردان خاص خدا را شایسته و بایسته است و سر چشمه آن از علم لدن و الهامات ملکی است که در اقیانوس پُر عمق بُعد معنای انسان غواصی نموده و نیروی محرک نامرئی انسان را با همین پیچدگی آن، مهندسی کرده است. اگر چنین نبود، فلاسفه و پروفیسوران هر عصر نیز بر کرسی این مردان خدا تکیه میزدند و امراض نامریی و آلام گُشنده آن را مداوا می نمودند، تا هم خود ایشان انسان های خَیر و صالح می شدند و هم دیگران را به سوی صلاح و رستگاری می کشانیدند (راشد، ۱۳۹۷، ص ۶۷).

عقل

عقل تا تدبیر و اندیشه کند رفته باشد عشق تا هفت سماً
 عقل تا جوید شتر از بهر حج رفته باشد عشق تا کوه صفا
 (دیوان شمس، غزل ۱۸۲)

در تعبیرات مولانا، شتر نماد تن خاکی انسان است و قلب حیثیت کعبه را دارد (شیمل، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). خیلی دشوار است که با عقلانیت محض، ندای حقیقی دل، فهم و درک گردد، زیرا عقل برای انسان فقط آینه داری میکند و بس. منبع شناخت آثار و نتایج اعمال که صاحبش را به کجا (اعلی علیین یا اسفل السافلین) سابق خواهد بود، روح انسان است، نه عقل محض، البته با آینه داری عقل. مولانا، همه ابعاد عقل را مطالعه نموده و با توجه به موثریت آینه داری آن نظر به افراد، زمان و مکان، گاهی آن را ستوده و گاهی آن را نکوهش کرده است. از دید مولانا، گاهاً بین عقل و عشق که دو نیروی حرکت دهنده انسان است، چالش جدی بوجود می آید. عقل بیشتر سود جو و منفعت طلب است و انسان را از عشق ورزیدن و عاشق شدن که همانا نردبان صعود ملکوتی وی است، باز میدارد. این بازدارندگی عقل را مولانا ناشی از ناتوانی، مقاومت و بی تابی عقل در برابر خواهشات نفسانی انسان

میداند و عقل را همانند خرگوشی میداند که در برابر غرش نفس همچون دیو، زبون و بی مقدار می شود. این زبونی عقل به خاطر نیست که عقل برخلاف عشق، پابند شش جهت مادی است و راه برون رفت از آن را سراغ ندارد، اما بر عکس عشق، راه دیگری را سراغ دارد که عقل کمتر با آن آشناست و آن را میشناسد (سعیدی و نصیری، ۱۳۹۱، ص ۲). مولانا این مطلب را در دیوان شمس به خوبی به تصویر کشیده است.

عقل گوید شش جهت حدّست و برون راه نیست عشق گوید راه هست و رفته ام من بارها
عقل بازاری بدید و تاجری آغاز کرد عشق دیده زان سوی بازار او بازارها
عاشقان درد کش را در درونه ذوق ها عاقلان تیره دل را در درون انکارها
عقل گوید پا منه کاندرا فنا جز خار نیست عشق گوید عقل را، کاندرا توهست آن خارها
(دیوان شمس، غزل ۱۳۲)

مولانا، مواجهه دوگانه نسبت به عقل دارد: یکی ایستار نفی، یعنی عقل از فهم کیفیت آنچه نامرئی باشد عاجز است، زیرا کیفیت و چگونگی نیروی نامرئی قابل مقایسه و اندازه گیری نیست که بتوان در مورد آن حجت و استدلال نمود. دوم ایستار اثبات است، یعنی شناخت مشهودات، توسط عقل ممکن است. شناخت نامرئیات وقتی به وسیله عقل ممکن است که عقل در پی آثار و نتایج آن باشد و با توجه به این نتایج، به اصل آن پی ببرد.

تا چه عالم هاست در سودای عقل تا چه با پهناست این دریای عقل
بحر بی پایان بود عقل بشر بحر را غواص باید ای پسر
(مثنوی معنوی، ص ۹۱)

در این جای شکی نیست که عقل وسیله شناخت و معرفت برای انسان است، اما بحر بیکرانی است که بدون غواصی مستدام و پیگیر، نمی توان به عمق آن رسید و گوهرهای ناب راهگشا را از آن بیرون آورد. عقل آدمی همواره در پی منفعت است؛ در برابر طوفان شهوات نفسی شکست می خورد و شأن و شوکت خلیفه الهی انسان را زیر سؤال میبرد.

نفس با نفس دیگر چون یار شد عقل جزوی عاطل و بی کار شد
(مثنوی معنوی، ص ۲۰۳)
عقل جزوی آفتش وهم است و ظن زانکه در ظلمات شد آن را وطن
(مثنوی معنوی، ص ۴۰۰)

اما با توجه به شناخت ژرف که مولانا از انسان دارد، مداوای این مرض معنوی را تجویز میکند و رو آوردن به ارزش های دینی را به عنوان نسخه این مرض، توصیه میدارد.

عقل قربان کن به پیش مصطفی حسبی الله گو که الله ام کفی
همچو کنعان سرز کشتی وامکش که غرورش داد نفس زیرکش
(مثنوی معنوی، ص ۵۷۶)

در سروده های مولانا تفسیر متضادی از عقل دیده میشود. گاهی عقل و کار کرد های عقلی را ستوده و گاهی هم عقل و عقلانیت را نکوهش نموده است. دیده میشود که مولانا با عنایت به تقسیم بندی فلسفی عقل که همان عقل نظری و عقل عملی باشد، برخورد نموده است؛ یعنی مرغ عقل، دو بال نظری و عملی دارد. عقل نظری یا علمی عبارت از تشخیص و شناسایی محض انسان از پدیده هاست، بدون توجه به کیفیت، آثار و نتایج عمل، این نوع عقل را مولانا نکوهش کرده است؛ اما با عقل عملی، انسان ضمن تشخیص و شناخت کلیات، توانایی تعیین و تشخیص حُسن و قُبْح، مصالح و مفاصد اعمال و افعال را نیز میداشته میباشد.

مولانا، در تقسیم بندی دیگری، عقل را به ممدوح، مذموم، کلی و جزئی نیز منقسم ساخته است. عقل ممدوح همانا قوه قدسی فهم و ادراک در تدبیر و اصلاح امور معاش و معاد و تعیین میزان خوبی و بدی حرکات و سکنات انسان است. این نوع عقل صاحبش را از فرش به عرش رهنمون میگردد (زمانی، ۱۳۹۵، ص ۳۷۵).

عقل مذموم، همان قوه شیطنت و گُربُزی و هوش تزویجگر انسانی است که در اثر آن، آینه داری عقل به وساوس شیطنانی و تأمین حوایج نفسانی است.

زین خرد جاهل همی باید شدن دست در دیوانگی باید زدن

(مثنوی معنوی، ص ۲۸۶)

عقل کلی در قلوب پاک وزلال انبیا و اولیای مقرب دربار رب العزت است که با آینه داری این چنین عقل، مخازن نهفته اسرار و رموز انفس و آفاق کشف و تبیین میگردد.

عقل کل را گفت مازاغ البصر عقل جزوی میکند هر سو نظر
عقل مازاغ است نور خاصگان عقل زاغ، استاد گور مردگان
جان کاو دنباله ای زاغان پرد زاغ او را سوی گورستان برد
هین مدو اندر پی نفس چو زاغ کو به گورستان برد نه سوی باغ
گر روی، رو در پی عنقای دل سوی قاف و مسجد اقصای دل

(مثنوی معنوی، ص ۴۷۲)

پیر، پیر عقل باشد ای پسر نه سپیدی موی اندر ریش و سر
جهد کن تا پیرعقل و دین شوی تا چو عقل کل تو باطن بین شوی
آنکه او از پرده تقلید جَست او به نور حق ببیند آنچه هست
نور پاکش بی دلیل و بی بیان پوست بشکافد در آید در میان

(مثنوی معنوی، ص ۶۰۳)

عقل جزئی، همان عقل ناقص و نارسای انسان های زمینی است. انسان های زمینگیر با عینک شیشه نمای مکدر که دارند، جز منفعت و مصلحت مادی خود، دیگر برای هیچ ارزشی ارج قایل نیستند (زمانی، ۱۳۹۵، ص ۳۷۶).

این تفاوت عقل ها را نیک دان در مراتب از زمین تا آسمان
 هست عقلی هم چو قرص آفتاب هست عقلی کمتر از زهره شهاب
 هست عقلی چو چراغ سرخوشی هست عقلی چون چراغ ستاره آتشی
 عقل جزوی عقل را بد نام کرد کام دنیا مرد را بی کام کرد

(مثنوی معنوی، ص ۶۸۴)

عقل جزوی آفتش وهم است وطن زانکه در ظلمات شد او را وطن

(مثنوی معنوی، ص ۴۰۰)

یُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (صف / ۸). می خواهند نور خدا را با
 دهن های خود خاموش کنند، حال آنکه خدا نور خود را کامل خواهد گردانید، گر چه کافران را ناخوش
 افتد.

شمع حق را پف کنی تو ای عجوز هم تو سوزی هم سرت ای گنده پوز
 هر که بر شمع خدا آرد پف او شمع کی میرد بسوزد پوز او

(مثنوی معنوی، ص ۹۰۵)

عشقی را که مولانا از آن نام میبرد، معلم حقیقی آن روح است، زیرا عشق ورزی از خاصه روح است که
 مشتاق رسیدن به اصل خود است. ممکن این فرموده مولانا در سیاق آیه ۱۵۶ سوره مبارکه بقره بوده
 باشد. چنانچه خداوند متعال به گونه مجاز از زبان مؤمنین میگوید: ... إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. ما از آن
 خداییم و بسوی او باز میگردیم.

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

(مثنوی معنوی، ص ۴۶)

این آیه بیانگر استرجاع حتمی و حقیقی انسان به سوی خداست. در هنگام مصیبت برای انسان نوعی
 از تسلی قلبی است. انسان مؤمن باید با ایمان کامل و دقت تمام این حقیقت را بپذیرد که سرانجام،
 ناگزیر به سوی خالقش بازگشتنی است. پذیرش این بازگشت است که پرده های غفلت و بی اهمیتی را
 از آئینه دل انسان می زداید و باعث روشنایی دیده های قلب وی میگردد. این چنین انسان هاست که
 سنجه‌یی از محاسبه و مواخذه را برای اعمال خویش به دست دارند و با برداشتن هر قدم، در هر بخش
 از زندگیش که باشد، خود را مورد باز پرس قرار میدهد. چنانچه از سوی پیشوا و پیامبرش برای شان
 دستور داده شده است: حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا (سنن ترمذی، ۲۴۵۹، ص ۲۴۶) یعنی با خود
 محاسبه کنید و آثار و نتایج قدم های خود را با دقت تمام ارزیابی نمائید، قبل از آن که روز محاسبه الهی
 برسد. با توجه به این ظرافت های معنوی است که انسان به اوج افلاک میرسد و در مسیر پرواز صعودیش،
 بال و پر میکشد. (میرزا محمد، ۱۳۸۷، ص ۱۰)

نا امید نباید بود! چنانچه الله متعال میفرماید: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَتِ اللَّهِ... / زمر ۵۳. بگو: ای آن بندگانم که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت الله نا امید نشوید.

وزر او و صد وزیر و صد هزار نیست گرداند خدا، از یک شرار
 عین آن تخییل را، حکمت کند عین آن زهرآب را، شربت کند
 در خرابی، گنج ها پنهان کند خار را گل، جسمها را جان کند
 پرورد در آتش ابراهیم را ایمنی روح سازد، بیم را

نتیجه گیری

مولانا، با دید ژرف منبعث از تعلّمات آسمانی که دارد، انسان را به بحری تشبیه میکند که نیش شیرین چون شکر و نیم دیگر تلخ همچون زهر مار. نیم صبر و نیم گبر. نیم در لطف و در وفا و نیم صخره سنگ در قسا. طعم شور و شیرین رنگ روشن چون قمر و طعم تلخ و رنگ مُظلم قیروار، بر مثال آب دریای شور و شیرین در سرزمین دل این موجود رحمانی به گونه موج های پُر تلاطم سیلان دارند.

در جهان بینی مولانا، انسان موجودی است که کالبد مادی او را خالق (فَعَالٌ لَّمَّا يَرِدْ) از عصاره زمین طراحی نمود، سپس تحفه خاصی از جانب خودش به نام روح در آن دمید و دو عامل تحریک کننده (ملک و شیطان) را نیز در فطرتش عجین ساخت و توتّه گوشتی از بدنش را به نام (قلب/ دل) جولانگاه این دو قرار داد و انرژی خاصی انجذابی الهامات ملکی را به نام عشق نیز در وجود وی تعبیه نمود تا باشد که این موجود ناسوتی با نیم کفه آسمانی، همواره در سیر و سلوک ملکوتی در طیران باشد. این موجود حاوی دو اصل (روح ملکوتی و نفس ناسوتی) به عنوان خلیفه و مُعرفِ خالق هستی برگزید شد.

مولانا با معرفت که از انسان دارد، تن خاکی وی را عالم اصغر و نیروی نامرئی ملکوتی او را به نام عالم اکبر معرفی نموده است. همچنانکه جسم خاکی انسان جهت بقای حیات نیازمند به خور و نوش است، از لحاظ بُعدی معنوی نیز به تغذیه لازمی ضرورت دارد. اگر جسم مادی انسان تغذیه درست نگیرد، به ضعف و ناتوانی جسمی مواجه میگردد و اگر به غذاهای معنوی انسان توجه لازم مبذول نگردد، انسان به یک هیولایی وحشی مبدل میگردد که نه تنها امید خیر و خوبی از وی نمیرد، بلکه دیگر نمیتواند آن شأن و شوکت، جایگاهی خلیفه الهی و سر دمداری که برایش داده شده است، حفظ نماید.

منابع و مأخذ

قرآنکریم.

- ۱- آنه ماری، شیمل، شکوه شمس (۱۳۸۹) مترجم: حسن لاهوتی، چاپ ششم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲- حسن سعیدی و ولی الله نصیری، عقل از دیدگاه مولانا (۱۳۹۱) فصل نامه فلسفه و کلام اسلامی آیینہ معرفت دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۳- عبدالباری، راشد، بصیرت های اسلامی (۱۳۹۷) جلد اول، کابل، انتشارات بنیاد علمی و فرهنگی مولانا راشد رح.
- ۴- علی اکبر، دهخدا، فرهنگ دهخدا.
- ۵- کریم، زمانی، شرح مثنوی معنوی (۱۳۹۵) جلد اول، تهران، انتشارات موسسه اطلاعات.
- ۶- کلاله مثنوی معنوی، نسخه مثنوی معنوی، بی تا، www.guidinglights.org-www.sufism.ir
- ۷- محمد عطاء الله، فیضانی، خود شناسی- خدا شناسی (۱۳۴۳) کابل.
- ۸- میرزا محمد، علی رضا قرآن در مثنوی (۱۳۸۷) جلد ۲، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۹- نرم افزار جامع الکتب التسعه (حدیث).

بازاندیشی در رابطه به حقوق عمومی و حقوق جزا

نویسنده: فرانگیزانوری

چکیده

اولین فردی که شاخه های حقوق را طبقه بندی کرد اولپین حقوقدان رومی بود که حقوق را به حقوق عمومی و حقوقی خصوصی تقسیم نمود برای طبقه بندی شاخه های حقوق باید به مولفه هایی مانند موضوع سابقه تاریخی، مفهوم، کلیدواژه، ویژگی ها و اصول و منابع آن توجه کرد. بدون در نظر گرفتن این مولفه ها نمی توان انتظار طبقه بندی صحیح داشت. اگر تمامی مولفه های دوشاخه حقوق یکی باشد در واقع آنها یک چیز بوده و نباید آنها را دو شاخه نامید.

در حال حاضر دو دیدگاه نسبت به جدایی دوشاخه حقوق عمومی و حقوق جزا وجود دارد عده ی معتقد به جدایی این دو رشته بوده وعده ی دیگر این دو رشته را در یک طبقه قرار می دهند و حقوق جزا را از حقوق عمومی مستقل فرض نمی کنند. حقوق عمومی و حقوق جزا به لحاظ تاریخ ایجاد، مفهوم، کلیدواژه ها، ویژگی ها و اصول و منابع مطالعاتی باهم تفاوت های زیادی دارند. افتراقات این دوشاخه حقوق به حدی است که نمی توان آنها را در یک طبقه قرار داد و این تشابه در همه شاخه های حقوق وجود دارد و به دلیل مشابهت ناچیز که چه بسا در میان همه شاخه های حقوق وجود دارد نمی توان این دو را در یک طبقه قرار داد. نتیجه این پژوهش، استقلال حقوق جزا را روشن تر نموده و جدایی این دوشاخه حقوق را اثبات می نماید.

کلیدواژه ها: حقوق عمومی، حقوق کیفری، بازاندیشی.

طرح مساله

به طور کلی حقوقدانان و دکترین حقوق، رشته حقوق را به دو دسته حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می کنند که هر شاخه از علم حقوق در این تقسیم بندی در مرحله بعد در دو قسم داخلی و بین المللی طبقه بندی می شوند. اولپین حقوقدان بزرگ روم باستان، حقوق را به حقوق عمومی و حقوق خصوصی تفکیک می کند و معتقد است که مطالعه حقوق به دو صورت عمومی و خصوصی می باشد. حقوق عمومی به وضعیت دولت می پردازد و حقوق خصوصی به منافع اشخاص نظر دارد.

حقوق عمومی شاخه ی از علم حقوق است که هدف اصلی آن مطالعه قواعد مربوط به سازماندهی روابط درونی و بیرونی دولت در معنای عام آن است. این شاخه از علم حقوق به بررسی قواعد حاکم بر روابط موجود بین نهادهای دولتی و روابط این نهادها و ماموران دولتی با شهروندان، دیگر دولت ها و نهادهای بین المللی می پردازد.

درمقابل حقوق عمومی، حقوق خصوصی قرار می گیرد که در برگیرنده دسته ای از قواعد حقوقی است که به تنظیم روابط افراد با یکدیگر و روابط آنها با شرکت ها و مجامع خصوصی می پردازد و همچنین روابط شرکت ها مجامع خصوصی را با یکدیگر مورد بررسی قرار می دهد.

هدف حقوق عمومی تامین تضمین سود عام می باشد در حالیکه حقوق خصوصی ابتدا بر تامین منافع خصوصی تاکید می ورزد. کنشگر اصلی حقوق عمومی دولت (به مفهوم عام یعنی قوای سه گانه) است برعکس حقوق خصوصی، کنشگر اصلی فرد یا شخص حقوقی حقوق خصوصی است. تمایز قائل شدن بین فرد و دولت به معنای نادیده گرفتن فرد در عرصه حقوق عمومی نیست یکی از وظایف اصلی دولت نهاد های حاکمیتی تضمین حقوق و آزادی های فردی است به همین خاطر حقوق عمومی دوسویه می باشد در یکسو دولت و در طرف دیگر فرد قرار دارد. تنظیم روابط حقوقی فرد و دولت از مأموریت های اصلی حقوق عمومی است. و حقوق خصوصی به تنظیم روابط فرد با فرد یا بروابط اشخاص حقوقی حقوق خصوصی می پردازد. تفاوت های دیگر حقوق عمومی و حقوق خصوصی در مراجع دارای صلاحیت جهت اعمال نظارت و نوع ضمانت اجرای آنها می باشد.

حقوق جزا در نیمه اول قرن بیستم، در منطقه خاور نزدیک جنوب ترکیه وجود داشته است اما رشته های دیگر این علوم مانند جرم شناسی، کیفرشناسی، علوم جرم یابی و... عمدتاً در دو سده اخیر به وجود آمده اند. حقوق جزا که شامل حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری می باشد از جمله رشته های حقوق داخلی است زیرا با نظم عمومی داخلی دولت ها پیوند دارد.

تعریف حقوق عمومی

تعریف حقوق عمومی را میتوان در دو دسته نهادگرا و کارکردگرا مورد بررسی قرار داد. (نوبهار، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۶). در تعریف نهادگرایانه حقوق عمومی به مجموعه قواعدی گفته میشود که به وجود سازمان، کارکرد و روابط دولت و اشخاص مربوط میشود. در تعریفی دیگر میتوان گفت که حقوق عمومی شاخه ای از علم حقوق است که به مطالعه روابط حاکمیت و شهروندان میپردازد. بنابراین حقوق عمومی به همه روابط سیاسی، اداری و مالی بین دولت و شهروندان اعمال میشود. و در تعریف کارکردگرایانه بر عناصر ماهوی و کارکردهای ویژه دولت و اقتدار عمومی تأکید میشود. حقوق عمومی در این تعریف، عبارتند از شاخص های از علم حقوق که چگونگی اعمال اقتدار عمومی در جامعه را مورد مطالعه قرار میدهد. به گفته مارتین لاگالین، حقوق عمومی از ظرفیت ها و قیودی بحث می کند که مبین نظام خاص در مسأله اقتدار حاکمیت دولت است و خاص بودن حقوق عمومی ریشه در موضوع آن یعنی عمل حکمرانی دارد. (فلچر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۴۹).

با در نظر گرفتن دو رویکرد در تعریف حقوق عمومی شاخه ای از علم حقوق است که مأموریت عمده آن مطالعه قواعد مربوط به سازماندهی روابط دولت است.

حقوق عمومی از یکطرف، قواعد حاکم بر روابط بین نهادهای دولتی و از طرفی روابط نهادهای دولتی شهروندان را مورد بررسی قرار میدهد. به روابط بین نهادهای دولتی و خصوصی روابط داخلی شهروندان و دولت و به روابط نهادهای دولتی با نهادهای دیگر روابط بیرونی گفته میشود که به ترتیب مورد کاوش بیشتر قرار میگیرد. (فلچر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۴۹).

الف. روابط درونی: شامل مناسبات میان سازمانهای دولتی است مثل: مناسبات دولت با نهادهایی مانند شهرداری و شوراهای اسلامی، روابط بین وزارت خانه ها. علاوه بر اینها مناسبات دولتی با اشخاص خصوصی و شهروندان در این طبقه قرار میگیرد. چهره اقتدارگرایانه دولت در این مناسبات بیشتر احساس میشود. برای نمونه، گاهی دولت با تنظیم آئین نامه هایی، محدودیت های شدیدی بر فعالیت های اشخاص خصوصی اعمال مینماید و در برخی حوزه ها، این چهره اقتدارگرایانه دولت ضعیف میشود. برای مثال در حوزه قراردادهای منعقد شده بین دولت و بخش خصوصی، چهره همکاری و شراکت به چهره اقتدارگرایانه غلبه میکند. (گرچی، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۱۰)

ب. روابط بیرونی: شامل مناسبات دولت در عرصه بین الملل میشود. روابط دولت با سازمانهای غیردولتی بین المللی در این طبقه قرار میگیرد. این دسته از مناسب دولت در قالب حقوق بین المللی عمومی قرار میگیرد. (جنت مکان، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۶).

خدمات عمومی: دارای دو چهره ایدئولوژیکی و حقوقی بوده که در چهره ایدئولوژیکی مشروعیت دولتی وابسته به ارائه خدمات عمومی است و در چهره حقوقی، نظریه خدمات عمومی مبنای تأسیس نظام حقوقی خاص یعنی حقوق عمومی انگاشته میشود. دو گونه تعریف از خدمات عمومی وجود دارد، در تعریف ماهوی، خدمات عمومی عبارت است از اعمالی که بوسیله آن یک شخص عمومی در راستای برآوردن منافع عمومی در چهارچوب حقوق عمومی انجام میدهد. در تعریف سازمانی، بجای توجه به اهداف و ماهیت خدمات عمومی به نهادها و سازمانهای ارائه دهنده آن توجه میشود. (فلچر، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۴۹).

مبانی و مولفه های حقوق عمومی

تاریخ زندگی انسان، ستم هایی را که حکمرانان بر مردم می کردند از یاد نمی برد. قربانیان این جنایات همیشه بدنبال چاره ای برای این درد بوده اند تا بوسیله آن خودکامگی فرمانروایان را کاهش دهند. گروهی از خردمندان تلاش کردند تا با طرح این فکر که قواعدی برتر از اداره حاکم وجود دارد و حقوق باید از آن قواعد عالی و طبیعی پیروی کند. مانعی در راه تجاوز حکومت ایجاد کنند و مقاومت مردم را در برابر بی عدالتی ها موجه سازند. (گرچی، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۹۰)

در مقابل طرفداران حکومت به این تفکر روی آورده اند که مبنای اصلی حقوق اقتدار دولت بوده و حاکم نماینده خدا و مامور اجرای فرمانهای او است. (جنت مکان، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۶).

بدیهی ترین مفهومی که از حقوق و قانون وجود دارد این است که قواعد آن بر اشخاص تحمیل میشود و ایجاد الزام میکند انسان موجود اجتماعی است و برای حفظ اجتماع خود لازم دیده است که با قواعدی بر روابط اشخاص حکومت کند به لحاظ تاریخی مفهوم حقوق با دولت ارتباط نزدیک دارد و هدف اصلی آن ایجاد نظم برای تامین این همزیستی می باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۷).

به همان نسبت که روابط اجتماعی پیچیده و گوناگون است قواعد حقوق نیز مختلف و بی شمار به نظر می رسد امروزه علم حقوق چنان توسعه یافته است که هیچ چیزی قادر به مطالعه و دقت در تمام

اصول آن نیست بنابراین دسته بندی قواعد و ایجاد رشته های متعدد از موارد لازم در این علم می باشد. (موسی زاده، ۱۳۹۵ ش، ۸۹)

در علم حقوق دو تقسیم بندی اساسی وجود دارد که غالب نویسندگان مبنای آن را پذیرفته اند و عبارت اند از:

۱. حقوق عمومی و حقوق خصوصی

۲. حقوق ملی یا داخلی و حقوق بین المللی یا خارجی

این تقسیم ها از نظر رشته های اصلی علم حقوق کامل نمیباشد چون قسمتی از آنها از یک نظر از حقوق عمومی و به لحاظ دیگر از حقوق خصوصی میباشد و خواهیم دید که رشته حقوق جزا یا حقوق کیفری را به سختی میتوان در گروه حقوق عمومی یا حقوق خصوصی قرار داد. حقوق عمومی به تنظیم روابط افراد با دولت و حقوق خصوصی به تنظیم روابط افراد با سایر افراد میپردازد. (موسی زاده، ۱۳۹۵ ش، ۹۲).

حقوق خصوصی شامل شعبه هایی از قبیل حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق مدیران و غیره میباشد و حقوق عمومی هم شعبه هایی مثل حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق مالی، حقوق کار و غیره را دارد. حقوق داخلی مجموعه قواعدی است که بر دولت معین حکومت میکند و در آن از روابطی گفتگو میشود که هیچ عامل خارجی در آنها نیست و حقوق بین الملل قواعدی است که روابط بین دولتها و سازمانهای بین المللی و روابط اتباع دولتها را با هم تنظیم میکند. (کاتوزیان، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۷)

سابقه تاریخی حقوق عمومی

تاریخ حقوق عمومی متشکل از دو دانش مستقل «تاریخ» و حقوق عمومی می باشد. در بادی امر شاید چنین به نظر آید که این دو رشته ارتباطی به یکدیگر نداشته باشند چرا که صفت و شاخصه اصلی و اساسی حقوق «ثبات» و مشخصه اصلی تاریخ «تغییر و تحول»، اما باید توجه داشت که هر واقعه حقوقی در بستر تاریخ رخ می دهد. لذا یکی از بنیادی ترین سؤالیهای حقوق دانان در بررسی نهادها و پدیده های حقوقی، آگاهی از تاریخ و زمان وقوع آنهاست. از این رو تجزیه و تحلیل مسایل حقوق عمومی مبتنی بر اطلاعات تاریخی است. از سوی دیگر شاخه ای از دانش تاریخ مبتنی بر بررسی تحولات حقوقی و دلایل شکل گیری قوانین و تطورات آنها می باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۸۱).

مطالعه و مشاهده دقیق ابعاد تاریخی یک موضوع، حقوقدانان را برای درک صحیح آن آماده تر میکند. حقوقدانان معاصر تلاش میکنند موضوعات و پدیده های حقوقی را با رویکرد تغییر صحیح آنها مطالعه کرده و هر واقعه حقوقی را در بستر تاریخ مطالعه نمایند. از این جهت مطالعه و پژوهش های تاریخ حقوق عمومی، مطالعه مفاهیم، سازمانها، نهادها و موضوعات حقوق عمومی بصورت طولی و در ظرف تاریخی است. به بیانی دیگر تاریخ حقوق عمومی، نوعی حقوق است که به گذشته نظر دارد. (جنت مکان، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۶).

مرز میان توحش و تمدن، ایجاد و پیدایش نظام حقوقی است. اولین سنگ بنای شخصیت هر ملت متمدن از زوایای نظام حقوقی آن استخراج میشود. تاریخ حقوق عمومی بعنوان والاترین رشته علمی میتواند قسمت اعظم ضرورت های اجتماعی را تفسیر نماید. (موسی زاده، ۱۳۹۵ ش، ۹۲).

فایده تاریخ حقوق عمومی این است که دلایل و زمینه های این پیشرفت یا انحطاط را بررسی میکند و سرگذشت دولت ها، حکومت ها، نظریه پردازان و اندیشمندان را مورد توجه قرار میدهد و با توجه به مقتضیات و اوضاع و احوال هر عصر و دوره شیوه های درست دآوری درباره حقوق عمومی را میآموزد. و از این طریق مسیر روشنی را پیش پای حقوق عمومی میگذارد. علاوه بر این فایده، تاریخ حقوق عمومی میتواند اکتسابی با جلوه های زندگی، همراه با مدنیت در دوره های گوناگون تاریخی و مرور اندیشه های متعدد را به ارمغان بیاورد، که در آئینه آثار حقوق عمومی تجلی یافته است (جنت مکان، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۷).

تأکید بیشتر بر گذشته و تاریخ حقوق عمومی نباید ما را به اشتباه بیندازد و پنداشت که فایده تاریخ حقوق عمومی تنها متوجه گذشته است بلکه گذشته چراغی فراراه آینده است. روشن شدن جلوه های حقوق عمومی گذشته و دلایل پیروزی ها و ناکامی های آن میتواند درسی باشد برای معاریف و مشاهیر و اندیشه وران و حکومتگران و همه علاقمندان به حقوق عمومی امروز تا راه آینده حقوق عمومی را روشن نگه دارند، از عوامل پیروزی، متناسب با مقتضیات روزگار خود استقبال کنند و برای پرهیز از مسائلی که موجب شکست شده است چاره های بیندیشند. (گرچی، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۱۰)

بدون امر عمومی، نیازی به مجموعه قواعد حقوقی ناظر به حفاظت و توسعه ثروت سرزمین و مردم ساکن آن و ارزش هایی مثل آزادی و حقوق بشر نمیباشد. رومیان برای اولین بار یعنی دولت در زبان مدرن برای حل مشکل ناشی از توسعه حاکمیت خود بر حوزه «لارسیپولیکا» مدیترانه بنیان نهادند. روم یک دولت شهر بود که دارای نهادهای شهری مثل سنا، مجلس شهروندان روم و قضات میباشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۷).

امر عمومی متعلق به همه بطور عام بود و در عین حال متعلق به هیچکس بطور خاص نبوده است. همه در آن مشارکت میکنند و هیچکس به تنهایی دارنده آن نیست. سیسرون اولین کسی بود که امر عمومی را بعنوان امر مشترک متعلق به همه تعریف کرده است. امر عمومی مربوط به همه مردم است و به جای توجه به هر توده انسانی اتفاقی، باید همه انسانهای تشکیل دهنده جامعه های واحد را مورد توجه قرار داد که طی قراردادی مبتنی بر عدالت و منافع مشترک گردهم آمده اند.

عدالت و منافع موجود در جامعه دو ستون تشکیل دهنده امر عمومی میباشد. اصطلاحات بکار برده شده برای امر عمومی عبارتند از خیر مشترک، خیر عمومی، نفع عمومی و نفع عام میباشد.

در دوران رنسانس، اداره امر عمومی بوسیله ارزشهایی غیر از خیرمشترک تنظیم شده، خیرعمومی به خیرخصوصی تقلیل یافت و از خیرعمومی به نفع عمومی تغییر کرده است و با ظهور نفع عمومی، حقوق عمومی وارد فضای دنیوی میشود. (زولر، ۱۳۹۱ ش، ص ۸۷).

نویسندگان لیبرال بر این اعتقاد هستند که نفع عمومی متفاوت از بزرگترین نفع های خصوصی نبوده و خیر عمومی معادل جمع حداکثری ترجیحات خصوصی است. هدف تئوری لیبرال تضمین حداکثر حمایت از نفعهای فردی است. (جنت مکان، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۶).

نویسندگان جمهوری گرا در نفع عمومی بجای برآیند همه نفع های فردی، برآیند نفع های فردی را میبینند که اعضای جامعه در کل دارا هستند یعنی اینکه اعضای جامعه نفع را بطور مشترک در بین خود و طی قرارداد اجتماعی که جمهوریت تشکیل میشود در نظر میگیرند هدف جمهوری گرابی تضمین حداکثر حمایت از منابع مشترک در برابر منافع خصوصی است. (گرچی، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۵۰)

حقوق مدرن غیرقابل تفکیک از دولت میباشد. تولد دولت، حقوق را تغییر داد و اعمال قدرت خصوصی و عمومی را دچار تحول ساخت. دولت همه قدرتهای پراکنده را در خود جمع کرد و انسانها را از قید قدرتهای خصوصی رها ساخت. این وضعیت یک پیشرفت بزرگ برای آزادی بود چون امکان تصور امر عمومی را فراهم ساخت که با آنچه که در چهارچوب مذهب و در قیمومیت کلیسای روم بوده متمایز است. دولت دارای حاکمیت با فاصله یک قرن از مواظ لوتر تا صلح وستفالی (۱۶۴۸) تبدیل به چارچوب اجباری مفهوم و اعمال امر عمومی شود. (جنت مکان، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۷۶).

محدود ساختن امر عمومی در داخل دولت باعث شد که حقوق عمومی در یک چهارچوب داخلی توسعه یابد و امروزه نیز حقوق عمومی داخلی مهمترین و غنی ترین شاخه حقوق عمومی باشد که بیشترین تقسیمات و انشعابات را بدلیل تعداد زیاد عناصر تشکیل دهنده امر عمومی دارا می باشد ولی حقوق عمومی بین الملل به خاطر افزایش تعاملات دولت در کنار حقوق عمومی داخلی ضروری بنظر می رسد. (فلچر، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۴۹).

حقوق عمومی در کشور فرانسه، زمانی بوجود آمد که نظام سلطانی به بازسازی ساختار دولت کشور پرداخت. استقلال واقعی این رشته در قرن ۱۹ بدست آمد چون انقلاب فرانسه، دولت را ایجاد کرده بود که به گونه ای خردمندانه سازمان یافته و قلمرو صلاحیت آن به روشنی ترسیم شده بود. (زولر، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۲۷).

بطور کلی تاریخ وجودی حقوق عمومی میتوان به دو عصر یکه سالاری و یا موناشرسی و عصر جمهوری خواهی تقسیم کرد.

در عصر موناشرسی، مسئولیت خیر عام بر عهده نهاد واحد بنام پادشاه قرار داشت. قبل از بوجود آمدن مفهوم حاکمیت، خیر عام مربوط به همه مردم بود و هرکس به اندازه خود دارای تکلیف و مسئولیتی برای تحقق خیر عام داشت ولی با ظهور مفهوم حاکمیت در قرن ۱۶ خیر عام تبدیل به مسئولیت انحصاری حاکم شد و تبدیل به دو قسمت مجزا با عناوین خیر عمومی و خیر خصوصی گردید. حاکمیت با واگذاری تأمین امر عمومی به حقوق عمومی و سپردن حفاظت از امور خصوصی به حقوق خصوصی تفکیکی را از ابعاد اجتماعی و حقوقی بوجود آورد و مفاهیم دولت و جامعه مدنی و همچنین حقوق عمومی و خصوصی ایجاد گردید.

حاکمیت را میتوان یک قدرت مطلق محسوب کرد که به معنی امر به یک اطاعت غیرمشروط میباشد. در قرون وسطی، قدرت نهایی و مطلق از جنس عالم خاکی نبوده و متعلق به عالم آسمانی و نظام قدسی بوده است. تنها خدا دارنده قدرتی کامل نسبت به اشیاء و انسانها بوده است. در فرانسه و انگلستان، شاه دارای قدرت نبوده و بلکه دارای مجموعه‌های از قدرتها بوده که به آنها در فرانسه حقوق سلطنتی در انگلستان امتیازاتی ویژه گفته میشود. (اردبیلی، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۸۱). (زولر، ۱۳۹۱ ش، ص ۷۷).

از قرن ۱۶ به بعد در نتیجه تحول در ایده‌ها، کارکردهای پادشاهی گسترش مییابند و محدود به دفاع از مملکت، حفظ افراد و حقوق آنها و ... نیست. ظهور نیازهای جدید، راهکارهای جدیدی را در پی دارد. در قرن ۱۷ و ۱۸ کلمه پلیس گسترده بکار برده شد. (فلچر، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۴۹).

پلیس شامل تمام امور دارای هدف و موضوع خیر عام و مشترک جامعه میشود. میتوان گفت پلیس پس از قضا، حوزه‌های است که حقوق عمومی مدرن در آن شکوفا میشود.

عصر جمهوریخواهی از پایان قرن ۱۸ همراه با انقلاب آمریکا و فرانسه آغاز شده و امروزه میتوان گفت عصر مذکور کاملاً جایگزین عصر موناشرشی شده است. بدون تردید امروزه دولتهایی وجود دارد که به لحاظ شکلی پادشاهی است. ولی به گفته والتر بیجهوت، آنها جمهوریهای نقابدار هستند و دارای ویژگیهای سیاسی و اجتماعی هستند که میتوان آنها را در قالب جمهوری در نظر گرفت. (گرچی، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۳۰)

ظهور اصل جمهوریت، باعث تحول در حقوق شد چون جمهوریت مفهوم یا تعریف حقوق عمومی را تغییر داد. حقوق عمومی عصر موناشرشی امری ترسناک و منفور بویژه در زمان وضع مالیات بوده است. در اواخر قرن هیجدهم همزمان با انقلابهای آن زمان، این دیدگاه وجود داشت که حقوق عمومی در خدمت شاهان و تقویت قدرت آنها در حاکمیت بر مردم میباشد ولی به محض تبدیل شدن حقوق عمومی به امر همگانی، همه امور تغییر یافت چون مردم خواهان تیره بختی خود نبودند. (زولر، ۱۳۹۱ ش، ص ۸۷).

همچون اوران موناشرشی، حقوق عمومی دوره جمهوری بر مبنای حاکمیت سامانه یافته است و موضوع آن همان خیر عمومی است. بعبارت دیگر، حاکمیت ناپدید نشد و فقط حاکم تغییر یافت. حاکمیت از یک سالاری به کل جامعه تبدیل شد که به آن حاکمیت ملی گفته میشود. (زولر، ۱۳۹۱ ش، ص ۸۷).

ویژگی‌ها و مشخصات حقوق عمومی

۱- خودبسندگی و مبهم بودن: حقوق عمومی رشته‌ای خودبسندگی بوده و در عصر- مدرن ابهام پیدا کرده است. دلیل عمده این ابهام غلبه اثبات‌گرایی حقوقی در فلسفه حقوقی است. اثبات‌گرایی حقوقی تنها با جداسازی حقوق و دولت، و در نظریه دقیق تر کلسن، با تفکیک میان امر حقوقی و امر سیاسی توانسته است حقوق را به رشته‌ای مستقل تبدیل کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۷).

۲- نماینده حکومت: نمایندگی جزئی بنیادین حقوق عمومی است. تمامی دموکراسی‌های مدرن نظام حکومتی خود را بر پایه نمایندگی بنا میکنند. در اینجا این مردم هستند که موضوع نمایندگی واقع میشوند. در جوامع مدرن، حکومت مدعی فرمانروایی بر مردم نیست

بلکه با انتخاب سیاستمداران از سوی مردم به منظور اقدام از طرف آنها، حکومت نماینده مردم میشود. (اسکندری، ۱۳۷۷ش، ص ۱۴۸).

۳- استقلال: حقوق عمومی موضوعی مستقل است. بسیاری از مناقشات موجود درباره این موضوع به این دلیل بروز پیدا کرده که این نکته مورد غفلت واقع شده است. حقوق عمومی به درستی درک نخواهد شد مگر اینکه این استقلال پذیرفته شود. (زولر، ۱۳۹۱ش، ص ۸۷).

۴- معیارهای داوری: در حقوق عمومی، معیارهای داوری از بالا وضع نمی شوند. بلکه در درون آن تولید شده بیانگر شرایط اجرای کار آمر است که به عمل حکمرانی مربوط میشود. (اسکندری، ۱۳۷۷ش، ص ۱۴۸).

۵- تحول پذیری: حقوق عمومی تحول پذیرترین رشته حقوق است. زیرا بسیاری از مفاهیم و اصول آن زمانبند و مکان محور میباشند. پس، مبانی حقوق عمومی باید در گذر زمان مورد بازاندیشی و بازکاوی قرار گیرد و به پرسش های تازه پاسخ دهد، در غیر اینصورت غبار زمانه چهره حقوق عمومی را پوشانده و رغبتی را در دل برنمی انگیزد. (گرچی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۱۰)

۶- حاکمیت سلسله مراتب: حقوق عمومی یک حقوق سلسله مراتبی است. بنابراین کنشگران حوزه حقوق عمومی جملگی تابع قواعد سلسله مراتب میباشند. این شاخصه از حقوق بر برتری دولت بر تمام اشخاص متکی است. حاکمیت سلسله مراتب نه تنها شامل خود کنشگران حقوق عمومی است، بلکه هنجارهای تولید شده توسط آنها را نیز دربرمیگیرد. (گرچی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۱۰)

۷- مراجع دادرسی: در حوزه حقوق عمومی معمولاً نهادهای ویژه صلاحیت رسیدگی به اختلافات و ادعاهای مطروحه را دارند. (گرچی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۱۰)

۸- مقام صالح وضع قوانین: در حقوق عمومی قواعد حقوقی باید الزاماً توسط اشخاص دارای صلاحیت قانونی وضع شوند و در قواعد وضع شده در این رشته حقوقی با روشهای خاص و غالباً متفاوت مورد تضمین قرار می گیرند. الزام و اجبار دولتی یکی از مهمترین راهکارهای تضمین قواعد حقوقی است. (گرچی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۱۲)

۹- اقتدار: اقتدار شرط لازمی است که در حال حاضر زندگی اجتماعی را ممکن میسازد. اصولاً بدون وجودگونه ای از اقتدار تحقق جامعه سیاسی ممکن نیست. کار اصلی حقوق عمومی تبیین جایگاه و چگونگی کاربست مفهوم اقتدار و تعیین مناسبات آن با دیگر مفاهیم از جمله حقها و آزادیهای بنیادین است. اقتدار عمومی، مجموعه ای از سازوکارهای دولتی برای تضمین اجرای هنجارهای حقوقی، تأثیرگذاری بر رفتار شهروندان، تنظیم حدود آزادیها،

پاسداری از امنیت سرزمین و اشخاص و بطور کلی تأمین سودعام میباشد (گرجی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۱۲)

۱۰- تداوم: تأمین تداوم دولت هدف اولیه حقوق عمومی بوده است در حقوق اداری اصل تداوم یا خدمات عمومی یکی از اصول حقوق میباشد و تنها اصل کلی حقوق است که شورای قانون اساسی فرانسه آن را دارای اعتبار قانون اساسی دانسته است. (اسکندری، ۱۳۷۷ش، ص ۱۴۸).

۱۱- مسئولیت پذیری: در حوزه اخلاق، شخص باید در برابر وجدان شخصی یا اجتماعی پاسخگو باشد ولی در حقوق عمومی، شخص باید در برابر مقامات بالاتر یا نهادهای خاص پیشبینی شده به پاسخگویی پردازد (گرجی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۱۲)

پاسخگویی و مسئولیت پذیری تمام عیار در برابر اعمال انجام شده مختص نظامهای مردم سالار و دولت قانونمدار است. بعبارت دیگر، مسئولیت یا پاسخگویی حقیقی زمامداران در برابر شهروندان یا نمایندگان آنها تنها در آن دسته از نظامهای سیاسی امکانپذیر است که مشروعیت حاکمیت در آنها دارای مبنای مردمی باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷ش، ص ۱۴۷).

در نظامهای مبتنی بر مشروعیت دموکراتیک، الزاماً باید از سازوکارهایی مانند انتخابات، همه پرسی، نظرسنجی از مردم و ... بهره جست. (زولر، ۱۳۹۱ش، ص ۸۷).

۱۲- همراهی دولت با حقوق عمومی: در هر جا که دولت (در معنای اخص آن قوه مجریه یعنی حکومت) وظیفه یا تکلیفی را عهدهدار میشود و یا نقشی را ایفا میکند (مانند اجرای مجازات ها)، حقوق عمومی بروز و ظهور مییابد مانند ارائه خدمات عمومی در جهت منافع عمومی. (اسکندری، ۱۳۷۷ش، ص ۲۴۸).

۱۳- تابعین حقوق عمومی: حقوق عمومی عمدتاً شامل روابط دولت با فرد میشود. برخلاف موازین حقوق خصوصی که رابطه فرد با فرد را بررسی و تبیین می نماید. (جنت مکان، ۱۳۹۲ش، ص ۱۷۶).

۱۴- یکسان بودن اصول حقوق عمومی: اصول حاکم بر حقوق عمومی، علی القاعده در تمام کشورها، مشابه با ادبیات متفاوت میباشند. (نوبن، ۱۳۹۰ش، ص ۶۸).

۱۵- اصل امنیت: امنیت یکی از موضوعات مرکزی و محوری حقوقی عمومی است. در نظریه قرارداد اجتماعی نیز شهروندان بخشی از آزادی خود را در قبال کسب امنیت به جامعه یا دولت واگذار میکنند. بدون تردید نخستین رسالت دولت حفاظت از صلح در جامعه است. حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بینالمللی به یکی از مهمترین موضوعات حقوق بین المللی تبدیل شده است. در حقوق داخلی هم حفاظت و پاسداری از نظم عمومی یکی از مأموریتهای بنیادین ادارات دولتی است. امروزه، مقوله امنیت با مطالبات روزمره اجتماعی پیوند خورده است: امنیت جانی خود، امنیت اموال، تأمین اجتماعی، امنیت بهداشتی،

حمایت از مصرف کننده ها و حمایت از محیط زیست از جمله موارد امنیت میباشد. (زولر، ۱۳۹۱ش، ص ۹۷).

دولت مکلف به انجام اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه برای جلوگیری از ناامنی های اجتماعی است و در صورت کوتاهی در این زمینه میتوان قائل به مسئولیت حقوقی آن شد. امنیت حقوقی بمعنای تضمین حقوق مکتسبه، تضمین ثبات موقعیتهای حقوقی ایجاد شده است. امنیت حقوقی بر تمام قواعد حقوق عمومی حاکمیت دارد. (گرگی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۱۲).

۱۶- اصل تضمین احترام به قلمرو صلاحیتها

این اصل یکی از مقتضیان ضروری حقوق عمومی است. هر شخصیت حقوقی، حقوق عمومی و هر نهاد دولتی دارای صلاحیت میباشد و شایستگی و توانایی قانونی لازم برای انجام عملی را دارا میباشد. در حقیقت حاکم واقعی است که قلمرو بیرونی و درونی صلاحیت دولت را تعریف میکند. در حقوق اساسی نیز نظریه تفکیک قوا به سازماندهی صلاحیت های قوای عمومی میپردازد. تأکید حقوق اداری بر مفاهیمی مانند تراکم زدایی و تمرکز زدایی موید توجه حقوق اداری به موضوع ترسیم قلمرو و صلاحیت دولت و سازمانهای اداری می باشد. (گرگی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۰۲)

۱۷- حق ها و آزادی های عمومی

هدف همه شاخه های حقوق، سامان بخشیدن به زندگی فردی و گروهی آدمیان است. تنظیم حقوق و آزادیهای فردی و گروهی را وظیفه اصلی حقوق باید دانست. حقوق و آزادیهای عمومی عصاره تمام مباحث حقوقی میباشد. گروهی از حقوقدانان جوهره اصلی حقوق عمومی را در عنصر- اقتدار جستجو میکنند و گروهی دیگر به مفهوم خدمات عمومی انگشت تأیید می نهند ولی اقتدار و دیگر مفاهیم حقوق عمومی را باید ابزارهایی برای تحقق و تضمین حقوقی و آزادی های همگانی دانست. (نوبین، ۱۳۹۰ش، ص ۶۸).

تضمین حقوق و آزادیها را نباید به معنای مطلق بر آنها در نظر گرفت چون در حال حاضر به سختی میتوان یک یا دو مورد حق بنیادین مطلق را مثل حیات، حق بر تمامیت جسمی و برخورد با مفاهیمی چون «منع شکنجه و بردگی نام برد. در نگرش حقوقی، اغلب حقها و آزادیها نظم عمومی، سود همگانی یا در مقام تعارض با حقها و آزادیهای دیگر از قابلیت نسبی شدن برخوردارند» (گرگی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۲۰ - ۲۲).

مبانی و مولفه های حقوق کیفری:

روابط اجتماعی در هر جامعه بیانگر میزان رشد فرهنگ آن جامعه است. به همین خاطر ارتباط بین روابط اجتماعی و فرهنگ غیرقابل انکار میباشد. از میان پدیدههای اجتماعی جرم اهمیت خاص خود را دارد چون امنیت جامعه جان و اموال افراد را مورد هجوم قرار

میدهد. حقوق جزا رشته ای است که به این ارتباط و مسائل میپردازد و بیشتر از سایر رشته های حقوق با فرهنگ جامعه پیوند دارد. برای مشخص شدن تفاوت حقوق جزا با حقوق عمومی لازم است که برای شناخت آن به تاریخ، تعریف مفاهیم و منابع آن بپردازیم که در مطالب ذیل به آن اشاره خواهیم نمود. (اردبیلی، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۸۱).

سابقه تاریخی حقوق کیفری:

حقوق جزا با خلقت بشر- و با بدنیا آمدن بشر- ایجاد شده است. قضیه معروف فرزندان آدم هابیل و قابیل شاید اولین واقعه جزائی تاریخ بشر- محسوب میشود که با قتل آغاز شد که هابیل به دست برادرش قابیل کشته شد. آن زمان که خداوند میخواست انسان را بیافریند فرشتگان گفتند چرا میخواهی کسی را خلق کنی که در زمین موجب فساد و تخطی از اوامر تو میشود؟ در واقع جرم به نوعی تخطی از اوامر الهی میباشد که وسوسه های شیطان، انسان را از عالی ترین مقام که بهشت و قرب الهی میباشد، به دنیا کشانید.

در ادامه بحث به سابقه تاریخی حقوق جزا از دوران گذشته تا الان خواهیم پرداخت و به مکاتبی که در رابطه با حقوق جزا ایجاد شده اشاره خواهد شد.

الف: حقوق جزا در دوران گذشته:

در جوامع اولیه هرگونه تجاوز به اصول به شدیدترین صورت ممکن مورد سرکوب قرار میگرفت و مقصر- به مجازاتهای بسیار سنگین محکوم میشد. مسئولیت جزائی بر پایه مادی بردن عمل بنا گشته بود یعنی مجرم بدون توجه به قوه عقلانیت وی مستحق مجازات بود و مجازات جرائم عمدی نیز مانند جرائم عمدی بود. (موسوی، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۸).

دوره اولیه حقوق جزا به دوران انتقام معروف است. چون زبان جرائم متوجه مجنی علیه و خانواده وی میشد. مجنی علیه و خانواده او تحت تأثیر کینه توزی واقع شده و به انتقام متوسل شدند. استن متز برای توجیه حالت انتقام جویانه مینویسد که انسان دارای اندیشه پیشرفت و برتری است به همین دلیل مورد آزار قرار گیرد سعی میکند بدی را با بدی جواب دهد و رنجی را که تحمل کرده بصورت شدیدتری به رقیب خود تحمیل کند و رنج خود را با راضی کردن خاطر خود بدلیل تحمیل رنج به دیگری شفا دهد. در مراحل اولیه تشکیل این حقوق، مالکیت جمعی بود که مسئولیت جمعی را در پی داشت و چون انتقام حد و اندازهای نداشت لذا در اثر وقوع جرمی دو خانواده یا طایفه به جان هم میافتادند و کشت و کشتاری عظیم به راه می انداختند. انتقام جمعی هر چند موجب نبردهای خونین میشد ولی آن موجب ترس از خونریزی و در نهایت سبب کاهش جرم در جامعه میشد. (فلچر، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۴۹).

رئیس قبیله که همزمان رئیس نظامی، سیاسی و مذهبی بحساب میآمد دارای قدرت مطلقه بود و نظم را در داخل قبیله خود حکمفرما میکرد. رفته رفته جامعه شکلی به خود

گرفت و نظامی در امور اجتماعی بوجود آمد که به دولت تعبیر شد اما دولت قبل از آنکه از واقعه مجرمانه متأثر شود و در صدد مبارزه با آن برآید از عکس العمل افراد خانواده در مقابل اعمال مجرمانه در شکل انتقام متأثر گردیده و به فکر تعدیل آن افتاد و مسئولیت دسته جمعی از بین رفت و شخص بزهکار مسئول واقعه مجرمانه شناخته شد و کیفر خلاف خود را شخصاً تحمل کرد و در نهایت مجازات از حالت انتقام به تعادل در جامعه تبدیل شد و مجازات‌هایی مانند قصاص، پرداخت غرامت و ... باعث تعدیل انتقال به تعادل در جامعه شد. (موسوی، ۱۳۷۶ ش، ۶۹).

قدیمی ترین اسنادی که در رابطه با اجرای عدالت در دست داریم به قرن ۶ و ۷ قبل از میلاد مربوط می‌باشد مردم دوره باستان مسائل معنوی را مبنای امور خصوصاً قوانین قرار داده بودند. (فلچر، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۲۹).

رومیان یکی از درخشان ترین اقوام قرون باستان محسوب شده و افکاری که در وضع کیفری میان رومیان وجود داشت بسیار پیشرفته بود، بطوری که منتسکیو از آنان به زبان ستایش یاد کرده و می گوید ملت بزرگ همان اندازه که قوانین سیاسی را تغییر میداد قوانین مدنی را هم عوض کرد. (منتسکیو، ۱۳۶۲، ص ۲۰۶) قوانین روم نیز مانند دیگر اقوام همواره توأم با شقاوت‌ها و بیرحمیها بود. انتقام بعنوان یک حق مسلم و طبیعی به مجنی علیه و خانواده او بشمار میرفت. جرم و مجازات به خانواده‌ها و حتی اقوام نیز قابل تسری بود. این اقوام همانند اقوام یونانی، هدف مجازات را ارضاء خاطر مجنی علیه و خانواده او میدانستند. تدریجاً اقوام کوچک با هم متحد شده و روم بزرگ را بوجود آوردند. آنها علت کشورگشایی به این نتیجه رسیدند که انتقامهای شخصی باید جای خود را به ارگانی واگذار نمایند.

قدیمی ترین سند ایران باستان، مجموعه قوانین حمورابی بوده که بعنوان اولین قانون مدون در جهان شناخته شده است این لوح شامل ۲۸۲ قوانین مدنی و جزائی می باشد. (نوبهار، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۷۶).

ب. حقوق جزا در زمان پیدایش ادیان:

پس از پیدایش ادیان بخصوص مسیحیت و اسلام، موضوع مسایل مادی، کیفری از اعمال دیگران از بین رفت. از نظر مذهب جرم همان گناه بود و همانطور که فقط شخص گناهکار در معرض عذاب الهی قرار میگرفت ارتکاب جرم فقط شخص مجرم را در معرض مجازات قرار میداد و در این مسئولیت مرتکب به اقدام امری برخلاف این بحساب آمد (کاتوزیان، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۷).

بیشتر قواعد دین یهود به تجاوز به اموال مربوط بوده و در مورد تجاوز به نفس و جسم انسان قواعد کمتری وضع شده است. دین مسیح معترض هیچکدام از حدود الهی نگردید و

چون یهودیان را سراپای قساوت و سنگدلی فرا گرفته بود، شریعت عیسی (ع) امر به عفو و اغماض و حلم و بردباری نمود و به پادشاهای اخروی بیشتر اهمیت داد. جرم از نظر دین مسیح عملی است که اخلاقاً مذموم و از طرف خداوند منع گردیده و هرگاه کسی آن را مرتکب شود از دستور خداوند سرپیچی نموده و اخلاقاً مسئول است و مجازات مجرم همانند کیفر گناهکار فقط شامل مجرم بوده و به دیگری سرایت نمییابد. میزان مجازات نیز باید متناسب با مسئولیت اخلاقی مجرم باشد. بدین ترتیب با ظهور مسیحیت، عقاید اخلاقی فلاسفه، با افکار مذهبی آمیخته شد. رحم و نیکوکاری که یکی از اصول دین مسیحیت بود بعلت تغییر افکار روحانیون شده و آنها را بسوی اصلاح و تربیت بزهکاران سوق داد و در حمایت و هدایت مجرمان سعی زیاد کردند. از طرفی مجمع عمومی روحانیون پیشنهاد شد که کار و شغلی به زندانیان آموخته شود و آنان اجازه خواندن کتب مذهبی را داشته باشند و با پیشنهاد مجمع روحانیون، اولین زندان انفرادی در رم تأسیس گردید. دین اسلام افراط و تفریط را به اعتدال کشاند و از شدت و حدت احکام تورات کاست و به مجازات و استیفای حدود و حقوق، اغماض و گذشت تأکید نمود. در حقوق جزای اسلامی به فطرت انسانی توجه زیادی شده و آنرا پاک و منزه میدانند. در حقوق اسلام جرم عبارت است از مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد. هر جرمی، کیفری دارد که از سوی شارع، ولی امر یا قاضی مشخص و معین شده و میشود. (موسوی، ۱۳۷۶ ش، ۱۲۸).

جرائم به سه دسته حدود، قصاص و دیات و تعزیرات حکومتی تقسیم میشود. در اسلام عزم گناهی تا هنگامی که ظهور و بروز نیابد موجب کیفر نمی شود.

اسلام بین مجرم عاقل و مجنون یا غیربالغ فرق قائل شده است. شارل نویسنده کتاب «حقوق اسلام» در مورد حقوق جزای اسلامی می گوید: «اسلام دوازده قرن قبل از حقوق اروپائی، مسئله مسئولیت شخصی را برقرار نموده است و تعقیب افراد زنده را اجازه داده است و لازمه مسئولیت کیفری برخورداری عقل و آزادی و اختیار میباشد. (گرگی، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۲۰).

ج. حقوق جزا در دوران معاصر

در قرن های گذشته تحولاتی که در قوانین جزائی و کیفری انجام شد تحولاتی بود که نیازمندی های افراد ایجاب میکرد ولی پس از وضع قوانین برای مجازات بزهکاران در کشورهای متمدن و اجرای آن، مطالعاتی روی نتایج مجازات انجام گرفت و این سؤال مطرح شد که آیا این مجازات باعث منتفی از فساد در اجتماع میشود و آیا بزهکار باید با عقیده انتقام جویی مجازات شود یا باید فکر اصلاح شخص او و بهبود وضعیت جامعه باشد. در پایان مطالعات مکاتبی در این زمینه ایجاد شده و نظرات خود را در مورد این مسائل مطرح نموده که در ادامه به بررسی هر یک از مکاتب میپردازیم:

۱- مکتب کلاسیک

در اواخر قرن ۱۸ دانشمندان نسبت به فلسفه مجازات اختلاف عقیده داشتند. عده ای مستند به فایده اجتماعی و عده‌ای به عدالت معتقد بودند. در اوائل قرن ۱۸، دانشمندانی مثل منتسکیو ژرمی بنتام، بکاریا، روسو با عقاید بد خود در سیستم جزائی و سیاسی تحولی عمیق ایجاد نمودند و نهایتاً باعث خلق مکتب کلاسیک شدند. (نوبین، ۱۳۹۰ش، ص ۶۸).

افرادی مثل منتسکیو را پایه گذار مکتب کلاسیک بدلیل نوشتن کتاب روح القوانین میدانند. او ضمن محکوم کردن مجازات‌های شدید، علت افزایش بزه را عدم اجرای صحیح مجازات‌ها میدانند. اگر مجازات‌های ثابت و معتدل باشند و به اجرا گذاشته شوند در کاهش جرائم مؤثر خواهند بود. منتسکیو میگوید مجازات‌های سنگین و خشن از یکطرف، نوعی ظلم بوده و از طرف دیگر افکار مردم را به تحمل مکافات سنگین عادت داده و بتدریج ترس از آن کاهش خواهد یافت. ولی کیفر ملایم ولی حتمی در روح و روان افراد تأثیر گذاشته و بازدارنده از ارتکاب جرم خواهد بود. (فلچر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۴۹).

از نظر منتسکیو، هدف مجازات باید بیدار کردن وجدان انسانها و بوجود آمدن میل به نیکی و خودداری از ارتکاب جرم باشد. وی میگوید قانون بخاطر تنبیه بزهکاران و اجتناب از خدعه و نیرنگ وضع میشود. به همین دلیل خود باید خالص از خدعه و نیرنگ باشد. (فلچر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۴۹).

ژان ژاک روسو در کتاب خود با عنوان قرارداد اجتماعی نوشته و معتقد است که افراد بشر- آزاد بدنیا آمده و آزادانه زندگی میکنند و به تنهایی قادر به دفاع در مقابل عوامل طبیعی نیستند و انسان موجود پاک بوده و هر فسادی که در جامعه است از خود اجتماع نشأت میگیرد وگرنه انسان اصالتاً فاسد نیست. (فلچر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۸۹).

وی انسان را به حالت انفرادی فرض میکند که برای جبران نقاط ضعف خود مجبور است با هموعان خود قراردادی منعقد نماید که در ازای ایفای قرارداد جامعه تعهد میکند که جان و مال افراد از تعرض در امان بماند و در مقابل افراد مقداری از آزادی و امتیازهای اولیه خود را از دست میدهند. از این عبارت فهمیده میشود که روسو هدف از مجازات را دفاع اجتماعی و حفظ منافع اجتماعی جهت بازگرداندن جامعه به حالت قبل از ارتکاب جرم میدانند. (نوبهار، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۶).

بکاریا یکی دیگر از دانشمندان قرن ۱۸، ضمن محکوم کردن مجازات‌های شدید و در مخالفت با مجازات اعدام میگوید: هدف کیفرها، جلوگیری از زیان دوباره بزهکاران به شهروندان و بازگرداندن دیگران از پیروی از بزهکاران میباشد. به اعتقاد بکاریا مجازات بایستی آرامش خاطر افراد جامعه را به همراه داشته باشد، اطمینان به مجازات‌ها سست خواهد شد. (فلچر، ۱۳۹۲ش، ص ۲۸۹).

بنتام در کتاب رساله قانونگذاری مدنی و کیفری می نویسد طبیعت، انسان را زیر فرمان لذت و الم نهاده است. تمام ارزش های زندگی ما با آنها سنجیده میشود. عقل سود و زیان عملی را میسنجد و راهی را انتخاب میکند. وی در کتاب نظریه مجازات ها و یادداشت ها نوشته است که اگر مجازات نفع اجتماعی نداشته باشد باید از اجرای آن خودداری نمود زیرا دولت هزینه زندان و نگهداری از زندانیان را قبول میکند لذا باید جامعه از این هزینه ها نفعی ببرد.

دانشمندان اولیه مکتب کلاسیک، افرادی مثل منتسکیو، ژانژاک روسو، سزار بکاریا و ژرمی بنتام طرفدار نظریه نفع و فایده اجتماعی بوده و مجازات ها را وسیله ای برای منفعت افراد جامعه میدانند که اگر این اتفاق نیفتد مجازات مجرم بی ثمر خواهد بود. عدهای از دانشمندان اهداف فایده جویی مجازات ها را انکار کرده و معتقدند که مجرم را باید مجازات نمود زیرا مرتکب گناه شده است. امانوئل کانت و ژوزف دومستر از جمله این دانشمندان هستند که به عدالت مطلقه در مجازات ها اعتقاد داشتند. بزه از دیدگاه کانت، پدیدهای است زیان بخش و بزهکار کسی است که دستورهی اخلاقی را زیر پا گذاشته و نظم جامعه را دچار آشفتگی میکند. وی معتقد است مجازاتها برقراری مجدد تعادل روانی مجرم را در پی دارند که بعد از ارتکاب جرم به هم خورده است. کانت معتقد است که ضرر وارده از طرف مجرم قابل جبران نیست مگر بوسیله مجازات اعمال شده علیه او. (فلچر، ۱۳۹۲ش، ص ۱۸۹).

عقاید ژوزف دومستر همانند کانت بر مبنای عدالت مطلقه است. با این تفاوت که در نزد ژوزف دومستر نظرهای الهی و مذهبی بنظرهای فلسفی غلبه دارد. دومستر به امور و اصول مذهبی بیشتر از حقوق فردی اهمیت میدهد و در اموری نظیر کفر و شرک و الحاد نیز قائل به مجازات است. دومستر فردی خودکامه و طرفدار اعمال مجازات های شدید بوده و مخالف هدف فایدهجویی مجازات میباشد و معتقد است اگرچه به مجازات فایدههای هم وجود نداشته باشد بایستی اعمال و اجرا گردد. (نوبهار، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۶).

دومستر معتقد است هرگونه تنزل و پستی کیفری است و هر کیفری فرجام گناهی، سرانجام عقل انسان ناگزیر به گناه آدم حکم میکند، به نظر و کیفر عذاب جسمانی است که تنها با خطای آفریدگان مختار به این عالم راه یافته، بنابراین خداوند آفریننده مستقیم کیفر نیست.

۲- مکتب کلاسیک جدید

یکی از مکتب هایی که در نهضت های قانونگذاری قرن ۱۹ آثار جدیدی پدید آورد و منشأ اصلاحاتی فراوان در حقوق کیفری گردید مکتب نئوکلاسیک یا مکتب کلاسیک جدید است. از دیدگاه این مکتب سودمندی موضوعی است مقطعی و حادث و نه ثاقب که با زمان و مکان

تغییر میکند و نباید بعنوان اصل برتر و پدیدآورنده حقوق و تکالیف شناخته شود. از این نظریه دو گونه بینش حاصل میشود از یکسو، بینشی که انسان را دارای سجایای اخلاقی و مختار میدانند و از سوی دیگر بینش انسان مادی یا حساس. در این مکتب هم به واقعیت محسوس و هم به واقعیت اخلاقی طبیعت انسان توجه میشود و حتی انسان مادی به تبعیت انسان اخلاقی درمیآید. (فلچر، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۹).

گیزو یکی از پیشگامان این مکتب در کتاب مشهور خود می نویسد: اینکه جرم به سبب زیان آوری آن سزاوار کیفر است و یا در اجرای کیفرها سودمندی دلیل اول است درست نیست تنها خداوند است که انسان بی گناه را بی دلیل یا بدون دانستن دلیل آن به سختی کیفر دهد. درست است که منفعت اجتماعی از جمله دلایلی است که در تعیین جرم و مجازات پذیرفته شده است. ولی دلیل مقدم نیست. زیرا اگر واقعیت اخلاقی جرم بیش از آن منظور نمیبود دلیل بی ارزش بود. ولی بر پایه اخلاق جامعه حق دارد هر فعلی را گناه زیان آور و سزاوار کیفر قانونی میدانند ممنوع کند و کیفر دهد. (گرچی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۲۰).

تبهکاری اخلاقی، زیان اجتماعی و کارایی کیفر سه شرط عدالت جزائی اند. کیفری سودمند است که کارا باشد و این کارایی یا مادی است یا اخلاقی و یا هر دو با هم. مادی است از این نظر که نیروی بزهکار را تحلیل میبرد، اخلاقی است از این نظر که مایه عبرت دیگران است. (اردبیلی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۷۳)

۳- مکتب اصالت تحصیل

بنیانگذار این مکتب سزار لومبروزو در کتاب خود با عنوان انسان جنایتکار اساس مکتب تحصیلی را چنین بیان میکند که لازم بود تمام نظریه های فلسفی به کنار گذاشته شود و در مجموع بیش از بزه، بزهکاران مطالعه شوند. پس نتیجه گرفته میشود که وی هرگونه مباحثه و مجادله بر پایه اندیشه مجرد درباره انسان را مردود میدانند. (موسوی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۵۸).

این مکتب بر پایه روش استقرار و تجربه استوار میباشد. اندیکوفری در کتاب جامعه شناسی جنایی مینویسد: هدف مکتب تحصیل، مطالعه تحقیقی بزه به مثابه فعلی انسان با مشاهده انسان مرتکب و محیط رفتار او میباشد. (نوبهار، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۶).

نتیجه گیری

اولین تقسیم بندی حقوق به تقسیم بندی اولپین در حقوق روم مربوط می شود، او حقوق را به حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می کند. حقوق عمومی از دیدگاه وی به حکمرانی و امپراتوری و حقوق خصوصی به رفاه شهروندان برمی گردد و در واقع می توان گفت که رسیدگی به حکمرانی و امپراتوری توسط حقوق و رسیدگی به رفاه شهروند توسط حقوق خصوصی انجام می شد، در دولت روم حقوق عمومی به پولیس تعبیرشده است و حقوق خصوصی به حقوق محلی روم معروف بوده است.

همانطور که گفته شد تفکیک بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی با هر درجه ریشه در حقوق روم دارد. واصل این تفکیک با تمام ابهامی که دارد همچنان در روزگار امروز طنین انداز است و حقوق جزا یا کیفری در زيردسته حقوق عمومی قرار می گیرد. این طبقه بندی بطور حتم صحیح نمی باشد و همانطور که در مطالب گذشته مشاهده گردید برخی مولفه ها و ویژگی های دورشته حقوق عمومی و حقوق جزا بررسی گردید و به تفاوت های این دو رشته اشاره شد، تفاوت این دو رشته بیشتر از شباهت های آن ها می باشد.

بررسی تفاوت های حقوق عمومی با حقوق جزا در تعریف و مفهوم آنها می باشد. در تعریف حقوق عمومی بیان شد: حقوق عمومی قواعدی را در برمی گیرد که بطور مستقیم و محسوس نقش دولت و حکومت در آنها مطرح است و از آنجا که حقوق، اختیارات و وظایف حکومت در برابر حقوق و تکالیف افراد قرار می گیرد، جنبه فردی ندارد و هدف حقوق عمومی تامین مصالح جامعه بوده و بطور جانبی مصالح آحاد و اشخاص نیز حفظ می شود در حالیکه در تعریف حقوق جزا گفته شده است که حقوق جزا مجموعه مقرراتی است که به نحوه اجرای مجازاتها و تعیین واکنش های اجتماعی نظارت می کند و بنوعی از دولت برای حفظ نظم عمومی پشتیبانی می کند و بعنوان ساده ترین و شدیدترین وسیله اجبار نظم عمومی محسوب می شود. همانطور که اشاره گردید، حقوق عمومی شامل دولت، افراد و مقرراتی برای حفظ نظم عمومی و ارائه خدمات عمومی می باشد، ولی حقوق جزا به مجازاتها، قوانین، پشتیبانی برای دولت مربوط می شود.

منابع و مأخذ

- ۱) اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چهلّم، ۱۳۹۴ ش.
- ۲) استفائی، گاستون و دیگران، حقوق جزای عمومی، ترجمه: حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دوم، ۱۳۸۳ ش.
- ۳) اسکندری، محمدحسین، درآمدی بر حقوق اساسی، تهران، انتشارات سمت، اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۴) جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، تهران، انتشارات جنگل، دوم، ۱۳۹۲ ش.
- ۵) زولر، الیزابت، درآمدی بر حقوق عمومی، تهران، انتشارات جاویدانه، دوم، ۱۳۹۱ ش.
- ۶) فلچر، جورج پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه: سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سوم، ۱۳۹۲ ش.
- ۷) کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، انتشارات سمت، اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۸) گرجی، علی اکبر، مبانی حقوق عمومی، تهران، انتشارات جاویدانه و جنگل، سوم، ۱۳۹۲ ش.
- ۹) موسوی، عباس، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات بهرام، اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۰) موسی زاده، ابراهیم، مبانی، کلیات و تحولات تاریخ حقوق عمومی، تهران، نشر میزان، اول، ۱۳۹۵ ش.
- ۱۱) نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، تهران، انتشارات جنگل، اول، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۲) نوین، پرویز، اصول حقوق عمومی، تهران، انتشارات تدریس، دوم، ۱۳۹۰ ش.

فعالیت کتابخانه ها در امپراتوری سلجوقیان در شهر باستانی مرو

نویسنده: الله مراد نظری

چکیده:

کتابخانه های اسلامی در طول قرون وسطی کمک زیادی به حفظ کتابها، پیشبرد دانش و تشویق مردم به آگاهی، بیداری و ارزش مطالعه و دانش نموده و نقش بزرگی در پیشرفت دانش و معرفت داشته اند. امروزه بسیاری از اشخاص، بویژه جوانان در تحت تأثیر تمدن امروزی از فرهنگ و تمدن گذشته اجداد خود ناآشنا هستند. در این مقاله سعی میشود شوق و اراده مسلمانان خاصا مردم شهر مرو که یک وقتی پایتخت خراسان قدیم بوده است، به تصویر کشیده شود.

مقدمه

مرو که اکنون در ساحه جمهوری ترکمنستان موقعیت دارد، در قدیم یکی از شهر های بزرگ خراسان بوده است. پیشینه این شهر به پیش از میلاد میرسد. در کتب جغرافیای قدیمی از این شهر به نام «مرگیانا»، «مرگوش» و «مرو شاهجهان» یاد گردیده است. مرو شاهجهان یکی از چهار شهر قدیم خراسان بود که زمانی پایتخت خراسان نیز بوده است. سه شهر دیگر خراسان نیشاپور، بلخ و هرات بود. شهر مرو بواسطه نزدیکی به خوارزم و ماورالنهر از یک طرف و اتصال آن به سرخس و نیشاپور از طرف دیگر از نظر نظامی و اقتصادی موقعیت خاصی داشته است. مؤلف «حدود العالم» می نویسد: «مرو شهری بزرگ است به خراسان و اندر قدیم نشست میر خراسان آنجا بودی و اکنون بخارا نشیند، جائی بانعمت است و خرم و او را قهندز است و آن را طهمورث کرده است و اندر وی کوشکهای بسیار است و آن جای خسروان بوده است و اندر همه خراسان شهری نیست از نهاد بازار وی نیکو و خراج شان بر آب است و از وی پنبه نیک و اشترغاز و فلاته و سرکه و آبکامه و جامه های قزین و ملحم خیزد.» (حدود العالم، ۱۳، ص ۵۴)

به همین جهت در دوره تسلط اعراب تا زمان مأمون الرشید این شهر پایتخت خراسان بوده است. در سالهای بعد طاهریان پایتخت را به نیشاپور و سپس سامانیان به بلخ و بخارا منتقل کردند؛ اما در دوره سلجوقیان باز شهر مرو پایتخت خراسان گردید. آبادی و اعتبار مردم آن تا آنجا بود که زمینداران و دهقانان آن در توانگری با امرا و ملوک اطراف دم همسری میزدند و مانند جرجانیه خوارزم اهل فضل در آنجا گرد می آمدند و در مدارس و کتابخانه های آنجا روزها به فراگیری دانش میگذرانند.

طرح مسئله تحقیق:

شهر مرو که در تاریخ بنام مروشاهجهان نیز مشهور گردیده، از قدیم الایام یکی از شهرهای مهم خراسان بوده است. این شهر و دانشمندان این شهر که ازین منطقه برخاسته اند، در تکوین و انکشاف فرهنگ و تمدن اسلامی نقش بسزایی داشته اند. در آن شهر مدارس، کتابخانه ها، خانقاه ها و مراکز فرهنگی زیادی وجود داشته و تأثیرش نه تنها در مرو بلکه در منطقه خراسان مهم بوده است.

فرضیه های تحقیق:

سلسله سلجوقیان که در قرن پنجم هجری دولت بزرگی از خراسان، ایران و آسیای مرکزی ایجاد کرده بودند، بخاطر رشد و انکشاف علم و دانش خدمات بزرگی انجام دادند که یکی از این خدمات تأسیس و ایجاد کتابخانه های غنی بود.

سوال های تحقیق:

- در شهر مرو، چه تعداد کتابخانه ها وجود داشت؟
- این کتابخانه در انکشاف این شهر و شهرت مرو چه نقش داشته است؟
- این کتابخانه ها از سوی کدام نهاد و یا اشخاص تأسیس شده بود؟

هدف تحقیق:

در سالهای به تدریج برخی از مردم، خصوصا جوانان از فرهنگ و تمدن گذشته سرزمین خود ناآشنا شده، از تاریخ و مدنیت پرافتخار نیاکان خویش بیخبر هستند. بناء هدف از نوشتن این مقاله این است که دانسته شود که در سده های گذشته اجداد ما چه تمدنی داشته اند و چگونه از دانش و آگاهی طرفداری میکردند و آیا کتابخانه هایی وجود داشت و از آنها چگونه استفاده میکردند؟

اهمیت تحقیق:

کتابخانه همیشه در انکشاف فرهنگ و تمدن نقش اساسی داشته اند. در حقیقت با موجود بودن کتابخانه ها شهر ها و مناطق به تدریج به مراحل عالی رشد و ترقی فرهنگی رسیده اند. بناً تحقیق در کتابخانه ها، در بررسی تاریخ این منطقه و چگونگی وضع فرهنگی مردم خراسان از اهمیت ویژه ای به خوردار است.

پیشینه تحقیق:

در مورد سیر تاریخی کتابخانه ها در منطقه آثاری و مقالاتی نوشته شده است. از جمله اثر مرحوم نیلاب رحیمی تحت عنوان "سیر تاریخی کتابخانه ها در افغانستان"، "تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران" اثر دانشمند ایران رکن الدین همایون فرخ و "تاریخ مختصر کتابخانه ها در افغانستان" از سید محی الدین هاشمی نام برد. اما مشخصا در مورد کتابخانه های در مرو اثر مستقلی تا هنوز ندیده ام.

روش تحقیق:

شیوه تحقیق در این مقاله کتابخانه ای است. تا جایی مقدور بود از منابع و مآخذ معتبر در نوشتن این سطور استفاده شده است.

دولت بزرگ ترکمنهای سلجوقی در سال ۱۰۳۷ میلادی تأسیس و تا سال ۱۳۰۰ میلادی ادامه داشته است. این دولت، در دوره ملکشاه سلجوقی امپراطوری سلجوقیان به یکی از قدرتمندترین دولت‌های جهان آن روزی مبدل گردید. (راسخ، ۱۳۸۸). به ویژه که ازدوره آلپ ارسلان وزیر با کفایت و سیاستمدار و آگاه امورکشورداری یعنی خواجه نظام الملک طوسی نیز روی کار آمد و صدارت سی ساله او برای دو سلطان

هم عصرش: الپ ارسلان و ملک‌شاه اطمینان سیاسی خاصی فراهم آورد و امپراطوری سلجوقی از نگاه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به عالی درجه انکشاف خود رسید تا آنجا که میتوان گفت امپراطوری نیرومند سلجوقی دوران تفوق و برتری خود را در نیمه دوم قرن پنجم هجری مدیون کفایات این وزیر باتدبیر است. (معطوفی، ۱۳۸۳).

این عصر درحقیقت، عصر شگوفایی فرهنگ اسلامی نیز است. سده های چهارم و پنجم دوران طلایی فرهنگ اسلام دانسته اند، دورانی که در آن علم فلسفه و معارف اسلامی به اوج شگوفایی رسید و دانشمندان مشهوری چون: امام محمد غزالی و جمعیت معروف به «اخوان الصفا»، پیشاهنگان فکر و فلسفه آن به شمار میرفتند. دانش های ریاضی و نجوم، پایه های فلسفه و کلام و علم فن به شگوفایی رسید. به ویژه ادبیات در این دوره انکشاف خاصی یافت و انبوه شاعران دربار سلجوقی میراث شعری فارسی را به ویژه در قلمرو توصیف و ستایش، گرانبار کردند که پرتو آن در آن سالهای بعدی در سرتاسر دنیای آنروز گسترش یافت. بدین ترتیب با غلبه یافتن فرمانروایان سلجوقی مرحله تازه ای در ادب و فرهنگ ما آغاز شد که از نظر سیاسی باید آنرا عصر غلبه عصر ترک، از نظر ادبی عصر گسترش زبان دری از خراسان به داخل فلات ایران و عراق عجم بود. در زمان سلجوقیان فرهنگ، معماری، علم و دانش و ادبیات در سطح والایی رشد داشته است. شاعران و دانشمندانی همچون: فخرالدین اسعدگرگانی، عمرخیام، ناصرخسرو بلخی، انوری ابیوردی، قطران، برهانی، ازرقی، امیرمعزی، عبدالواسع جبلی، مختاری غزنوی، محمد بن منور، عبدالحی گردیزی، راوندی، کیکاووس و ده ها دانشمند و سخنور بزرگ در زمان حکومت سلجوقیان میزیسته اند و آثارمختلفی را خلق نموده اند. (صفا، ۱۳۵۲، ص ۳۷۰)

همچنین دانشمندانی چون باباطاهر عریان، امام محمدغزالی، حکیم سنایی غزنوی، نجم الدین کبری و امثال آنها زیست و آثار باارزش خویش را به تحریر آورده اند. تعدادی زیادی از مکاتب، مدارس، کتابخانه ها و کاروانسراها و دیگر مراکز فرهنگی در شهرهای بلخ، ری، سرخس، اصفهان، نیشاپور، بغداد بنا گردید. سلاطین سلجوقی ملک‌شاه و سلطان سنجر به رشد و توسعه ادبیات اهمیت وافری داده اند.

درین مقاله درباره کتابخانه های سالجوقیان در شهر مرو معلومات و یافته های خود را بیان خواهند کرد. دوره سلجوقیان برای رشد ادبیات، زبان و هنر یک دوره طلایی بود، درین دوره شاعران و نویسندگان از طرف سلجوقیان حمایت گردیده و همچنان مراکز علمی و کتابخانه ها برای مردم بنام های مختلف ساخته شده است.

جغرافیه دان مشهور - شهاب الدین ابوعبد الله یاقوت بن عبدالله حموی بغدادی (یاقوت حموی) در اثر «معجم البدان» در باره کتابخانه های مرو معلومات داده است. او بخاطر مغول ها شهر مرو را ترک کرد، اما تا آخر عمر خود بخاطر ترک این شهر باستانی شاکی بود. او درباره کتابخانه هایی که در شهر مرو در خدمت مردم بود، چنین می نویسد: «بخاطر ترک شهر مرو تا آخر عمر خود رنج میبرم، درین شهر باستانی ده کتاب خانه فعال موجود بود، چنین کتابخانه های معتبر تا هنوز ندیده بودم، من از کتابخانه های مرو نظربه ضرورت استفاده میکردم و من علاقمند مطالعه بودم، از کتابخانه های مرو بخاطر مطالعه

کتاب‌ها را به خانه آورده مطالعه میکردم درین کتابخانه سهولت‌های زیادی بود ازین سهولت‌ها مستفید میشدم. مثل من ازین کتابخانه شیفته‌گان مطالعه مستفید میشدند، مثلاً خودم همیشه از کتابخانه‌های مرو بیشتر از ۲۰ جلد کتابها را به خانه می‌آوردم و مطالعه میکردم. بیشتر وقت بخاطر مطالعه کتاب می‌گرفتم. مصارف آنها را بسیار کم می‌گرفتند و یا هیچ نمی‌گرفتند. من از وجود این کتابخانه‌ها بسیار خوشنود و شادمان بودم تا حدی که وطن مألوف و اهل و اولاد را از یاد برده و آنها را بفراموشی سپرده بودم. از کتابهای این کتابخانه‌ها استفاده‌های بسیار بردم و باید بگویم بیشتر اطلاعات و دانستنی‌هایی که در کتاب معجم البلدان و دیگر تألیفاتم آورده‌ام، از پرتو مطالعه و استنساخ کتابهای این کتابخانه‌ها بوده است و به یقین اگر تاتار (مغول) به مرو نزدیک نمی‌شد، هرگز از مرو بیرون نمی‌شدم. من در سال ۶۱۶ هـ. از شهر مرو مفارقت جستیم.» (همایونفرخ، ۱۳۵۶، ص ۲۶) یاقوت حموی در باره شهر مرو چنین می‌نگارد: «درین شهر باستانی دو مسجد بزرگ وجود داشت. یکی ازین مسجد‌ها به مذهب حنفی و دیگر آن به مذهب شافعی مربوط بوده است. طرف داران این دو مذهب نیز درین مساجد جمع میشدند، و اصول مذاهب خود را می‌آموختند.» (صفا، ۱۳، ص ۲۵۰)

درین شهر باستانی مراکز علمی نیز فعالیت داشت، درین مراکز سخنرانی و سخنوری و همچنان درس‌های دینی تدریس میشد. اشخاصی که در این مرکز علمی رفت و آمد داشتند، از کتابخانه‌های مساجد متذکره نیز مستفید می‌شدند. درین کتابخانه‌ها شخصی بنام «خزاین الکتب» بعنوان کارمند کتابخانه فعالیت داشت، مزد یا معاش ماهوار این شخص از طرف وقف‌ها داده میشد.

در بیشتر کتابخانه‌های شهر مرو، اشخاصی که درین کتابخانه آمده مطالعه میکرد و به ضرورت‌های آنها رسیدگی صورت می‌گرفت و حتی کاغذ، قلم و رنگ مفت داده میشد. این مصارف نیز از طرف وقف‌ها داده شده است. اشخاصی که ازین کتابخانه‌ها بخاطر مطالعه درخانه، کتاب می‌گرفتند به عوض کتاب قیمت کتابها گرفته میشد، وقتی کتابها را دوباره به کتابخانه تسلیم میکردند دوباره پول آنها داده میشد. و در دروه سلجوقیان در شهر مرو کتابخانه‌های قرار ذیل فعالیت داشت:

۱- کتابخانه کمالیه: این کتابخانه در نزدیک مسجد جامع مرو قرار داشت، درین کتابخانه هزاران جلد کتاب نایاب موجود بود. ازین کتابخانه صدها دانشمندان، نویسندگان، شیفته‌گان علم و دانش و مطالعه مستفید میشدند.

۲- کتابخانه ابوعلی حسن بن علی قطان مروزی: در دوره سلجوقیان بخصوص در شهر مرو مشهورترین طبیب ابوعلی حسن یک کتابخانه را پایه‌گذاری کرده است. کتابخانه این عالم طب در سال ۱۱۴۱ میلادی از طرف قشون خوارزم شاه آتسبز به تاراج روبه رو شد. و بعداً خود ابوعلی حسن مروزی از طرف اوغزها کشته شد.

۳- کتابخانه عزیزیه مرو: این کتابخانه را یکی از نزدیکان علم دوست سلطان سنجر به نام عزیز الدین ابوبکر زنجانی تاسیس کرده است. وی در نزدیکی مسجد جامع کتابخانه خود را پایه‌گذاری میکند.

بگفته یاقوت حموی : در کتابخانه این شخص علم پرور، یک هزار و دوصد کتاب های نایاب موجود بود. عزیزالدین درین دوره با تاسیس یک کتابخانه به شیفته گان علم و مطالعه خدمات زیادی کرده است .

۴- کتابخانه شرف الملک مرو: این کتابخانه در اوایل قرن یازدهم از طرف شرف الملک ابوسعید بن منصور(۱۱۰۰ م سال وفات) پایه گذاری شده است . موصوف از مذهب حنفی پیروی میکرد. شرف الملک ابو سعید بن منصور یک شخص علم دوست بود، با داشتن کتابخانه در بخش علم و دانش خدماتی زیادی انجام داد.

۵- کتابخانه نظام الملک مرو :این کتابخانه مربوط به مدرسه نظامیه مرو بود، همان طوری که وزیر باتدبیر سلجوقیان - خواجه نظام الملک در بسیاری از شهر های بزرگ عالم اسلام مدرسه هایی برپا کرده بود، در شهر مرو نیز مدرسه نظامیه و کتابخانه نظامیه فعالیت داشت. متولی ها این کتابخانه را مثل یک کتابخانه عمومی استفاده میکردند.

۶- کتابخانه عمیدیه مرو: این کتابخانه از طرف عمیدالملک کندی مشهور به ابو نصر محمد بن منصور کندی (۱۰۶۳ م سال وفات) تاسیس شده است. به گفته محمد بن علی ابن سلیمان الراوندی (۱۱۴۵-۱۲۲۱ م درین سالها وفات کرد): این شخص وزیر طغرل بیک بود. فرید الدین عطار (۱۱۴۵-۱۲۲۱ م) در اثر منطق الطیر درمورد آن نگاشته است .

۷- کتابخانه مجدالملک: این کتابخانه را وزیر با همت ملک شاه سلجوقی مجدالملک ابو الفضل اسعد بن محمد بن موسی براوستانی قمی پایه گذاری کرد . به گفته محمد بن علی بن سلیمان الراوندی: امیر الشعرا ابو عبدالله محمد بن عبدالملک المعزی درباره این وزیر مشهور یک قصیده نوشته است بخاطر نوشتن این قصیده از طرف وزیر یک هزار دینار طلا جایزه دریافت نموده است.

۸- کتابخانه خانمیه مرو: درین مورد محمد بن علی بن سلیمان الراوندی نوشته است ، این کتابخانه از طرف یکی از دختر خانم های سلجوقیان که بخاطر پرورش علم و دانش کوشش های زیادی نموده است، تاسیس شده است . دختر خانم های سلجوقیان خانم ملکشاه سلجوقی ترکان خاتون و خواهر آن ماه ملک خاتون، بخاطر رشد علم و دانش پایه گذاری شده است؛ اما این کتابخانه مشخصا از طرف کدامش تاسیس شده است، معلومات دقیق در دست نیست.

۹- کتابخانه ضمیریه مرو: این کتابخانه مربوط به خانقاه ضمیریه بوده است، درین کتابخانه کتاب های مختلفی درباره چگونه گی بحد آمدن دنیا و علوم صوفیه موجود بود. قیمت هریکی آن کتابها ۲۰۰ سکه طلا و یا قیمت پولی همان زمان ۲۰۰ دینار بوده است. ازین کتابخانه بیشتر صوفیان مستفید می شدند.

۱۰- کتابخانه تاج الاسلام مرو: این کتابخانه از طرف امام تاج الاسلام معین الدین ابوبکر سمعانی مشهور به خانوده سمعانی بودند، تاسیس شده است. نظام الملک نسبت دیگر عالمان به آن بیشتر توجه داشت. از کتابخانه آن دانشمندان بیشتر مستفید می شدند.

۱۱- کتابخانه سمعانی مرو: این کتابخانه از طرف شهاب الدین سمعانی تأسیس شده بود. خود این شخص یک آدم با سخاوت و علم پرور بود. وی در پهلوی خانقاه خود یک کتابخانه بنام کتابخانه سمعانی

پایه گذاری کرده است. از کتابخانه ی این شخص با سخاوت صوفیان و علما بیشتر استفاده نموده است

۱۲- کتابخانه دومایریه مرو: درین مورد دکتور آلماز یازبردیف در اثر «اسکی مرو کتابخانه لاری» خود نوشته است، این کتابخانه در قرن دوازدهم از طرف یک عالم دیندار تاسیس شد. اما این عالم بزرگ کی بود؟ درین مورد معلومات در دست نداریم. همچنان غلام فاروق نیلاب رحیمی در اثر «سیر تاریخی کتابخانه ها در افغانستان» در دوره امپراتوری بزرگ سلجوقیان در شهر مرو از یازده کتابخانه نام برده است. دکتور آلماز یازبردیف نیز در اثر «کتابخانه های قدیمی مرو» نوشته است که درین شهر باستانی یک کتابخانه دیگر بنام دومایریه نیز بوده است. با این کتابخانه، تعداد کتابخانه های دوره سلجوقیان در شهر باستانی مرو به دوازده کتابخانه میرسد. (یازبردیف، ۱۹۹۶، ص ۱۶)

نتیجه :

در امپراتوری سلجوقیان نه تنها امرا و وزرای این دوره، بلکه برخی از شخصیت های علمی و اجتماعی و علاقمندان دانش نیز بخاطر رشد ادبیات و علوم و همچنان تامین امنیت و رفاه جمعیت خدمات زیادی انجام داده اند. مثال این خدمات تاثیر گذار این دوره مدرسه ها، مساجد، خانقاه ها و کتابخانه های شهر مرو میباشد. با این خدمات امپراتوری سلجوقیان در تاریخ نیز از آنها تعریف و توصیف شده است. علت حمایت سلجوقیان از دانشمندان و نویسندگان گان شاید این باشد که خود اوامرا و وزرای امپراتوری سالجوقیان شخصت های تحصیل یافته و علم دوست بودند. به همین خاطر به علما و دانشمندان احترام بیشتری داشتند و به آنها مراکز تعلیمی، تحقیقی، مدرسه ها و کتابخانه ها ایجاد کردند. ازین کتابخانه اشخاص باسواد مستفید شدند و دانشمندان و محققان نیز بخاطر پژوهش خود یک آدرس مشخصی دست یافتند. بعد از تاسیس امپراتوری سلجوقیان در شهر های بزرگ مراکز تعلیمی و کتابخانه تاسیس شد و در دوره سلطان سنجر پایتخت آن شهر مرو بود و همچنان این شهر مرکز علم و فرهنگ نیز یاد شده است.

منابع و مأخذ:

- ۱- راسخ، محمد صالح. (۱۳۸۸) تاریخ و فرهنگ ترکمنها. جلد اول، انتشارات دوستان، کابل.
- ۲- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. جلد دوم، انتشارات فردوس، تهران.
- ۳- معطوفی، اسدالله. (۱۳۸۳). تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمان، جلد اول، انتشارات آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- ۴- نیلاب رحیمی، غلام فاروق. (۱۳۶۱). سیرتاریخی کتاب خانه ها در افغانستان، کابل.
- ۵- هاشمی، سید محی الدین. ۱۳۸۳. تاریخ مختصر کتابخانه ها در افغانستان. ترجمه عبدالرحیم بختانی، مؤسسه انتشاراتی الازهر، پشاور.
- ۶- همایونفرخ، رکن الدین. ۱۳۵۸. تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران. مجله هنر و مردم، شماره ۵۱.
- ۷- یازبردیف، آلماز. (۱۹۹۸). اسکی مرو و کتب خانه لری (کتابخانه های قدیمی مرو)، انقره.

مطالعه حساسیت استافیلوکوکهای طلائی در برابر وانکو مایسین جدا شده از نمونه های

کلینیکی در شفاخانه حوزه وی وکلنکیهای خصوصی شهر مزار شریف

نویسنده: پوهنمل داکتر حامد پارسا استاد دیپارتمنت میکروبیولوژی پوهنحی طب پوهنتون بلخ

چکیده

وانکو مایسین در تداوی انتانات ایجاد شده توسط استافیلوکوکهای طلائی مقاوم به متی سیلین بطور وسیعی استفاده میشود که این امر موجب افزایش مقاومت به وانکو مایسین و گسترش نمونه های استافیلوکوکهای طلائی مقاومت ناهمگون نسبت به وانکو مایسین ، استافیلوکوکهای طلائی دارای مقاومت حدواسط به وانکو مایسین و استافیلوکوکهای طلائی مقاوم به وانکو مایسین در قسمتهای مختلف دنیا شده و نگرانی بزرگی را در مورد نمونه های کلینیکی به وجود آورده است . این مطالعه جهت ارزیابی احتمال حضور این نمونه ها و میزان آن در شفاخانه های دولتی و خصوصی شهر مزار شریف انجام شده است.

روش بررسی : این تحقیق بالای ۱۰۰ نمونه استافیلوکوکهای طلائی از مریضان بستری در شفاخانه های دولتی و خصوصی شهر مزار شریف در مدت ۱۶ ماه تجرید و ارزیابی گردیده است . تمامی نمونه ها به کمک تستهای کواگولاز و کاتالاز تعیین هویت شد و سپس حساسیت نمونه ها در برابر وانکو مایسین به روش دیسک دیفیوژن و MIC (Minimum inhibitory concentration) آنها با روش E-test تعیین شد و نتایج با هم مقایسه گردید .

یافته ها : از جمله ۱۰۰ نمونه استافیلوکوکهای طلائی بررسی شده ۹۸ فیصد آنها به وانکو مایسین حساس بوده اند در تست حساسیت به ۱۱ نوع انتی بیوتیک با روش دیسک دیفیوژن نیز حساسیت نمونه ها به ترتیب ذیل بوده است :

وانکو مایسین (۱۰۰٪) ، ریفامپین (۱۰۰٪) ، سیپروفلوکساسین (۱۰۰٪) ، کوتریموکسازول (۱۰۰٪) ، سفالوتین (۷۴٪) ، متی سیلین (۶۲٪) ، کلرامفنیکل (۴۴٪) ، کلیندامایسین (۴۳٪) ، جنتامیسین (۳۶٪) ، اریترومایسین (۳۱٪) و پنی سیلین G (۱٪) .

نتیجه گیری

نتایج این مطالعه نشان می دهد که از وانکو مایسین هنوز می توان در تداوی استافیلوکوکهای طلائی استفاده کرد ولی با توجه به اینکه در میان فقط ۱۰۰ نمونه کلینیکی بررسی شده مواجه با دو نمونه دارای مقاومت نا همگون نسبت به وانکو مایسین (۲٪) بودیم و نیز ظهور نمونه های استافیلوکوکهای طلائی با مقاومت حدواسط و مقاومت کامل در برخی از کشورهای جهان ، انجام تستهای حساسیت به روش تعیین MIC قبل از شروع تداوی ، جهت مشخص شدن حساسیت نمونه های مورد آزمایش در مقابل وانکو مایسین ، در ردیابی نمونه های مقاوم احتمالی و کاهش بروز مقاومت های بیمارستانی و جلوگیری از شیوع نمونه های مقاوم اهمیت زیادی دارد .

واژه های کلیدی: استافیلوکوکهای طلائی، حساسیت به آنتی بیوتیک، وانکومايسين، E-test

مقدمه

اولین نمونه استافیلوکوکهای طلائی با کاهش حساسیت به وانکومايسين (MIC= mg/ml) در سال ۱۹۹۷ از جاپان گزارش شد (۱). که این نمونه ها را استافیلوکوکهای طلائی دارای مقاومت حد اوسط به وانکومايسين می نامند، در جولای سال ۲۰۰۲ یک نمونه از استافیلوکوکهای طلائی مقاوم به وانکومايسين از آمریکا گزارش گردید (۲).

اغلب نمونه های VISA و VRSA در نمونه های تجرید شده استافیلوکوکهای طلائی مقاوم به متی سیلین مشاهده می گردد (۳) تمامی نمونه ها VRSA تا به امروز دارای جن مقاومت به وانکومايسين (VanA) بوده اند که بر اساس شواهد موجود نمونه های استافیلوکوکهای طلائی مقاوم، این جنهای VanA را از گونه های انتروکوکوس دریافت می کند (۴).

مقاومت به وانکومايسين در استافیلوکوکهای طلائی به دلیل تغییراتی در جدار حجروی باکتری می باشد. البته میکانیزم کاهش حساسیت به وانکومايسين در نمونه های VISA دیوار حجروی ضخیمی دارند که وانکومايسين به گیرنده های دیوار حجروی در قسمت بیرونی متصل و عملکرد آن مهار می شود (۵).

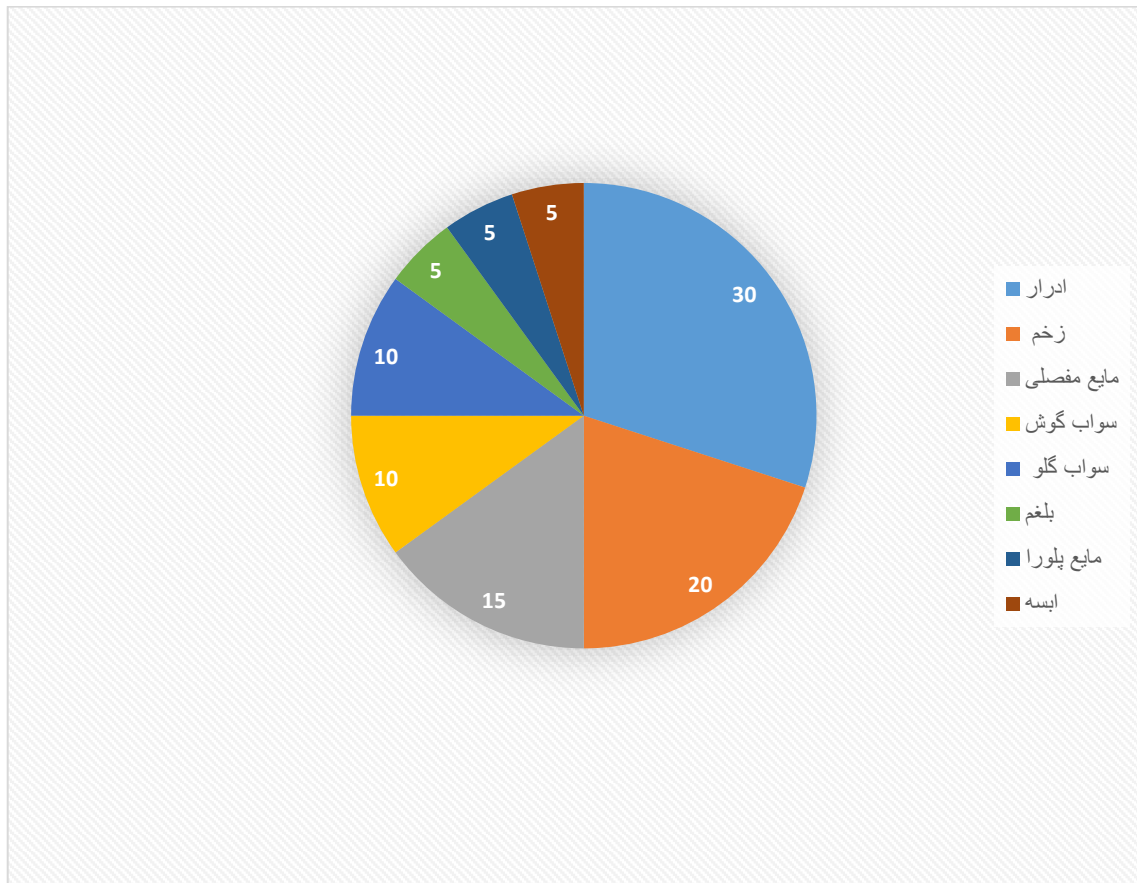
نقش پروتین های متصل شونده به پنی سیلین در مقاومت به وانکومايسين مشخص نشده ولی حضور آن جهت ایجاد مقاومت ضروریست (۶) محدودیتهای تداوی در انتانات ناشی از VRSA/ VISA وجود دارد و لست بعضی از مواد ضد میکروبی شامل ریفامپین، جنتامیسین، ایمپنم، کلرامفنیکل، تری متو پیریم - سولفامتو کسازول و تتراسایکلین است (۷).

در حال حاضر دسته جدیدی از آنتی بیوتیکها شامل داپتومايسين، لینزولید - اگزازولیدینون جهت تداوی نمونه های استافیلوکوکهای طلائی با مقاومت چندگانه استفاده می شود (۸).

با توجه به اینکه اخیراً نمونه هایی از استافیلوکوکهای طلائی به صورت حد اوسط مقاوم شده یا نمونه هایی که مقاومت کامل در برابر وانکومايسين دارند، شناسایی شده اند، لذا تعیین وضعیت نمونه های کشور ما از اهمیت خاصی برخوردار است. این مطالعه جهت بررسی حساسیت نمونه های استافیلوکوکهای طلائی تجرید شده از نمونه های کلینیکی نسبت به وانکومايسين و ارزیابی حضور VRSA، VISA و در شهر مزار شریف انجام شده است.

مواد و روش ها

بتعداد ۱۰۰ نمونه استافیلوکوکهای طلائی در طول مدت ۱۶ ماه یعنی از اول ماه ثور ۱۳۹۴ الی اخیر سنبله ۱۳۹۵ از نمونه های کلینیکی شفاخانه حوزه وی شهر مزار شریف، شفاخانه های خصوصی الفلاح، مولانا، آفتاب، حکیمی و کلینیکهای شخصی دوکتوران در شهر مزار شریف جمع آوری و مورد مطالعه قرار گرفته که منابع و تعداد نمونه های تجرید شده مورد مطالعه در جدول ۱ نمایش داده شده است.



گراف شماره (۱) منابع و تعداد نمونه های مرضی جدا شده استافیلوکوکها

بعد از جمع آوری نمونه ها ، بر روی محیط های کشت بلاد آگار و مانیتول سالت آگار کشت شده و مدت ۲۴ ساعت به حرارت ۳ درجه سانتی گرید در انکوبیتور قرار داده شده سپس کالونی ها از نظر رنگ آمیزی گرام ، تست کاتالاز و کوآگولاز مورد تایید قرار گرفته و تستهای حساسیت انتی بیوتیکی انجام شد (۱۱ و ۱۲) لازم به ذکر است که کلیه نمونه ها از مریضانی جدا شده بود که در آنها استافیلوکوکهای طلائی عامل اصلی بیماری بوده است .

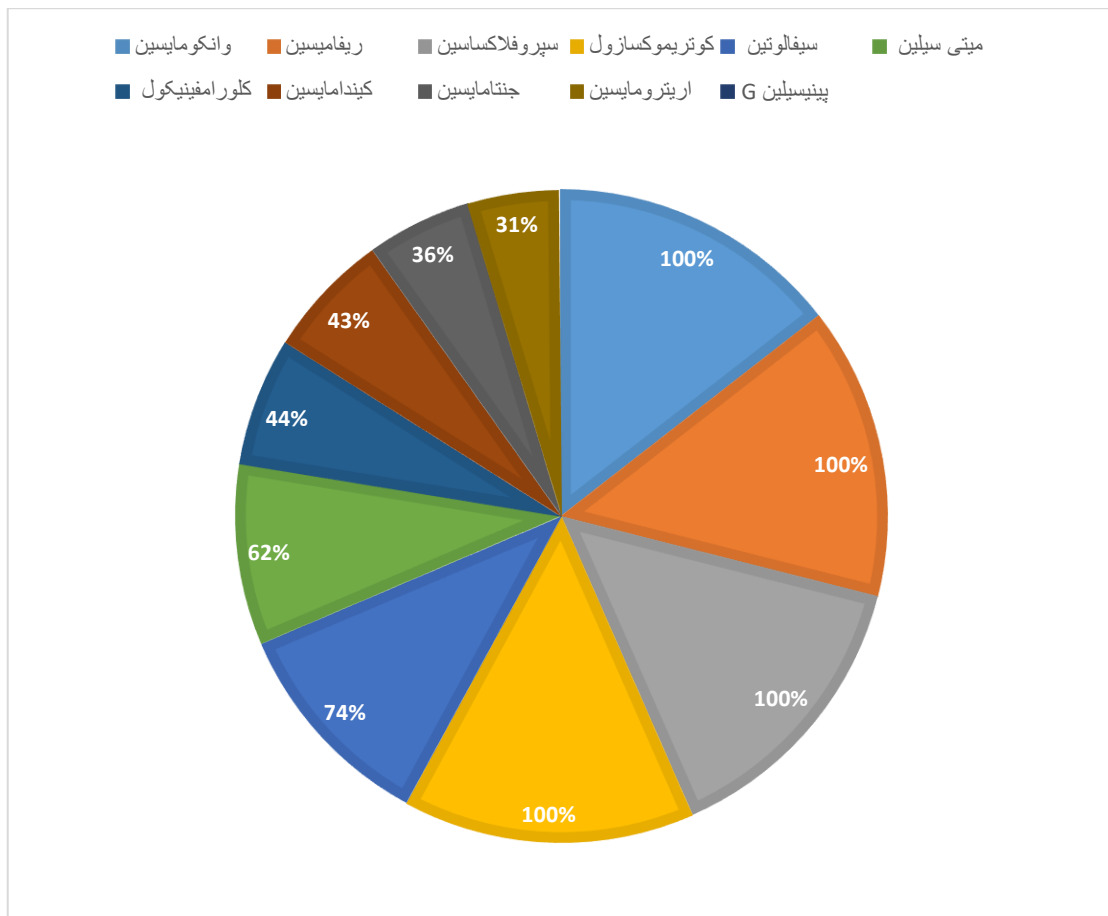
حساسیت تمام نمونه های آزمایشی و نمونه استاندارد در برابر وانکومايسين به روش E- test در برابر دیسک آگار دیفوزن انجام شد . روش تعیین MIC بوسیله E- tests ترکیبی از روش های دیسک دیفوزن و تعیین MIC می باشد . در این روش انتی بیوتیک بر اساس غلظت روی دسک کاغذی قرار گرفته است . بر روی محیط کشت مواد هینتون آگار که باکتری استافیلوکوکوس اورپوس با غلظت ۵ ، ۰ مک فارلند بر روی آن کشت داده شده نوار E- test بر روی محیط کشت قرار گرفته و بعد از ۲۴ ساعت انکوبیشن محل شروع ها ساحه عدم رشد بعنوان MIC در نظر گرفته می شود . (۹)

همچنین باکتریهای آزمایشی در برابر ۱۰ نوع آنتی بیوتیک اریترومايسين، پنی سیلین، جنتامیسین، ریفامپین، سیپروفلوکسایین، سفالوتین، کلرامفنیکل، کلیندامایسین، کوتریموکسازول ، متی سیلین و وانکومايسين به روش دیسک آگار دیفوزن انتی بیوگرام شدند و قطر ساحات عدم رشد بر اساس جدول انیستیتوت ستندرد های کلینیکی ولابراتواری (CLSI) اندازه گیری شدند.

یافته ها

بر اساس رهنمود های CLSI ، نمونه های آزمایشی بر اساس مقادیر MIC به ۳ گروه تقسیم می شوند : نمونه های حساس به وانکومايسين با $MIC < 4 \text{ mg/ml}$ که در این مطالعه ۹۸ فیصد نمونه های آزمایشی را شامل می شد . نمونه های با مقاومت حدواسط با $MIC < 16 \text{ mg/ml}$ که در نمونه های آزمایشی مورد شناسایی قرار نگرفت . نمونه های مقاوم (VRSA) با $MIC > 32 \text{ mg/ml}$ در این مطالعه شناسایی نشد ، دامنه اندازه گیری MIC با روش E-test در محدوده بین $16-256 \text{ mg/ml}$ فیصد بود . در این مطالعه بیشترین مقدار MIC برابر با 4 mg/ml به دست آمد . عدد ۲ ازدیاد مقادیر MIC در ۱۰۰ نمونه استافیلوکوکهای طلایی مورد آزمایش را نشان می دهد . در تست حساسیت به ۱۱ نوع انتی بیوتیک با روش دیسک آگار دیفیوژن نیز ، حساسیت نمونه ها به ترتیب ذیل بود:

وانکومايسين (۱۰۰٪) ، ریفامپین (۱۰۰٪) ، سیپروفلوکسامین (۱۰۰٪) ، کوتریموکسازول (۱۰۰٪) ، سفالوتین (۷۴٪) ، متی سیلین (۶۲٪) ، کلرامفنیکل (۴۴٪) ، کلیندامایسین (۴۳٪) ، جنتامایسین (۳۶٪) ، اریترومايسين (۳۱٪) و پنی سیلین G (۱٪) . که بطور شیماتیک در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است .



گراف شماره (۲) فیصدی موثریت انتی بیوتیکهای مختلف در انتانات استافیلوکوکی

پیشینه:

بعد از گزارش اولین مورد VRSA در جاپان در سال ۱۹۹۷، گرچه انتشار نمونه های VISA و VRSA در سطح پایینی باقیمانده است، اما در بسیاری از کشورها نمونه های استافیلوکوکهای طلائی بصورت *S. aureus* heterogeneous vancomycin-intermediate (hVISA) در حال افزایش است (۱۰) گزارشهای وجود دارد که نشان می دهند عدم موفقیت در تداوی با وانکومایسین باعث به وجود آمدن نمونه های hVISA است (۱۶ و ۱۷).

البته تست های مورد استفاده جهت بررسی حساسیت استافیلوکوکهای طلائی به وانکومایسین شامل روشهای تعیین MIC غیر اتوماتیک (gradient diffusion E-test reference broth microdilution agar) با استفاده از استاندارد ۰٫۵ مک فارلند ومدت ۲۴ ساعت گذاشتن این نمونه ها در انکوبیتور به حرارت ۳۷ درجه سانتی گرید بوده است (۱۸).

بنابراین روش دیسک آگار دیفیوژن یک تست غیر قابل قبول در شناسایی مقاومت به وانکومایسین می باشد و برای شناسایی نمونه های hVISA از روش population analysis استفاده می شود (۲۰). تا سال ۲۰۰۱ فقط ۸ مورد انتانات با (intermediate *S. aureus* GISA (Glycopeptide گزارش شده بود. مهمترین آنها میزانی بودند که قبلاً مبتلا به انتان MRSA مربوط به کانتر و همودیالیز مزمن بوده و به مدت طولانی تحت تداوی با وانکومایسین قرار داشتند (۲۱).

نتایج موارد گزارش شده در جهان تا سال ۲۰۰۵ در جدول ۱ آورده شده است (۲۲-۲۶).

بر اساس مطالعات انجام شده در ۱۲ کشور آسیایی در سال ۲۰۰۴ نمونه های تجرید شده hVISA جمع آوری شدند که میزان آنها در هر کشوری مختلف بوده، همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود از ۱۳۵۷ ایزوله کلینیکی جمع آوری شده MRSA که تست (Brain Heart Infusion BHIVA) (Vancomycin agar) در مورد آنها انجام گرفت، حدود ۳۴۷ ایزوله MRSA (۲۶٪/۶) در این پلیتهها رشد کردند که نمونه های مثبت جمع آوری شده از کشورهای کوریای جنوبی (۴۲٪) و جاپان (۲۹/۹٪) بیشتر از محل های دیگر بود. در حالیکه در مورد نمونه های جمع آوری شده از سنگاپور، سریلانکا و عربستان سعودی کمتر از ۱۰٪ بود از ۳۴۷ نمونه مثبت، ۵۸ نمونه (۴/۳٪) از کل نمونه های MRSA (بعنوان hVISA تائید شدند که در صد آن در کشورهای مختلف به شرح زیر است:

جاپان (۸٫۲٪) هند (۶٫۳٪) کره جنوبی (۶٫۱٪) تایلند (۲٫۱٪) فیلیپین (۳٫۶٪) ویتنام (۲٫۴٪) و سنگاپور (۲٫۳٪) اما هیچ نمونه در چین، اندونزی، عربستان سعودی، سریلانکا، و تایوان یافت نشد (۲۶).

جدول شماره (۱) سویه های VISA ، VRSA و GISA در کشور های مختلف جهان (۲۶-۲۲)			
کشور ویا ایالت	نوع مقاومت	MIC	سال تجرید
جاپان	GISA	۸gm /L	۱۹۹۶
جاپان	VISA	۳۲ gm/L	۱۹۹۷
میشیگان امریکا	GISA	۸gm/L	۱۹۹۷
نیوجرسی امریکا	GISA	۸gm/L	۱۹۹۷
نیویارک امریکا	GISA	۸gm/L	۱۹۹۷
فرانسه	GISA	۸gm/L	۱۹۹۸
عمان	GISA	۸gm/L	۱۹۹۸
کوریا	GISA	۸gm/L	۱۹۹۹
مینوسوتای امریکا	GISA	۸gm/L	۲۰۰۰
مریلند امریکا	VISA	۸gm/L	۲۰۰۰
اوهایو امریکا	VISA	۸gm/L	۲۰۰۱
پنسلوانیای امریکا	VISA	۶۴ µg/ml	۲۰۰۲
میشیگان امریکا	VISA	۶۴ µg/ml	۲۰۰۲
تایلند	h-ISA	۴ gm/L	۲۰۰۴
نیویارک امریکا	VISA	۲۵۶ µg/ml	۲۰۰۴
برازیل	VISA	۴gm/L	۲۰۰۵

بر اساس این گزارشها ، سرعت شیوع hVISA از صفر فیصد تا ۷۳٫۷٪ متغیر بوده است (۱۰ و ۲۱) در میان نمونه های MRSA در کوریای جنوبی ، hVISA با فراوانی پایینی (صفر تا ۰/۵٪) یافت شده است (۲۸). با این وجود ، داده ها نشان می دهند که ۶/۱٪ از ایزوله های MRSA بصورت hVISA بودند . بر اساس نتایج بدست آمده از این تحقیق مشخص می شود که در میان نمونه های استافیلوکوکهای طلایی جدا شده از شفاخانه های شهر مزار شریف مقاومت کامل در برابر وانکومایسین وجود ندارد و فقط در مورد hVISA شناسایی شد که یکی از آنها مربوط به نمونه شزن در بخش ICU و دیگری مربوط به زخم در بخش صدر بود ، اما به توجه به افزایش نمونه های تجرید شده استافیلوکوکهای طلایی مقاوم به وانکومایسین در جهان ، باید استافیلوکوکوس اورئوس های جدا شده از مریضان بویژه مریضان بستری و نیز پروسه تداوی بصورت دقیق از لحاظ مقاوم و حساس بودن به وانکومایسین کنترل شوند . روشهای دقیق تعیین مقاومت به وانکومایسین مثل E-test باید در لابراتوار های کلینیکی امکان

پذیر و رایج گردد و کارکنان این لابراتوارها باید معاینات لازم را در این مورد طی کرده و با اهمیت موضوع آشنا شوند .

لازم است دوکتوران و متخصصین انتانی اهمیت شناسایی VISA، hVISA، VSSA و VRSA را در انتانات ناشی از استافیلوکوکهای طلایی در نظر گرفته و سعی کنند مریضان را از این نقطه نظر مورد بررسی قرار دهند و با انجام تست حساسیت میکروبی دقیق یعنی انجام موفقانه پروسه انتی بیوگرام بر روی باکتریهای تجرید شده از مریضان ، اقدام به تداوی های موثر و مفید نمایند . همچنین لازم است با استفاده از روشهای جدید ضد عفونی محیط بویژه در شفاخانه، انتقال موارد VISA و VRSA را در بین مریضان بستری به حداقل رسانید .

نتیجه گیری

گرچه در این مطالعه نمونه های VISA و VRSA در شهر مزار شریف مورد شناسایی قرار نگرفت و این امر یک یافته امیدوار کننده در تداوی انتانات ناشی از استافیلوکوکهای طلایی کلینیکی در شهر مزار شریف و ولایات همجوار آن میباشد ولی با توجه به اینکه در این تحقیق فقط تعداد محدود از نمونه های کلینیکی مورد مطالعه قرار گرفته و در میان این تعداد محدود مواجه با دو ایزوله ی hVISA بودیم (۲٪) و با عنایت با گزارش های موجود از سایر کشورها و بویژه از کشورهای آسیایی در جهت شناسایی نمونه های VISA و VRSA و انجام مطالعات بیشتر بویژه با تعداد ایزوله های بیشتر توصیه می گردد .

مدیریت صنف

نویسنده: محمد حامد ایوبی

چکیده

پیشرفت هر جامعه ای به چگونگی کیفیت آموزش و پرورش آن جامعه بستگی دارد. آموزش و پرورش اگر راه دموکراسی و روش علمی پیش گیرد زمینه ی ایجاد جامعه ای پیشرفته را مهیا می سازد. به منظور رسیدن به این دموکراسی، رعایت قانون و نظم و ایجاد نگرش مثبت در این زمینه و اعمال آن توسط افراد یک جامعه، به خصوص متولیان امر خطیر تعلیم و تربیت، ضرورت می یابد. در این مقاله، سعی بر این است که ضمن تعریف کلید واژه های ارائه شده، به موارد زیر پرداخته شود:

- اهمیت و ضرورت نظم و انضباط در صنف

- روش تدریس مناسب

- راه ها و فنون ایجاد نظم صنف و یا مدیریت صنف

- ویژگی های رفتاری و اخلاقی یک معلم و رابطه ی آن با ایجاد نظم صنف.

همچنین در این مقاله ضمن تبیین و توضیح مواد ذکر شده و ارائه ی راه حل های کاربردی بر مبنای تئوری های علم تعلیم و تربیت در رابطه با موضوع مقاله، در پایان پیشنهادهایی نیز براساس موضوع مهم مدیریت صنف که همه ی معلمان و استادان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی با آن درگیر می باشند، ارائه می گردد.

کلید واژه ها: مدیریت، صنف، نظم صنف، فنون تدریس

شیوه های مدیریت صنف

آموزش و پرورش علاوه بر این که در دسته بندی مشاغل در رده بالایی قرار دارد. از نظر پیچیدگی نیز جزء پیچیده ترین حرفه های تخصصی دسته بندی می گردد. (علاقه بند، ۱۳۷۵)

اشراف معلم بر موضوعات درسی، مسائل یادگیری، الگو، مهارت ها، روش ها، راهبردها، و فنون تدریس، از عوامل عمده اثر بخشی رفتار و مدیریت صنف می باشد.

در رفتار صنفی و ارتباط معلم با دانش آموزان با توجه به این که مدرسه و صنف سازمان های اجتماعی آموزش تربیتی می باشد. از نظریه های سازمانی استفاده می گردد.

صنف درس یک سازمان اجتماعی آموزشی است، سازمان های اجتماعی، آموزشی - تربیتی، بدون پیروی محض از ارتباطات رسمی در جهت پویایی پیش می روند. وجود نظم و انضباط در صنف و یا به عبارتی مدیریت صنف، جهت اثر بخشی - و کارآیی و در نهایت بهره وری کار یک معلم بسیار مؤثر می باشد. بنابراین لازم است در این خصوص فنون و ویژگیهای مورد نیاز مدیریت صنف شناسایی و تبیین گردد، تا مورد استفاده همه کسانی که با آموزش و پرورش سر و کار دارند، قرار گیرد.

از مدیریت تعریف های زیادی شده است که بر اساس اهمیت کاربرد آن ها در رفتار صنف به برخی اشاره میشود. یکی از تعاریف قابل قبول مدیریت در امر رفتار صنفی این تعریف است:

مدیریت یعنی هنر انجام دادن کارها به وسیله دیگران (فالت) در این تعریف، رفتار آمرانه معلم و همچنین خود محوری وی مورد انتقاد قرار می‌گیرد. با توجه به این تعریف، معلم بایستی یک راهنمای خوب باشد، ولی کارها توسط خود دانش آموز انجام شود؛ آنها در امر یادگیری فعال باشند. بدیهی است که هر چه مشارکت دانش آموزان در فعالیت‌های صنفی و در امر یادگیری بیشتر باشد، رشد مهارت‌های گوناگون در آنان بیشتر می‌شود، متکی به خود می‌گردند و اعتماد بنفس در آنان رشد می‌کند. باید در نظر داشت که این تعریف در صنف‌هایی که فراگیران، دوران کودکی را طی می‌کنند، دارای کاربرد زیادی نیست در مقطع ابتدایی، پیش از آنکه معلم به کودکان آموزش دهد، بایستی عمدتاً خود، برنامه ریز بوده و اهداف آموزشی را دنبال کند، زیرا با توجه به ویژگی‌های خاص کودکان اول‌متکی به دیگران بوده و ثانیاً کم تجربه می‌باشند، این وظیفه به معلم برمی‌گردد، در حالی که آموزش بزرگسالان به دلیل اینکه آنان در امر برنامه ریزی‌های درسی و صنفی، از اهمیت زیادی برخوردار می‌گردد. با توجه به موارد فوق در آموزش دوره‌های بالاتر، لازم است فراگیران، خود در امر یادگیری مشارکت داشته باشند. در تعریف دیگر مدیریت کار کردن با افراد به وسیله اعضای گروه‌ها برای تحقق اهداف سازمانی بیان شده است (پرداختچی ۱۳۷۲)

در این تعریف، اهمیت مشارکت معلم به عنوان رهبر و راهنمای دانش آموزان، بیشتر ملحوظ است، بدین معنی که پس از اینکه اهداف مشخص شد معلم و دانش آموزان بایستی با برنامه ریزی صحیح راه رسیدن به آن را دنبال کنند.

مدیریت صنف درس عبارت از رهبری کردن امور صنف درس از طریق: تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کار نظارت بر پیشرفت دانش آموزان و پیشبینی مسائل بالقوه است. (صفوی، ۱۳۷۲).

تعریف دیگری از سازماندهی و مدیریت صنف وجود دارد که میتوان از آنها در رهبری صنف درس، با تکیه بر بعد انسانی آن چنین تعریف کرد:

مدیریت صنف عبارت است، از هنر به کار بردن دانش تخصصی- و بهره‌گیری از مهارت‌های صنف داری در هدایت دانش آموزان به سوی اهداف مورد نیاز و جامعه.

انضباط صنف

بدون شك به منظور تدریس و نیل به اهداف آموزش و پرورش، وجود شرایطی لازم می‌باشد، از جمله این شرایط می‌توان به نظم حاکم بر صنف به عنوان فاکتوری مهم اشاره نمود، زیرا صنفی که در آن اولین گام یادگیری (یعنی نظم و انضباط و مشارکت در فعالیت و جلب توجه فعال شاگردان) اعمال نگردد، به یقین نتایج مطلوبی نخواهد داشت. روش‌های صنف داری و نظم صنف در ایجاد انگیزه برای یادگیری دانش آموزان بسیار موثر می‌باشد.

اهداف می توانند به وسیله روش ها تحت تاثیر قرار گیرند. (rozyck، ۱۹۹۹) بنابراین اعمال روش های درست تدریس و سبک های مناسب مدیریت با توجه به شرایط صنف، امکانات آموزشگاه، توانایی معلم و نوع کتاب و محتوای درسی، متفاوت می باشد.

عوامل موثر بر مدیریت صنف را در سه قسمت به شرح زیر طبقه بندی می نماییم.

الف: ویژگی های شخصیتی معلم.

ب: روش های تدریس معلم.

ج: استفاده از فنون تدریس.

عوامل موثر بر مدیریت صنف

الف) ویژگی های شخصیتی معلم

بدون شك شخصیت و یا ویژگی های شخصیتی معلم، یکی از عوامل بسیار مهم در نظم دهی صنف می باشد. معلمی که ظاهر آن آراسته می باشد، مثبت نگر و خوش اخلاق است به توانایی های ذهنی، جسمی، عاطفی و تفاوت های فردی شاگردان آگاهی دارد، شرایط فزیک صنف را از قبل آماده می سازد، مهارت ارزشیابی و پرسش کردن را میداند، دانش آموزان را دوست دارد و به کارش علاقه نشان میدهد، با ایمان، راستگو، صادق و خوش بیان می باشد، در کارش مسلط است و با معلمی که این ویژگیها را ندارد، مسلماً بسیار متفاوت است بنابر این معلمین باید این صفت را در خود آشکار نمایند و در تمهیدات اشتغال به حرفه ی مقدس معلمی، این ویژگی ها را در خود متبلور سازند.

روش های تدریس

بسیار اند دانشجو معلمینی که در صنف های دانشگاه یا مراکز تربیت معلم، دائم این جمله را بیان می دارند که " این روش تدریس را نمیتوان در صنف ها به کار برد " دلیل گفتن این جمله اعتراضی این است که دانشجویمان معلمی، هنوز آگاهی ندارد که هر روش تدریس کارآیی خاص خود را دارد و از یک روش تدریس نمی توان برای آموزش همه دروس و یا در همه صنف ها استفاده نمود. همچنین بعضی- اذعان می دارند که اجرای بعضی از روش های تدریس، باعث شلوغی و بی نظمی صنف می گردد.

در توضیح این مطالب شایان ذکر است که یک معلم باید با توجه به شرایط صنف- امکانات و تجهیزات - توانایی های خود و شاگردان و محتوای کتب درسی یک روش مناسب انتخاب نماید و در صورتی که روش تدریس معلم مناسب نباشد باعث سردرگمی شاگردان، شلوغی صنف و اتلاف وقت خواهد شد. بنابر این لازم است که یک معلم نسبت به الگوها، روش ها و راهبردهای فنون تدریس، آگاهی های لازم را داشته باشد تا به موقع و در جای مناسب از هر کدام از روش ها و فنون، با موقعیت بهره مند گردد.

یکی از دلایل عدم استفاده از روش های فعال تدریس توسط معلمان محتوای کتب درسی می باشد. تحلیل محتوای کتب درسی دوره ی مکتب نشان می دهد که تنها ۳۷ درصد معیار های روش های تدریس فعال و کتب درسی این دوره اعمال گردیده است. (پیریایی، ۱۳۸۳) بنابر این ضرورت دارد که یک معلم در طراحی آموزشی تدابیری بیاندیشد تا شاگردان را با مفاهیمی که ارائه گردید آشنا نموده و

امکان بر هم زدن نظم صنف را از دانش آموزان خاطی سلب نماید، همچنین ضروری است که محتوای کتب درسی با توجه به چگونگی آموزش و اعمال روش های تدریس فعال باز نگری گردد .

تدریس به مجموعه اعمالی که معلم برای جلب توجه شاگردان به تدریس اثربخش و کارآمدتر اجرا می نماید ، گفته میشود. آشنایی و آگاهی نسبت به فنون تدریس و اعمال آنها در صنف درس توسط معلم ، باعث می شود که وی بدون استفاده از خشونت و تنبیه بدنی ، صنف را مدیریت نموده و نظم را حاکم سازد ، از جمله فنون تدریس می توان موارد زیر را بر شمرد .

الف: تدابیر منفی

تدبیر منفی یکی از تکنیک های خانواده درمانی است و معلم به منظور ساکت کردن صنف و یا جلب توجه دانش آموزان از آن استفاده می نماید بدین صورت وقتیکه صنف شلوغ میشود معلم طنین شادی صدای خود را کم کرده و بغض صدایش را افزایش می دهد و با این روش به صنف نظم می بخشد.

ب: ازدیاد تن صدا

به منظور جلب توجه شاگردان و وادار کردن آنها به گوش دادن ،معلم باید با صدای یکنواخت صحبت نکند، نوسانات صدای خود را کم و زیاد نماید تا دانش آموزان شنونده فعالی شوند.

ج: حرکت های معلم

بین حرکتهای معلم وتوجه شاگردان رابطه مستقیم وجود دارد ، (شعبانی،۳۸۲) هر چه حرکات هدفمند معلم و حرکت کردن به آخر صنف و بر گشتن و حرکات پایین صنف معلم بیشتر باشد ، معلم بر صنف تسلط خواهد داشت و شاگردان بیشتر به او توجه خواهند کرد ودر نتیجه یادگیری بهتر صورت میگیرد .

" نگاه کنید ، دقت کنید " ، این کلمات خیلی مهم اند و تکرار بعضی- افعال و کلمات از جمله نکاتی است که به خاطر تاکید معلم ، توجه شاگردان را جلب می نماید.

بعضی- از ایما ها و اشارات معلم ، باعث دقت بیشتر شاگردان می شود؛ حرکات دست ، چشم ،ابرو ، دهان ، انگشتان و سر ، مشتمل براین حرکات است .

برخی معلمان درحین توضیح دادن و یا سخنرانی با مکث های به موقع حواس شاگردان را به مفاهیم جلب می نمایند، سر و صدای دانش آموزان را کاهش می دهد. و صنف را اداره می نمایند .

یکی ازفنوننی که به عنوان ابزاری موثر دراختیار معلمان می باشد ، تشویق و تمجید است؛ البته تمجید عملکرد شاگردان، با ارزشتر از تشویق آنان است، زیرا تشویق شاگردان باعث به وجود آمدن آموزش و پرورش سود گرایانه می گردد. همچنین معلم می تواند با توجه به سن دانش آموزان از تقویت پته ای نیز بهره برد .ویا از کارتهای تلاش ، امتیاز و کارت جایزه بدین منظور استفاده نماید . استفاده یی فاصله ای و نسبی متناوب از این ابزار ، اثر بخشی آن را ارتقا می بخشد.

گاهی نگاه‌های معنی‌دار معلم به دانش‌آموزی که به درس توجه ندارد و یا سروصدا می‌کند، باعث کاهش رفتار نا به جایی او می‌گردد. همچنین با عصبانیت نگاه کردن به دانش‌آموزانی که برای صنف مزاحمت ایجاد کرده‌اند؛ باعث می‌شود دانش‌آموز وادار شود به درس‌های معلم گوش دهد. گاهی معلم با ضربه زدن به میز یا تابلوی صنف، توجه شاگردان به مطالب و مفاهیمی که ارائه می‌شود جلب می‌کند.

تدوین قوانین صنف و تشریح آن برای دانش‌آموزان و آگاهی دادن به آنها باعث ایجاد نگرش می‌گردد و در نهایت موجب عملکرد مثبت فردی و گروهی می‌شود. لذا معلمان باید در تدوین مقررات صنف به خصوص در روزهای اول دقت کافی داشته باشند.

از زمانی که تعلیم و تربیت به وجود آمده است، معلمان به رفتار دانش‌آموزان توجه داشته‌اند. حتی سقراط شکایت داشت که دانشجویان او "عاشق تجمل‌اند"، رفتارهای بدی دارند و به اولیای خود بی‌احترامی می‌کنند.

این نگرانی فزاینده وجود دارد که رفتارهای نامناسب دانش‌آموزان امروز، به مراتب بیشتر و شدیدتر از گذشتگان باشد، ولی شواهد اندکی برای اثبات این نظریه وجود دارد. کارشناسان گوناگون نظریات متفاوتی درباره اداره صنف مطرح کرده‌اند، ولی بهترین شواهد را باید از مشاهده مستقیم کار معلمان در سازماندهی محیط صنف به دست آورد. در سال‌های اخیر، اصطلاح "مدیریت صنف" عمدتاً به نوعی روش رفتاری برای هدایت رفتار صنف اشاره داشته است. این هشت اصل در زمینه مدیریت صنف می‌توانند مفید باشند:

۱- امکان فعالیت‌های یادگیری معنادار را فراهم سازید. رمز پیشگیری از بروز مشکلات در صنف، داشتن فعالیت‌های با معنا و چالش‌گرانه است. وقتی دانش‌آموزان به کار خویش علاقه مند باشند، بی‌نظمی در صنف کمتر می‌شود و زمانی که اطلاعات درسی برای دانش‌آموزان با معنا باشد، یادگیری تقویت می‌شود. یک عامل مهم برای پیدا کردن فعالیت‌های با معنا، اطلاعات شما از دانش‌آموزان، علاقه‌ها، روش فکری و میزان آمادگی آنان است.

۲- صنف را به محیط حمایت‌کننده تبدیل کنید. یادگیری و رشد، خود به خود اتفاق نمی‌افتد و به این منظور لازم است به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ داده شود. صنف باید محیطی باشد که در آن به نیازهای زیستی، ایمنی، تعلق و احترام به نفس در حد اعلای ممکن پاسخ داده شود. آشکار است که معلم نمی‌تواند جایگزین پدر و مادر شود و سرپرستی و عشقی را که کودک نیاز دارد، برای او فراهم کند، ولی مسلماً می‌تواند امنیت دانش‌آموز را در صنف تضمین کند و با تحسین صادقانه او نقشی تسهیل‌کننده ایفا کند.

۳- برای یادگیری موفقیت‌آمیز، فرصت‌های لازم را فراهم آورید. این گفته قدیمی که "موفقیت، موفقیت می‌آورد" در صنف درس کم‌تر از سایر جاها صادق نیست. همه دانش‌آموزان باید امکان تجربه موفقیت را در صنف داشته باشند. این تجربه ممکن است از سهیم شدن در کارها تا پیشرفت در درس

خاص تغییر کند. معنای موفقیت تنها پیروزی در رقابت با دیگران نیست. پیشرفت فرد در انجام کارهای خود، منبع مهم کسب موفقیت است. معلمان موفق فعالیت های را برنامه ریزی می کنند که ضمن کارآمد بودن، احتمال موفقیت در آن ها زیاد باشد.

۴- به دانش آموزان کمک کنید؛ تا هدف های مربوط به اصلاح خود را تعریف کنند. هدف هایی که دانش آموزان انتخاب می کنند. در رفتار موفقیت آمیز آنان تأثیر دارد؛ یعنی احتمال بروز رفتارهای سازنده از دانش آموزانی که هدف های مربوط به اصلاح خود را دنبال می کنند، بسیار بیشتر از آن هایی است که فقط در پی هدف های عملی صنف هستند.

۵- درباره نتایج کارها، اطلاعات لازم را در اختیار دانش آموزان بگذارید. گفتن نتایج کارها توسط معلمان، با موفقیت دانش آموزان رابطه نزدیک دارد. اگر آن ها به بچه ها، کارهای خوبشان و معیارهای خوب انجام دادن کارها را توضیح دهند، یادگیری دانش آموزان استمرار پیدا می کند و امکان بروز رفتارهای بد کاهش می یابد. به علاوه، این کار سبب می شود که آن ها درباره خود در رابطه با کارهایشان داوری کنند و کارهایشان را تحلیل کنند.

۶- دانش آموزان را در تصمیم گیری شرکت دهید. دانش آموزان نیاز دارند که احساس کنند در مورد کارهایی که انجام می دهند، مختاراند. اگر مدیریت صنف ضعیف باشد، آن ها احساس می کنند که در مورد یادگیری خود اختیار ندارند. در این صورت، آن ها آنچه را معلم می خواهد انجام می دهند و انگیزه شان برای ادامه کار کاهش می یابد. معلمان موفق به دانش آموزان خویش اجازه می دهند که نقش مهمی را در تعیین تجربه های یادگیری ایفا کنند. آن ها اغلب به دانش آموزان اجازه می دهند که درباره موضوع، زمان و نحوه یادگیری تصمیم بگیرند. مشارکت دانش آموزان سبب می شود که احساس کنند، بر اوضاع مسلط هستند. در نتیجه انگیزه آن ها افزایش و امکان بد رفتاری شان کاهش می یابد.

۷- برای روزهای "بد" برنامه ریزی کنید. گاهی موفق ترین معلمان نیز با وجود برنامه ریزی، از تدریس باز می مانند. از جمله رویدادهایی مثل بیماری، مشکلات خانوادگی و... برای آن ها به وجود می آید. در این صورت، با یک پیش برنامه کلی و با معنا برای مواقع اضطراری، می توان دانش آموزان را کاملاً مشغول کرد.

۸- رفتارهای مناسب را تقویت کنید. دانش آموزان نمی توانند در یک زمان، هم مسأله ریاضی حل کنند و هم با یکدیگر صحبت کنند. در این جا حل مسأله، رفتار مناسب و صحبت کردن، رفتار نامناسب است. وقتی رفتار نامناسب به ندرت اتفاق می افتد. این روزها با یکدیگر در تقابل هستند و در یک زمان تنها یکی از آن ها را می توان انجام داد. پس با تقویت رفتار مناسب می توان از بروز رفتار نامناسب جلوگیری کرد. معیار مدیریت موفق در صنف، پرهیز از مشکلات است، نه صرفاً برخورد با رفتارهای نامناسب امروزه با وجود ایجاد تغییرات عمیق در نظام آموزش و پرورش و تغییر در سیاست ها و برنامه ریزی های آموزشی، بعضی از معلمان در رویارویی با مسائل و مشکلات آموزشی فاقد توانایی های لازم و اساسی هستند و از روش های قدیم و مهارت های سنتی و انفرادی برای اداره ی صنف خود استفاده

کنند. همین امر باعث کندي شکل گيري فرايند ياددهي- يادگيري و آسيب پذيري امر آموزش شده است.

تحقيقات بي شمار نشان داده اند، بعضي- از مشکلات اخلاقي و اجتماعي نوجوانان ما حاكي از جذاب نبودن محيط مكتب و صنف درس و كشمكش هاي اين گونه دانش آموزان با معلمان و در نتيجه افت تحصيلي آنان بوده است. لذا وجود مديريت كارآمد معلمان و ايجاد شرايط لازم براي تسهيل در امر يادگيري در صنف درس كه مطابق نيازها و ويژگي هاي فراگيران باشد، لازمه ي جامعه ي امروزي و راه گشاي بسياري از مشکلات نوجوانان است.

در اين نوشتار، ضمن ارائه ي تعاريفي از مديريت، اصول و هدف هاي آن، مهارت ها و روش هاي مديريتي صنف درس معرفي و مورد بحث قرار گرفته اند.

بعضی عقیده دارند، مديريت صنف درس فقط با حفظ نظم و انضباط صنف قابل طرح است، اما مديريت صنف درس سخني بس فراتر از آن است.

معلم موفق كسي- است كه صنف درس را به گونه اي آماده سازد تا پاسخ گوي تمامي چالش ها در طول تدريس باشد. معلم بايد توانايي هاي خود را بشناسد، روش تدريس خود را ارزيايي كند و اگر روش ها قديمي و كهنه باشند روش پويا و زنده اي را پيش گيرد تا روحيه ي خلاقيت و نوآوري را در نهاد دانش آموزان شگوفا سازد. او بايد روش هاي برخورد با مشکلات درس را بشناسد و راهبردي را اتخاذ كند كه فرايند ياددهي- يادگيري را مختل نسازد و مشکلات جزئي صنف او، به مشکلات كلي و وخيم تبديل نشود. هم چنين بايد رفتاري داشته باشد كه دانش آموخته گان صنف درس او، مسائل آموزشي و مشکلات رفتاري خود را در محيطي آرام و سرشار از محبت و غير تهديدآمیز حل كنند.

به گفته ي ايرنز، برخي از معلمان در هنر معلمي استعداد بيشتري دارند؛ اگرچه ممكن است ضرورتاً در علم معلمي استعداد خوبي نداشته باشند. اين گروه از معلمان مي توانند، فضاي صنف را به صورتي ماهرانه براي يادگيري، مساعد و دل انگيز كنند و مسائل و مشکلات انضباطي آن را به حداقل برسانند.

معلمان، علاوه بر كسب مهارت هاي مربوط به هنر معلمي، يعني تسلط بر صنف و داشتن مهارت هاي آموزشي بايد واكنش ها و راهبردهاي معين ديگري را نيز براي اداره ي صنف درس ياد بگيرند.

مطالعات متعدد نشان داده است، معلم كارآمد و فعال معلمي است كه مي تواند براساس توانايي خود، به هدف هاي مورد نظر يادگيري و نيز دو مهارت زير دست يابد:

۱. مديريت اداره ي صنف؛

۲. تدريس كارآ؛

مديريت صنف چيست؟

مهمترين دغدغه ي معلمان مبتدي، از اداره صنف و يا به تعبير مديريت اداره صنف درس ناشي مي شود. برقراري نظم و كنترول صنف و تدريس موفق، مجموعه نگراني هاي اين گونه معلمان است. بنابراين آگاهي از مفهوم مديريت صنف و راهبردهاي آن، راهي براي رفع اين نگراني هاست.

در تعریف مدیریت صنف درس گفته شده است: «مدیریت صنف درس ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است.» بر این اساس می توان استنتاج کرد، مهارت های مدیریت صنف درس، سنگ بنای کل موفقیت در تدریس است. این امر به ویژه در صنف های درسی مکاتب افغانستان که مملو از دانش آموزانی است که گاهی شمار آنان بالاتر از حد استاندارد است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. هدف های عمده ی مدیریت صنف شامل موارد زیر است:

- الف) برنامه ریزی درسی بر پایه ی آمیزه ای از تنوع و هدف.
- ب) ارائه ی دستورالعمل های شفاف به دانش آموزان در مورد فعالیت های درسی.
- ج) هدایت و نظارت بر یادگیری و فعالیت های دانش آموزان؛
- د) به کارگیری ابزارهای آموزشی و منابع یادگیری و تدریس؛
- ه) حرکت منطقی از یک مرحله ی تدریس به مرحله ی دیگر؛
- و) زمان بندی فعالیت های صنف و ایجاد توازن در آن ها؛
- ز) شروع و خاتمه ی هدفمند درس؛

معلمان با بررسی هدف ها و مؤلفه های مدیریت صنف درس، تأمل در مورد صنف های خود، بازدید از صنف های دیگر همکاران و گفت و گو با کارشناسان، نگرشی همه جانبه در مورد مدیریت صنف پیدا می کنند.

اصول مدیریت صنف

از مهمترین اصول صنف داری، کارآیی و جامع الاطراف بودن معلم است. معلم کارآ معلمی است که بر مطالب درسی تسلط دارد، کارها و اعمال او سازمان یافته، منظم و دارای اعتماد به نفس است، به دانش آموزان نیز اعتماد می کند و شکیباست.

به تعبیری دیگر، نخستین پیش درآمد برای اعمال مدیریت بر صنف و ایجاد شرایط بهینه برای یادگیری این است که معلم فردی کارآ باشد تا از مهارت های مدیریت صنف درس بهره گیرد. جامع الاطراف بودن معلم، دومین پیش درآمد برای اعمال مدیریت بر صنف است.

معلمان سه گونه اند:

- ۱- توضیح دهنده؛
- ۲- مشارکت دهنده؛
- ۳- توانمندساز؛

(۱) معلم توضیح دهنده بر موضوع درس تسلط دارد، اما آگاهی او از روش تدریس اندک است. تدریس او بر محور سخنرانی و توضیح استوار است و برخی دانش آموزان با او همراه هستند.

(۲) معلم مشارکت دهنده بر موضوع درس تسلط دارد و افزون بر آن، با روش تدریس نیز آشناست. چنین معلمی می کوشد تا از فعالیت های جالب بهره گیرد، دانش آموزان را در کارها مشارکت دهد و در عین حال مدیریت صحیحی را در صنف اعمال کند.

(۳) معلم توانمندساز در مرحله ی عالی حرفه ای قرار دارد. او نه فقط موضوع درس و روش تدریس را به خوبی می شناسد، بلکه به تفکرات و احساسات دانش آموزان نیز توجه دارد. چنین معلمي اعتماد به نفس بالایی دارد، به حدی که دانش آموزان را در مدیریت صنف درس سهیم می کند یا این که صنف درس را یکسره به آنان می سپارد و خود راهنما می شود، با گفتگو و مشورت با دانش آموزان تصمیم می گیرد تا در آنان توان یادگیری را عملی سازد.

مدیریت های صنف

مدیریت صنف بر دو مهارت به هم پیوسته و اساسی استوار است:

۱- تصمیم گیری

۲- اقدام

(۱) تصمیم گیری یعنی، چه اقدامی را چگونه، چه وقت، و به وسیله ی چه کسی باید انجام داد.
 (۲) اقدام یعنی، عملی که در صنف درس تحقق می پذیرد. مانند تأکید بر نکته های تدریس، استفاده از تخته سیاه و... از این رو، مهارت های اساسی و ضروری برای مدیریت صنف درس، به منزله اتخاذ تصمیم مناسب و تبدیل آن به اقدامی مؤثر است.
 مدیریت صنف درس زرهی نیست که معلمان از نخستین روز تدریس بر تن کنند و خود را در برابر مشکلات صنف و چالش ها ایمن سازند، بلکه مهارتی است که هر روز با تجربه و تأمل و دقت معلم در صنف کامل می شود و معلم را در امر تدریس کارآمدتر می سازد.

روش های مدیریت صنف

انتخاب روش صحیح مدیریت صنف درس و سازمان دهی آن، از علائم موفقیت معلم به شمار می آید. انتخاب هرگونه شیوه مدیریتی، به سبک تدریس و هدف های معلم بستگی دارد. معلمان با بکارگیری روش مدیریت مناسب صنف درس خود می توانند، در پرورش مهارت های اجتماعی، خلاقیت ها و توانایی های دانش آموزان نقش مهمی داشته باشند و مشکلات انضباطی کمتری در صنف خود مشاهده کنند.

اداره کردن چنین محیطی نیازمند تصمیمات آنی و اقدامات سریع و مداوم است و به مهارت های خاص مدیریتی و گاهی تلفیق از چند روش مدیریتی نیاز دارد. در این جا سه روش مدیریت صنف درس ارائه می شود.

۱- روش رفتارگرایانه: رویکرد رفتارگرایانه به این نکته تأکید دارد که معلم باید تصمیمی اتخاذ کند تا در صنف درس او مشکلی به وجود نیاید. از آغاز سال تحصیلی، معلم موظف است قوانین و مقررات صنف درس را وضع کند. دانش آموزان نیز موظف اند آن قوانین را اجرا کنند. فرایند تقویت از طریق پاداش دادن به رفتارهای مطلوب و پس گرفتن امتیاز در صورت بروز رفتارهای غیرمطلوب، در این روش مؤثر است. اقتدار معلم در این روش کاملاً محفوظ است و معلم در وضع و حفظ مقررات صنف، از این اقتدار بهره می جوید.

۲- روش تعامل گرایانه: در این روش، مشکلات صنف پیامد طبیعی حضور دانش آموزان تلقی می شود، غیرمنتظره به نظر نمی رسد و مانند فعالیت های حل مسئله در صنف، مورد توجه قرار می گیرد و حل و فصل می شود.

۳- روش غیرمداخله جویانه: این روش حد وسط دو روش رفتارگرایانه و تعامل گرایانه است. مداخله ی معلم در حل مشکلات صنف بسیار اندک است. هدف اصلی در این روش، ارتقای رشد فردی دانش آموزان و آزادی آنان است. معلمان در این روش با دانش آموزان خود رابطه ی مشاوره ای دارند و معلم در فعالیت های صنف نقش حمایتی از دانش آموز دارد. این روش حداقل اقتدار را برای معلم در نظر می گیرد و به جای آن، بیشتر به تقویت روابط میان معلم و دانش آموز تأکید دارد.

به طور کلی نمی توان گفت کدام روش کارآمدتر یا فاقد کارایی است. روشی برای معلم کارآمد است که بهترین نتیجه را در صنف درس او داشته باشد. بنابراین معلم باید روش های متعدد را در صنف خود بیازماید و کارآمدترین را انتخاب کند. البته به صراحت می توان گفت، شمار معلمانی که از نظر سبک یکی از روش های مدیریت رفتارگرایانه یا تعامل گرایانه یا غیرمداخله جو را اعمال می کنند، اندک است. اکثر معلمان بدون این که از روش مدیریت صنف درس خود آگاه باشند، ترکیبی از سه نوع مدیریت را مورد استفاده قرار می دهند. این معلمان روش مدیریت صحیح و علمی و استاندارد را در هر لحظه از زمان تدریس خود به کار می گیرند و صنف درس آن ها همیشه فعال و زنده و پر از نشاط و انگیزه ی یادگیری است.

نتیجه گیری

به طور خلاصه می توان گفت: به منظور ایجاد نظم و تغییر مدیریت صنفی، سه شرط لازم است، و این شروط عبارتند از:

- روش تدریس مناسب، ویژگی های شخصیتی معلم و استفاده از فنون تدریس،
- هر کدام از موارد ذکر شده به صورت مهندسی شده و کاربردی، در این مقاله توصیف و تبیین گردید.
- در پایان پیشنهادهایی با توجه به مطالب ذکر شده ی این مقاله ارائه می گردد؛
- تشکیل کارگاه های آموزشی و اجرای فنون تدریس به صورت علمی در این کارگاه ها برای تمامی کسانیکه با تدریس و به طور کلی با آموزش سر و کار دارند؛
- تشکیل دوره های ظرفیت سازی ضمن خدمت به منظور آشنایی همه معلمان با روش های تدریس؛ تا معلمان بتوانند در مواقع ضروری آن روش ها را به کار گیرند؛
- برگزاری همایش، سمینارها، نشست های علمی و جلسات شورایی معلمان می تواند فرصت بسیار مناسبی جهت بحث پیرامون انضباط صنفی فراهم آورد.
- دعوت از افراد موفق برای ایراد سخن در جلسات شورایی معلمان پیرامون چگونگی مدیریت صنف

درس؛

- تغییر محتوای کتب درسی با توجه به روش های فعال تدریس و ارائه ی محتوا براساس تفکر واگرا به جای تفکر همگرا به منظور درگیر کردن شاگردان با مطالب و کمرنگ کردن روش های تدریس سنتی؛
- تبیین ویژگی های یک معلم نمونه از نظر شخصیتی و اخلاقی و ارائه ی الگو های مناسب توسط گروه های آموزشی ، رسانه ها و آموزش و پرورش و استخدام معلمان با ویژگی های شخصیتی مناسب؛
- تقدیر از معلمان که بدون تنبیه و خشونت به بهترین نحو ممکن صنف درس خود را مدیریت مینمایند و تهیه ی فیلم و سی دی از الگو های تدریس این معلمان جهت استفاده ی سایر همکاران؛
- اجرای طرح مربیگری همتا در مدارس که بعضی معلمان در اداره صنف مشکل دارند؛
- اجرای طرح تصمیم گیری سیستم گروهی اسمی به منظور نظر سنجی از همه ی همکاران جهت مدیریت صنف درس و برگزاری دوره ی بیست ساعته ی کوتاه مدت ضمن خدمت پیرامون شیوه های مدیریت صنف برای کلیه معلمان .
- تحقیق پیرامون موضوع و شیوه های مناسب مدیریت صنف در مقاطع تحصیلی ابتدایی ، راهنمایی و مکتب .
- چاپ و نشر خلاصه تحقیقات انجام شده به صورت اقدام پژوهی در خصوص موضوع مدیریت صنف درس .
- در پایان امید است مطالب ارائه شده در این مقاله مورد استفاده ی معلمان گران قدر این مرز و بوم قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. پیریایی ، حسین : بررسی راه های افزایش علاقه مندی دبیران استان لرستان با استفاده از روش های تدریس خلاق کار ، آموزش و پرورش استان لرستان ، ۱۳۸۳
۲. جویس ، بروس وویل ، مارشا : **الگوهای جدید تدریس** ، ترجمه بهرنگی ، محمد رضا ، نشر تابان ، ۱۳۷۶
۳. رئوفی ، حسین ، **مدیریت ، رفتار صنفی** ، چاپ دوم ، انتشارات آستان قدس رضوی ، ۱۳۷۷
۴. سرمد ، غلام علی ، **تدریس ، هنر معلمی** ، انتشارات اشراق ۱۳۷۶
۵. شعبانی ، حسن : **مهارت های آموزش و پرورش (روشها و فنون تدریس)** ، انتشارات سمت ، ۱۳۷۱
۶. فتحی آذر اسکندر : **روشها و فنون تدریس** انتشارات دانشگاه تبریز ۱۳۸۲
۷. قورچیان ، نادر قلی : **جزئیات روش تدریس** ، نشر دفتر همکاری های علمی بین المللی آموزش و پرورش

۱۳۸۷ ه ش

ابزار های قدرت نرم روسیه در روابط بین الملل طی سال های ۲۰۱۰ - ۲۰۲۱

نویسنده: نصیب الله رووفی

چکیده

روسیه در حدود یک دهه است که به استفاده از قدرت نرم ترغیب شده است. جغرافیای به جامانده از دوران اتحاد جماهیر شوروی، از جمله کشور های خارج نزدیک و منطقه، برای این مهم، هدف گذاری شده است. برای روسیه، حفظ نفوذ بر کشور های منطقه یک ضرورت وجودی و از مهمترین اولویت های سیاست خارجی به شمار می رود. موضوع قدرت نرم برای نخستین بار در گفتمان سیاسی ولادیمیر پوتین در فوریه ۲۰۱۲ مورد استفاده قرار گرفت. قدرت نرم که اکنون بسیار مورد توجه روس ها است از منابع مختلف و گاه متضادی نشأت گرفته است که در روسیه بخش عمده این منابع ماهیت دولتی و رسمی دارد. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه روسیه توانسته است از قدرت نرم برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود در طی سال های (۲۰۱۰ - ۲۰۲۱) بهره بگیرد؟ پاسخی که به عنوان فرضیه به این پرسش داده شده است این است که روسیه از طریق آموزش عالی و همکاری های دانشگاهی، زبان، رسانه ها، فرهنگ و ادبیات، نهادهای وابسته به دولت، کلیسای ارتدکس روسی، حمایت از هم میهنان روسی و دیپلماسی تجاری از قدرت نرم بهره گرفته و منجر به نفوذ این کشور در منطقه شده است. هدف این نوشتار شناسایی توسعه قدرت نرم روسیه و منابع آن در منطقه است، نتیجه حاصله این است که قدرت نرم روسیه در حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست قابل ردیابی است. اما نگاهی ابزاری به منابع قدرت نرم در این منطقه راهبردی، علاوه بر عدم کارایی و اثرگذاری، باعث تضعیف همگرایی مدنظر روسیه در منطقه شده است. روش پژوهش این مقاله توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده ها از منابع معتبر علمی شامل کتب، مقالات علمی- پژوهشی و سایت های اینترنتی می باشد.

واژگان کلیدی

روسیه، قدرت نرم، سیاست خارجی، منابع قدرت نرم.

مقدمه

در این مقاله به بررسی و شناسایی منابع، ابزار ها و محدودیت های قدرت نرم روسیه در سطح منطقه با هدف دستیابی به ویژگی های راهبردی قدرت نرم روسیه می پردازیم. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فدراسیون روسیه به یکی از مهمترین مراکز ژئوپلیتیکی تبدیل شد که سیاست خارجی خود را با هدف تقویت قدرت نرم در خارج از مرزهای خود و به ویژه در کشورهای تازه استقلال یافته، طرح ریزی کرده است (Hess, ۲۰۲۰). فدراسیون روسیه با افزایش نقش قدرت نرم که با اهمیت یافتن بیش از پیش ارزش های فرهنگی و سیاسی همراه است، در تلاش است با ایجاد ظرفیت های جدید فرصت های بهتری

برای اعمال نفوذ خود در منطقه خارج دور و نزدیک ایجاد کند. سیاست خارجی فدراسیون روسیه بر آن است با بهره‌گیری از عنصر قدرت نرم، مشروعیت لازم را کسب کند (کیانی، ۱۳۹۶).

سردمداران شوروی، توجه و عنایت خاصی به مقوله قدرت نرم داشتند و یکی از رسالت‌های مهم خود را، تغییر در باورها و ذهنیت‌های نه تنها مردم خود بلکه خلق‌های کشورهای دیگر، بر اساس تعالیم سوسیالیسم و کمونیسم می‌دانستند (Hess, ۲۰۲۰). شعارهای آرمانی آن دوران بویژه عدالت اجتماعی، حمایت از طبقات کارگر و توزیع عادلانه ثروت و امکانات، به خودی خود، گیرائی و جاذبه زیادی در جهان ایجاد می‌کرد و حتی کشورهای اروپای غربی نیز نگران آن بودند این شعارها و تبلیغات، فضای فکری و روانی آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. علیرغم این مزیت‌ها، گذشت زمان و ناکارآمدی در جامه عمل پوشیدن به اهداف و آرمان‌ها باعث کم‌فروغ شدن جاذبه‌های جامعه شوروی گردید (اسمعیلی، ۱۳۹۶).

جهانی شدن با ایجاد تغییر در ماهیت و اشکال قدرت موجب افزایش تاثیر قدرت نرم بر روند سیاست خارجی کشورها در راستای دست‌یابی به اهداف و منافع ملی شده است. بنابراین بازیگران ملی و بین‌المللی از طریق تحول حادث شده در ماهیت قدرت که موجب افزایش تاثیرگذاری ابزارهای متنوع قدرت شده است و اغلب با تکیه بر انواع نرم قدرت، البته به موازات اشکال سخت آن، اهداف و منافع خود را در حوزه‌های بسیار گسترده‌تر، کارآمدتر و متنوع‌تر دنبال می‌کنند (Nye, ۲۰۰۸). در همین راستا، فدراسیون روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با توجه به مسائل و معضلات متعددی که در عرصه روابط بین‌الملل با آنها روبه‌رو بوده است و همچنین حیطة روبه‌رشد نفوذ سیاست خارجی خود، ضمن توجه اساسی به برنامه ریزی‌های سخت‌افزاری به منظور حفظ جایگاه برتر در سیاست بین‌الملل به اهمیت همه‌جانبه قدرت نرم در عصر انقلاب ارتباطات، پی‌برده و سعی کرده است به تناسب قابلیت‌ها و توانایی‌ها از این ابزار به منظور اهداف و سیاست‌های خود در عرصه سیاست خارجی بهره‌گیرد و به آنها جامه عمل بپوشاند (عطایی و شهیدانی هدایتی، ۱۳۹۲). نظر به اهمیت قدرت نرم این اصطلاح زمانی که برای نخستین بار در گفتمان سیاسی ولادیمیر پوتین در فوریه ۲۰۱۲ مورد استفاده قرار گرفت؛ در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، پوتین مفهوم قدرت نرم را این‌گونه توضیح داد: «مجموعه‌ای از ابزارها و روش‌ها برای دست‌یابی به اهداف سیاست خارجی بدون استفاده از اسلحه، بلکه با استفاده از اطلاعات و سایر اهرم‌های نفوذ» (اسمعیلی، ۱۳۹۶).

یک سال بعد، مفهوم قدرت نرم در سند رسمی سیاست خارجی روسیه در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ معرفی و تایید شد. همان‌طور که پوتین در مبارزات انتخاباتی گفته بود با استفاده از قدرت نرم، اعمال فشار بر کشورهای همسایه، دخالت در امور داخلی آنها، بی‌ثباتی وضعیت سیاسی کشورها به وسیله دستکاری افکار عمومی کشورهای هدف قابلیت اجرایی خواهد داشت. استنلی فیش، استاد علوم سیاسی دانشگاه برکلی در مورد اهداف پوتین در قبال گسترش قدرت نرم معتقد است «پوتین قصد دارد، پیامی روشن برای توده‌ها در جامعه بین‌الملل مخابره کند؛ وی در تلاش است (عطایی و شهیدانی هدایتی، ۱۳۹۲). مردم روسیه را به عنوان مردم عادی مثل همه جهانیان قلمداد کند که از دولت‌های

غربی و سازمان های غیردولتی نسبت به تبلیغات منفی راجع به رسمیت نشناختن هویت های مختلف در روسیه انتقاد دارند. پوتین معتقد است، کلیساها، مساجد و معابد ما هم همانند همه شما بی رحمانه مورد حمله لیبرال ها قرار گرفته است؛ بنابراین به ما بپیوندید و ما همگی برای حاکمیت فرهنگی و حق زندگیمان به همان اندازه خواهیم ایستاد که برای هم زبانان خود در منطقه ایستادگی کردیم» (Hess, ۲۰۲۰).

رویکرد روسیه نسبت به قدرت نرم به خوبی نشانگر تلاش های کرملمین برای ریشه کن کردن تهدیدهای نرم افزاری در داخل کشور و ابزار سیاسی برای همگرایی در منطقه خارج نزدیک و سایر مناطق جهان است. از این رو در بحث قدرت نرم به عنوان یکی از ابزارهای بسیار مهم سیاست خارجی در دنیای جهانی شده امروز، الگومندی و ابتنای آن بر رویکرد نظری ضرورتی مضاعف و حیاتی است (اسمعیلی، ۱۳۹۶). برداشت هژمونیک و انحصاری از مفهوم قدرت نرم در راستای منافع روسیه و نادیده گرفتن ظرفیت های این مفهوم در تحقق اهداف و منافع کشورهای منطقه تماماً موجب شده است، روند تاثیرگذاری قدرت نرم بر کشورهای منطقه انتظارات کرملمین را برآورده نکرده باشد (عطایی و شهیدانی هدایتی، ۱۳۹۲). روسیه در سال های اخیر با کمک نهادهایی همچون کلیسای ارتدوکس، بنیاد روسکی میر، باشگاه والدای و با اجرای سیاست های نظیر حمایت از روس های ساکن خارج از کشور (سیاست هم میهنان)، گام های مؤثری در حوزه به کارگیری و گسترش قدرت نرم برداشته است. روسیه به رغم خط مشی سیاسی خاص که در غرب، تهاجمی ارزیابی می شود، در رده بندی ۱۰ کشور برتر «قدرت های نرم» جای گرفت (Hess, ۲۰۲۰). پژوهش حاضر در پی آن است که به چگونگی بهره گیری روسیه از قدرت نرم برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود در طی سال های (۲۰۱۰ - ۲۰۲۱) پاسخ دهد؟

۱- چارچوب نظری

مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ میلادی به عنوان یک تئوری مطرح نمود، نای اعتقاد دارد که قدرت، مانند آب و هواست، همه به آن مربوط هستند و درباره آن صحبت می کنند، اما عده کمی آن را درک می کنند. او، موفقیت در سیاست های جهانی را مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می داند. نای این تعریف از قدرت را مبنای کار خویش قرار داده است (Nye, ۲۰۰۸). قدرت، توانایی ترغیب دیگران برای انجام آنچه شما می خواهید، می باشد. نای، اطلاعات را وجه بارز قرن اخیر می داند. از نظر او در عصر اطلاعات کشورهای صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده های مسلط آن ها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد (Clarke, Cento Bull & Deganutti, ۲۰۱۷). بدین ترتیب فرهنگ، سیاست های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه مؤلفه های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می آیند؛ همچنین او اعتقاد دارد عواملی مانند انسجام ملی، فرهنگ جهان شمول و نهادهای بین المللی در تحت تأثیر تحولات جهانی، اهمیت مضاعفی یافته اند جوزف نای، قدرت نرم را توانایی جذب کردن می داند که اغلب در نهایت به رضایت منجر می شود. (Nye, ۲۰۲۱) بر خلاف قدرت سخت که بیشتر مبتنی بر زور و تهدید و یا پاداش است،

در قدرت نرم یک کشور به نتیجه مورد نظرش از طریق روش های غیر مستقیم دست می یابد. بر مبنای نظریه نای، ماهیت قدرت نرم بر مبنای شکل دهی بر ترجیحات دیگران استوار است و این امر به گونه ای ناملموس و با استفاده از جاذبه های فرهنگی، ارزش ها و نهادهای سیاسی انجام می شود. البته قدرت نرم متفاوت از نفوذ می باشد، نفوذ می تواند مبتنی بر قدرت سخت، تهدید و یا پاداش باشد، اما قدرت نرم توانایی جذب کردن مبتنی بر رضایت است (Nye, ۲۰۰۸).

در دیدگاه نای در قدرت نرم، برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه، پاداش، جذب و اقناع وجود دارد. از نظر نای، قدرت نرم توان یک کشور برای دستیابی اهدافش از طریق جذابیت و نه اجبار یا تنبیه می باشد. این جذابیت از فرهنگ، ایده های سیاسی و سیاست های یک کشور ناشی می گردد، به خصوص زمانی که سیاست های یک کشور در نگاه دیگران مشروع به نظر برسد، قدرت نرم اعمال شده است. او سه مهارت را در اعمال قدرت نرم ضروری می داند: نخستین مهارت، هوش و هیجانی است که به معنای توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران می باشد. دوم، ایجاد تصویری از آینده که دیگران را جذب نماید و سوم، مهارت های ارتباطی است که شامل مهارت های بیانی؛ همچنین توانایی استفاده از وسایل ارتباطی غیر کلامی می باشد (Clarke, Cento Bull & Deganutti, ۲۰۱۷).

نای در آثار متأخرتر خود از موضع اولیه خود فاصله گرفته و بر این نکته که فرهنگ، ارزش ها و سیاست خارجی تنها منابع قدرت نرم نیستند، تاکید دارد. وی معتقد است که منابع اقتصادی نیز می توانند هم قدرت نرم و هم قدرت سخت تولید کنند. برخی اوقات در وضعیت متفاوت جهان کنونی، تمایز اینکه کدام بخش از یک رابطه اقتصادی از قدرت سخت و کدام بخش از قدرت نرم تشکیل شده، دشوار است (Nye, ۲۰۰۸). نکته مهمی که نای در مفهوم سازی خود توجه اندکی به آن دارد، بستر اجتماعی است که زمینه رشد قدرت نرم را فراهم می سازد و یا از آن جلوگیری می کند. مفهوم قدرت نرم در روسیه، که این کشور هم سویی یا سازگاری با استاندارد های غربی ندارد بازتاب گسترده ای در میان دانشگاهیان، روزنامه نگاران و سیاست گذاران داشته است. هویت دوگانه روسیه که ریشه در عشق و نفرت تاریخی آن نسبت به غرب دارد، چگونگی برخورد رهبران روسیه با قدرت نرم و فرمول بندی سیاست های مربوطه را شکل داده است. روسیه در جست و جوی به دست آوردن و به کارگیری قدرت نرم است اما با استاندارد های قدرت هژمون برخورد می کند (Nye, ۲۰۲۱).

۲- پیشینه پژوهش

اخیرا پژوهش های در حوزه قدرت نرم روسیه صورت گرفته است: به عنوان مثال در مقاله با عنوان *استراتژی روسیه در استفاده از قدرت نرم در الحاق کریمه و نقض اصل حاکمیت و عدم مداخله* (زرگر و دیگران، ۱۳۹۶) نویسندگان این مقاله از بعد حقوق بین الملل به مسئله قدرت نرم و مداخله روسیه به شبه جزیره کریمه پرداخته است. نقطه قوت این مقاله در این است که مداخله روسیه به شبه جزیره کریمه را از منظر حقوق بین الملل مورد ارزیابی قرار داده است و سیر تاریخی روابط روسیه را با شبه جزیره

کریمه از نظر حقوق بین الملل بررسی کرده است. اما نقطه ضعف این مقاله عدم بررسی ابزارها و منابع قدرت نرم روسیه در شبه جزیره کریمه است. و عدم بررسی جنایات روسیه براساس حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی در شبه جزیره کریمه می باشد.

مقاله با عنوان قدرت نرم روسیه در خارج نزدیک: ابزارها و چالشها (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷) نویسندگان این مقاله پیرامون استفاده از قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه در قبال کشور های خارج نزدیک پرداخته است. نقطه قوت این مقاله این است که به عمق استراتژیک و ژئوپلیتیک روسیه پی برده و قدرت نرم این کشور را در کشورهای پیرامونی مورد ارزیابی قرار داده است و همچنان به ابزارها و منابع قدرت نرم روسیه به خوبی پی برده است. اما نقطه ضعف این مقاله این است که قدرت نرم روسیه را تنها در کشورهای خارج نزدیک مورد ارزیابی قرار داده است در حالیکه روسیه دارای کد ژئوپلیتیکی جهانی است.

در مقاله به عنوان چشم انداز قدرت نرم روسیه در افریقا (وزین، ۱۳۹۸) نویسنده این مقاله روی ارتباطات قاره افریقا با روسیه و نفوذ روسیه در قاره افریقا بحث کرده است. نقطه قوت این مقاله پرداختن به ابزار های قدرت نرم مثل همکاری های فرهنگی و دانشگاهی، فعالیت های تحقیقاتی و ابزار های رسانه ای روسیه در حوزه افریقا است و نقطه ضعف آن چشم پوشی از ظرفیت های قاره افریقا و ارزیابی رقابت های که بین روسیه و امریکا در قاره افریقا وجود دارد است. در مقاله با عنوان بررسی مقایسه ای قدرت نرم روسیه و امریکا در قفقاز جنوبی (امیدی و دیگران، ۱۳۹۸) نویسندگان این مقاله قدرت نرم امریکا و روسیه را در قفقاز جنوبی مقایسه کرده اند. نقطه قوت این مقاله بررسی همزمان مولفه های قدرت نرم امریکا و روسیه مانند: سازمان های مجری قدرت نرم، شبکه های تلویزیونی و دنیای مجازی، دیپلوماسی مذهبی و آموزشی و غیره در منطقه است. و همچنان نقاط مشترک و افتراق قدرت نرم امریکا و روسیه را در این منطقه به خوبی بیان نموده است. اما نقطه ضعف آن عدم بررسی و مقایسه قدرت سخت امریکا و روسیه نسبت به قدرت نرم آنها در منطقه قفقاز جنوبی می باشد.

۳- بازتاب قدرت نرم روسیه در اسناد سیاسی

با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در بالاترین سطح قدرت در روسیه، این کشور با انسجام بیشتری شروع به استفاده از قدرت نرم در روابط خود با دولت های دیگر کرد. با حمایت های او تعدادی از اسناد اساسی ارائه و به تصویب رسید که به روشنی مسیر این کشور را برای حفظ کشور وسیع روسیه از تجزیه مجدد، بازیابی و تقویت جایگاه خود در فضای ژئوپلیتیکی کشورهای مستقل مشترک المنافع، تعریف کرده است. منطقه خارج نزدیک یا همان کشورهای مستقل مشترک المنافع از نگاه روس ها به عنوان منطقه منافع ممتاز یا خاص به شمار می آید (عیوضی، نوازانی و علی محمدی، ۱۳۹۵).

قلمرو شوروی قبل از فروپاشی، همواره در پیام های سالانه رئیس جمهور به مجلس فدرال به عنوان یکی از مهمترین اولویت های سیاست خارجی روسیه در نظر گرفته می شود که در اسناد نوشته شده در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ به گونه ای خاص به آنها اشاره شده است. در این اسناد که اصول اساسی،

اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی فدراسیون روسیه را نشان می‌دهند، مفاهیم و تصویر کلی برای کارگزاران روسی ارائه شده است. این دو سند در تمرکز خود بر روی قدرت نرم مشابهت دارند، اما سند سال ۲۰۱۶ حاکی از اهمیت یافتن بیش از پیش این عنصر در سیاست‌های روسیه است (وزین، ۱۳۹۸). تقویت موقعیت روسیه به عنوان یکی از مراکز تأثیرگذار دنیای مدرن و تقویت جایگاه رسانه‌ها و ارتباطات جمعی روسیه در فضای اطلاعات جهانی و انتقال دیدگاه روسیه به طیف گسترده‌ای از جامعه جهانی از موارد مهم اشاره شده در این اسناد در حوزه قدرت نرم است. در هر دو سند ذکر شده است که قدرت نرم ابزاری برای حل مشکلات سیاست خارجی کشور می‌باشد. این ابزار تقریباً از دهه گذشته توسط ارگان‌های دست‌اندرکار سیاست خارجی روسیه بیش از پیش به کار گرفته شده است (Kudors, ۲۰۱۷).

۴- منابع و ابزارهای قدرت نرم روسیه

هر دولت و جامعه‌ای برای بقای خود به طرحی پیوند دهنده و یک ایدئولوژی سازمان دهنده، نیازمند است؛ به عبارت بهتر، دولتی که فاقد این نیروی اتصال دهنده باشد در شرایط رقابت آمیز بین‌المللی با مخاطراتی بسیار مواجه خواهد شد. اما در مقابل دولتی که ابزارهای فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و تمدن خود را در عرصه بین‌المللی بسط داده، سایر ملت‌ها نیز با این طرح‌ها پیوند دهد، می‌تواند به وسیله همگرایی به مراتب قدرتی ماندگار و موثر در صحنه سیاست جهانی داشته باشد (زرگر و دیگران، ۱۳۹۶). برای تحقق این امر به رهگیری از قدرت نرم می‌تواند موثرترین روش باشد چراکه قدرت نرم، همواره نتیجه‌ای پایاتر در عین کم‌هزینه‌گی و تأثیرگذاری دارد؛ به عبارت بهتر، قدرت نرم از طریق توانایی کسب مطلوب با استفاده از جاذبه با توجه به نقاط مثبت و دارا بودن تفکر مثبت درباره خود به دست می‌آید؛ در واقع، زمانی قدرت نرم خواهیم داشت که بتوانیم بدون استفاده از زور و فشار فیزیکی بر افکار، اذهان، اندیشه‌ها و تصمیم‌های ملت‌ها و دولت‌های مورد نظر تأثیر بگذاریم (وزین، ۱۳۹۸).

فدراسیون روسیه با اتکا به فرهنگ غنی روسی، ارزش‌های سیاسی و در اختیار داشتن ظرفیت‌های فرهنگی بالا، همواره در پی ارتقا و بهبود جایگاه قدرت نرم خود برای ایجاد همگرایی منطقه‌ای در خارج نزدیک و حتی جهان بوده است. از این رو، بررسی کیفیت اثرگذاری قدرت نرم روسیه که شامل زبان و فرهنگ روسیه، رسانه‌های روسی، کلیسای ارتدوکس روسیه، هم‌میهنان روسی و دیپلماسی تجاری می‌باشد؛ به خصوص در کشور‌های پیرامونی روسیه مورد پژوهش قرار می‌دهیم (Clarke, Cento Bull & Deganutti, ۲۰۱۷).

۴-۱ آموزش عالی و همکاری‌های دانشگاهی

در دوران آموزش سیستم ثابتی از ارزش‌ها برای جوانان شکل می‌گیرد. لذا ارائه خدمات آموزشی به دانشجویان خارجی یکی از مهمترین ابزارهای قدرت نرم در روسیه در نظر گرفته شده است. در روسیه ارزش و کیفیت آموزش بسیار جالب به نظر می‌رسد. ظرفیت‌های آموزشی روسیه به ویژه در زمینه ریاضیات کاربردی و فیزیک در برخی مناطق کم‌نظیر است این ظرفیت‌ها با برآوردهای بین‌المللی و

داده های آماری در مورد دانش آموزان و موفقیت های آنها در آینده مطابقت زیادی دارد که میتوان برای نمونه به ثبت اختراعات و نتایج فعالیت های پژوهشی مؤسسات مختلف اشاره کرد (Kudors, ۲۰۱۷). در آخرین رتبه بندی سالانه منتشرشده دانشگاه های جهان که توسط نظام رتبه بندی دانشگاهی جهانی (کیو اس) ارائه می شود، دانشگاه دولتی مسکو یا لاماناسف رتبه ۸۴، دانشگاه دولتی نووسیبیرسک رتبه ۲۳۱ و دانشگاه دولتی سنپترزبورگ رتبه ۲۳۴ را در بین دانشگاه های جهان کسب کردند. در سال ۲۰۱۹ در مجموع ۲۵ دانشگاه روسی در این رتبه بندی قرار گرفتند علاوه بر این از نظر تعداد دانشجویان خارجی دانشگاه دوستی ملل مسکو رتبه ۹۰، دانشگاه دولتی تومسک رتبه ۱۱۳ و دانشگاه ملی تحقیقات فنی پلی تکنیک تومسک رتبه ۱۲۷ را کسب کرده اند (Laruelle & Royce, ۲۰۱۹). نکته قابل توجه این است که در سال ۲۰۱۷ تعداد دانشجویان خارجی در دانشگاه های روسیه ۲۲۰ هزار نفر بود که در سال ۲۰۱۸ این تعداد به ۲۴۰ هزار نفر افزایش یافت. در چارچوب پروژه ملی، اهداف جدیدی آورده شده است که بر مبنای آن افزایش تعداد دانشجویان خارجی به میزان ۴۳۵ هزار نفر برنامه ریزی شده است و برای آن بیش از ۱۰۷٫۴ میلیارد روبل اختصاص داده شد (عطایی و شهیدانی هدایتی، ۱۳۹۲).

بر مبنای استراتژی (ارتقاء آموزش های روسیه در خارج از مرزها) فدراسیون روسیه لازم می داند تأسیس دانشگاه های اسلاو با امکانات و توانمندی های روزافزونی ادامه یابد و پروژه های آموزشی و پژوهشی مشترک روسیه با کشورهای عضو گسترش یابد. روسیه تجربه مثبتی در این مورد و در قالب برنامه دوره کارشناسی ارشد دارد. هدف از ایجاد آن راه اندازی برنامه ای دانشگاهی همانند بورس تحصیلی اروپایی در چارچوب یک فضای آموزشی واحد از کشورهای عضو است (وزین، ۱۳۹۸). دانشگاه دوستی ملل مسکو در سال ۲۰۰۸ آغازگر این پروژه بود. شبکه دانشگاهی این کنسرسیوم شامل ۱۶ دانشگاه برجسته از ۸ کشور ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، روسیه، تاجیکستان و اوکراین است. هدف این پروژه توسعه همکاری و روابط بین دانشگاهی در زمینه آموزش عالی در کشورهای مورد نظر است (Laruelle & Royce, ۲۰۱۹). دانش آموزان این کشورها پس از دریافت آموزش های ابتدایی در دانشگاه خود در قزاقستان، قرقیزستان یا بلاروس، مقطع کارشناسی ارشد را در کشور روسیه در دانشگاه دوستی ملل، دانشگاه دولتی مسکو، دانشگاه روابط بین الملل مسکو و یا سایر دانشگاه ها ادامه میدهند. سیستم دانشگاهی مشابهی نیز وجود دارد که مطابق با اهداف و برنامه کاری سازمان همکاری شانگهای فعالیت می کند. این کار مشترک بین دانشگاه های روسی، چینی و قزاقستانی نیز به همان شیوه های ذکر شده است (Matveeva, ۲۰۱۸).

جامعه دانشگاهی روسیه همچنین به طور فعال از مجموعه ها یا انجمن های حرفه ای برای گسترش قابلیت های قدرت نرم خود استفاده می کند. به عنوان مثال دانشگاه های شمال غربی روسیه در شبکه دانشگاه های منطقه دریای بالتیک نقش برجسته ای ایفا می کنند و تبادل دانشگاهی در منطقه را تسهیل می کنند (زرگر و دیگران، ۱۳۹۶).

علاوه بر توسعه حوزه آموزشی، اخیراً برنامه‌هایی نیز در زمینه همکاری با جوانان در دستور کار قرار دارد که با آموزش‌های غیرمستقیم یا تعاملات غیردانشگاهی مرتبط است. این برنامه‌ها در همایش‌ها و گردهمایی‌های مرتبط توسط نهادهای دولتی یا خصوصی اجرا می‌شود و هدف از اینگونه برنامه‌ها نیز تاثیر گذاری مثبت در تعامل‌ها و آشنا کردن شرکت‌کنندگان با سیاست‌های جدید دولت روسیه است (عطایی و شهیدانی هدایتی، ۱۳۹۲). وزارت امور خارجه روسیه در چارچوب استراتژی سیاست‌های دولتی جوانان فدراسیون روسیه و استراتژی همکاری بین‌المللی جوانان بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به تقویت روابط جوانان و گسترش فرصت‌های آموزش در روسیه کمک می‌کند. در همین راستا وزارت امور خارجه هر ساله به طور موثری سازماندهی «مجمع رهبران جوان مشترک‌المنافع» و مدرسه رهبران انجمن جوانان در زمینه علم و آموزش کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را بر عهده دارد (زهرانی و شیراوند، ۱۳۹۶).

۴-۲ گسترش عملکرد زبان و فرهنگ روسی

زبان و ادبیات روسی به عنوان ابزاری اساسی برای قدرت نرم عمل می‌کند. در این بخش بیشتر به میراث و ظرفیت‌های ادبی روسیه اشاره می‌شود و در بخش‌های بعدی به صورت مجزا به برنامه‌های ویژه‌ای که برخی بنیادهای معروف روسی در حوزه آموزش زبان و ادبیات روسی اجرا می‌کنند، پرداخته می‌شود. شب‌های شعر روسی در مراکز علمی و فرهنگی روسی در کشورهای مختلف جهان برگزار می‌شود که در آن هم روس‌زبانان و هم شاعران سایر کشورها شعرهای شاعران روسی را می‌خوانند (Laruelle & Royce, ۲۰۱۹). در جمهوری‌های جدا شده از شوروی خواندن ادبیات کلاسیک روسی و آثار الکساندر پوشکین، فئودور داستایوفسکی، الکسی تولستوی و غیره همچنان تداوم دارد. طرح‌های بزرگتری که توسط دولت روسیه همه‌جانبه مورد حمایت قرار می‌گیرند عبارتند از: انجمن آموزشی زبان روسی، کنگره نهادهای روسی معلمان زبان و ادبیات روسی، مجمع اروپایی روسی در پارلمان اروپا، جشنواره بین‌المللی «کلمه بزرگ روسی»، جشنواره دانشجویی اروپا، مجمع تاریخی فرهنگی جهان روسی، جشنواره‌های زبان و گفتارهای روسی و غیره. این طرح‌ها همه ساله به طور منظم برگزار می‌شوند (زرگر و دیگران، ۱۳۹۶). استادان و ادیبان کشورهای مختلف در این جشنواره‌ها و کنفرانس‌ها جمع می‌شوند و به تبادل نظر می‌پردازند که همین امر تاثیر بسزایی در بازنمایی بهتر فرهنگ روسیه در جهان دارد (Laruelle & Royce, ۲۰۱۹).

روسیه از حضور نویسندگان و شاعران مشهور معاصر در فستیوال‌ها و برنامه‌های ادبیات روسی استفاده می‌کند. آخرین نمونه از اینگونه برنامه‌ها، برگزاری جشنواره فصول روسیه در فوریه سال ۲۰۲۰ در پاریس بوده است که برخی نویسندگان و ادیبان شاخص روسی مثل لیودمیلا اولیتسیایا، زاخار پریپلین، دینا روبینا نیز به این مراسم دعوت شده بودند. همواره در روسیه برنامه‌ها و مراسم‌های مشابه به طور منظم و در سطوح بالا برگزار می‌شود. علاوه بر این، پیوسته جوایزی به شرکت‌کنندگان خارجی

که درباره روسیه می نویسند یا آثار هنری نویسندگان روسی را به زبان مادری خود ترجمه می کنند، اهدا می شود (Matveeva, ۲۰۱۸).

زبان روسی ابزار بسیار مهمی برای همگرایی و حفظ نفوذ روسیه در خارج نزدیک محسوب می شود، زیرا این زبان از زمان اتحاد جماهیر شوروی عامل متحدکننده مردم در فضای پهناور این بلوک بوده است. از سوی دیگر، اکثر نخبگان کشورهای خارج نزدیک در دانشگاه های این کشور مشغول به تحصیل بودند، در موسسات مشابه کار می کردند و یا اینکه در ارتش شوروی در حال خدمت بودند. در واقع، جوامع روس زبان، اساس اقدامات روسیه در خارج نزدیک محسوب می شوند (زهرانی و شیراوند، ۱۳۹۶). بنابراین برای پرورش تفکر طرفدار روسیه در خارج نزدیک، سرمایه گذاری و تقویت زبان روسی امری حیاتی به شمار می رود. از اینرو، روسیه جایگاه زبان خود را از طریق همکاری با دانشگاه ها و نهادهای آموزشی و پژوهشی منطقه تقویت می کند و برای توجیه سلطه خود بر جمهوری های خارج نزدیک، ولادیمیر پوتین به ترکیبی از دکتین امپراطوری روسیه و میراث شوروی روی آورده است؛ به طوری که تبعیت از این تعابیر تاریخی در بسیاری از نهادهای روسیه مشهود است (زرگر و دیگران، ۱۳۹۶).

پوتین در دسامبر سال ۲۰۱۴ میلادی طی فرمانی، محورهای اصلی سیاست های حکومت در حوزه زبان روسی و زبان های سایر اقوام در فدراسیون روسیه و همچنین ادبیات میهنی در سیاست های فرهنگی حکومت را به دستگاه های مختلف قوه مجریه ابلاغ کرد. از سرگیری تدریس برخی دروس علوم انسانی از جمله تاریخ ادبیات، فن سخنوری و اصول گفتاری در مدارس و دانشگاه ها و همچنین در کتب درسی زبان روسی از جمله مواردی است که در این فرمان بر آنها تأکید شده است. با این وجود، نسل جوان به تدریج در حال دور شدن از زبان روسی هستند در جمهوری آذربایجان درصد جوانان مسلط به زبان روسی از ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۷ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته است؛ در بعضی دیگر از کشورها (گرجستان) زبان انگلیسی به عنوان زبان مسلط جایگزین زبان روسی شده است (Laruelle & Royce, ۲۰۱۹).

اگرچه کاهش محبوبیت زبان روسی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده بود، اما رخدادهایی همانند انقلاب های رنگی، جنگ گرجستان و الحاق کریمه این امر را تسریع کرده است. این روند حتی در بلاروس، نزدیکترین متحد روسیه در میان جمهوری های خارج نزدیک به خوبی قابل مشاهده است؛ لوکاشنکو رئیس جمهور بلاروس پس از تحریم سنگین روسیه نسبت به اوکراین، خواهان توجه بیشتر به زبان بلاروسی در مدارس متوسطه شده بود (Matveeva, ۲۰۱۸). در آغاز سال ۲۰۱۵ میلادی، نورسلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان اعلام کرد همه دانش آموزان کشور از اول ابتدایی باید زبان انگلیسی را یاد بگیرند و در دو سال آخر تحصیلی تنها یک زبان خارجی را باید بیاموزند. بعدها سرگئی لاوروف اعلام کرد که گذار قزاقستان از الفبای سیریلیک به لاتین، نقض کننده حقوق ساکنان روس زبان این کشور نمی باشد و در روابط دو کشور خللی ایجاد نمی کند. در حال حاضر ۴ درصد ارمنی

ها، ۹ درصد گرجی ها و ۲۷ درصد آذری ها اصلا هیچ دانش پایه ای از زبان روسی ندارند (عیوضی، نوازانی و علی محمدی، ۱۳۹۵).

مسکو از کاهش اثرگذاری زبان روسی در کشورهای همسایه که باعث کاهش همگرایی منطقه ای خواهد شد، ابراز نگرانی کرده است؛ از این رو تلاش هایی را برای معکوس کردن این روند آغاز کرده است. تاسیس بنیاد جهان روسی که یکی از اهداف اصلی این بنیاد تدریس آموزش روسیه در خارج نزدیک است از تلاش های کرملین برای حفظ روند نفوذ در کشورهای خارج نزدیک بوده است (زهرا نی و شیراوند، ۱۳۹۶). از طرف دیگر، زبان روسی زبان سازمان های تحت رهبری روسیه در خارج نزدیک از جمله کشورهای مستقل مشترک منافع، سازمان پیمان امنیت جمعی و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی است. برخی از محققین معتقد هستند، حتی اگر این زبان به صورت اجبار در این سازمان ها مورد تاکید باشد (کرمی و کرامتی نیا، ۱۳۹۶). دست آوردهای آن برای روسیه بسیار زیاد است زیرا به طور غیرمستقیم کشورهای عضو سازمان های یاد شده برای آموزش متخصصان و به دست آوردن دانش فنی باید از زبان روسی در معاملات و تبادلات خود روسیه با ترویج زبان خویش مترصد است تا از میراث زبانی و ادبی خویش در مناطق هم زبان یا علاقه مند به زبان روسی برای ارتقاء قدرت نرم خویش بهره گیرد و منطقه خارج نزدیک یکی از این مناطق می باشد (عطایی و شهیدانی هدایتی، ۱۳۹۲). برای رسوخ زبان روسی نیز از راهبردهایی نظیر؛ افزایش کنش گری مؤسسات فرهنگی در سفارت خانه های روسیه، برپایی بزرگداشت تاریخی زبان روسی، برنامه های تبادل علمی از طریق دانشگاه ها، برنامه های درسی مشترک، بورسیه و حمایت مالی از محققان و دانش آموختگان کشورهای مستقل مشترک المنافع و... بهره می برد. با بهره گیری از ظرفیت های زبانی و ادبی موجود در پیشینه تمدنی خویش، روسیه تلاش دارد به بازسازی فضای تمدنی جهان روس و اقتدار نرم بیرونی دست یابد (Laruelle & Royce, ۲۰۱۹).

۳-۴ بنیادها و نهادهای وابسته به دولت

دولت روسیه نهادهایی را برای پیگیری فعالانه به ویژه در حوزه های آموزش زبان و فعالیت های علمی در نظر گرفته است و مورد حمایت ویژه خود قرار داده است. بنیاد روسکی میر که در زبان فارسی جهان روسی معنی می شود و آژانس فدرال «کشورهای مستقل مشترک المنافع، هموطنان مقیم خارج از کشور و همکاری های بین المللی بشردوستانه» که با نام روس ساترودنیچستوا یاد می شود از جمله مهمترین این نهادها می باشند. بنیاد روسکی میر در ترویج زبان و فرهنگ روسی و همچنین پشتیبانی از برنامه های مطالعاتی زبان روسی در کشورهای مختلف جهان بسیار فعال است (Roca, ۲۰۲۱). طرح ها و برنامه های آموزشی، بخش جداگانه ای از کار بنیاد محسوب می شود. این بنیاد دوره های زبان روسی را در خارج از کشور برپا می کند، پشتیبانی از امتحانات یکپارچه دولتی در کشورهای مستقل مشترک المنافع را بر عهده دارد، معلمان روسی را در زمینه های تخصصی مختلف برای کار به خارج از کشور می فرستد، دوره های مربوط به زبان روسی، تاریخ، فرهنگ و قوانین روسیه برای کارگران مهاجر برگزار می کند و نیز عهده دار انتشار کتاب های درسی است. این بنیاد مجری برنامه «استاد جهان روسی» است که از طریق

آن معلمان زبان، ادبیات و فرهنگ روسی در دانشگاه های خارجی در برنامه های مربوطه سخنرانی می کنند (Woodward, ۲۰۲۰). این بنیاد به طور جدی نشر محتوا در حوزه های محول شده را پیگیری می کند. انتشار فرهنگ لغات، کتاب ها و مجلات به زبان روسی و کمک به تدریس معلمان در این حوزه از دیگر فعالیت های این بنیاد است. روسکی میر در راستای استفاده از فعالیت های مدرن، برنامه های کاربردی برای تلفن های همراه راه اندازی کرده است که از جمله آنها میتوان موارد ذیل را نام برد: فرهنگ لغت به زبان روسی، مجموعه های آموزشی، آماده سازی برای آزمون های دولتی در زبان روسی، فرهنگ و اصول روسی، قوانین و مقررات فدراسیون روسیه برای کارگران مهاجر، برنامه رایانه ای «مرکز مطالعات انسانی» ادغام شده با پرتال یادگیری از راه دور دانشگاه دولتی سن پترزبورگ (Clarke, Cento Bull & Deganutti, ۲۰۱۷).

بنیاد روسکی میر از طریق بودجه های مختلف دولتی از لحاظ مالی پشتیبانی می شود. کمک های بلاعوض به بنیاد برای اجرای پروژه هایی با هدف محبوبیت زبان روسی، حمایت از برنامه های مطالعاتی آن، گسترش همکاری های فرهنگی و بشردوستانه با نهادهای فدراسیون روسیه و به صورت رقابتی به سازمان های غیرانتفاعی روسی و خارجی ارائه می شود. این کمک های بلاعوض برای شهروندان یا افراد بی تابعیت نیز در نظر گرفته شده است. بیشتر برنامه های بنیاد با هدف همکاری با هموطنان روسی خارج از کشور انجام می شود. به طور معمول اینگونه است که کشورهای استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی و حتی کشورهای اروپای شرقی که پیوندهای تاریخی و فرهنگی با روسیه دارند آماده همکاری با این بنیاد هستند (Roca, ۲۰۲۱).

استفاده از قدرت نرم در رابطه با کشورهای غربی، بیشتر در کشور آلمان مشهود است. تبادلات فکری و فرهنگی جوانان، تأسیس انجمن ها، برگزاری سمینارها و کنفرانس ها برنامه های در حال اجرا بین دو کشور محسوب می شود. به تازگی همکاری روسیه در این زمینه ها با کشورهای عضو بریکس نیز بیش از پیش شده است (Molnar, Koziura & Parator, ۲۰۲۱).

آژانس فدرال روس ساترودنیچستوا جایگاه بسیار بالایی در حفظ و توسعه تصویری مثبت از فعالیت های دانشگاهی روسیه دارد. کشورهای مستقل مشترک المنافع در حوزه اولویت این آژانس است. فعالیت های این آژانس و موسسات خارج از کشور با هدف اجرای سیاست دولتی همکاری های بین المللی بشردوستانه انجام می شود. این امر موجب گسترش دیدگاه های کشورهای خارج نزدیک و دیگر کشورها از روسیه مدرن می شود. سیاست پشتیبانی از زبان روسی به عنوان بخشی مهم از فعالیت این گونه برنامه ها در خارج از کشور اجرا می شود (Roca, ۲۰۲۱). آژانس فعالیت های آموزشی را انجام می دهد و مخاطبان را با فرهنگ روسیه آشنا می کند. چنین مراکز علمی و فرهنگی روسی همچنین به نهادها و ارگان های داخلی مسئول کمک می کنند تا برنامه های بزرگ و مهمی که به مناسبت های مختلف از جمله روز روسیه، موسیقی های روسی و «روز پیروزی» برگزار می شود. به بهترین نحو تاثیرگذار باشد. علاوه بر این، آژانس به طور فعال در زمینه ارتقاء خدمات آموزشی روسیه فعالیت می کند. فعالیت های

این نهاد به گسترش همکاری بین مدارس، دانشگاه ها و موسسات کشورهای همکار در این برنامه بزرگ کمک می کند (عیوضی، نوازانی و علی محمدی، ۱۳۹۵).

بنیاد گورچاکوف یکی دیگر از این مراکزی است که کمی متفاوت تر از دو نهاد پیشین، پروژه های مختلف قدرت نرم روسی را پیگیری می کند. برنامه ها و پروژه های این بنیاد به طور مشترک با نمایندگان کشورهای آسیای میانه و قفقاز، شبه جزیره بالکان و بالتیک اجرا می شود. متخصصان بنیاد سخنرانی هایی را در موسسات آموزش عالی خارجی انجام می دهند و در مورد سیاست خارجی فدراسیون روسیه صحبت می کنند. این بنیاد کمک مالی قابل توجهی برای کنفرانس ها و پروژه های علمی و عملی دریافت می کند (امیدی و دیگران، ۱۳۹۸).

باشگاه گفتگوی بین المللی «والدای» به عنوان یک مکان تخصصی در زمینه روابط بین الملل در سال های اخیر اهمیت بالایی نزد سیاستمداران و اندیشمندان روسیه پیدا کرده است. بنیانگذاران این باشگاه دانشگاه روابط بین الملل مسکو، مدرسه عالی اقتصاد مسکو، شورای امور خارجه روسیه و شورای سیاست خارجی و دفاعی هستند. اهداف اصلی این باشگاه به عنوان یک بستر روشنفکری بین المللی عبارت اند از: ترویج گفتگوی آزاد کارشناسان، سیاستمداران، چهره های عمومی و روزنامه نگاران، بحث بیطرفانه از مشکلات کنونی جهان در حوزه روابط بین الملل، سیاست، اقتصاد، امنیت، انرژی و سایر زمینه ها و همچنین پیشبینی روندهای اصلی در نظم جهانی کنونی (Clarke, Cento Bull & Deganutti, ۲۰۱۷). این باشگاه از نظر سطح برگزاری و بروندادهای مباحث های از وضعیت ویژه ای برخوردار است. در نشست سالانه شخصیت های سیاسی و علمی سطح بالایی از روسیه با همراهی رئیس جمهور پوتین در آن شرکت می کنند که نشان دهنده اهمیت این برنامه برای دولت روسیه است. به دلیل توجه ویژه دولت روسیه به این باشگاه بحث و گفتگو، تاکنون نظر بسیاری از کارشناسان و سیاستمداران برجسته جهان به این نشست سالانه جلب شده است. استادان و متخصصان شرکت کننده در این نشست از بزرگترین و تاثیرگذارترین افراد در اتاق های فکر و دانشگاه های جهان از جمله؛ هاروارد، کلمبیا، جرج تاون، استنفورد، کارلتون، لندن، قاهره، تهران، شانگهای، توکیو، تل آویو، مسینا و همچنین دانشگاه جانز هاپکینز، دانشکده اقتصاد لندن، کالج کینگ لندن، و سوربن هستند (کیانی، ۱۳۹۶).

۴-۴ نقش رسانه ها و ارتباطات جمعی روسی

ابزار مهم دیگر قدرت نرم روسیه رسانه ها محسوب می شوند. تلویزیون و ایستگاه های رادیویی، مطبوعات، پرتال های اینترنتی روسیه عنصر مهمی در انتشار اطلاعات در محیطی هستند که در آن محور اصلی فرهنگ روسیه است. شبکه اطلاعاتی روسیه توسط گروه بزرگ رسانه ای راشا تودی، ایستگاه رادیویی صدای روسیه، شرکت تلویزیون و رادیو دولتی روسی، گروه رسانه ای ملی روسیه و هولدینگ رسانه ای گازپروم ایجاد می شود (Woodward, ۲۰۲۰).

با توجه به کارکردهای مشابه گروه های رسانه ای نام برده شده تنها به یکی از مهمترین آنها می پردازیم؛ کانال راشا تودی (آر تی) که به یکی از بزرگترین شرکت های تلویزیونی خبری در جهان تبدیل

شده است و به صورت شبانه روزی برنامه های آن به زبان های انگلیسی، اسپانیایی و عربی پخش می شود. برنامه های این کانال برای بیش از ۶۴۴ میلیون مخاطب در جهان پخش می شود و در تلویزیون کابلی، ماهواره ای و آنلاین قابل دسترسی است (عطایی و شهیدانی هدایتی، ۱۳۹۲). کانال راشا تودی در حال رقابت شدید با سایر کانال های بین المللی جهانی در جذب مخاطب بوده است. طبق تحقیقات انجام شده مخاطبان این شبکه چندین برابر بیشتر از تعداد بینندگان سایر شرکت های تلویزیونی بین المللی مانند فرانسه ۲۴، دویچه وله، الجزیره و یورونیوز هستند. این کانال همچنین فراتر از اقیانوس اطلس مخاطبین قابل توجهی دارد؛ بیش از ۸۵ میلیون خانوار برنامه کانال (آر تی) را در شهرهای آمریکا تماشا می کنند. کانال (آر تی) رقابت با رسانه های قدرتمند در خاورمیانه همانند الجزیره را نیز پیش از این آغاز کرده است (امیدی و دیگران، ۱۳۹۸).

گروه چندرسانه ای (اسپوتنیک) یکی دیگر از ابزار موثر قدرت نرم روسیه در عرصه بین الملل است. آژانس خبری اسپوتنیک با وجود اینکه تازه کار و جوان است فعالیت های گسترده ای را انجام می دهد. این آژانس خبری در تاریخ ۹ دسامبر سال ۲۰۱۳ با فرمان رئیس جمهور روسیه به عنوان جایگزین ریانووستی و صدای روسیه در عرصه بین المللی ایجاد شد. در حال حاضر اسپوتنیک فعالیت های خود را با بیش از ۳۰ زبان دنیا ادامه می دهد که شامل سایت ها، پخش های آنالوگ و دیجیتالی در بیش از ۸۰ شهر جهان، برنامه های کاربردی موبایل و صفحات متعدد در شبکه های اجتماعی است. دفاتر خارج از کشور اسپوتنیک در واشنگتن، قاهره، پکن و مونته ویدئو فعالیت می کنند (کیانی، ۱۳۹۶).

۵-۴ کلیسای ارتدکس روسی

کلیسای ارتدکس عنصر مهمی از فرهنگ روسیه است که از آن به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت نیز استفاده می شود. کلیسای ارتدکس روسیه این حق را برای خود قائل است که با ارائه مشروعیت اخلاقی و معنوی، دارای وحدت و نوعی معصومیت در میان مردم روسیه و پیروانش باشد. از بازتاب این دیدگاه، این ایده شکل گرفته است؛ «مسکو به عنوان روم سوم و وارث امپراتوری بیزانس، دارای ایده فرهنگی و معنوی». لذا سیاست های دولت روسیه پشتوانه های مذهبی قوی نیز دارد (کرمی و کرامتی نیا، ۱۳۹۶). کلیسای ارتدکس روسیه از انتقاد کرمین نسبت به جهان تک قطبی حمایت می کند، در حالی که پکس آمریکانا آن را تهدیدی برای صلح و تثبیت نظم مورد نظر جهانی می داند. کلیسای ارتدکس روسی به ویژه در مورد رها شدگی بیش از حد روابط اجتماعی، نابودی نهاد خانواده و نسبت گرایی اخلاقی هشدار می دهد که همگی در این فرهنگ با اصطلاح غرب زدگی مرتبط هستند و به عنوان فشار تمدنی از سوی ایالات متحده ارزیابی می شوند (Sergunin, ۲۰۱۵). مذهب میتواند به عنوان قدرت نرمی برای روسیه در فضای پس از فروپاشی شوروی و به میزان مختلفی استفاده شود. به عنوان مثال در هسته اصلی ارتدکس (اوکراین، بلاروس، مولداوی)، کلیسای ارتدکس روسیه یک بازیگر تأثیرگذار است در حالی که در مناطق دیگر آسیای میانه و قفقاز با اسلام وارد رقابت شده و بیشتر به عنوان ابزاری برای تقویت روابط با دیاسپورای روسی و حفظ نفوذ فرهنگ روسیه شناخته می شود. در کشورهایی که اکثریت ارتدکس ها

غالب و مسلط اند قدرت نرم دینی موفقیت آمیز است. در این موارد از شعار اخوان ارتدکس استفاده می شود. در چنین زمان و حالتی است که روسیه نقش رهبر جامعه ارتدکس جهان را به خود اختصاص می دهد (کیانی، ۱۳۹۶).

علاوه بر این، کلیسای ارتدکس روسیه با بنیاد روسکی میر و روس ساترودنیچستوا همکاری های نزدیکی دارد. کلیسای ارتدکس روسیه در جلسات سالانه مجمع جهانی روسیه، کنگره جهانی هموطنان روسی و شورای هماهنگی جهانی این هم وطنان شرکت می کند. کلیسای ارتدکس روسیه همچنین عضو کمیته برگزارکننده «روزهای روسیه» در خارج از کشور است (کیانی، ۱۳۹۶). این نقش، حیاتی به شمار می آید به ویژه آنکه روشن می سازد چطور روسیه میتواند بر همسایگان هم کیش خود نفوذ گسترده تری داشته باشد. در واقع از دید روس ها این مسئله مهم است که کلیسای ارتدکس روسیه به عنوان رهبر کلیسای ارتدکس جهانی شمرده شود. اگر بر این واقعیت صحنه گذاشته و پیوسته مورد تأیید جوامع ارتدکسی همجوار نیز باشد بر موقعیت روسیه در عرصه های بین المللی تأثیر مثبتی خواهد گذاشت (Molnar, Koziura & Parator, ۲۰۲۱).

۶-۴ حمایت روسیه از هم وطنان روس تبار

قانون اساسی روسیه، مفهوم هم میهنان را به عنوان شهروندان روسی که در خارج از فدراسیون روسیه زندگی می کنند و از لحاظ تاریخی، فرهنگی و حقوقی دارای اشتراکاتی با روسیه هستند، تعریف کرده است؛ در این تعریف شهروندان روسی کشورهای خارج نزدیک جزو هم میهنان روسیه قرار می گیرند. این تعریف کاملاً مبهم و گسترده است. چرا که از یک هسته مدنی شامل شهروندان روسیه و همچنین افرادی که از نظر فرهنگی، مذهبی و تاریخی نسبت به روسیه علائقی دارند تشکیل شده است؛ به عبارتی این تعریف برگرفته از دوران امپراطوری تزارها بوده است که براساس آن لهستان و حتی فنلاند هم جزو هم وطنان می باشند (Roca, ۲۰۲۱). در آخرین تعریف، دایره هم میهنان به افرادی که به زبان روسی صحبت می کنند و احساسات فرهنگی و معنوی روسیه را برخوردار هستند، اطلاق شده است با توجه به گستردگی و ابهامات این تعریف و انتقادات به عمل آمده از آن، تصمیم گیرندگان مصمم شدند تا برای گسترش دامنه توصیفی آن، ایده جدیدی تحت عنوان جهان روسی ارائه کنند (Sergunin, ۲۰۱۵).

اگرچه اصطلاح جهان روسی ارائه کننده درك قابل فهم از همه افراد روس زبان می باشد ولی مفهوم ارزشی از فرهنگ روسی و ماموریت جهانی آن را شامل می شود. چنین ایده‌هایی در آغاز دهه ۹۰ میلادی و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که فضای جامعه روسیه متأثر از سرخوردگی ناشی از فضای پساجنگ سرد بود، هویدا گشت (کرمی و کرامتی نیا، ۱۳۹۶). اما ایده جهان روسی در آغاز به موازات ایده روس های هم میهن گسترش یافت که به قدرت رسیدن پوتین نقطه اوج تأکید و ترویج این ایده بوده است؛ از آنجا که تعلق به یک مجموعه فرهنگی-زبانی به عنوان عامل اصلی تعلق به جهان روسی در نظر گرفته شده است، نمی توان قلمرو وسیعی را برای آن متصور بود. همین ویژگی این امکان را به دولت خواهد داد تا اهداف سیاست خارجی خود را بر اساس حفاظت از منافع هم وطنان در گستره وسیعی از

شهروندان سایر کشورهای خارج نزدیک ترسیم کرده و به گونه ای منعطف آن را با تغییر اوضاع انطباق دهد. پوتین که در سخنرانی مجمع هم وطنان ساکن در خارج از روسیه از این دیدگاه حمایت کرده بود و واژه هم میهن را صرفاً یک اصطلاح حقوقی در نظر نگرفته بود، تلاش کرد تا ایده جهان روسی را فراتر از مرزبندی های جغرافیایی و نژادی در روسیه تبیین و بر پیوندهای زبانی و قومی مورد تاکید قرار دهد (Sergunin, ۲۰۱۵).

حمایت هم میهنان توسط مقامات روسی از زمان جنگ گرجستان در سال ۲۰۰۸ به جدیت شروع شده است. در سپتامبر ۲۰۰۸، مدودیف رئیس جمهور وقت روسیه، ضمن اصلاح مفهوم هم میهنان در ماه می ۲۰۱۱ صندوق حمایت حقوقی از این افراد را تأسیس کرد. کرملین قصد داشت نفوذ خود را در خارج نزدیک از طریق دیاسپورای هم میهنان روسی در این منطقه افزایش دهد (Molnar, Koziura & Parator, ۲۰۲۱). نگرش روس ها به این اقشار بیشتر از نوع ملی گرایی است. استمرار این نگرش زمینه نگرانی دولت های خارج نزدیک را به همراه داشته است. در همین راستا از اوایل قرن ۲۱، روسیه تلاش کرده است سازوکارهای تابعیت دوگانه را با کشورهای خارج نزدیک ایجاد کند؛ و به رغم مخالفت بیشتر کشورهای منطقه کرملین به سیاست های غیررسمی خود برای ارائه گذرنامه به ویژه به جمعیت مناطق مورد مناقشه خواهان استقلال روی آورده بود (امیدی و دیگران، ۱۳۹۸).

به طور کلی شهروندی به افرادی داده می شود که در یک کشور اقامت دارند، اما با این حال، قانون شهروندی روسیه به تمام شهروندان کشورهای خارج نزدیک اجازه می دهد تا برای اقامت دائمی یا موقت در روسیه درخواست دهند. این قانون در سال ۲۰۰۹ لغو شد (کرمی و کرامتی نیا، ۱۳۹۶). اما در آوریل ۲۰۱۴ و یک ماه بعد از الحاق کریمه، پوتین قوانین ساده و سریع تری برای اعطای تابعیت به افرادی که به زبان روسی صحبت می کنند به امضا رساند. براساس قانون جدید افرادی که حداقل یکی از اجدادشان روسی بوده و از امپراطوری روسیه و اتحاد جماهیر شوروی اجازه اقامت دائم دریافت کرده بودند و یا کسانی که به هر نحو در قلمرو روسیه زندگی می کردند، می توانستند در زمره شهروندان روسیه به حساب آیند. این ساده سازی قوانین شهروندی سوء برداشت کشورهای خارج نزدیک را افزایش داده بود (Roca, ۲۰۲۱).

در نوامبر ۲۰۰۹، کرملین با اصلاح شیوه دفاع از مرزهای خود، قانونی را تصویب کرده است که براساس آن عملیات نیروهای مسلح فدراسیون روسیه فراتر از مرزهای سرزمین این کشور و برای محافظت از شهروندان روسی در کشورهای مورد حمله مسلحانه الزامی است (عسکریان، تاجیک و نوروزی، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، روسیه واژه «حق شهروندی» را به صدها هزار مهاجر کارگری از جمهوری های شوروی سابق اعطا کرده است؛ بدون آن که این افراد گذرنامه خود را از کشور خودشان تسلیم کنند. بر طبق اطلاعات غیررسمی، برخی از مردم اوستیای جنوبی دارای گذرنامه روسی هستند. ساکنان کریمه سال ها قبل از انحلال این شبه جزیره روسیه شهروندی داده شده است، اگرچه قانون اوکراین اجازه نمی دهد شهروندی دوگانه باشد بسیاری از ساکنان آبخازیا و ترنسستری ها دارای گذرنامه روسی هستند. به گفته

منابع روسی، ۲۰۰،۰۰۰ از ۵۰۰،۰۰۰ ساکنان دودنیستری دارای تابعیت روسی هستند (امیدی و دیگران، ۱۳۹۸).

بهره برداری از سیاست های تابعیتی و بسیج هم میهنان در جمهوری های خارج نزدیک از جمله اقداماتی هستند که ممکن است مشارکت واقعی دولت های حاضر در این مناطق را با روسیه مختل کند. حمایت از هم وطنان روسی که در خارج نزدیک زندگی می کنند، ممکن است زمینه عدم همکاری و اعتماد متقابل بین کشورهای هدف و روسیه و در نتیجه، بی اعتمادی به شهروندان روسی در کشورهای منطقه را به همراه داشته باشد. در سال ۲۰۱۲ هنگامی که پارلمان اوکراین قانونی را تصویب کرد که به موجب آن هر زبان محلی که حداقل ۱۰ درصد اقلیت را به رسمیت شناخته باشد به رسمیت شناخته شدن در آن منطقه مقرر مطابق با حقوق جهانی اقلیت، اعلام شود (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷). پس از آن، صدها نفر اوکراینی در کی یف برای اعتراضات خیابانی علیه این قانون تظاهرات کردند. آنها این لایحه را تهدید به حاکمیت اوکراین نامیدند و ادعا کردند که به این ترتیب زبان روسی به یک زبان رسمی دولت در شرق اوکراین تبدیل خواهد شد و نیمی از کشور را به طرف روسیه هدایت خواهد کرد. سپس در ماه فوریه ۲۰۱۵، وزارت امور خارجه اوکراین اعلام کرد که شروع به تحریم علیه دارایی های افرادی با تابعیت دوگانه می کند که یک اقدام ویژه برای هدف گیری شهروندان اوکراین با گذرنامه های روسی بود (عسکریان، تاجیک و نوروزی، ۱۳۹۶).

جمعیت ۳۰ میلیون نفری دیاسپورای روسی یکی از مهم ترین محورهای سیاست خارجی روسیه در خارج نزدیک پس از فروپاشی شوروی بوده است. روسیه از روس زبان های خارج نزدیک روسیه به چند طریق بهره می برد. اول اینکه در تمامی اسناد مربوط به امنیت ملی و سیاست خارجی روسیه حفاظت از جان و منافع روس های خارج از کشور جزء منافع حیاتی روسیه تلقی شده است. دوم اینکه، روسیه با حیاتی تلقی کردن حفاظت از جان مردمان روسی خارج نزدیک استفاده از هر ابزاری را برای دست یابی به هدف راهبردی خود مجاز می داند (Molnar, Koziura & Parator, ۲۰۲۱). این مسئله چه در زمانی که جان روس ها با خطر واقعی و فوری مواجه بوده است همچون بحران گرجستان در سال ۲۰۰۸ و چه در زمانی که این خطر چندان هم واقعی نبوده است همچون بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، مولفه ای شده است که روسیه در کشورهای همسایه به دخالت های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی بپردازد و سوم اینکه، روس های خارج نزدیک به ویژه در کشورهای همچون اوکراین یا قزاقستان که تعداد و نسبت آن ها زیاد است، یکی از عوامل روی کار آمدن دولت های روس گرا و همسو با روسیه بوده است. لذا روسیه با تاکید بر حمایت و دادن مزایا به روس های خارج نزدیک سعی در جذب آنان، تاثیر بر رفتار انتخاباتی و نیز ترغیب شان به فشار بر دولت های خود برای اتخاذ رویکردهای همسویانه و همگرایانه با روسیه بوده است (امیدی و دیگران، ۱۳۹۸).

۷-۴ جایگاه دیپلماسی تجاری روسیه در تأمین قدرت نرم

دیپلماسی تجاری روسیه به اعمال آگاهانه برای حضور و نفوذ در خارج نزدیک از طریق کانال های تجاری اشاره دارد. این امر مستلزم ایجاد روابط مثبت با تجار محلی و افزایش جذابیت اقتصادی در کشورهای خارج نزدیک می باشد. روسیه دارای مزایای چشم گیری در این زمینه است؛ بسیاری از نخبگان تجاری کشورهای منطقه، جزو اعضای سابق نومانکلاتورا شوروی بودند، برخی از منابع و ساختارهای اقتصادی کشورهای منطقه متعلق به این افراد است که از نظر اقتصادی به کرملین وفادار هستند. منابع طبیعی روسیه، بازار بزرگ برای کالاهای مصرفی، نزدیکی جغرافیایی با کشورهای منطقه عاملی بوده تا کسب و کارهای تجاری منطقه به سوی روسیه هدایت شود (Molnar, Koziura & Parator, ۲۰۲۱). علاوه بر نزدیکی جغرافیایی، آگاهی از وضعیت روسیه و اسکان دادن و تدریس مهاجران غیر قانونی در مدارس و سیستم بدون روادید که اکثریت کشورهای نزدیک به روسیه را شامل این قانون کرده است، بازار روسیه را برای نیروی کار خارج نزدیک جذاب تر نموده است (عسکریان، تاجیک و نوروزی، ۱۳۹۶). طبق آمار رسمی سرویس مهاجرت روسیه در ژوئن ۲۰۱۵، بیش از ۲٫۵ میلیون که شامل کودکان تا بازنشستگان فقط از اوکراین به این کشور مهاجرت کرده اند؛ ارمنستان حدود ۵۲۵ هزار نفر؛ جمهوری آذربایجان ۵۴۳ هزار نفر، بلاروس ۵۵۳ هزار نفر، گرجستان حدود ۳۱ هزار نفر و مولداوی با ۵۴۵ هزار نفر در صدر مهاجرین به روسیه بوده اند. با این حال باید این موضوع را در نظر داشت که همه این افراد کارگر نیستند و ممکن است شامل کودکان، دانش آموزان، سالمندان، زنان و حتی پناهندگان از شرق اوکراین و مناطق خودمختار اوستیا هم باشند (Roca, ۲۰۲۱).

اگرچه مسکو بر جوانب اقتصادی قدرت نرم خود در سیاست گذاری های خود در فضای پسا شوروی تاکید می کند. به عنوان نمونه مسکو به منظور ایجاد اتحادیه گمرکی و انجام طرح های اتحادیه اقتصادی اوراسیا تلاش کرد که خود را در کشورهای خارج نزدیک به عنوان قدرت اقتصادی جذابی تبلیغ کند (منبع سرمایه گذاری، فراهم کننده معتبر انرژی، بازاری امیدبخش برای کالاهای مصرفی و نیروی کار خارجی). حتی مسکو پیش از بحران اوکراین توانست کشورهای اتحادیه اروپایی را متقاعد کند که به جای منبعی برای مشکلات اجتماعی - اقتصادی شدید برای همسایگان اروپایی، می تواند شریک اقتصادی قابل اتکایی باشد. روسیه با طرح خط لوله بالتیک در سال ۲۰۰۱ و خط لوله نورد استریم در سال ۲۰۱۱ موضع خود را به عنوان فراهم کننده انرژی به اروپا تقویت کرد (Sergunin, ۲۰۱۴).

برای روسیه، نخبگان تجاری کشورهای خارج نزدیک نقش مهمی در پیشبرد سیاست های اقتصادی کرملین برخوردارند زیرا آنها نه تنها از موضع اقتصادی روسیه در این کشورها دفاع می کنند، بلکه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در سیاست محلی با لابی گری و تأمین مالی احزاب سیاسی برای حمایت از منافع سیاست خارجی روسیه در منطقه مشارکت می کنند. بنابراین مسکو توجه خاصی به همکاری نخبگان تجاری در شبکه های اقتصادی خارج نزدیک میدهد که این توجه به طور عمده به وسیله رشوه، مشوق های مالی و جذابیت شبکه های روسی به جای یک فرهنگ تجاری مبتنی بر بازار، براساس

حمایت به جای رقابت، حفاظت و تهدید کردن به جای درک قوانین تحقق یافته است (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷).

برای بسیاری از بازرگانان محلی، روسیه لزوماً یک شریک قابل اعتماد نیست؛ با این حال، آنها با روش روسیه برای انجام کسب و کار آشنا هستند و همسایگان نزدیک خود را نسبت به کشورهای غربی ترجیح می دهند. علاوه بر این عدم شفافیت معاملات تجاری به ویژه با شرکت های انرژی روسیه، نخبگان محلی را به ثروت های هنگفت که اغلب به ضرر کشورهای منطقه بوده را منتفع کرده است (Roca, ۲۰۲۱). بنابراین لابی تجاری روسیه و دیپلماسی تجاری اغلب بر اقتصاد ملی و حاکمیت کشورهای خارج نزدیک تاثیر می گذارد و منافع اصلی این کشورها را تهدید می کند. فهم روسیه از لابی گری اساساً با ادراک غربی متفاوت است. در حالی که برای لابی گران غربی این مورد از طریق متقاعد کردن مردم از طریق استدلال و جذابیت است؛ برای لابی گران روسی روند کلی آن گونه است که پول را به عنوان هسته اصلی، عامل حیاتی برای متقاعد کردن مردم فرض می کنند و با این فکر که همه افراد قیمتی دارند به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه هستند. روسیه منابع زیادی را برای تاثیرگذاری بر جوامع خارج نزدیک هزینه کرده است و در جاهایی همانند متقاعد کردن نخبگان قرقیزستان برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیایی موفق عمل کرده است (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷).

روابط اقتصادی روسیه با جمهوری های استقلال یافته به جای پیروی از بازار آزاد معمولاً از سازوکارهای سیاسی پیروی می کند؛ بنابراین این بی ثباتی و عدم اطمینان در همکاری های تجاری منجر به کاهش جذابیت منابع اقتصادی می شود. در این زمینه، ابزارسازی روسیه از منابع انرژی یک مثال کلاسیک است. به خصوص از سال ۲۰۰۳ شرکت های انرژی تحت کنترل دولتی روسیه با افزایش، کاهش یا متوقف کردن صادرات خود به خارج نزدیک این رویکرد را به عنوان راهی برای جبران یا تحمیل رفتار کشورهای دریافت کننده تلقی کردند (عسکریان، تاجیک و نوروزی، ۱۳۹۶). با این حال، آنها همچنین بر جذابیت و اهرم روسیه به عنوان تامین کننده انرژی در خارج نزدیک معترف هستند. از سال ۲۰۰۶ کشورهای خارج نزدیک تلاش های زیادی را برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی خود انجام داده اند. بنابراین، گرجستان پس از مدت ها وابستگی به گاز روسیه را تا حدود ۱۰ درصد کاهش داده است (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

سیاست گذاران روس در آسیب شناسی سیاست خارجی روسیه به این نتیجه رسیدند که سیاست سنتی متکی به قدرت سخت روسیه دیگر در جهان معاصر کارایی لازم ندارد؛ بنابراین در تنظیم آیین جدید سیاست خارجی این کشور جایگاه ویژه ای به قدرت نرم داده شد تا از این رهگذر به ترمیم چهره مخدوش شده روسیه در پی مداخله روسیه در مسائل کشورهایی چون گرجستان و اوکراین، مقابله با انقلاب های رنگی و حفظ رژیم های طرفدار روسیه در منطقه خارج نزدیک کمک کنند.

به طور کلی می توان گفت که طی سال های گذشته، روسیه از ظرفیت قدرت نرم خود با برنامه و به صورت منسجم تری استفاده کرده است. مؤسسات اصلی که نقش مهمی در به کارگیری عناصر فرهنگی، آموزشی و امکانات سمعی و بصری در راستای نفوذ نرم روسیه داشته اند عبارت اند از: آژانس فدرال روس ساترودنیچستوا، بنیاد روسکی میر، بنیاد گورچاکف، دانشگاه های اسلاوی، کانال راشاتودی و گروه چندرسانه ای اسپوتنیک. بعد از انتخاب مجدد پوتین به عنوان رئیس جمهور، با توجه به سرعت و تاثیر روزافزون تکنولوژی در دهه های اخیر، روسیه بر استفاده بهینه از ظرفیت های آموزش عالی، زبان و ادبیات روسی و بازوهای فرهنگی خود به عنوان منابع قدرت نرم برنامه های منسجمی را تدارک دیده است. باید توجه داشت که مخاطبین و دریافت کنندگان اصلی پیام نه تنها روس ها بلکه دیگر اقوام حوزه خارج نزدیک روسیه هستند که فرهنگ سیاسی روسی هم چنان بر آنان تاثیرگذار است. این کشور برای استفاده از ظرفیت های دینی نیز تمرکز کرده است. بدین صورت که دولت روسیه از متولیان مهم فرهنگ و مذهب در روسیه یعنی کلیسای ارتدکس روسی با اجرای برنامه های مذهبی به ویژه برای تاثیر بر کشورهای اسلاونژاد بهره می برد.

منطقه خارج نزدیک عمق ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک روسیه محسوب می شود و به همین سبب کنش های درونی منطقه با حضور روسیه به عنوان هژمون منطقه و با یک نگاه سرزمینی جهت حفظ مناطق پیرامونی خود با ابزارهای نرم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مشوق هایی چون مشارکت آنها در اتحادیه های اقتصادی و امنیتی سال ها در جریان بوده و ادامه دارد. زیرا روسیه به عنوان هژمون منطقه ای با کارویژه فرهنگی - سیاسی و اقتصادی در چارچوب اتحادیه ها و راهبردهای منطقه ای هرگونه نفوذ در مرزهای امنیتی را تهدیدی برای خود دانسته و برای پاسخگویی به آن اقدامات متفاوتی را در پیش گرفته است.

روسیه برای همگرایی منطقه ای دارای قدرت نرم بالقوه ای در خارج نزدیک است؛ تاریخ مشترک، زبان روسی، هم میهنان، کلیسای ارتدوکس، دیپلماسی تجاری و فرهنگ پرترفدار روسیه باید به طور نظری جذابیت و همگرایی را در جمهوری های خارج نزدیک افزایش دهد. با این وجود باید بیان کنیم که این منابع اغلب موفق به انجام این کار نشده اند زیرا در خارج نزدیک، سیاست توسعه طلبانه روسیه در قبال منطقه که ریشه در تاریخ گذشته آن دارد، زمینه نوعی ترس از سیاست های منطقه ای این کشور را به وجود آورده است. به گونه ای که این ترس تاریخی سبب شده است تا جمهوری های تازه استقلال یافته نسبت به اهداف و برنامه های قدرت نرم روسیه در منطقه به دید تردید در حفظ استقلال خود بنگرند. بنابراین عدم اعتماد برخی از کشورهای منطقه نسبت به اهداف و نیت های بلند مدت روسیه، آرزوی آن ها برای دستیابی به استقلال کامل از مسکو و ترس از احیای مجدد امپریالیسم سنتی روسیه، یکی از مهم ترین موانع روسیه در مسیر همگرایی کامل به شمار میرود.

روسیه با استفاده ابزاری از قدرت نرم، نه تنها انگیزه همسایگان را برای همکاری گسترده در خارج نزدیک ترغیب نکرده است، بلکه با افزایش بی اعتمادی و دخالت های نابه جا در منطقه؛ هموطنان روس

به عنوان سفیران فرهنگی را به سوطن در مناطق اقامتی خود مواجه کرده است؛ زیرا مسکو به بهانه حفاظت از روس ها در خارج نزدیک در زمان حمله به گرجستان و الحاق کریمه با اعطای گذرنامه روسی به این مناطق، خودمختاری بخشی از کشورهای گرجستان و اوکراین را به رسمیت شناخت. از این رو، جمهوری های خارج نزدیک سعی کردند تابعیت دوگانه را محدود و استفاده از زبان روسی را در فضای عمومی محدود کنند. شیوه ای که در آن مسکو از تاریخ مشترک و فرهنگ برای همگرایی میان کشورها حمایت می کند، اغلب به عنوان یک تهدید جدی برای هویت ملی جمهوری های خارج نزدیک در نظر گرفته می شود. که در نتیجه به دنبال راه هایی برای از بین بردن هویت روسی هستند. از طرف دیگر، ابزارسازی رسانه های جمعی در بعضی از کشورهای خارج نزدیک عاملی برای جلوگیری از پخش شبکه های تلویزیونی روسیه و ممنوع کردن روزنامه نگاران روس در ورود به سرزمین های شان منجر شده است. بنابراین، باید خاطرنشان کرد که رویکرد دولتی و ابزاری به قدرت نرم در خارج نزدیک با توجه به ماهیت متفاوت قدرت نرم نسبت به قدرت سخت، نتایج منفی برای همگرایی مورد نظر کرملین به بار آورده است. در عوض استفاده از مزایای طبیعی در فضای شوروی سابق همانند یک تاریخ مشترک و نزدیکی جغرافیایی، فرهنگی و زبانی به عنوان منابع قدرت نرم علاوه بر افزایش جذابیت روس ها در خارج نزدیک باعث همگرایی بیشتر در این منطقه خواهد شد.

فهرست منابع

- ۱ - اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۶). الگوی بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای قدرت سازی بازیگران منطقه ای. *فصلنامه سیاست*، ۴(۴۷)، ۸۵۳ - ۸۷۱.
- ۲ - امیدی، علی و دیگران (۱۳۹۸). بررسی مقایسه ای قدرت نرم روسیه و امریکا در قفقاز جنوبی. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۱(۸)، ۲۲۹ - ۲۵۹.
- ۳ - رشیدی، احمد (۱۳۹۷). معماوارگی گفتمان قدرت نرم روسیه. *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱(۱۲)، ۷۵ - ۹۴.
- ۴ - زرگر، افشین و دیگران (۱۳۹۶). استراتژی روسیه در استفاده از قدرت نرم در الحاق کریمه و نقض اصل حاکمیت و عدم مداخله. *دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قدرت نرم*، سال هفتم، شماره ۱۶، ۸۶ - ۱۰۴.
- ۵ - زهرانی، مصطفی، و شیراوند، صارم (۱۳۹۶). بررسی تأثیر فرهنگ استراتژیک بر سیاست خارجی روسیه. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۷، ۱۰۳ - ۱۳۷.
- ۶ - سیمبر، رضا، و رضایور، دانیال (۱۳۹۷). قدرت نرم روسیه در خارج نزدیک: ابزارها و چالش ها. *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۴، ۶۱ - ۹۱.
- ۷ - عسکریان، عباسقلی، تاجیک، علی، و نوروزی، رحیم (۱۳۹۶). بررسی دیپلوماسی عمومی روسیه در آسیای مرکزی (۲۰۰۰ - ۲۰۱۶). *فصلنامه راهبرد سیاسی*، سال اول، شماره ۲، ۱۵۳ - ۱۷۸.
- ۸ - عطایی، فرهاد، و شهیدانی هدایتی، مهدی (۱۳۹۲). روند تحول قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه (۲۰۰۰ - ۲۰۱۳). *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۴، ۱۰۱ - ۱۲۵.
- ۹ - عیوضی، محمد رحیم، نوازانی، علی و علی محمدی، فریبا (۱۳۹۵). قدرت نرم ج.ا. ایران و جریان های سیاسی شیعه غرب آسیا. *دو فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۲(۴)، ۱ - ۲۸.
- ۱۰ - کرمی، جهانگیر، و کرامتی نیا، رقیه (۱۳۹۶). فرهنگ سیاسی روسیه: ریشه ها، ابعاد و پیامد ها. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۹، ۱۵۵ - ۱۸۸.
- ۱۱ - کیانی، داوود (۱۳۹۶). سیاست نفوذ روسیه در اکراین، واکنش اتحادیه اروپا. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۷، ۷۱ - ۱۰۴.
- ۱۲ - وزین، علیرضا (۱۳۹۸). چشم انداز قدرت نرم روسیه در افریقا. *فصلنامه مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی*، سال پنجم، شماره ۱۱، ۵۵ - ۷۸.

١٣- Clarke, D., Cento Bull, A. & Deganutti, M. (٢٠١٧). Soft power and dark heritage: multiple potentialities. *International Journal of Cultural Policy*, ٢٣ (٦), ٦٦٠ – ٦٧٤.

١٤ - Hess, M. (٢٠٢٠). Russia and Central Asia: Putin's Most Stable Region. *Orbis Journal*, ٦٤(٣), ٤٢١ – ٤٣٣.

١٥ -Kudors, A. I. (٢٠١٧). Russian World: Russian's Soft Power Approach to Compatriots Policy. *Russian Analytical Digest Journal*, ٤(٤٣), ٦٣ – ٩٥.

١٦ -Laruelle, M., Royce, D. (٢٠١٩). Kazakhstani Public of the United States and Russia: testing Variables of (un) Favourability. *Central Asian Survey Journal*, ٣٨(٢), ١ – ٢٠.

١٧ -Matveeva, A. (٢٠١٨). Russia's Power Projection after the Ukraine Crisis. *Europe Asia Studies Journal*, ٧٠(٥), ١ – ٢٧.

١٨ - Molnar, V., Koziura, K. & Parator, F. K. (٢٠٢١). Russia's Night Wolves, Migrating Memory and Europe Eastern Frontier. *European Journal of Sociology*. ٣٤(١٦), ١ – ٣٣.

١٩ -Nowacki, G. (٢٠٢١). Latvia as the Area of Correlated Russian "Hard Power" and "Soft Power" Operations. *Polish Political Science Journal*, ٥٠(٢٣), ١ – ١٩.

٢٠ -Nye, J. S. (٢٠٢١). Soft power: the evolution of a concept. *Journal of Political Power*, DOI: ١٠,١٠٨٠/٢١٥٨٣٧٩X.٢٠٢١,١٨٧٩٥٧٢

Nye, J. S. (٢٠٠٨). public diplomacy and soft power. *The Annals of the American academy of political and social science*, ٢٣ (٩), ٤٣٢ – ٤٥١.

٢١-Roca, Y. B. (٢٠٢١). Soft Power and Public Diplomacy Evaluated. *Electronic journal of contemporary Japanese*, ٢١ (٢), ٦٦٠ – ٦٧٤.

٢٢-Sergunin, A. (٢٠١٤). Russian Soft Power: Origins, Institutions, Effectiveness. *Science Journal*, ٦(١٧), ١٦٦ – ١٨١.

٢٣-Sergunin, A. Karabeshkin, L. (٢٠١٥). Understanding Russian's Soft Power Strategy. *Politics Journal*, ٣٥(٣ – ٤), ٣٤٧ – ٣٦٣.

٢٤-Trunkos, J. (٢٠٢٠). Comparing Russian, Chinese and American Soft Power. *Global Society Journal*, [https://doi.org/10,١٠٨٠/١٣٦٠٠٨٢٦,٢٠٢٠,١٨٤٨٨٠٩](https://doi.org/10.1080/13600826.2020.1848809)

Woodward, R. (٢٠٢٠). Sport and Russian soft power. *The British Journal of Politics and International Relations*, ٢٢(٢), ٢٧٤ – ٢٩٢.

بررسی تأثیر تحصیلات بر عاید مجموعی خانواده ها در شهر ایبک

نویسنده : امید اوزمان

چکیده

بدون شک مهم ترین سرمایه ی یک ملت نیروی انسانی دانش آموخته، با مهارت و صاحب تفکر است. آنچه که یک ملت را به سمت پیشرفت هدایت می کند. نیروی انسانی توانمند آن است که با جدیت و تلاش خود جامعه را در مسیر رشد و شگوفایی قرار می دهد. اکثر متفکران در این امر توافق دارند که عامل تعیین کننده روند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور منابع انسانی متخصص آن است. بنابراین هر قدر این نیروی کار دارای تحصیلات عالی بیشتر و وجدان کاری و مسئولیت پذیری بیشتری باشد، در تولید جامعه تأثیر چشم گیری خواهد داشت.

واژه گان کلیدی: میزان تحصیلات؛ درآمد خانواده ها؛ سطح رفاه زندگی؛ وضعیت اشتغال.

مقدمه

افغانستان کشوری است که در دنیا از جمله کشورهای جهان سوم یا عقب مانده محسوب می شود. از این لحاظ پایین بودن درجه تحصیل، نرخ بالای بی سوادی یکی از چالش های است که از یک طرف ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی را به بار می آورد و از طرف دیگر تأثیرات منفی بالای سطح کیفیت زندگی مردم دارد.

متأسفانه یکی از دلایل عقب ماندگی جامعه از لحاظ سطح رفاه خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره بالا بودن درجه بی سوادی و کم دانشی نیروی کار، فهم این مسئله را دشوار ساخته است که بدانیم: میزان تحصیلات چگونه می توانند بالای عاید مجموعی خانواده ها نقش داشته باشد؟ آیا میزان تحصیلات می تواند بر عاید خانواده ها تأثیر داشته باشد یا خیر؟

روش تحقیق:

در این تحقیق ما تنها از روش میدانی استفاده نموده ایم، یعنی از آمار و ارقام بدست آمده از طریق پرسش نامه ها استفاده شده است. قابل ذکر اینکه در این تحقیق در مورد چگونگی تأثیر میزان تحصیلات بر عاید خانوار ها در شهر ایبک پرداخته ایم. نتایج آماری در این تحقیق با استفاده از احصائیه توصیفی صورت گرفته و ارایه توزیع فریکونسی به وسیله هیستوگرام بیان شده است. و نا گفته نباید گذاشت که در ارایه گرافیکی توزیع فریکونسی از برنامه SPSS نیز استفاده شده است.

هدف تحقیق:

آغاز و انجام هر پژوهش وابسته به اهدافی است که نخستین بار ذهن یک محقق و پژوهشگری را به خود جلب نموده و الزاماً در پی آن است تا به کنجاوی های ذهنش پاسخ دهد.

هدف اساسی این تحقیق، ارائه یک تحلیل جامعه شناختی و نیز دستیابی به یک شناخت علمی-منطقی در مورد تأثیرات سطح تحصیلات بالای عاید مجموعی خانواده ها در جامعه می باشد.

متغیرهای تحقیق:

۱. متغیر مستقل سطح تحصیلات

۲. متغیر وابسته عاید خانوار ها

جامعه آماری:

از آنجاییکه سطح تحصیلات در افغانستان نظر به کشورهای توسعه یافته بسیار پایین است این می تواند تأثیرات منفی هم از لحاظ اقتصادی و هم اجتماعی داشته باشد. از اینکه تحقیق را در جریان مکلفیت های درسی انجام داده ام، به علت عدم وجود امکانات، بودجه کافی و نبودن وقت کافی برای سفر، به تعداد ۲۵۰ نفر در شهر ایبک مرکز ولایت سمنگان برای پاسخگویی انتخاب نموده ام.

جمعیت نمونه:

با توجه به جامعه آماری در این تحقیق، جمعیت نمونه مناسب از روش نمونه گیری احتمالی (نمونه گیری تصادفی ساده) استفاده شده است.

فرضیه تحقیق:

۱. تحصیلات می تواند یکی از منابع درآمدی خانواده ها بشمار رود.

۲. درجه تحصیل بالای عاید مجموعی خانواده ها تأثیر مستقیم دارد و سالانه یک بخش عمده عواید خانواده ها را تشکیل می دهد.

پیشینه تحقیق:

تا هنوز در مورد چگونگی تأثیر سطح تحصیلات بر عاید خانواده ها تحقیق صورت نگرفته است.

جدول ۱:					
سن پاسخ دهنده					
N		Valid	۱۱		
		Missing	۲۳۹		
	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent	
Valid	بالتر ۵۷	۱۱	۴,۴	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰
Missing	۱۸-۳۰	۱۶۹	۶۷,۶		
	۳۱-۴۳	۵۰	۲۰,۰		
	۴۴-۵۶	۲۰	۸,۰		
	Total	۲۳۹	۹۵,۶		
Total		۲۵۰	۱۰۰,۰		

تجزیه و تحلیل داده های آماری

جدول (۱): طوریکه در جدول فوق دیده می شود از ۲۵۰ تن که مورد پرسش ما قرار گرفته اند تقریباً ۴٪ سن شان بالاتر ۵۷ سال، ۶۸٪ آنها بین ۱۸-۳۰ سال، ۲۰٪ آنها بین ۳۱-۴۳ سال و ۸٪ آنها سن شان بین ۴۴-۵۶ سال می باشد.

		جدول ۲:			
		تأهل وضعیت			
		N	Valid	۲۵۰	
			Missing	۰	
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	مجرد	۷۵	۳۰٫۰	۳۰٫۰	۳۰٫۰
	متأهل	۱۴۲	۵۶٫۸	۵۶٫۸	۸۶٫۸
	پاسخ نداده	۳۳	۱۳٫۲	۱۳٫۲	۱۰۰٫۰
	Total	۲۵۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	

جدول (۲): ما پاسخ دهندگان را بر حسب حالت مدنی شان به دو دسته (مجرد، متأهل) تقسیم نمودیم. طوریکه جدول فوق دیده می شود بیشترین سهم را در جامعه آماری ما را افرادی تشکیل می دهد که متأهل هستند.

جدول ۳:
جنسیت

		N	Valid	۲۵۰	
			Missing	۰	
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	مذکر	۱۸۰	۷۲٫۰	۷۲٫۰	۷۲٫۰
	مؤنث	۷۰	۲۸٫۰	۲۸٫۰	۱۰۰٫۰
	Total	۲۵۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	

جدول (۳): در جدول فوق تعداد پاسخ گویان را بر حسب جنس نشان می دهد که از میان ۲۵۰ نفر پرسش شونده تعداد ۱۸۰ نفر آن مرد و ۷۰ نفر آن زن می باشد. چون اعضای جامعه آماری ما را بیشتر کارمندان دولتی تشکیل می دهد و در میان کارمندان دولتی تعداد مردان نسبت به زنان بیشتر است بناً در جمعیت نمونه ما اکثریت را مردان به خود اختصاص داده اند.

جدول ۴: وضعیت اشتغال					
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	شاغل	۱۷۹	۷۱,۶	۷۱,۶	۷۱,۶
	بیکار	۶۷	۲۶,۸	۲۶,۸	۹۸,۴
	بازنشسته	۴	۱,۶	۱,۶	۱۰۰,۰
	Total	۲۵۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول (۴): در جدول بالا دیده می شود که از ۲۵۰ نفر تحصیل کنندگان، بیشترین شان شاغل بوده و در ادارات دولتی و خصوصی مصروف کار هستند که در حدود ۱۷۹ نفر می باشد، متباقی به بیکاری بسر می برند که در حدود ۶۷ نفر هستند و تنها ۴ نفر بازنشسته می باشد.

جدول ۵: وضعیت اشتغال		
N	Valid	۲۵۰
	Missing	۰

جدول ۵: وضعیت اشتغال					
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	شاغل	۱۷۹	۷۱,۶	۷۱,۶	۷۱,۶
	بیکار	۶۷	۲۶,۸	۲۶,۸	۹۸,۴
	بازنشسته	۴	۱,۶	۱,۶	۱۰۰,۰
	Total	۲۵۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول (۵): در جدول فوق مقایسه میان تعداد شاغلین، بیکار و بازنشسته با توجه به درجه تحصیلی می باشد. طوریکه در جدول بالا مشاهده می شود از میان پرسش شوندگان بیشترین آنها شاغلین هستند که درجه تحصیلی شان لیسانس بوده و بیشتر افراد بیکار کسای هستند که درجه تحصیلی شان بکلوریا می باشد. بنابراین طبق آمار بدست آمده بر این نتیجه می رسیم که سطح تحصیلات می تواند بالای درآمد خانواده ها تأثیر داشته باشد.

جدول ۶:			
میزان درآمد در سال با توجه به تحصیلات			
سطح تحصیلات	Mean	N	Std. Deviation
بکلوریا	۳۲۹۲۳,۶۸۴۲	۷۶	۵۳۸۰۵,۴۹۶۳۰
فوق بکلوریا	۹۰۳۰۷,۱۴۲۹	۲۸	۵۱۶۹۵,۴۴۶۶۷
لیسانس	۱۳۵۵۴۶,۵۰۷۰	۱۴۲	۸۱۰۸۵,۵۵۱۴۶
فوق لیسانس	۳۰۳۰۰۰,۰۰۰۰	۴	۲۰۴۴۴۰,۷۰۰۴۵
Total	۱۰۱۹۶۱,۶۱۶۰	۲۵۰	۹۰۲۸۲,۸۶۳۵۱

جدول ۶): جدول فوق نشان دهنده اوسط درآمد با توجه به درجه تحصیلی می باشد. طوری که در جدول بالا مشاهده می کنید از جمله ۲۵۰ نفر پرسش شوندگان، ۴ تن آنها فوق لیسانس، میزان درآمد شان در سال بطور اوسط ۳۰۳۰۰۰ افغانی، ۱۴۲ تن آنها لیسانس، میزان درآمد شان در سال بطور اوسط ۱۳۵۵۴۶ افغانی، ۲۸ تن آنها فوق بکلوریا، میزان درآمد شان بطور اوسط ۹۰۳۰۷ افغانی و ۷۶ تن آنها به درجه بکلوریا تحصیل کردند بطور اوسط ۳۲۹۲۳ افغانی در سال درآمد دارند. در اخیر قسمی که در جدول فوق دیده می شود افراد که درجه تحصیلی شان فوق لیسانس است بلند ترین اوسط درآمد در سال دارند و علت آن اینست که از میان ۲۵۰ نفر پاسخ دهنده تنها ۴ نفر است که درجه تحصیلی شان فوق لیسانس می باشد. لذا بیشترین درآمد را در سال دارند.

جدول ۷:

سهم درآمد از بابت تحصیل در عاید خانواده ها

	درآمد از بابت تحصیل در سال	کشورزی	مالداری	باغداری	تجارت	حواله جات	سایر منابع عایداتی
Mean	۱۰۱۹۶۱,۶	۳۲۰۰,۰	۳۰۴۸,۰	۹۲۳۲,۰	۶۳۲۰,۰	۵۹۰۴,۰	۵۴۴۰,۰
Variance	۸۱۵۰۹۹۵۴۴۲,۹	۴۰۲۲۸۱۱۲۴,۵	۲۸۹۸۰۴۹۱۵,۶	۱۶۶۴۸۸۵۷۱۸,۸	۱۷۱۵۷۲۰۴۸۱,۹	۲۰۳۹۴۱۲۴۳,۷	۱۵۶۷۰۷۴۶۹۸,۷
Range	۶۰۰۰۰۰,۰	۲۰۰۰۰۰,۰	۱۵۰۰۰۰,۰	۳۶۰۰۰۰,۰	۵۰۰۰۰۰,۰	۶۰۰۰۰۰,۰	۴۰۰۰۰۰,۰
Minimum
Maximum	۶۰۰۰۰۰,۰	۲۰۰۰۰۰,۰	۱۵۰۰۰۰,۰	۳۶۰۰۰۰,۰	۵۰۰۰۰۰,۰	۶۰۰۰۰۰,۰	۴۰۰۰۰۰,۰
Sum	۲۵۴۹۰۴۰۴,۰	۸۰۰۰۰۰,۰	۷۶۲۰۰۰,۰	۲۳۰۸۰۰۰,۰	۱۵۸۰۰۰۰,۰	۱۴۷۶۰۰۰,۰	۱۳۶۰۰۰۰,۰
Percentage	۲۳,۵۲%	۷,۳۸%	۷,۰۳%	۲۱,۳۰%	۱۴,۵۸%	۱۳,۶۲%	۱۲,۵۵%

جدول ۷): جدول فوق نشان دهنده سهم درآمد از بابت تحصیل بر عاید خانواده ها می باشد.

نتایج تحقیق

یافته های پژوهشگران مبنی بر این است که رابطه معنی دار بین میزان تحصیلات درآمد خانواده ها وجود داشته اند. آمار بدست آمده نشان می دهد که تنها درآمد ۲۵۰ خانوار از بابت تحصیل، سالانه (۲۵۴۹۰۴۰۴)، بیست و پنج میلیون و چهار صد و نود هزار و چهار صد و چهار افغانی می باشد که بطور اوسط هر خانوار سالانه تنها از بابت تحصیل (۱۰۱۹۶۱,۱۶) افغانی درآمد داشته اند. در اخیر نکته قابل ذکر اینست که سهم عاید تحصیلات از میان سایر منابع درآمدی سالانه ۲۳,۵۲ درصد می باشد.

اگر نتایج بدست آمده را با فرضیه تحقیق مقایسه کنیم بطور ذیل در می یابیم:

فرضیه اول: تحصیلات می تواند یکی از منابع درآمدی خانواده ها بشمار رود.

آزمون فرضیه در فرض بدیل H_1 قرار می گیرد یعنی نتایج تحقیق نشان می دهد که تحصیلات می تواند یکی از منابع مهم درآمدی برای خانواده ها باشد. در نهایت باید بگویم درآمدی را که خانواده ها در سال از بابت تحصیل بدست می آورد طبق آمار بدست آمده حدوداً بیشتر از ۲۳ درصد می رسد. فرضیه دوم: درجه تحصیل بالای عاید مجموعی خانواده ها تأثیر مستقیم دارد و سالانه یک بخش عمده عواید خانواده ها را تشکیل می دهد.

آزمون فرضیه در فرض بدیل H_1 قرار می گیرد یعنی تحصیلات می تواند تأثیر مستقیم روی عاید خانواده ها داشته باشد.

نتیجه گیری

براساس آمار بدست آمده نشان می دهد که تنها منابع درآمدی خانواده ها کشاورزی، باغداری، مالداري، حواله جات و سایر موارد نیست، بلکه قسمت عظیمی عاید شان را درآمد تحصیلی تشکیل میدهند. همانطوریکه در جدول (۷) مشاهده کردید: در حدود بالاتر از ۲۳ درصد عاید سالانه خانواده ها را در شهر ایبک درآمد تحصیلی شان تشکیل می دهد. بنا بر اساس فرضیه تحقیق، ما براین نتیجه می رسیم که تحصیلات می تواند یکی از منابع درآمدی خانواده ها به شمار رود و بخش عمده عایداتی خانواده ها را تشکیل دهد.

منابع و مأخذ

۱. عزیزی، عبدالکبیر، سال (۱۳۹۶) اقتصاد به زبان ساده انتشارات سعید، جاده آسمایی، کابل.
۲. گروه تحقیقاتی دانشجویان دانشگاه کابل، سال (۱۳۸۸) سی تحقیق انتشارات مرکز فرهنگ و توسعه افغانستان، کابل.
۳. مصاحبه با اهل علم و قلم
۴. مشاهدات
۵. پرسش نامه ها
۶. یافته های تحقیق

ترکیب کیمیاوی و ارزش غذایی و دوایی بادنجان رومی و بادنجان سیاه

نویسنده: پوهاند گل احمد فیضی

چکیده

بادنجان رومی و بادنجان سیاه دو ترکاری خیلی مهم و غذای اساسی نه تنها مردم ما را تشکیل میدهد بلکه در تمام ممالک جهان به منظور ارزش غذایی آن مورد استفاده قرار میگیرند. این دو ترکاری سرشار از ترکیب کیمیاوی و عناصر حیاتی مانند کلسیم ، پتاشیم ، فاسفورس ، سلفر ، مگنیزیم و آهن بوده همچنان دارای مرکبات کیمیاوی از قبیل ویتامین های مورد ضرورت بدن بوده که عبارت از ویتامین های Vit C ، Vit A ، Vit B ، Vit B₁ ، Vit K ، پروتین ، ستریک اسید ، اگزالیک اسید و الکلوئید های مهم مانند نیکوتین بوده که از ارزش غذایی و وارزش دوایی برخوردار میباشند، بر علاوه ارزش غذایی اهمیت درمانی و ارزش دوایی را نیز دارا میباشند، در کشور ما در تمام ولایات و بخش های مهم آن با اقلیم آب و هوای آن سازگار بوده کشت و زرع میشود که از نظر اقتصادی بسیار ارزان بوده و زیادتیر مردمان فقیر و بی بضاعت کشور ما بمنظور مواد غذایی آنرا به مصرف میرسانند ، چون در فصل تابستان مصرف این دو ترکاری بیشتر است لازم دیدم که در باره ترکیب کیمیاوی ، ارزش غذایی و دوایی این دو نبات تحقیق و رسرچ نمایم تا اهمیت دوایی و غذایی آن برای مردم ما روشن گردد.

واژه های کلیدی : کلسترول ، تراپگلیسراید ، هایپرتنشن ، روماتیسم ، نقرص ، اگسالات

مقدمه :

خواننده گان گرامی در این مقاله علمی تحقیقی که به شکل تحقیق کتابخانه ای از منابع و مأخذ علمی تحقیق گردیده این دو ترکاری خیلی مهم را که نه تنها در کشور ما بلکه در تمام ممالک جهان به منظور ارزش غذایی و درمانی آنها مورد استفاده قرار میگیرد به معرفی میگیریم که عبارت اند از :

۱- بادنجان رومی

۲- بادنجان سیاه

استفاده همزمان از این دو نوع ترکاری از زمان های بسیار قدیم در کشور ما بصورت تازه و هم بصورت خشک مورد استفاده قرار میگیرد ، که هر دو آن سرشار از مرکبات کیمیاوی، عناصر کیمیاوی و ویتامین ها میباشد که در فصل تابستان بیشتر مصرف میشود در قدیم تنها در فصل تابستان یافت میشد اما اکنون در تمام فصول سال در دسترس مردم ما قرار دارد.

زمانی کشت و زرع آن درشروع فصل بهار بوده تا شروع فصل تابستان آماده استفاده میگردد ، در قدیم ها مردم هردوی آنرا خشک میکردند و در فصل زمستان مصرف میکردند اما در شرایط کنونی ازینکه درهر فصل به شکل تازه پیدا میشود از خشک آن در زمستان آنقدر استفاده نمیگردد.

هدف تحقیق

آشنایی کامل مردم ما به فواید طبی، اضرار، ارزش غذایی و ارزش دوائی این دو ترکاری مهم میباشد.

میتود و مواد تحقیق

میتود تحقیق کتابخانه ای بوده که از منابع مختلف علمی، کتاب های طبی، سایت های انترنتی و مجلات علمی تازه و بکر معلومات از کتاب ها در باره نباتات طبی میباشد.

بادنجان رومی *Solanum lycopersicum*

بادنجان رومی که در زبان های مختلف به نام های گوجه فرنگی، پامدور و توماتو یاد میشود یک گیاهی علفی است این گیاه مانند کچالو نبات اولیه امریکای جنوبی بوده و بعداً به سایر کشورها پخش و گسترش یافته است. رومی خام سبز این گیاه دارای ماده سمی بنام سولاینن است که خوردن خام آن مسموم کننده میباشد. هر قدر رسیده باشد ماده سمی آن از بین میرود، این ترکاری به پیمانیه زیاد مصرف انسانی دارد، این گیاه در تمام نقاط افغانستان رشد و نمو مینماید و با تمام شرایط آب و هوای اقلیم کشور ما سازگار بوده و بمنظور ارزش غذایی آن مصرف میشود. { ۱ }

ترکیب کیمیاوی بادنجان رومی :

در ترکیب اکثر از قسمت های این گیاه و بخصوص در میوه سبز آن قبل از پخته شدن ماده سمی سولاینن وجود دارد، فیصدی ماده سولاینن در گیاه جوان و سبز آن به میزان ۰٫۴۱ درصد میباشد. مگر در میوه کاملاً رسیده آن این مقدار به حداقل کاهش میابد، مواد دیگری در ترکیب کیمیاوی این گیاه وجود دارد، عبارت اند از Vit K، Vit A، Vit B، Vit B_۱، Vit PP، Vit C، Vit E، کاربوهایدریت های پینتوزها، همی سلولوز، دگسترین، اینوزلیت، اینولین، آلبومین، چربی، مواد معدنی، ستریک اسید و اگرالیک اسید میباشد. ترکیب مهم دیگری بادنجان رومی را روتینوئیدها خصوصاً ماده بنام Lycopine ها که اثرات ضد سرطانی دارد تشکیل میدهد { ۲ }

خواص درمانی بادنجان رومی :

بادنجان رومی را میتوان به مبتلایان روماتیسم، نقرص و سنگ گرده توصیه نمود که به علت میزان اکسالات آن بسیار کم که مقدار آن بین ۰٫۰۳ - ۰٫۰۱ است. بادنجان رومی خاصیت قلوی نمودن خون را دارا میباشد، پزشکان توصیه مصرف بادنجان رومی را به افراد مبتلا به ورم مفاصل نیز هدایت کرده اند. این گیاه ارزش پروتینی کم داشته و میزان پروتیدی آن نیز جزئی میباشد این ماده سرشار از ویتامین های (A، B، C، K) بوده که در تعادل مواد عضوی بدن و PH خون نقش مهم دارد، یکی از خواص دوائی دیگر آن عبارت است از :

۱- اثر تقویت کننده، صفرا آور، رقیق کننده خون، اشتها آور، کمک کننده در هضم مواد نشایسته ای، قلوی کننده و صاف کننده خون میباشد.

۲- خوردن بادنجان رومی بشکل تازه اثر تقویت کننده روی اسپرمها، رودهها، بیره های دندان و بینای چشم دارد.

۳- افراد که به عدم دفع ادرار مبتلا است توصیه شده است تا روزانه دو الی چهار پیاله از آب بادنجان رومی استفاده نماید.

۴- استفاده خارجی آب بادنجان رومی برای دفع بخارها یا دانه های سیاه روی جلد سفارش شده است. طوری که اول آب بادنجان رومی را روی جلد مالیده و بعد بالای آن آب زerk مالیده شود، همچنان در رفع جوش ها یا بخار های اگنی (جوانی دانه) میتوان بادنجان رومی را پارچه کرده بروی ضایعه جلد بمالید، بعد از ۲۴ ساعت بالای آن از گیاه ترشک کوبیده شده مالیده و در اخیر آنرا با آب سرد شستشو نمائید. { ۳ }

۵- بادنجان رومی استفاده زیادی بصورت تازه رسیده ، پخته شده با روغن و رب آن دارد مگر استفاده تازه آن از شکل پخته شده باروغن بهتر میباشد.

۶- افراد که مبتلا به یوریای خون، هکک، ازدیاد وزن، خون ریزی بیره ها، مسمومیت، شبکوری، سنگ گرده، سنگ مثانه، قبضیت، آب مروارید، سنگ کیسه صفرا، کلسترول خون، تصلب شرائین، سیاتیک، آرتريت، چسپیده گی پلاکت های خون، ضعف عروق خونی، سرطان پروستات و فشار خون بلند (Hypertention) باشند مصرف بادنجان رومی برایشان مفید میباشد { ۲ }

اضرار بادنجان رومی

۱- سرخ کرده بادنجان رومی موجب سوء هاضمه شده و در افراد که فشار خون و روماتیسم دارند زیان بخش است.

۲- استفاده پوست و تخم بادنجان رومی باعث حساسیت معده و روده ها میشود.

۳- مصرف بادنجان رومی نا رسیده خام باعث مسمومیت میشود.

۴- افراد که در مصرف بادنجان رومی زیاده روی میکنند باعث اسهال، ناراحتی معده، جگر، نفخ و باد، اسیدی شدن عصاره معده، اسیدی شدن خون، کاهش شیر مادر، حساسیت و خارش های جلدی را سبب میشود

۵- اشخاص که مبتلا به بواسیر، خارش پوستی، درد کمر، افزایش اسید یوریک، نقرص، التهاب مثانه و گرده باشند مصرف بادنجان رومی برایشان مجاز نمی باشد.

۶- در بعضی افراد مصرف بادنجان رومی دیر هضم بوده باعث نفخ و باد می شود.

۷- بادنجان رومی دارای بعضی الكالوئید ها می باشد که در بعضی اشخاص موجب ازدیاد حساسیت و ناراحتی جگر میشود.

۸- اگر بادنجان رومی را قبل از رسیدن (خام) بطور کامل مصرف نماید ممکن باعث مسمومیت با علائم (درد دل، اسهال و توسع مردمک چشم) میشود { ۴ }

بادنجان سیاه *Solanum Hydragium*

گیاه علفی است با ساقه ای بلند به اندازه کمتر از یک متر، میوه آن به نام بادنجان سیاه یا سوسنی بادنجان یاد میشود بطور پخته مصرف غذایی دارد. در شرایط آب و هوای کشور ما توافق دارد و بخوبی رشد نموده میتواند، استفاده از آن برای جلوگیری از چاقی و رفع قبضیت موثر میباشد، در ضمن به مبتلایان مرض نقرص و مرض شکر ضرر ندارد. این گیاه دارای خواص درمانی بوده و هم از خود مضراتی بجا میگذارد. { ۵ }

ترکیب کیمیاوی بادنجان سیاه:

بادنجان سیاه در ترکیب خود دارای ویتامین های (Vit A ، Vit B ، پروتین) مواد معدنی از قبیل کلسیم (Ca)، فاسفورس (P)، مس (Cu)، سلفر (S)، مگنیزیم (Mg)، پتاشیم (K) و آهن (Fe) میباشد. علاوه بر مواد فوق الذکر دارای فیتونو ترینت های فینولیکی مانند کافیک ، کلورو ژینک اسید و فلانوئید ها مانند ناسیونین میباشد.

ترکیبات فیتونوترینت ها اثر انتی اکسیدان داشته از آن بابت اثر ضد سرطانی دارند. همچنان خاصیت ضد کلسترول خون و ویروس ها را نیز دارا میباشد این تاثیرات وقتی از آن دیده میشود که با پوست خورده شود { ۱ }

خواص درمانی :

۱- نسبت داشتن میزان زیاد پتاشیم و مقدار کم کلسیم باعث بالا نگهداشتن سطح مایعات قلوی بدن شده و هم برای افرادی که دارای فشار خون بلند اند مصرف بادنجان سیاه مفید است.

۲- افراد که بی اشتهايي ، بیخوابي، ناراحتی عصبی و انسداد عروق خون داشته باشند مصرف بادنجان سیاه نافع میباشد.

۳- برای درمان مریضی Vitiligo (پیس یا لکه های سفید روی جلد) مقدار از بادنجان سیاه را جوشانیده و بعد از جوشاندن خوب کوبیده و با روغن زیتون مخلوط کرده دوباره بجوشانید تا آب آن تبخیر شود و سپس روی ضایعه جلد بمالید.

۴- دارای اثر نرم کننده بوده به نسبت داشتن آهن در کم خونی ها موثر میباشد.

۵- اثر درمانی روی پندیده گی ها و التهابات بدن دارد.

۶- قابض بوده و در تحشر خون نقش دارد.

۷- برای درمان احتلام (شیطان بازی دادن) و انواع خون ریزی ها مورد استفاده قرار میگیرد.

۸- دارای اثر بازنده گی عروق خون را داشته و از همین جهت از سکنه های مغزی جلوگیری میکند.

۹- اگر برگ و پوست سیاه بادنجان سیاه را بجوشانید و این جوشانده برای درمان اسهال خونی مفید میباشد.

۱۰- برای تسکین درد ها، صرع (میرگی) شکستگی استخوان کاربرد درمانی دارد { ۶ }

اضرار بادنجان سیاه:

- ۱- اگر بادنجان سیاه را سرخ کرده مصرف نماید، باعث سوء هضم میشود. بهتر است تا آنرا با آب پخته و یا توسط بخار آب طبخ شود تا باعث سوء هضم نگردد.
- ۲- در پختن بادنجان سیاه از روغن تازه حیوانی استفاده کرده و هم حین پختن پوست آنرا گرفته و بادنجان را به قطعات بریده روی آن نمک زده و در آب سرد روی هم بپیچانید و برای مدت در آب بمالید سپس آب آنرا که تلخ و سیاه شده است دور ریخته و این عمل را چند بار تکرار نمایید تا آب تلخ و سیاه رنگ آن زایل شود، بعداً پخته و مصرف گردد، بدین ترتیب خوشمزه شده طعم تلخ آن برطرف میگردد.
- ۳- در دانه بادنجان سیاه الکالوئید وجود دارد برای بیماران که زردی و ناراحتی های جگر دارند مضر میباشد چنین افراد نباید از بادنجان سیاه استفاده نماید. { ۵ }
- ۴- بادنجان سیاه دارای ماده سمی سولانین بوده بعضی افراد در مقابل آن حساسیت دارند و با خوردن آن چشم درد شده در بدن خود پت میکشند.
- ۵- مصرف بادنجان سیاه بشکل خام باعث مسمومیت میشود.
- ۶- افراد مبتلا به بیماری های سنگ کیسه صفرا، فشار خون بلند، زردی، تب، تورم جگر، تورم گرده، سر دردی، ضعف دید چشم و ناراحتی های طحال باشند و زن های که حامله استند از خوردن بادنجان سیاه خوداری نمایند. { ۶ }

نتیجه گیری

قراریکه تحقیقات و سرچ توسط دانشمندان و نبات شناسان بالای بادنجان رومی و بادنجان سیاه صورت گرفته این دو نبات غنی از منرال ها، مرکبات کیمیای و ویتامین ها بوده برعلاوه که اهمیت غذایی دارند برای تداوی بعضی امراض نیز بکار برده میشود که مردم ما میتوانند به عوض دارو های کیمیای که عوارض جانبی دارند، ازین دو ترکاری به حیث مواد غذایی و ارزش دوایی آن استفاده نمایند تا از یک طرف بنیه مالی مردم ما از نظر اقتصادی تقویه گردیده و از طرف دیگر برای عضویت ما نیز ترکاری مهم و با ارزش محسوب میشود. با استفاده مصرف ترکاری به عوض مواد غذایی چرب و پروتینی جلوگیری از فشار بلند خون، سکتته های مغزی و بلند رفتن سطح کلسترول خون و چربی جگر تراپگلیسراید میگردد همچنان ریاست مرکز تحقیقات پوهنتون مولانا به کمک مالی پوهنتون یک لابراتوار تحقیقی را با وسایل تحقیق و مواد تحقیق برای استادان و محصلان که علاقمند تحقیق هستند ایجاد نمایند تا محققین ما تشویق گردیده به امورات تحقیق پردازند. ویا در بخش تحقیقات کتابخانه ای ژورنال ها و مجلات تازه را خریداری نماید.

منابع و ماخذ

- ۱- باری. محمد عثمان. تحقیق پیرامون گیاهان طبی. ۱۳۸۴ پوهنتون کابل صص ۶۳ و ۶۵
- ۲- رحیمی. محب الله. جغرافیه بشری افغانستان. ۱۳۷۸ پوهنتون کابل صص ۱۱۱ و ۱۱۳
- ۳- راشد. محمد حسن. رستنی های فلور خراسان. ۱۳۷۹. دانشگاه مشهد صص ۱۲۴ و ۱۳۷
- ۴- شفق. محمد یونس. سیستماتیک خانواده مخفی البذر. ۱۳۷۴ پوهنتون کابل صص ۶۰ و ۶۴
- ۵- عثمان. عزیزالله. نباتات طبی افغانستان. ۱۳۹۰ پوهنتون کابل صص ۹۴ - ۹۸
- ۶- محمدی. شهین بزرگ مهر. رژیم های غذایی و درمانی. ۱۳۸۹. دانشگاه تهران صص ۸۹ و ۹۲

د بیع وفاء حکم په اسلامي معاملاتو کې

لیکوال: سید محمود مقصودي

مقدمه

الحمد لله رب العلمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين محمد وآله واصحابه اجمعين. وبعد: د اسلام مبارک دين کامل او له عیبونو خالي دين دی، هرکله چې په مسلمانانو باندې يو کار سخت شي حتما له بله لوريه ورباندې د آسانی دروازې پرانستل کېږي، نو هرکله چې په گروهی کې مسلمانان په يو څه مشکلاتو کې گيرؤ، يو شمېر فقهي علماؤ په آسانی او يسر باندې امر وکړو، څرنگه چې د گروهی مال څخه د جمهورو علماؤ په نزد استفاده جائزه نده له همدې وجهې زمونږ د زماني يوشمېر علماؤ د بیع وفاء په جواز باندې حکم وکولو، خو ټول علماء په دې حکم باندې اتفاق نلري.

له بلې خوا زمونږ د جامعي خلک کور، ځمکه او داسې نور عقارات په گروهی باندې نيسي، خو په ځيني صورتونو کې دا معامله د اسلام له نظره روا نوي، په همدې خاطر مې و غوښتل چې د يو تحقيق په ترڅ کې په دې موضوع باندې رڼا واچوم د جواز او عدم جواز صورتونه يې بيان کړم، تر څو د نفيې او اثبات دلائل معلوم او راجح قول په لاس راشي. چې په نتيجه کې دا موضوع مسلمانانو ته واضح شي او خپل معاملات د اسلامي اصولو پر بنسټ باندې ترتيب کړي.

په دې مقاله کې د حنفي مذهب له معتبرو کتابونو څخه استفاده شوې ده، چې د منابعو په فهرست کې ذکر شوي دي.

په دې موضوع کې لاندې مسائل بيان شوي دي.

۱. دبیع وفاء تعريف.

۲. د رهن (گروي) تعريف.

۳. د گروهی حکم.

۴. د بیع وفاء حکم.

په حقيقت کې دا هره شمېره يو سوال دی چې بايد جواب کړل شي.

دبیع وفاء تعريف

بیع وفاء په لغت کې په قاهره کې د بیع الامانة، او رهن المعاد په نامه هم يادېږي، او فقهاء بیع الوفاء ورته وايي، يعني په وعده وفاء کول.

په اصطلاح کې بیع وفاء داده چې بايع مشتري ته ووايي، دا څيز مې د هغه قرض په بدل در باندې پلورلی، چې پر ما باندې يې لرې، په دې شرط چې هرکله مې ستا قرض اداء کړو دا څيز به پس زما وي. او يا ووايي: دا څيز مې په دغه قيمت در باندې پلورلي دي، په دې شرط چې هرکله مې دا قيمت در کړو دا څيز به پس ماته را کوي^۱.

^۱ - البحر الرائق: ج ۶ ص ۸.

د رهن تعريف

رهن په لغت کې: (حبس الشيء - بآي سبب كان)، يعني حبس کول د يو شي دي په هرسبب چې وي.

رهن په اصطلاح کې: جعل الشيء محبوسا بحق يمكن استيفاءه من الرهن كالديون: يعني حبس کول د يو شي دي چې خپل حق له هغه څخه تر لاسه کيدای شي^۱.

د رهن مشروعيت

۱. قال الله تعالى: {فَرِهَانَ مَفْبُوضَةً} [البقرة: ۲۸۳] پس لازمه ده، چې گرو قبض شي.
۲. عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشْتَرَى مِنْ يَهُودِيٍّ طَعَامًا إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ، وَارْتَهَنَ مِنْهُ دِرْعًا مِنْ حَدِيدٍ»^۲. له حضرت عايشې رضي الله عنها څخه روايت دی چې رسول الله صلى الله عليه وسلم له يوه يهودي څخه تر يوې ټاکلې مودې پورې طعام اخیستی و، او خپله زړې په گرو کې ورته ايښودلې وه.
۳. همدارنگه د گرو په جواز اجماع هم ثابت ده.
۴. او گرو د خپل مال د لاسته راوړلو لپاره يو توثيق دی؛ نو د وجوب په باب کې هم د توثيق سره ملحق کېږي چې هغه کفالت دی^۳.

د رهن شوي مال حکم

- مرتهن له رهن شوي مال څخه هيڅ نوع استفاده نشي- کولای، نه استخدام، نه سکني، نه لبس... مگر د مالک په اجازه، ځکه مرتهن د انتفاع حق لري نه د حبس.
- همدارنگه مرتهن هغه څيز نه خرڅولای شي او نه يې په اعاره ورکولای شي؛ مگر د رهن په اجازه^۴. حتی ابن نجيم مصري ويلی: مرتهن د رهن په اجازه هم له رهن څخه استفاده نشی کولای^۵.
- هيڅ يو د رهن او مرتهن نشي- کولای چې رهن شوې ځمکه کشت کړي او يا يې بل چاته په اجاره باندې ورکړي^۶.
- رهن نشي- کولای د شخصي- منفعت لپاره له مرتهن څخه رهن شوی مال مسترد کړي، ځکه چې په دې کار سره يې رهن شوی مال حبس کېږي چې رهن يې صلاحيت نلري^۷.

د بيع وفاء حکم

بيع وفاء بيع ده که رهن؟ دوه نظره دي، چې په لاندې ډول بيانېږي.

۱ - الهدايه: ج ۴ ص ۴۱۲.
 ۲ - صحيح البخاري: ج ۳ ص ۸۶، حديث شماره: (۲۲۵۲).
 ۳ - الهدايه: ج ۴ ص ۴۱۲.
 ۴ - الهدايه: ج ۴ ص ۴۱۵.
 ۵ - الاشباه والنظائر: ج ۱ ص ۲۸۹.
 ۶ - البحر الرائق: ج ۸ ص ۲۷۲.
 ۷ - الهدايه: ج ۴ ص ۴۱۳.

۱. بیع و فاهن ده

شیخ نجم الدین نسفی ویلی: هغه بیع چې زمونږ په زمانه کې د سود خوړلو لپاره حيله جوړه شوې په بیع وفاء سره نومېږي. په حقیقت کې رهن ده، مبیعه د مشتري په لاس کې داسې ده لکه رهن د مرتهن په لاس کې، چې نه د هغه مالک کیدلای شي او نه هم له هغه نه استفاده کولای شي مگر د مالک په اجازه. که دا مال تلف شي، یا یې میوه و خوري، یا یې ونې استهلاک شي په دې ټولو صورتونو کې ضامن بلل کېږي، که مبیعه هلاکه شي او قیمت یې د دین په اندازه وي، دین هم ساقطېږي. هرکله چې بايع قرض ورکړي کولای شي گرو شوی جنس واپس واخلي. بناءً زمونږ په نزد بیع وفاء په هیڅ حکم کې د رهن سره تفاوت نه لري، ځکه متعاقدين که څه هم هغه ته بیع وایي؛ خو غرض یې رهن او دخپل قرض توثیق او ساتل دي، ځکه بايع تر دې عقد ورسته هرچاته وایي چې: (خپل ملک مې پلاني ته گرو کړی)، مشتري وایي: (دپلاني ملک مې گرو کړی)، په تصرفاتو کې مقاصدو او معانیو ته اعتبار ورکول کېږي نه الفاظو او مبانیو ته، په هم دې نظر باندې سید ابو شجاع هم و^۱.

خرنگه چې د مجلة الاحکام (۳) ماده ده: الْعِبْرَةُ فِي الْعُقُودِ لِلْمَقْاصِدِ وَالْمَعَانِي لَا لِلْأَلْفَاظِ وَالْمَبَانِي وَلِذَا يَجْرِي حُكْمُ الرَّهْنِ فِي الْبَيْعِ بِالْوَفَاءِ^۲.

یعنی: په عقودو کې مقاصدو او معانیو ته اعتبار ورکول کېږي نه الفاظو او مبانیو ته، له همدې وجهې بیع وفاء ته د رهن حکم ورکول کېږي.

ابن عابدين د خیريې نظر داسې نقل کوي چې: د اکثرو علماؤ په نزد د بیع وفاء او رهن تر مینځ په هیڅ حکم کې فرق نشته دی^۳.

۲. بیع وفاء بیع ده

په مجمع النوازل کې راغلي، په دې زمانه کې اتفاق د مشائخو بیع وفاء بیع ده، لکه چې بعضې سلفو هم همدغه ته نظر لرلو.

ځکه چې بايع او مشتري له کوم شرط پرته په بیع باندې تلفظ کوي، اعتبار لفظ ته دی، چې منصوص دی نه مقصود ته، مثلاً: که څوک په دې نیت باندې ازدواج کوي چې تر جماع ورسته به طلاق ورکوي دا عقد صحیح دی. بعضې وایي چې ددې قول قائل قاضي خان دی^۴.

مجلة الاحکام د خلکو د ضرورت او حاجت په خاطر بیع وفاء جائز بللې ده. په (۳۲) ماده کې داسې وایي: الْحَاجَةُ تَنْزِلُ مَنْزِلَةَ الضَّرُورَةِ عَامَّةً أَوْ خَاصَّةً، وَمِنْ هَذَا الْقَبِيلِ تَجْوِيزُ الْبَيْعِ بِالْوَفَاءِ، حَيْثُ أَنَّهُ لَمَّا كَثُرَتْ الدُّيُونُ عَلَى أَهْلِ بُخَارَى مَسَّتْ الْحَاجَةُ إِلَى ذَلِكَ وَصَارَ مَرْعِيًّا^۵.

۱ - دررالحکام شرح غرر الاحکام: ج ۲ ص ۲۰۷.

۲ - مجلة الاحکام العدلیة، ماده: (۳).

۳ - ردالمحتار: ج ۵ ص ۲۷۶.

۴ - دررالحکام شرح غرر الاحکام: ج ۲ ص ۲۰۷.

۵ - مجلة الاحکام العدلیة، ماده: (۳۲).

یعنی: حاجت خاص وی که عام د ضرورت په شان دی، له همدې جملې څخه جواز د بیع وفاء هم دی، ځکه هرکله چې د بخارا په خلکو باندې قرضونه زیات شول بیع وفاء ته ضرورت پیدا شو او داحکم مرعی الاجراء دی.

بیع وفاء د فقهاؤ له نظره

یوه بیعه ده چې په قاهره کې بیع الامانة ورته وایي، او د رهن المعاد په نوم باندې هم یادېږي، او د فقهاؤ په نزد بیع الوفاء ورته ویل کېږي.

ابن نجیم مصري په بحرالرایق کې د بیع وفاء په هکله باندې د فقهاؤ (۸) آته لاندې قولونه نقل کړي دي.

۱. دمنظومې مصنف وایي بیع وفاء په حقیقت کې رهن ده، نو مشتري د هغه مالک نشي کیدلای او نه هم له هغه څخه د بايع د اذن پرته استفاده کولای شي، که هغه خواراکي شی وی په خوړلو سره یې، یا ونه وی او له ده څخه تلف شي ضمان ورباندې لازمېږي، که هغه شی په پوره ډول له مینځه لاړشي په همدې خاطر یې قرض هم ساقطېږي، هرکله چې قرض اداء شو گرو شوی جنس خپل اصلی مالک ته ورکول کېږي.

۲. ځینې مشائخو د عرف د حکم په اساس ویلي دي، چې دا بیع صحیح ده؛ نو که دا کور پوره له مینځه لاړو بايع د پیسو په ورکولو باندې مکلف ندې، زیلعي ویلي: فتوا د دې بیع په جوازده؛ چې د بعضې احکامو افاده ورڅخه کیدای شي مثلاً: له هغه منفعت اخیستلای شي؛ خو په چاپې خرڅولای نشي.

۳. قاضي خان وایي په دې موضوع کې تفصیل دی، که عقد د بیع په لفظ وشي بیانو رهن نشي کیدلای، بیایې که فسخه عقد کې شرط کړه، یا یې وویل: (بیع په شرط د وفاء)، یا یې بیع وویل خو دا ډول بیع ددوی په نزد لازمه نه وه، په دې ټولو صورتونو کې بیع فاسده ده. که په بیعه کې یې د وفاء شرط ذکر نه کړو؛ خو ورسته یې وفاء د وعدې په توگه شرط کړه په دې صورت کې بیع جائز ده. او په شرط وفاء لازمه ده، ځکه ډیری داسې معاملې د ضرورت له وجهې کېږي او د دغې فقهي قاعدې سره مطابقت کوي چې وایي: (مَا ضَاقَ عَلَى النَّاسِ أَمْرٌ إِلَّا اتَّسَعَ حُكْمُهُ).

۴. د (العدة او ظهیرالدین) له نظره: بیع وفاء بیع فاسده ده، که بیع سره ملحق شي هغه هم فاسدوي اگر که دا الحاق د بیع تر مجلس ورسته وي. که یې اول وفاء شرط کړه او بیایې عقد مطلق او د شرط پرته و تړلو؛ نو که یې دوهم عقد په اول عقد باندې بناء کړی نوو دا عقد جائز دی اول عقد یې اعتبار نه لري.

۵. د خوارزم د علماؤ له نظره، که له شرط پرته مطلق بیع و تړي خو مشتري وکیل ونیسي یا خپله وعده وکړي؛ چې هرکله بايع پیسې ورکړي نو دی به بیع فسخ کوي، او پیسې هم د مبیعې د قیمت په اندازه نوي او په هغه کې غبن فاحش وي، نو که داسې وو دا رهن دی که داسې نوو بیا نو دا بیع بات ده.

۶. دامام زاهد په نزد، د وفاء شرط په بیع کې ذکر نشي دا بیع د مشتري په حق کې صحیح ده. تردی چي هغه یې د نزول مالک کیدلای شي یعنی کولای شي دې کور کې بل څوک و ووسوي؛ خو د بايع په حق کې دا بیع رهن دی، نو مشتري د هغه مالک ندی. نه یې بل چاته ورکولای شي؛ هر کله یې

چې دین حاضر کړو مبیعه به واپس ورکوي، ددې په شان اسلامي شریعت کې ډیرې مرکبې بیعې شته دي؛ نو د حاجت په خاطر د نورو مرکبو بیعو په شان جائز وگڼل شوه. تر څو په سود کې واقع نشي.

۷. د هدایې مصنف او زمونږ د زمانې د مشائخو له نظره بیع وفاء صحیح نده (وعليه الفتوى)، یعنی مشتري مبیعه نشي خرڅولای، که یې له منافعو څخه استفاده وکړه او یایې څه ترې وخورل د هغه ضمان پرې شته دی. که هلاکه شوه ضمان نه لري.

۸. بعضې جامع محققین علماء وایې چې بیع وفاء په بعضې احکامو کې فاسده ده تر دې چې هر یو د بايع او مشتري د هغه د فسخې حق لري. په بعضې احکامو کې صحیح ده لکه منافع د مبیعې، او په بعضو احکامو کې رهن ده او هغه دا چې مشتري د هغه د خرڅولو او گرو کولو حق نه لري، ونې یې نشي قطع کولای کور او خونې یې نشي وړانولای، په هلاک سره یې قرض نشي خلاصدلای، د نقصان په صورت کې د رهن په شان پیسې په هغه تقسیمېږي.

فتاوی هندیې د بیع وفاء د صحت او فساد لپاره څلور صوتونه ذکر کړي:

۱. هغه عقد چې د راهن او مرتهن تر مینځ تړل کېږي که د بیع په لفظ وي بیع وفاء دي.
۲. که راهن او مرتهن فسخه په عقد کې شرط کړي بیعه فاسدېږي.
۳. که عقد د بیع په لفظ و تړل شي او وفاء ورسره شرط کړي، یا په بیع جائز تلفظ وکړي او ددوی ترمینځ دا ډول بیع لازمه نه وه؛ بیا هم بیع فاسدېږي.
۴. که یې بیعه له شرط پرته ذکر کړه د عقد تر تړلو وروسته یې شرط د وعدې په شان ذکر کړو، په دې صورت کې بیع جائز ده. په وعده باندې وفاء کول لازم دي^۱.

د بحرالرایق مصنف ابن نجیم مصري وایي

بیع وفاء یو عقد دی، چې د زرافې په شان له دريو عقدونو څخه مرکب دی. د خلکو د حاجت او ضرورت له وجهې جواز ورکړل شوی دی په دې شرط، چې دواړه بدلین سلامت خپلو څښتنانو ته تسلیم کړل شي؛ خو په افتاء کې به د جامع محققینو علماؤ د قول څخه عدول نه کېږي^۲.

مجله الاحکام العدلیه هم د ابن نجیم مصري اخیریني یعنی آتم قول ته ترجیح ورکړې ده او داسې لیکي: (المادة ۱۱۸) بَيْعُ الْوَفَاءِ هُوَ الْبَيْعُ بِشَرْطِ أَنْ الْبَائِعَ مَتَى رَدَّ الثَّمَنَ يَرُدُّ الْمُشْتَرِيَ إِلَيْهِ الْمَبِيعَ وَهُوَ فِي حُكْمِ الْبَيْعِ الْجَائِزِ بِالنَّظَرِ إِلَى انْتِفَاعِ الْمُشْتَرِيَ بِهِ وَفِي حُكْمِ الْبَيْعِ الْفَاسِدِ بِالنَّظَرِ إِلَى كَوْنِ كُلِّ مِنَ الْفَرِيقَيْنِ مُقْتَدِرًا عَلَى الْفَسْخِ وَفِي حُكْمِ الرَّهْنِ بِالنَّظَرِ إِلَى أَنَّ الْمُشْتَرِيَ لَا يَقْدِرُ عَلَى بَيْعِهِ إِلَى الْغَيْرِ^۳.

د برنیو اقوالو خلاصه او راجح قول

راجح قول دادی چې د خلکو د حاجت له وجهې د لاندې دلائلو په اساس بیع وفاء جائزه ده.

۱. د مجمع النواز داقول چې: (زمونږ په زمانه کې د مشایخو په اتفاق بیع وفاء بیعه ده)، لکه چې همدا نظر د بعضې سلفو هم دی، ځکه بايع او مشتري له کوم شرط پرته په بیع تلفظ کوي او اعتبار ملفوظ

۱ - الفتاوي الهنديه: ج ۳ ص ۲۰۹.

۲ - البحرالرایق: ج ۶ ص ۹.

۳ - مجلة الاحکام العدلیه.

ته دی چې نص وي نه مقصود ته، چې په دې سره د مجله الاحکام دغه دوو مادو ته اشاره ده: (المادة ۲):
 الْأُمُورُ بِمَقَاصِدِهَا. يَعْنِي: أَنَّ الْحُكْمَ الَّذِي يَتَرْتَّبُ عَلَى أَمْرٍ يَكُونُ عَلَى مُقْتَضَى مَا هُوَ الْمَقْصُودُ مِنْ ذَلِكَ الْأَمْرِ.
 (المادة ۳): الْعِبْرَةُ فِي الْعُقُودِ لِلْمَقَاصِدِ وَالْمَعَانِي لَا لِلْأَلْفَاظِ وَالْمَبَانِي " خرنګه چې بايع او مشتري دواړه
 غواړي له مبيعي څخه استفاده وکړي، نو اگرکه يې گرو هم ويلي وي دا بيع وفاء ده ځکه د گرو په صورت
 کې له مبيعي څخه استفاده کول روا نه دي.

۲. مجلة الاحکام ليکي: د خلکو د حاجت او ضرورت له وجهې دا بيعه د سلم او استتباع په شان
 جائز و گڼل شوه: (المادة ۳۲): الْحَاجَةُ تَنْزِلُ مَنْزِلَةَ الضَّرُورَةِ عَامَّةً أَوْ خَاصَّةً، وَمِنْ هَذَا الْقَبِيلِ تَجْوِيزُ الْبَيْعِ
 بِالْوَفَاءِ؛ حَيْثُ أَنَّهُ لَمَّا كَثُرَتِ الدُّيُونُ عَلَى أَهْلِ بُخَارَى مَسَّتْ الْحَاجَةُ إِلَى ذَلِكَ وَصَارَ مَرْعِيًّا^۱.

۳. ابن نجيم مصري په بحرالرايق کې د فقهاؤ د آتو قولونو د نقل کولو ورسته ليکي: قُلْتُ: هَذَا الْعُقْدُ
 مُرَكَّبٌ مِنَ الْعُقُودِ الثَّلَاثَةِ كَالزَّرَافَةِ فِيهَا صِفَةُ الْبَعِيرِ وَالْبَقَرِ وَالنَّمْرِ جُوزَ لِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ بِشَرْطِ سَلَامَةِ
 الْبَدَلَيْنِ لِصَاحِبَيْهِمَا اهـ.^۲ يعني بيع وفاء له دريو عقدونو څخه يو مرکب عقد دی لکه زرافه، د خلکو د
 حاجت لپاره جواز ورکړل شوی دی په دې شرط چې دواړه بدلين موجود او سالم وي، خپلو څښتنانو ته
 تسليم شي.

۴. ورسته له دې چې ابن نجيم مصري د خلکو د حاجت لپاره د بيع وفاء جواز نقل کوي بيا وايي:
 مناسب نده چې د جامع محققين علماؤ له قول پرته فتوا ورکړل شي: وَيَنْبَغِي أَنْ لَا يُعَدَلَ فِي الْإِفْتَاءِ عَنِ
 الْقَوْلِ الْجَامِعِ^۳. د قول جامع نه مرد آتم قول دی، چې بره ذکر شوی دی.

۵. الاشباه و النظائر د: الْحَاجَةُ تَنْزِلُ مَنْزِلَةَ الضَّرُورَةِ، عَامَّةً كَانَتْ أَوْ خَاصَّةً، مَادِي لَانْدِي لِيكِي: وَمِنْهَا
 الْإِفْتَاءُ بِصِحَّةِ بَيْعِ الْوَفَاءِ حِينَ كَثُرَ الدُّيُونُ عَلَى أَهْلِ بُخَارَى وَهَكَذَا بِمِصْرَ^۴.

يعني هرکله چې په مصر او بخارا کې قرضونه زيات شول د بيع وفاء په صحت باندې فتوا ورکړل شوه.

۶. درر الاحکام چې کله د الاشباه والنظائر ماده چې په جواز د بيع وفاء ده نقل کوي بيا يې په فروعاتو
 کې ليکي: وَيُفْهَمُ مِنْهَا أَنَّ بَيْعَ الْوَفَاءِ كَانَ مَمْنُوعًا، وَقَدْ جُوزَ بِنَاءً عَلَى الضَّرُورَةِ^۵. يعني اصلا بيع وفاء جائزه
 نده؛ خو د خلکو د ضرورت له وجهې جواز ورکړل شوی دی.

۷. زيلعي په تبیین الحقايق کې د بيع وفاء په هکله درې نظرونه نقل کړي دي: (۱- د بعضې علماؤ
 په نزد دا بيع مکروه ده. ۲- د بعضې نورو علماؤ په نزد رهن ده. ۳- خو د سمرقند علماء يې جائز بولي)، د
 ابن نجيم مصري قول داسې نقل کوي: اتَّفَقَ مَشَايخُنَا فِي هَذَا الزَّمَانِ فَجَعَلُوهُ بَيْعًا جَائِزًا مُفِيدًا، بَعْضُ
 أَحْكَامِهِ وَهُوَ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ دُونَ الْبَعْضِ وَهُوَ الْبَيْعُ لِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلِتَعَامُلِهِمْ فِيهِ: يعني زمونږ د زماني مشائخ
 د بيع وفاء په جواز اتفاق لري دا بيعه يې په بعضې احکامو کې جائزه، مفیده گڼلې ده. يعني خلک کولای

۱ - مجلة الاحکام العدلية.

۲ - البحرالرايق: ج: ۶ ص: ۹.

۳ - البحرالرايق: ج: ۶ ص: ۹.

۴ - الاشباه والنظائر: ج: ۱ صص: ۹۱ - ۹۲.

۵ - درر الاحکام شرح مجلة الاحکام: ج: ۱ ص: ۴۲.

شي له هغه څخه نفع واخلي؛ خو په بل چاپي خرڅول روا نه دي. دا جواز يې ځکه ورکړی، چې خلک دې ته ضرورت لري. دا تعامل هم دی.

۸. همدارنگه زيلعي د بيع وفاء د جواز تر نقل کولو ورسته وايي: وَالْقَوَاعِدُ قَدْ تَتْرَكُ بِالْتَّعَامِلِ وَجَوِّزَ الْاِسْتِصْنَاعَ لِذَلِكَ وَقَالَ صَاحِبُ النَّهَائَةِ وَعَلَيْهِ الْفَتْوَى^۱. يعني که څه هم بيع وفاء د اصلي قواعدو په اساس روانه ده؛ خو کله کله قواعد د تعامل او عرف له وجهې پرېښودل کېږي، چې له همدې وجهې استصناع ته هم جواز ورکړل شوی دی. د نهايي صاحب وايي چې (وعليه الفتوى).

۹. (وعليه الفتوى) د ترجيح د الفاظو يو قوي توري بلل کېږي، مخالف اړخ ته يې مرجوح ويل کېږي، چې د راجح په صورت کې په مرجوح عمل کول درست نه دي.

پايله

که څه هم مقدمينو علماؤ د شريعت د اصلي قواعدو په اساس بيع وفاء جائز نه بلله؛ ځکه بيع وفاء له قرض څخه مفاد حاصلول دي. په حديث مبارک کې دې نوع مفاد ته سود ويل شوی دی؛ لکه چې د مبارکو احاديثو په روايتونو کې د علی کرم الله وجهه او داسې نورو صحابه کرامو په روايت راغلي: "كُلُّ قَرْضٍ جَرَّ نَفْعًا فَهُوَ رِبًا"^۲.

د حنفي مذهب ورستنيو علماؤ د خلکو د ضرورت او حاجت په اساس دا بيعه جائزه گڼلې ده. په اوس عصر کې همدا قول مفتی به او راجح هم دی. د اسلامي جوامعو او حنفي فقهاؤ عرف هم په دې دی، چې د تعامل له وجهې په قواعدو باندې عمل کول پرېښودل کېږي.

اما بايد ووايو، چې تقوا د بيع وفاء په نه کولو کې ده، ځکه اصلا دا بيعه د ضرورت په اساس جائزه شوې ده، نو بايد د ضرورت سره سم ترې کار واخستل شي. د ضرورت په ختمېدلو دا بيعه هم بنده شي؛ نو ښه ده چې د امکان په صورت کې دا بيع ونه شي؛ خو که ضرورت وي نو د شک پرته له دې بيعې استفاده کولای شو. له فقهي قواعدو هم څرگندېږي، چې کوم څه د ضرورت په اساس جائز شوي وي. هغه به د ضرورت په اندازه وي، يعني د ضرورت د پای ته رسېدو سره سم به د هغه جواز هم پای ته رسېږي. په آخیر کې د الله جل جلاله له لوی دربار څخه غواړم، ترڅو دا رساله زما لپاره د عفوي، بخشش او د الله جل جلاله درضايت سبب شي. او د ټول مسلمه امت لپاره د نفع، برکت او اسلامي ورورولې عامل وگرځي، و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله و اصحابه اجمعين.

^۱ - بين الحقائق: ج: ۵ ص: ۱۸۴.

^۲ - مرقات شرح مشکاة: ج: ۵ ص: ۱۹۲۶.

اخڤليک

۱. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي (المتوفى: ۱۲۵۲هـ)، رد المحتار على الدر المختار. الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م.
۲. ابن نجيم، الشيخ زين العابدين بن ابراهيم (۹۲۶-۹۷۰هـ)، الاشباه والنظائر على مذهب ابي حنيفة النعمان. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، الطبعة: ۱۴۰۰هـ=۱۹۸۰م.
۳. ابن نجيم، الشيخ زين العابدين بن ابراهيم (۹۲۶-۹۷۰هـ)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق. الناشر: دار الكتاب الإسلامي، الطبعة: الثانية، ب ت.
۴. أبو عبدالله البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل، صحيح البخاري. الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ.
۵. الزيلعي، عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الحنفي (المتوفى: ۷۴۳هـ)، تبيين الحقائق شرح كنز الدقائق، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، بولاق، القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۳۱۳هـ.
۶. الشيخ نظام وجماعة من علماء الهند، الفتاوى الهندية. الناشر دار الفكر، سنة النشر ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۱م.
۷. لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية، مجلة الأحكام العدلية. الناشر: نور محمد كارخانه تجارت كتب، آرام باغ، كراتشي، ب ت.
۸. المرغيناني، علي بن أبي بكر الفرغاني أبو الحسن برهان الدين (المتوفى: ۵۹۳هـ)، الهداية في شرح بداية المبتدى. الناشر: دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان، ب ت.
۹. ملا خسرو، محمد بن فرامرز (المتوفى: ۸۸۵هـ)، درر الحكام شرح غرر الأحكام. الناشر: دار إحياء الكتب العربية، ب ط، ب ت.
۱۰. ملا علي قاري، علي بن سلطان محمد، أبو الحسن نور الدين، (المتوفى: ۱۰۱۴هـ). مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الناشر: دار الفكر، بيروت لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ.

بررسی اعاده اعتبار تاجر ورشکسته در حقوق ایران و افغانستان

نویسنده: احمد مسعود محمدی

چکیده

تاجری که دارایی او برای پرداخت دیونش کافی نباشد از طرف دادگاه حکم ورشکستگی او صادر می‌شود و در نتیجه از برخی حقوق اجتماعی و اقتصادی محروم می‌گردد. قانون‌گذار برای اعاده اعتبار او سه مورد را در نظر گرفته است که به سبب اعمال برخی آن ورشکسته لزوماً اعاده اعتبار می‌نماید و در برخی دیگری احتمال اعاده اعتبار وجود دارد؛ آن‌ها عبارت‌اند از: پرداخت کلیه دیون، برقراری قرارداد ارفاقی و جلب رضایت طلبکاران. ورشکسته بعد اعمال هریک از موارد فوق برای اعاده اعتبار خود درخواستی به دادگستری (مطابق قانون ایران) یا دادگاه (مطابق قانون افغانستان) داده خواستار اعاده اعتبار خود می‌شد، بعد طی مراحل و تشریفات دادگاه حکم اعاده اعتبار او را صادر می‌نماید و تاجر به زندگی اجتماعی و اقتصادی خود برمی‌گردد. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده و با روش تحلیلی توصیفی سازش و پردازش صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اعاده اعتبار، تاجر ورشکسته، قرارداد ارفاقی، پرداخت دیون

مقدمه:

اعاده اعتبار ورشکسته، می‌تواند در همه انواع ورشکستگی‌ها، و فقط درباره تاجر ورشکسته، مطرح شود. به هرروی، صدور حکم ورشکستگی به تقصیر و یا ورشکستگی به تقلب، اعتبار تاجر را به چالش روبرو ساخته و وی را در معرض مرگ مدنی قرار خواهد داد. سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است «آیا با صدور حکم ورشکستگی، امکان بازگشت اعتبار ورشکسته وجود دارد؟» اگر پاسخ مثبت است، مواردی که قانون برای بازگشت ورشکسته پیش‌بینی کرده است کدام است؟ ورشکسته درخواست اعاده اعتبار خود را به کدام مرجع مطرح کند؟ و در صورت رد شدن درخواست، ورشکسته چه باید کند. قانون‌گذار مقرر نموده است که ورشکسته تنها با اعاده اعتبار می‌تواند به حیات اجتماعی اقتصادی روزمره خود بازگردد. اما، شرایطی در قانون تجارت برای درخواست اعاده اعتبار و طرح دعوی اعاده اعتبار ورشکسته قرار داده شده است که طرح دعوی اعاده اعتبار، ورشکسته را، به موضوعی تخصصی در حوزه حقوق تجارت مبدل می‌نماید.

بناءً موارد فوق را در قانون تجارت ایران و افغانستان طی سه مبحث که در مبحث اول معرفی واژگان کلیدی، مبحث دوم موارد اعاده اعتبار که قانون هر دو کشور مقرر نموده است ضمن چهار گفتار یعنی گفتار اول تاجری که کلیه دیون خود را پرداخته است، گفتار دوم تاجر ورشکسته ای که قرارداد ارفاقی بسته و یا جلب رضایت طلبکاران را نموده است. گفتار سوم ورشکسته به تقلب و ورشکسته به ارتکاب جرایم که قانون‌گذار باعث ورشکستگی دانسته است و گفتار چهارم مطالعه تطبیقی در قانون ایران و افغانستان.

و در مبحث سوم تشریفات که ورشکسته برای اعاده اعتبار خود مراعت می‌نماید ضمن سه گفتاری یعنی گفتار اول طرح تقاضای اعاده اعتبار نزد دادگستری. گفتار دوم طرح اعاده اعتبار در دادگاه و گفتار سوم مطالعه تطبیقی این مبحث. و در نهایت به یاری خداوند منان با بیان نتیجه خلاصه مباحث موضوع را به پایان می‌رسانیم.

مبحث اول: کلیات (مفهوم شناسی)

در این مبحث به بررسی واژگان کلیدی، توضیح و تبیین موضوع (اعاده اعتبار تاجر ورشکسته) پرداخته می‌شود.

گفتار اول: مفهوم واژگان

از آن جهت که معرفی واژه‌های کلیدی به فهم بیشتر موضوع منجر می‌شود بنام هر یک را به شرح زیرمورد معرفی قرار می‌دهم:

بند اول: اعاده اعتبار

الف: «اعاده، اعادت» در لغت به معنی بازگشت، رجعت، رجوع و از نو زنده شدن می‌باشد.^۱
ب: «اعتبار» در لغت به معنی اطمینان و اعتبار دیگران در باره ی کسی؛ ارزش و اهمیت کسی در نزد دیگران.^۲

ج: «اعاده ی اعتبار» در اصطلاح عبارت است از بازگشت تاجر ورشکسته بموجب حکم دادگاه باعتبار بازرگانی خود به طریقی که حق فعالیت بازرگانی داشته باشد (مفاد ماده‌های ۵۶۱-۵۷۵). اعاده ی اعتبار در فقه وجود ندارد و مفلس می‌تواند پس از اداء دیون اقدام به تجارت کند.^۳

بند دوم: تاجر ورشکسته

الف: «تاجر» در لغت به معنی سوداگر، بازرگان است.^۴
ب: «ورشکسته» در لغت کسی که هرچه داشته از دست رفته است، مفلس، نادر و پریشان.^۵
ج: «تاجر» در ماده یک قانون تجارت جمهوری اسلامی ایران چنین تعریف شده است، «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد».

در ماده ۸ قانون تجارت افغانستان تاجر نیز چنین تعریف شده است «هر شخص اعم از افراد و شرکت‌ها که حایز اهلیت تجاری بوده به نام خود به یک و یا چند معامله تجاری اشتغال ورزیده و این شغل را پیشه معتاد خود قرار بدهد تاجر شمرده می‌شود».

د: «ورشکسته» در ماده ۴۱۲ قانون تجارت ایران این گونه تعریف شده است «درشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه ی توقف تأدیه وجهی که به عهده اوست حاصل می‌شود».

۱. نظر محمد جان، شکوری، فرهنگ فارسی تاجیکی، ج ۱، تهران: موسسه فرهنگی معاصر، چاپ اول ۱۳۸۵، ص ۱۵۳.

۲. حسن، انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، تهران: چاپخانه مهارت، چاپ دوم ۱۳۸۲، ص ۴۵۹.

۳. محمد جعفر، لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران: چاپ احمدی، چاپ نهم ۱۳۷۷، ص ۵۹.

۴. نظر محمد جان، شکوری، فرهنگ فارسی تاجیکی، ص ۴۵۷.

۵. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۷۷، ص ۲۳۱۶۴.

در ماده ۱ اصولنامه افلاس و ورشکستگی افغانستان «ورشکسته» چنین بیان شده است «هنگام که یک تاجر یا شرکت تجارتي بندش و وقفه کار او به آن درجه می رسد که از تأدیه قروض یا سایر تعهدات نقدي خود عاجز می آید، در نتیجه ظهور چنین احوال ورشکسته و افلاس حاصل می شود».

گفتار دوم: تبیین موضوع

ورشکستگی، اعتبار تاجر را از بین می برد و اعتماد مردم از او سلب می گردد و علاوه بر آن صدور حکم ورشکستگی به خودی خود باعث ایجاد بعضی از محرومیت ها برای تاجر می گردد. قانون تجارت ایران راجع به محرومیت های اجتماعی ورشکسته ساکت است، ولی در اغلب قوانین محرومیت های حتی برای ورشکستگان عادی دیده می شود. مثلاً در کشور ایران، قانون اصلاحی شرکتهای مصوب ۲۶ اسفندماه ۱۳۴۷ ورشکستگان نمی توانند به سمت مدیر یا بازرس شرکتهای سهامی تعیین بشود. ماده ۱۹ قانون تأسیس اطاق های بازرگانی ایران مصوب ۷ دی ماه ۱۳۳۳ تصریح می کند که بازرگان متوقف در مدت توقف از حق عضویت اطاق های بازرگانی محروم می باشند. در سایر قوانین هم به طور صریح ورشکسته را برای انجام کارهای مختلف منع می کند، چون یکی از شرایط اشتغال داشتن حسن شهرت می باشد، ورشکستگی حسن شهرت را لکه دار نموده و مانع اشتغال می شود، حتی ادامه تجارت نیز برای ورشکسته میسر نیست، مگر آنکه اعاده اعتبار کند.^۱

مبحث دوم: موارد اعاده اعتبار تاجر ورشکسته

در این مبحث به موارد اعاده اعتبار تاجر ورشکسته که اعتبار خود را از دست داده است، پرداخته می شود؛ در این مورد سه فرض وجود دارد: اول، فرضی که تاجر کلیه دیون خود را پرداخته است. دوم فرضی که تاجر دیون خود را به طور کامل نپرداخته است. سوم فرضی است که تاجر مرتکب ورشکستگی به تقلی یا پاره ای جرایم شده است، که هر یک را به شرح زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

گفتار اول: اعاده اعتبار تاجر ورشکسته پس از پرداخت کلیه دیون (واقعی)

در این گفتار بررسی می شود که چگونه تاجر ورشکسته در صورت پرداخت کلیه دیون، اعتبار خود را دوباره دارا می شود.

بند اول: اعاده اعتبار تاجر ورشکسته با پرداخت دیون در حقوق ایران

هر تاجری که کلیه بدهی های خود اعم از اصل و متفرعات را پرداخت کند، حقاً اعاده اعتبار می کند (ماده ۵۶۱ ق.ت.)؛ یعنی دادگاه حکم اعاده اعتبار او را صادر خواهد کرد. طلبکارها نمی توانند از جهت تأخیری که در ادای طلب شان شده، بیش از پنج سال متفرعات و خسارات را که عمدتاً از خسارت تأخیر تأدیه تشکیل می شود، مطالبه کنند (ماده ۵۶۲ ق.ت.). تعیین میزان خسارت تأخیر تأدیه نیز با توجه به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی که حقوق عام راجع به تأخیر تأدیه است، معین می شود. این ماده شرط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه طلبکار قرارداده و دادگاه میزان آن را با رعایت تناسب تغییر

^۱ . حسن، ستوده، حقوق تجارت، ج ۴، تهران: نشر دادگستری، چاپ پنجم ۱۳۸۳، صص ۲۳۲-۲۳۳.

شاخص سالانه بانک مرکزی از تاریخ مطالبه طلبکار تعیین می کند؛ مگر طرفین به نحو دیگری مصالحه کنند.

اعاده اعتبار شریک ضامن در شرکتهای تضامنی ونسبی ومختلط سهامی وغیر سهامی، در صورت ورشکستگی شرکت تجارتي مشروط به این است که تمامی دیون شرکت را پرداخته باشد.

اگر برخی طلبکاران مفقود الاثر یا غایب باشند، (ویا از دریافت وجه امتناع نماید ماده ۵۶۴ ق،ت.ایران) تاجر طلب آنان را با اطلاع دادستان به صندوق دادگستری می سپارد(ماده ۵۶۴ ق،ت.). در چنین فرضی، مانند این است که دیون خود را کلاً پرداخت کرده واستحقاق اعاده اعتبار پیدا می کند.^۱

بند دوم: اعاده اعتبار تاجر ورشکسته با پرداخت دیون در حقوق افغانستان

ورشکسته (یعنی تاجر ورشکسته) کلیه دیون خود را با متفرعات مخارجی که به آن تعلق گرفته است، بپردازد.^۲ ماده ۸۸ اصولنامه افلاس و ورشکستگی افغانستان در این مورد تصریح نموده است: « هر تاجر ورشکسته که تمام قروض ذمه گی خود را بدائین خویش بپردازد اعاده اعتبار می نماید»

در صورت که برخی طلبکاران غایب و یا مفقود الاثر باشند و یا اینکه از گرفتن وجه خود داری نماید تاجر ورشکسته پول را با اجازه واطلاع مجلس فیصله منازعات تجاریه به بانک ملی تسلیم نماید. ماده ۸۹ اصولنامه افلاس و ورشکستگی در این مورد مقرر میدارد « اگر از جمله ی طلبکاران تاجر ورشکسته بعضیها غایب یا لادرک بوده یا اینکه خود داری از گرفتن وجه نماید، تاجر ورشکسته پولی را که از همچون اشخاص مدیون است با اجازه واطلاع مجلس فیصله منازعات تجاریه باید در بانک ملی تسلیم نماید؛ به این ترتیب تاجر مزبور بری الذمه محسوب می گردد».^۳

گفتار دوم: اعاده اعتبار تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را نپرداخته است(قانونی)

در این گفتار به اعاده اعتبارتاجر ورشکسته در صورت که دیون خود را به صور کامل ویا هیچ نپرداخته است، تحت دو عنوان: «قرارداد ارفاقی» و «جلب رضای طلبکاران» مورد بررسی قرار می دهیم:

بند یک: قرارداد ارفاقی

الف: قرارداد ارفاقی در حقوق ایران

در بند یک ماده ۵۶۵ ق، ت. آمده است که تاجر ورشکسته ای که تحصیل قرارداد ارفاقی کرده وتمام وجوهی را که به موجب قرارداد (ارفاقی) به عهده گرفته پرداخته است ونیز شریک ضامنی که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه کرده، می تواند پس از پنج سال تقاضای اعاده اعتبار کند. بدین ترتیب، قانونگذار در مورد تاجری که توانسته رضایت طلبکاران را جلب وقرارداد ارفاقی تحصیل کند، به شرایط اثبات صحت عمل، قائل به اعتدال شده و او را فقط تا مدت پنج سال مستحق محرومیت از حقوق

^۱ . ربیعا، اسکینی، حقوق تجارت، تهران: سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی، چاپ سوم ۱۳۹۵، صص ۲۷۸-۲۷۹.

^۲ . نصرالله، ستانکزی، ولی محمد، ناصح، حقوق تجارت، کابل: انتشارات سعید، چاپ سوم ۱۳۹۲، صص ۱۹۵-۱۹۶.

^۳ . اصولنامه افلاس و ورشکستگی در افغانستان، تاریخ طبع: ۱۳۲۹، مواد ۸۸ و ۸۹.

اجتماعی و سیاسی دانسته است و تا آنکه این تاجر تمام دیون خود را نپرداخته، او را مشمول ماده ۵۶۱ ق،ت. قرارداده است.^۱

ب: قرارداد ارفاقی در حقوق افغانستان

تاجر ورشکسته ای که پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ ورشکست، مطابق اصولنامه افلاس و ورشکستگی، تحصیل قرارداد ارفاقی کرده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد ارفاقی به عهده گرفته است، پرداخته باشد می تواند اعاده اعتبار نماید. این اصل در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه کرده است نیز رعایت می شود.^۲ بند یک ماده ۹۰ اصولنامه افلاس و ورشکستگی که موارد اعاده اعتبار تاجر ورشکسته را بیان می کند چنین مقرر میدارد «تاجر که با او قرارداد قسط شده و تمام پول قسط شده را که به موجب قرارداد قسط تعهد نموده به صاحبان حق پرداخته باشد».

بند دو: جلب رضایت طلبکاران

الف: جلب رضایت طلبکاران در حقوق ایران

بند ۲ ماده ۵۶۵ مورد تاجری پیش بینی شده است که گرچه دیون خود را کاملاً نپرداخته است، استحقاق آن را دارد که در صورت اثبات صحت عمل و جلب رضایت طلبکاران، پس از پنج سال اعتبار خود را باز یابد. رضایت طلبکاران به دو صورت جلوه می کند: یا او را از پرداخت دیون باقی مانده بری الذمه (یعنی معاف) می کنند، یا به اعاده اعتبار او رضایت می دهند، احتمالاً به این امید که پس از آنکه وضع تاجر بهتر شد، دیون آن ها را خواهد پرداخت.

در حال تاجری که می خواهد اعاده اعتبار تحصیل کند، باید آن را تقاضا نماید و اعاده اعتبار قهری (بدون حکم) در قانون ما وجود ندارد.^۳

ب: جلب رضایت طلبکاران در حقوق افغانستان

تاجر ورشکسته ای که پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ ورشکست، مطابق اصولنامه افلاس و ورشکستگی کلیه داینین ذمه او را بری کرده باشند و یا به اعاده اعتبار او رضایت داده باشند. (بند ۲ ماده ۹۰ اصولنامه افلاس و ورشکستگی).

قابل یاد آوری است که اعاده اعتبار تاجر ورشکسته یا شرکت تجارتی، هردو تابع مقررات واحد می باشند. در مورد شرکتهای تجارتی یا به عبارت دیگر اشخاص حکمی، نیز اعاده اعتبار مطرح می شود. این کار توسط مدیر عامل و یا هیئت مدیره و غیره اشخاص امکان پذیر است.^۴

^۱ . ربیعا، اسکینی، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ پنجم ۱۳۸۱، ص ۲۰۷.

^۲ . ستانکزی، و ناصح، حقوق تجارت، ص ۱۹۶.

^۳ . اسکینی همان اثر، ص ۲۰۷.

^۴ . ستانکزی، و ناصح، همان اثر، ص ۱۹۶.

گفتار سوم: اعاده اعتبار تاجر ورشکسته به تقلب

در این گفتار به چگونگی اعاده اعتبار تاجر ورشکسته ای به تقلب و ارتکاب جرایم پرداخته می‌شود.

بند یک: اعاده اعتبار تاجر ورشکسته به تقلب در حقوق ایران

به موجب ماده ۵۷۵ ق،ت. «ورشکستگان به تقلب وهمچنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاه برداری یا خیانت در امانت محکوم شده اند مادامی که از جنبه جزایی اعاده حیثیت نکرده اند نمی‌توانند از جنبه تجاری اعاده اعتبار کنند».

موکول کردن اعاده تجاری به اعاده حیثیت جزایی تاجر، برخلاف نظر بعضی مؤلفان منحصر به جرایم مندرج در ماده ۵۷۵ ق،ت. است. خصیصه مشترک این جرایم تصرف متقلبانه مال دیگری بدون رضایت اوست وهدف قانونگذار از وضع ماده ۵۷۵ این بوده است که به کسانی که با تقلب مال دیگران را تصاحب می‌کنند امکان مجدد داده نشود که ارتکاب عمل مجرمانه خود را از سر بگیرند. بنا براین، هرگاه تاجری مرتکب ضرب و جرح شده یا به تخریب محکوم شده باشد و دادگاه علاوه بر مجازات اصلی او را به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم کرده باشد، می‌تواند اعاده اعتبار تجاری کند، اگرچه از نظر جزایی اعاده حیثیت نکرده باشد؛ زیرا ضرب و جرح یا تخریب، عمل متقلبانه محسوب نمی‌شود هرچند که از نظر قانونگذار قابل مجازات تلقی شده است.

اما معلوم نیست چرا قانون‌گذار در ماده ۵۷۵ علاوه بر تاجر ورشکسته به تقلب، اشخاصی را که مرتکب سرقت، کلاه برداری یا خیانت در امانت شده و محکوم شده اند نیز ذکر کرده است. مگر اعاده اعتبار، به نحوی که در ماده ۵۶۱ به بعد ق،ت. آمده خاص «ورشکسته» نیست؟ چرا اشخاص سارق یا کلاه بردار یا خاین در امانت نیز در این ماده ذکر شده اند؟

اولاً مسلم است که منظور از «اشخاص» مذکور در ماده کسی جز اشخاص تاجر نمی‌تواند باشد، چراکه در قسمت اخیر ماده آمده است: چنین اشخاصی «نمی‌توانند از جنبه تجاری اعاده اعتبار کنند» که به معنای این است که تاجر بوده اند و اعتبار شان از میان رفته است و متقاضی اعاده اعتبارند. ثانیاً فرض کنیم تاجری که مرتکب سرقت یا خیانت در امانت شده و علاوه بر مجازات اصلی از اشتغال به تجارت برای مدت معین ممنوع شده باشد، اعاده اعتبار تجاری او به طور قهری زمانی محقق می‌شود که مدت ممنوعیت اشتغال به تجارت منتفی شده باشد. به محض آنکه مدت ممنوعیت منتفی شد، تاجر اعتبار خود را باز می‌یابد. چنین تاجری چون ورشکسته نشده است، لزومی ندارد تقاضای اعاده اعتبار کند.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار خواسته است چنین مقرر کند که هرگاه تاجر ورشکسته در مدتی که به دلیل حکم ورشکستگی از حقوق اجتماعی محروم است، مرتکب سرقت یا خیانت در امانت یا کلاه برداری شده باشد باید منتظر بماند تا از نظر جزایی اعاده حیثیت کند، سپس تقاضای اعاده اعتبار نماید؛ پس ماده ۵۷۵ ق،ت. شامل تاجری می‌شود که ورشکسته به تقلب است یا ورشکسته به تقصیر یا ورشکسته عادی و مرتکب سرقت یا کلاه برداری یا خیانت در امانت هم شده و حکم محرومیت او نیز صادر گردیده

و علاوه بر حکم اصلی، مجازات تبعی نیز برای او مقرر شده است. این تاجر به موجب قانون تجارت فقط پس از اعاده حیثیت می‌تواند حکم به اعاده اعتبار کند.^۱

بند دو: اعاده اعتبار تاجر ورشکسته به تقلب در حقوق افغانستان

تاجر که به تقلب و همچنین اشخاصی که برای سرقت یا خیانت در امانت محکوم شده، ما دامیکه از جنبه جزایی اعاده حیثیت نکرده اند، نمی‌توانند از نظر تجاری اعاده اعتبار کنند، یعنی اعاده اعتبار تجاری منوط به اعاده حیثیت از لحاظ جزایی است.^۲ (ماده ۹۶ اصولنامه افلاس و ورشکستگی).

گفتار چهارم: مطالعه تطبیقی (وجوه اشتراک و افتراق)

در این گفتار وجوه اشتراک و افتراق این مبحث را در حقوق تجارت ایران و افغانستان مورد بررسی قرار می‌دهیم:

بند اول: وجوه اشتراک

از آنجا که تجارت یک عمل حقوقی و عرفی است که در تمام جوامع وجود داشته و کار کرد های تجار در همه جا یکسان است، جز در موارد که دولتها برای تحقق اهداف خود آن را به طور دیگری بر آنها تحمیل نموده باشد، پس وجوه اشتراک میان قوانین کشور های افغانستان و ایران به طور گسترده وجود دارد که به شرح زیر به آنها می‌پردازیم:

وجه اول- تاجر ورشکسته ای که کلیه دیون خود را پرداخته است، در قانون تجارت ایران و اصولنامه افلاس و ورشکستگی افغانستان، مستحق اعاده اعتبار شناخته شده است و دادگاه باید حکم اعاده اعتبار آن را صادر نماید.

وجه دوم- همچنان طلبکاران که غایب و یا مفقود الاثر باشند و یا از گرفتن وجه خود داری نمایند در حقوق ایران و افغانستان مانع اعاده اعتبار تاجر ورشکسته ای که کلیه دیون خود را پرداخته است به جز افراد متذکره، نمی‌باشد.

وجه سوم- تاجر که کلیه دیون خود را نپرداخته است، بلکه با طلبکاران خویش قرارداد ارفاقی بر قرار نموده مطابق قوانین ایران و افغانستان می‌تواند طرح اعاده اعتبار نماید

وجه چهارم- همچنان در صورت که تاجر ورشکسته موفق به پرداخت دیون خود نشده است، ولی طلبکاران ذمه ای او را بری نموده و یا به اعاده اعتبار او رضایت داده است مطابق قانون ایران و افغانستان می‌تواند و اخواست اعاده اعتبار نماید.

وجه پنجم- مطابق قانون هردو کشور (ایران و افغانستان) در صورت دوم و سوم (قرارداد ارفاقی و جلب رضایت طلبکاران) تاجر به شرطی می‌تواند اعاده اعتبار نماید که در مدت پنج سال صحت عمل او اثبات شده باشد.

^۱ . اسکینی، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، صص ۲۱۰-۲۱۱.

^۲ . ستانکزی، و ناصح، همان اثر، ص ۱۹۷.

وجه ششم- مطابق قوانین هردو کشور تاجرورشکسته پس از مدت پنج سال از تاریخ صدور حکم ورشکستگی در صورت دوم و سوم (قرارداد ارفاقی و جلب رضایت طلبکاران) می تواند تقاضای اعاده اعتبار نماید، نه قبل از آن.

وجه هفتم- مطابق قوانین هردو کشور ورشکستگان به تقلب و همچنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاه برداری یا خیانت در امانت محکوم شده اند مادامی که از جنبه جزایی اعاده حیثیت نکرده اند نمی توانند از جنبه تجاری اعاده اعتبار کنند.

بند دوم: وجوه افتراق

همان طور که در بالا تذکر داده شد بنا بر اهداف که دولتها بدنبال تحقق آن هستند برخی از دستورات را به تجار تحمیل می نمایند از این جهت تفاوت های میان قوانین کشورها وجود دارد حتی در قانون ایران و افغانستان که به شرح زیر آنها را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱) وجه اول- مطابق قانون ایران، طلبکاران مفقود الاثر یا غایب و یا طلبکار که از دریافت وجه امتناع نمایند، تاجر طلب آنان را با اطلاع دادستان به «صندوق دادگستری» می سپارد. اما مطابق قانون افغانستان تاجر ورشکسته پول را به «بانک ملی» تسلیم می نماید (نه صندوق دادگستری).

۲) وجه دوم- مطابق قانون ایران، طلبکاران مفقود الاثر یا غایب و یا طلبکار که از دریافت وجه امتناع نمایند، تاجر طلب آنان را با اطلاع «دادستان» به صندوق می سپارد. اما مطابق قانون افغانستان تاجر ورشکسته پول را با اجازه و اطلاع «مجلس فیصله منازعات تجاریه» (نه با اطلاع دادستان) به بانک ملی تسلیم می نماید.

مبحث سوم: تشریفات اعاده اعتبار تاجر ورشکسته

در این مبحث تشریفات و مراحل که تاجر ورشکسته برای اعاده اعتبار خود طی می نماید (در دو مرحله) مورد بررسی قرار می گیرد:

گفتار اول: طرح و بررسی تقاضا در نزد دادگستری

در این گفتار طرح تقاضای اعاده اعتبار تاجر ورشکسته را در نزد دادگستری مورد بررسی قرار می دهیم.

بند یک: تشریفات اعاده اعتبار تاجر ورشکسته در حقوق ایران

تقاضای اعاده اعتبار به صورت دادخواست به انضمام اسناد مثبت به رئیس دادگستری محلی داده می شود که اعلان ورشکستگی در حوزه آن واقع شده است (ماده ۵۶۶ ق.ت.). رونوشت این دادخواست به مدت یک ماه در اتاق جلسه دادگاه و نیز در محوطه دادگستری، الصاق و اعلان می شود. به علاوه، دفتر دار دادگاه باید مفاد دادخواست مزبور را با نامه سفارشی به کلیه طلبکارانی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده است و هنوز طلب خود را مطابق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ قانون تجارت به طور کامل در یافت نکرده اند اعلام دارد (ماده ۵۶۷ ق.ت.). طلبکارانی که مطابق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را به طور کامل در یافت نکرده اند می توانند در مدت یک ماه از تاریخ

اعلام مذکور در ماده ۵۶۷ به دادخواست اعاده اعتبار اعتراض کنند (ماده ۵۶۸ ق، ت.). نکته اخیر زمانی مصداق پیدا می کند که معترض در مهلت مذکور در ماده ۵۶۷ ق، ت. دادخواست نداده باشد، والا هر معترضی، در صورتی که در مهلت باشد، به عنوان معترض اصلی می تواند به دادخواست اعاده اعتبار پاسخ دهد.

رئیس دادگستری در طول مدت یک ماه مذکور می تواند راجع به تاجر متقاضی تحقیق کند. پس از انقضای موعد نتیجه تحقیقاتی که رئیس دادگستری انجام داده است، به انضمام عرایض به رئیس دادگاه تسلیم می شود (ماده ۵۷۰ ق، ت.).^۱

بند دو: تشریفات اعاده اعتبار تاجر ورشکسته در حقوق افغانستان

در قانون تجارت افغانستان در مورد دادخواست اعاده اعتبار در نزد دادگستری پیش بینی نشده است. یکی از وجوه اساسی افتراق نظام تجارت افغانستان و ایران همین است که در نظام تجارت ایران اولاً دادخواست اعاده اعتبار نزد دادگستری می شود ولی در نظام تجارت افغانستان چنین نیست، بلکه مستقیم دادخواست اعاده اعتبار در دادگاه (همان دادگاه که حکم به ورشکستگی داده بود) می شود.

گفتار دوم: طرح و بررسی تقاضا در دادگاه

در این گفتار به بررسی طرح تقاضای اعاده اعتبار تاجر ورشکسته در نزد دادگاه صلاحیت دار می پردازیم.

بند یک: طرح و بررسی تقاضا در حقوق ایران

دادگاه صلاحیت دار دادگاهی است که حکم ورشکستگی را صادر کرده یا در صورت حذف، دادگاه اخیر جانشین آن می شود.

دادگاه می تواند عنداللزوم طرفین (متقاضی اعاده اعتبار و معترضان به آن) را احضار کند (قسمت اخیر ماده ۵۷۰ ق، ت.) اما عدم حضور طرفین مانع رسیدگی نیست.

هرگاه تاجر ورشکسته، کلیه دیون خود را پرداخت و دادگاه آن را احراز کند، باید حکم به اعاده اعتبار تاجر صادر کند (قسمت اول ماده ۶۷۱ ق، ت.).

چنانچه تاجر کلیه دیون خود را نپرداخته باشد، دادگاه حق دارد در خواست اعاده اعتبار را رد کند اما در این خصوص تکلیف دارد به اقتضای عدل و انصاف حکم صادر کند (قسمت اخیر ماده ۵۷۱ ق، ت.).

اما قبول یا رد اعاده اعتبار، بسته به مورد، هر یک از طرفین می توانند تجدید نظرخواهی کنند. رسیدگی در دادگاه تجدید نظر مطابق مقررات عام قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می آید. هرگاه دادخواست اعاده اعتبار رد شود، تقاضای مجدد ممکن نیست، مگر پس از انقضای شش ماه از تاریخ رد (ماده ۵۷۳ ق، ت.). در صورت قبول در خواست، حکم دادگاه در دفتر مخصوصی که در دادگاه برای این کار وجود دارد، ثبت خواهد شد (ماده ۵۷۴ ق، ت.).^۲ اگر محل اقامت تاجر در حوزه دادگاهی که حکم

^۱ . اسکینی، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، ص ۲۰۸.
^۲ . اسکینی، حقوق تجارت، صص ۲۸۰-۲۸۱.

می دهد نباشد، در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دایره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مزبور اشاره می شود.^۱

بند دو: بررسی تقاضا در حقوق افغانستان

کسب اعتبار به صدور حکم محتاج است و محکمه ذی صلاح برای رسیدگی به تقاضای اعاده اعتبار، محکمه ای است که اعلام ورشکستگی در حوزه آن صورت گرفته است. نقل تقاضا به مدت یک ماه در اتاق محکمه و یا تخته اعلانات محکمه نصب و اعلان می شود. در عین حال محرر محکمه متن عریضه را به وسیله نامه سفارشی برای داینینی که مطالبات آن ها تصدیق شده و دین خود را دریافت نکرده، می فرستد و آن ها می توانند در مدت یک ماه به این تقاضا اعتراض کنند. ممکن است معترضات و تاجر متقاضی اعاده اعتبار به جلسه محکمه دعوت شوند. در موردی که تاجر کلیه دیون خود را پرداخته باشد، محکمه صرفاً به صحت و اصاله مدارک دریافت شده رسیدگی کرده حکم اعاده اعتبار تاجر را صادر می کند. بدین ترتیب صدور حکم از طرف محکمه اجباری است؛ ولی در موردی که تاجر موفق به پرداخت کلیه دیون خود نشده و فقط توانسته باشد جلب رضایت داینین را بکند، در این حالت محکمه در رد یا قبول در خواست مخیر است. اگر در خواست اعاده اعتبار رد شود، یک سال بعد از آن قابلیت تجدید را دارد و این درخواست تا زمان قبول از طرف محکمه، می تواند هر یک سال بعد تکرار شود.

اگر درخواست اعاده اعتبار در مجلس فیصله منازعات تجارتهی قبول شد، فیصله و حکم اعاده اعتبار که از طرف محکمه صادر می شود، در دفتر مخصوص که حاوی لیست اسامی ورشکستگان می باشد، ثبت و نمبر فیصله و حکم صادره مجلس در مقابل اسم تاجر ورشکسته با رنگ سرخ تصریح می گردد.^۲

گفتار سوم: مطالعه تطبیقی (وجوه اشتراک و افتراق)

در این گفتار وجوه اشتراک و افتراق تشریفات اعاده اعتبار تاجر ورشکسته را در حقوق تجارت ایران و افغانستان مورد بررسی قرار می دهیم:

بند یک: وجوه اشتراک

چنانکه در بالا تذکر داده شد، برای اینکه کارکرد های تجار در همه جا یکسان است و اختلافی در روند اعمال تجاری وجود ندارد، قوانین کشورها نیز در این مورد یک نواخت است، جز در موارد که دولتها برای تحقق اهداف خود آن را به طور دیگری برتجارتحمیل نموده باشد، پس وجوه اشتراک میان قوانین کشورها خصوصاً افغانستان و ایران به طور گسترده وجود دارد که اینک به شرح آن ها می پردازیم:

وجه اول- مطابق قوانین هر دو کشور تقاضای اعاده اعتبار به صورت دادخواست به انضمام «اسناد مثبت» به مراجع ذی صلاح داده می شود.

وجه دوم- مطابق قوانین هر دو کشور رونوشت دادخواست به مدت «یک ماه» در اتاق جلسه دادگاه و نیز در محوطه دادگستری، الصاق و اعلان می شود.

^۱ . اسکنی، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، صص ۲۰۹-۲۱۰.

^۲ . ستانکزی، و ناصح، همان اثر، صص ۱۹۶-۱۹۷.

وجه سوم- مطابق قوانین هردو کشور دفتر دار دادگاه مفاد دادخواست را با نامه سفارشی به کلیه طلبکارانی که مطالبات آن‌ها در حین تصفیه عمل تاجر یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را به طور کامل دریافت نکرده اند اعلام می‌دارد.

وجه چهارم- مطابق قوانین هردو کشور طلبکارانی که طلب خود را به طور کامل دریافت نکرده اند فقط در مدت یک ماه از تاریخ اعلام توسط دفتر دار به دادخواست اعاده اعتبار اعتراض کرده می‌توانند. وجه پنجم- مطابق قوانین هردو کشور تاجر ورشکسته ای که کلیه دیون خود را پرداخته است دادگاه باید(الزاماً) حکم به اعاده اعتبار آن صادر کند.

وجه ششم- مطابق قوانین هردو کشور تاجری که کلیه دیون خود را نپرداخته است دادگاه حق دارد درخواست اعاده اعتبار او را رد کند اما دادرسی، به عدل و انصاف در صدور حکم فراخوانده شده است. وجه هفتم- مطابق قوانین هردو کشور در صورت قبول یا رد اعاده اعتبار، هر یک از طرفین می‌توانند تجدید نظرخواهی کنند.

وجه هشتم- مطابق قوانین هردو کشور صورت قبول در خواست، حکم دادگاه در دفتر مخصوصی که در دادگاه برای این کار وجود دارد، ثبت می‌شود.

بند دو: وجوه افتراق

بنابر اهداف که دولتها بدنبال تحقق آن هستند برخی از دستورات را به تجار تحمیل می‌نمایند از این جهت تفاوت های میان قوانین کشورهای ایران و افغانستان، دیده می‌شود که در اینجا به بررسی آن پرداخته می‌شود.

وجه اول- مطابق قانون ایران، تقاضای اعاده اعتبار به صورت دادخواست به انضمام اسناد مثبت به رئیس دادگستری محلی داده می‌شود. اما در قانون افغانستان تقاضای اعاده اعتبار، مستقیماً به محکمه ای داده می‌شود که اعلام ورشکستگی در حوزه آن صورت گرفته است.

وجه دوم- مطابق قانون ایران، اگر در خواست اعاده اعتبار رد شود، پس از انقضای شش ماه از تاریخ رد تقاضای مجدد ممکن است. اما مطابق قانون افغانستان پس از انقضاء یک سال قابلیت تجدید را دارد. وجه سوم- مطابق قانون ایران، اگر محل اقامت تاجر در حوزه دادگاهی که حکم می‌دهد نباشد، در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دایره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مربور اشاره می‌شود. اما مطابق قانون افغانستان «چه محل اقامت تاجر در آن حوزه باشد و چه نباشد» فیصله و حکم اعاده اعتبار که از طرف محکمه صادر می‌شود، در دفتر مخصوص که حاوی لست اسامی ورشکستگان می‌باشد، ثبت و نمبر فیصله و حکم صادره مجلس در مقابل اسم تاجر ورشکسته با رنگ سرخ تصریح می‌گردد.

نتیجه گیری

از مباحث فوق چنین نتیجه بر می آید، تاجری که به سبب از اسباب دارایی خود را از دست داده و نهایتاً حکم ورشکستگی وی از طرف دادگاه صادر شده است می تواند اعاده اعتبار نماید. قانون امکان بازگشت او را از سه طریق پیش بینی کرده است: اول در صورتی که تاجری کلیه دیون خود را پرداخته است، قانون گذار دادرس را ملزم به صدور حکم اعاده اعتبار او دانسته است. دوم در صورتی که تاجر قادر به پرداخت کلیه دیون خود نبوده و با طلبکاران خود قرارداد ارفاقی بسته است. سوم صورتی است که تاجر فقط موفق به جلب رضایت طلبکاران شده است که یا او را بری الذمه کرده اند و یا به اعاده اعتبار او رضایت داده اند. در دو صورت اخیر قاضی مخیر به پذیرفتن و اخواست اعاده اعتبار و رد آن است، اما قانون گذار در این حالت نیز دادرس را به عدالت و انصاف توصیه نموده است. اگر تقاضای اعاده اعتبار از طرف دادرس رد شود تاجر ورشکسته نمی تواند دوباره تقاضای اعاده اعتبار کند مگر پس از گذشت شش ماه مطابق قانون ایران و یک سال مطابق قانون افغانستان که ابتداء مدت از تاریخ رد تقاضای اعاده اعتبار می باشد. همچنان افراد و اشخاصی که به سبب تقلب، سرقت، کلاه برداری و خیانت در امانت محکوم شده اند می توانند پس از اعاده حیثیت از طریق جزایی دادخواست اعاده اعتبار نمایند، و تا زمان که اعاده حیثیت نکرده باشند نمی توانند اعاده اعتبار کنند. و اعاده اعتبار آن ها منوط به اعاده حیثیت است.

فهرست منابع

۱. اصولنامه افلاس و ورشکستگی در افغانستان، تاریخ طبع: ۱۳۲۹.
۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، تهران: چاپ خانه مهارت، چاپ دوم ۱۳۸۲.
۳. ستوده، حسن، حقوق تجارت، ج ۴، تهران: نشر دادگستری، چاپ پنجم ۱۳۸۳.
۴. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ پنجم ۱۳۸۱.
۵. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ سوم ۱۳۹۵.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۷۷.
۷. لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: چاپ احمدی، چاپ نهم ۱۳۷۷.
۸. ستانکزی، نصرالله، ولی محمد، ناصح، حقوق تجارت، کابل: انتشارات سعید، چاپ سوم ۱۳۹۲.
۹. شکوری، نظر محمد جان، فرهنگ فارسی تاجیکی، ج ۱، تهران: موسسه فرهنگی معاصر، چاپ اول ۱۳۸۵.

نقش قرضه های کوچک و متوسط در سرمایه گذاری تجاران زن در ولایت بلخ

نویسنده: احمد ارشاد جسور

چکیده

قرضه کوچک و متوسط به قرضه های اطلاق میشود که به مردم کم عاید داده میشود و معمولاً اشخاص قرض گیرنده در مشاغل و حرفه های کوچک از آن استفاده مینمایند. قرضه ها معمولاً توسط نهاد ها و موسسات مالی به مردم کم عاید عرضه میگردد. نهاد های مالی بر علاوه خدمات مالی، خدمات اجتماعی را نیز عرضه میکنند که شامل خدمات آموزش، تشکیل گروه ها، انکشاف روحیه اعتماد به خود یا خود باوری، ایجاد و انکشاف قابلیت های اداره میباشد. خدمات قرضه های کوچک اکثراً برای مردم با سطح عواید پایین در سکتور های غیر رسمی ارایه میشود. ازین قرضه ها در حمایه از حرفه های کوچک و متوسط که به سرمایه کم ضرورت دارد استفاده میگردد که اکثر کشور های پیشرفته ازین شیوه (دادن قرضه های کوچک) در تولید و پیشرفت صنایع دستی و امثال آن استفاده نموده و نتایج خوبی را در بهبود اقتصاد خانواده ها و در مجموع اقتصاد کشور های مذکور داشته است. از تحقیق هذا چنین استنباط می شود که یک رابطه معنا دار میان عاید خانوار، عاید زنان و درکل اشتغال زایی زنان در ولایت بلخ وجود دارد وجود قرضه های کوچک و متوسط می تواند تاثیرات فزاینده به اشتغال زایی خانواده ها به ویژه زنان در ولسوالی بلخ داشته باشد.

واژه های کلیدی: اشتغال زایی، قرضه های کوچک و متوسط، صنایع دستی

۱- مقدمه (طرح مسله):

موسسات امانات و قرضه های کوچک عبارت از شخصیت حکمی است که امانات پس انداز داوطلبانه را صرف در صورت عضویت به اساس رابطه مشترک، مانند تقرر و اجرای وظیفه در عین نهاد یا مجموعه مشخص نهاد ها و یا اجرای وظیفه در عین مسلک یا محل سکونت در جامعه مشخص میپذیرد و قرضه های کوچک را تنها در صورت تحقق عین عضویت اعطا مینماید. موسسات قرضه های کوچک که تنها امانات اجباری را از اعضا خود قبول مینمایند. موسسات مالی که فقط امانات اجباری قبول مینمایند یا هیچ امانات را قبول نمی نمایند میتوانند بصورت داوطلبانه این مقررات را جهت اخذ جواز نامه از دافغانستان بانک رعایت نمایند، و نیز از این مقرر بحیث موسسات امانات و قرضه های کوچک دانسته خواهد شد. قرضه های کوچک خدمات مالی کمیاب بوده که برای مردم بی بضاعت، غریب اعطا میگردد، تا آنها بتوانند به وسیله آن به پای خود ایستاده و خود کفا شوند. قرضه از قدیمی ترین زمانهای تاریخی جز فعالیت های بشر شناخته شده است و میتوان گفت که از آن زمان که تجارت و پول بوجود آمده معاملات صرافی و بانکی نیز به شیوه مراحل اولی خود به وجود آمده است در

عصر- کنونی طوری که مشاهده می‌گردد تمام سرمایه های ممالک متمدن جهان در بانکها تمرکز یافته است و عملیات بانکی به حیات اقتصادی کشورهای ملل بستگی پیدا کرده است. سیاست قرضه های کوچک در یک مملکت فعالیت های اقتصادی را بوجود آورده انکشاف اقتصادی همان کشور را تسریع میبخشد. توسط سهل ساختن شرایط قرضه در حالت تحت استخدام قرضه برای اقتصاد خیلی مفید واقع میشود (سرمایه گذاری تشویق شده سطح استخدام بالا رفته و تولیدات اجتماعی همچنان افزایش میابد) اصل هدف فعالیت قرضوی بانکها اساس و شالوده مهم تجارت بانکی را تشکیل داده و از این سبب این فعالیت تحت رهنمایی کنترل و اداره بانکها مستقیماً قرار میگیرد. کیفیت و حجم قرضه های اعطا شده روی یک پیوند کامل با قدرت مالی بانک متکی است و سیستم بانکی و مراکزقرضه دهی کوشش میکند که در اعطا قرضه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت برای کسانی که قرضه دریافت می کنند محتاط باشند، تا دچار مشکلات و پرابلم سیالیت نشوند. امروز مشکلاتی را که مردم فقیر دارند همه از لحاظ مالی است که نمیتوانند به پول که ضرورت دارند از بانکهای خصوصی و تجارتي بدست بیاورند این پول ها را حال میتوانند از مؤسسات قرضه های کوچک به آسانی به دست بیاورند، مؤسسات میکروفایننس تقریباً در تمام جهان فعالیت میکنند که امروز مؤسسات میکروفایننس برای انکشاف قرضه دهی در افغانستان نیز فعالیت میکنند و پوشش جغرافیایی وسیع را در بر دارند. در کشور عزیز ما فعالیت آنها روز به روز در ساحات مختلف زیاد شده می‌رود. این مقاله ناظر بر ارزیابی قرضه های کوچک و تاثیرات آن بروضعیت اقتصادی زنان در ولسوالی بلخ میباشد هدف گذاری شده است. طوریکه ما در رابطه به وضعیت اقتصادی مردم ولسوالی بلخ معلومات جمع آوری نمودیم، این ولسوالی بیشتر عاید شان از درک کشاورزی بوده و احتیاجات روزمره خود را ازین طریق مرفوع میسازد ازین جهت بیشتر کوشش میکنند، تا تولیدات کشاورزی خود را بیشتر نموده و از بانک ها به صورت طویل المدت بدیهی اخذ نمایند.

این تحقیق حاوی ۳ سوال بوده که قرار ذیل میباشد.

- ۱- آیا اخذ قرضه های کوچک و متوسط بر عاید خانواده ها کارایی داشته است؟
- ۲- آیا قرضه های کوچک و متوسط بالای افزایش عاید زنان تاثیر گذار بوده است؟
- ۳- آیا تبلیغات در افزایش قرضه های کوچک موثر بوده است؟

۲- پیشینه تحقیق

امروزه قرضه های کوچک و متوسط منحیث یک وسیله مالی جهت رشد اقتصادی و همچنان ایجاد بنگاه های تولیدی و خدماتی در بین تمام دولت ها مروج است. منظور از قرضه های کوچک و متوسط تادیات است که به شکل کوتاه مدت و میان مدت برای کسانی که انگیزه کار دارند اما توانایی مالی ندارند توسط موسسات و نهاد های مالی اعطا میشود. پیشرفت ها و تموجات اقتصادی و نیازمندی های مالی برای انجام فعالیت های اقتصادی سکتور دولتی و خصوصی را وادار ساخته تا در جستجوی مجرای برای تمویل فعالیت های اقتصادی شان شوند. و در این زمینه تحقیقات علمی را انجام بدهند. علت این

تحقیقات با اهمیت بودن موضوع در جامعه و همچنان نقش قرضه های کوچک و متوسط در اشتغال زایی ، رشد و توسعه اقتصادی افراد و درکل جامعه میباشد.

در این مورد مقالات علمی و کتاب های متعدد توسط اکثر محققین به نشر رسیده است. که از آن جمله تحقیق توسط ستار فروغ در سال (۱۳۸۹) تحت عنوان اعطا قرضه های کوچک و تاثیر آن بالای اشتغال زایی زنان صورت گرفته است. تحقیق متذکره به روش میدانی و به سبک مصاحبه با تعداد از زنان کشور صورت گرفته است. در این تحقیق که به شکل مصاحبه در رابطه به قرضه های کوچک و متوسط با زنان صحبت شده و محقق به این نتیجه رسیده که قرضه های کوچک و متوسط در تقویت اقتصاد خانواده ها و اشتغال زایی زنان تاثیرات مثبت داشته است.

در ضمن تحقیق دیگر که توسط محمد شریف در سال (۱۳۹۵) تحت عنوان قرضه های کوچک و تاثیر آن بالای اقتصاد زنان صورت گرفته بیان میدارد که قرضه های کوچک میتوانند تاثیرات معنی دار بر اقتصاد خانواده ها داشته باشد. همچنان محقق اظهار میدارد که قرضه های کوچک نقش کلیدی در رشد و شگوفایی اقتصاد خانواده ها و فعالیت های کوچک اقتصادی دارد، اما هیچگونه پردازش در مورد قرضه های کوچک و تاثیر گذاری آن بالای اشتغال زایی زنان نداشته است. از آن جای که به همه ما هویداست زنان نیم پیکر از جامعه هستند و نقش آن ها در اقتصاد میتواند باعث رشد اقتصادی در جامعه شوند. به همین منظور بنده نیز تحقیق را تحت عنوان قرضه های کوچک و تاثیر آن در اشتغال زایی زنان در ولسوالی بلخ انجام داده ام، تا از این طریق توانسته باشم نقش با اهمیت قرضه های کوچک را در اشتغال زایی زنان برآزنده سازم.

مفهوم و ماهیت قرضه های کوچک متوسط

زمانی که ما قرضه های کوچک یا میکروفایننس و متوسط میگوییم، پس قرضه های کوچک متوسط چه است؟

میکروفایننس یعنی:

بانکداری با مردم فقیر و فراهم آوری خدمات مالی دوامدار برای کاسبین یا مردمی که دارای عاید کم مالی میباشد و دسترسی به خدمات بانک های تجارتي ندارند. یک موسسه قرضه های کوچک عبارت از یک نهادی است که خدمات مالی را برای مردم کم عاید عرضه میکنند. (ریکا، ۱۳۸۲)

مفهوم قرضه های کوچک در افغانستان

مایکروفایننس عبارت از یک نهادی از قرضه های کوچک است که بر علاوه خدمات مالی، خدمات اجتماعی را بخاطر بهبود وضعیت اقتصادی زنان و مردان نیز عرضه میکنند که شامل خدمات زیر میباشد:

- آموزش
- تشکیل گروه ها
- انکشاف روحیه اعتماد به خود یا خودباوری
- ایجاد و انکشاف قابلیت های اداره

خدمات قرضه های کوچک اکثرا برای مردم یا سطح عواید پائین در سکتورهای غیر رسمی ارایه میشود. (باقر شهلا، ۱۳۸۵)

قرضه های کوچک در کشورهای مختلف

قرضه های کوچک برای اولین بار در دهه ۱۹۷۰ به حیث برنامه های تجربی در بنگله دیش، برازیل، هندوپاکستان و چندین کشور دیگر با ارائه خدمات مالی برای اشخاص فقیر که به ضمانت بانکی دسترسی ندارند شروع به فعالیت نمودند.

در وسط ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برنامه قرضه های کوچک در سرتاسر جهان روی شیوه های اصلی و قراردادهای عاقلانه در شریک ساختن فقراء در کارهای مالی پیشرفت نمود. (دکتر فهیمه، ۱۳۸۷)

قرضه های کوچک در سه دهه اخیر در بیشترین ممالک از جمله مؤثرترین و پایدارترین وسیله در مبارزه علیه فقر جهانی محسوب گردیده است.

۳- تجزیه و تحلیل آمار تحقیق

ابزار های جمع آوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز برای انجام تحقیق را به طرق مختلف میتوان جمع آوری نمود که یکی از معروف ترین و پر استفاده ترین این ابزارها پرسشنامه بوده و از برنامه SPSS در این تحقیق استفاده شده است. بخش اول پرسشنامه شامل سوالات جمعیت شناسی است و این سوالات دربرگیرنده "جنسیت، سطح تحصیل، سن، رشته تحصیلی، محل سکونت، درآمد ماهانه" می باشد.

بخش دوم پرسشنامه شامل سوالات مربوط به نگرشی از دیدگاه ها و نظرات به باورها یا برداشت های پاسخ دهندگان در باره موضوع می باشد. در این پرسشنامه از سوالات مختلف چون طیف ۵ وجهی استفاده شده، در سال ۱۴۰۰ ه ش به تعداد ۸۸ تن توزیع گردیده است.

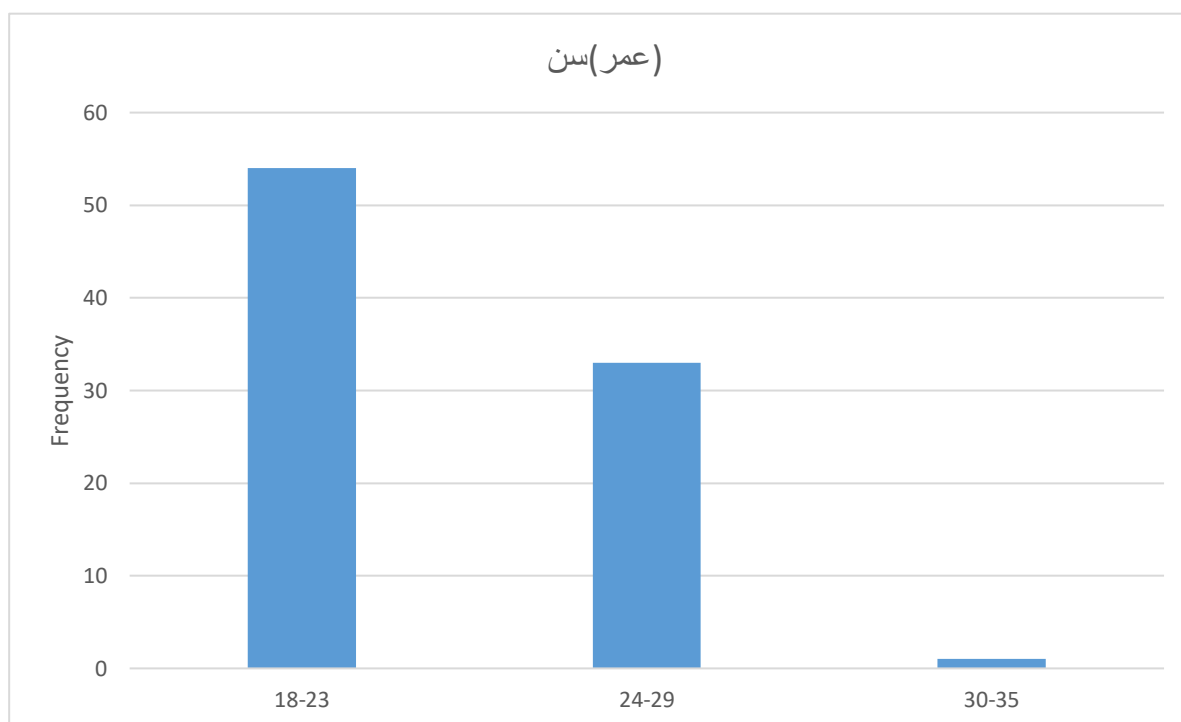
۱- سن پاسخ دهندگان

در جدول ذیل سن پاسخ دهنده گان نشان داده شده است که اکثریت پاسخ دهنده گان بین سنین ۱۸-۲۳ می باشد که فیصدی آن به ۶۱٫۴ فیصد می رسد، در قسمت دوم آن سنین بین ۲۴-۲۹ می باشد که فیصدی آن به ۳۷٫۵ می رسد. و متباقی آن سنین بین ۳۰-۳۵ است که فیصدی آن به ۱٫۱ می رسد.

جدول (۱) سن					
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	۱۸-۲۳	۵۴	۶۱,۴	۶۱,۴	۶۱,۴
	۲۴-۲۹	۳۳	۳۷,۵	۳۷,۵	۹۸,۹
	۳۰-۳۵	۱	۱,۱	۱,۱	۱۰۰,۰
	Total	۸۸	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

منبع : یافته های تحقیق توسط خود محقق

شکل (۱) سن



منبع : یافته های تحقیق توسط خود محقق

گراف فوق نشان دهنده سن پاسخ دهنده گان می باشد که اکثریت در سنین بین ۱۸-۲۳ قرار دارد. که رقم آن به ۵۴ تن می رسد.

۲- سطح تحصیلات پاسخ دهندگان

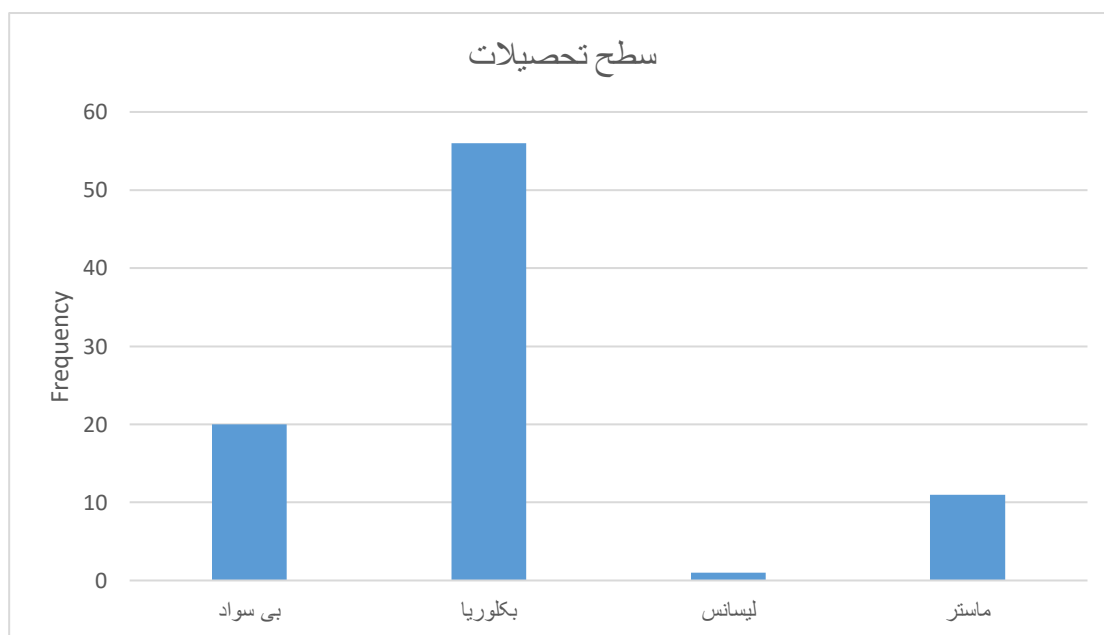
جدول (۲) سطح تحصیلات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بیسواد	۲۰	۲۲,۷	۲۲,۷	۲۲,۷
	بکلوریا	۵۶	۶۳,۶	۶۳,۶	۸۶,۴
	لیسانس	۱	۱,۱	۱,۱	۸۷,۵
	ماستر	۱۱	۱۲,۵	۱۲,۵	۱۰۰,۰
	Total	۸۸	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

جدول فوق نشان دهنده سطح تحصیلات پاسخ دهنده گان می باشد که اکثریت آنان فارغ صنف ۱۲ بوده اند و کسانی که از قرصه های کوچک استفاده می نمایند در رده دوم بیسواد بوده اند. فیصدی بکلوریا که در پاسخ دهی سهیم بوده اند به ۶۳,۶ فیصد می رسد و کسانی که بی سواد بوده اند فیصدی آنان به ۲۲,۷ فیصد می رسد. و کسانی که ماستر بوده اند فیصدی آنان به ۱۲,۵ رسیده و لیسانس فقط ۱,۱ فیصد می باشد.

شکل (۲) سطح تحصیلات



منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

گراف فوق نشان دهنده سطح تحصیلات پاسخ دهنده گان می باشد که اکثریت پاسخ دهنده گان فارغین صنف دوازده بوده اند. که رقم آن به ۵۴ می رسد. و در رده دوم کسانی هستند که بی سواد بوده اند و رقم عددی آنان به ۲۰ می رسد متباقی در سطح لیسانس و ماستری بوده اند که رقم آنان به ترتیب ۱ و ۱۱ تن می رسد.

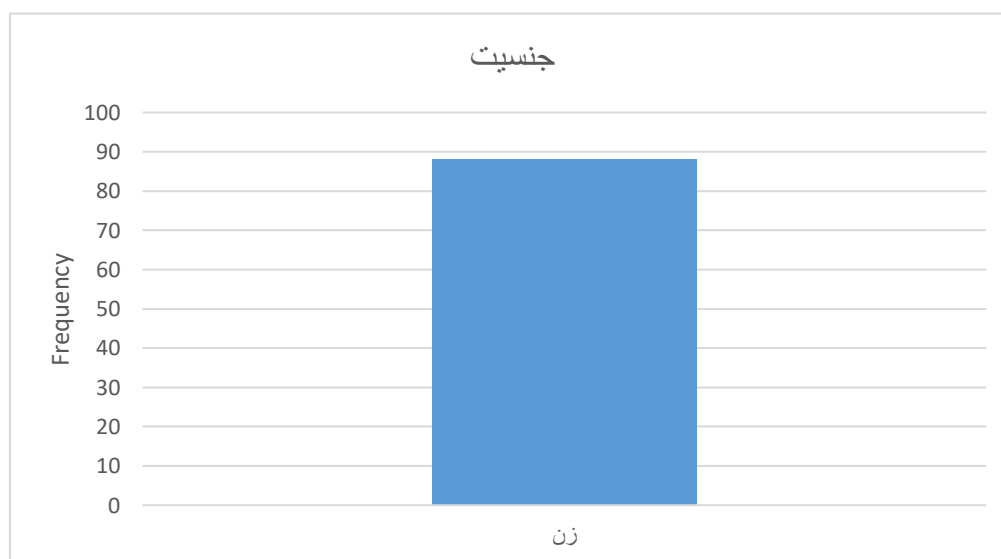
۳- جنسیت پاسخ دهندگان

جدول (۳) جنسیت		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	زن	۸۸	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰

منبع : یافته های تحقیق توسط خود محقق

جدول فوق نشان دهنده جنسیت پاسخ دهنده گان می باشد که تمام پاسخ دهنده گان را زنان تشکیل می دهد، چون تحقیق در رابطه به نقش قرضه های کوچک و متوسط در شاغل بودن زنان است، و فیصدی سهم زنان در پاسخ دهی ۱۰۰ فیصد می باشد .

شکل (۳) جنسیت



منبع : یافته های تحقیق توسط خود محقق

گراف فوق نشان دهنده جنسیت پاسخ دهنده گان می باشد که اکثریت پاسخ دهنده گان را زنان تشکیل داده که رقم آن به ۸۸ تن می رسد.

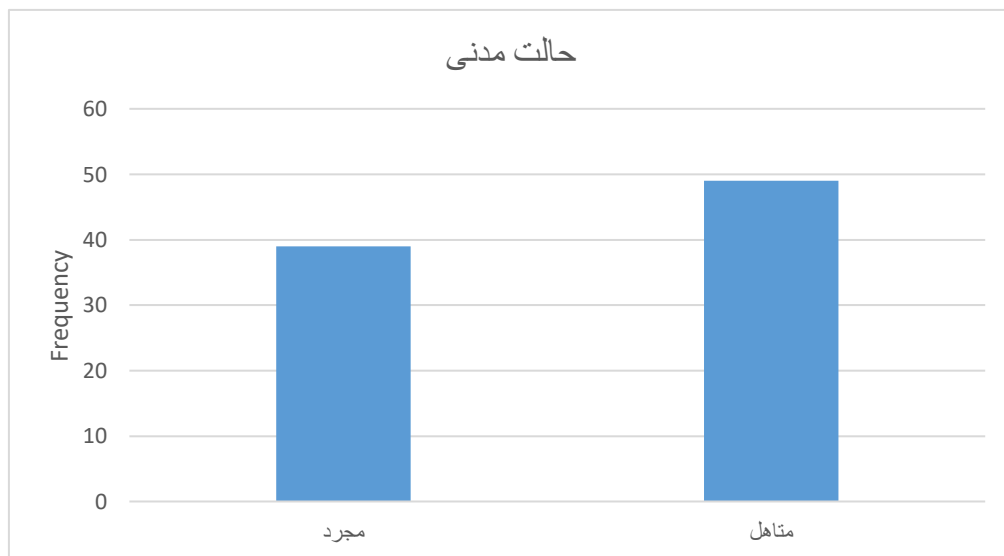
۴- حالت مدنی پاسخ دهندگان

جدول (۴) حالت مدنی					
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	مجرد	۳۹	۴۴,۳	۴۴,۳	۴۴,۳
	متاهل	۴۹	۵۵,۷	۵۵,۷	۱۰۰,۰
	Total	۸۸	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

جدول فوق نشان دهنده حالات مدنی پاسخ دهندگان میباشد که شامل مجرد و متاهل می باشد، در این آمار که به صورت تصادفی انتخاب و جمع آوری گردیده است. تعداد مجردان کمتر از متاهلین بوده و فیصدی آنان به ترتیب ۴۴,۳ و ۵۵,۷ می باشد.

شکل (۴) حالت مدنی



منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

گراف فوق نشان دهنده حالت مدنی پاسخ دهندگان می باشد که بیشتر آنان متاهل بوده اند.

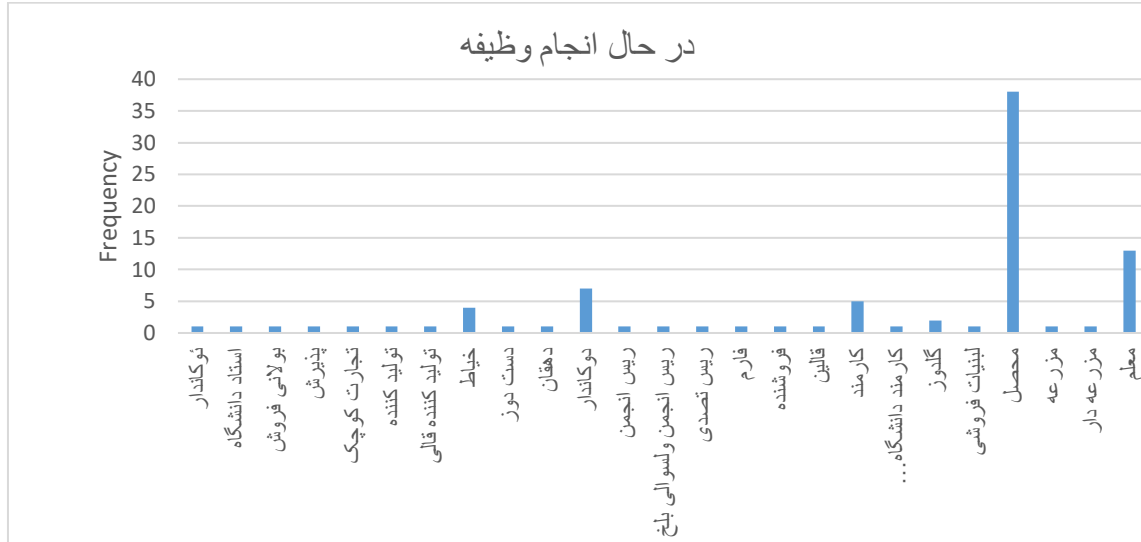
۵- وظیفه (شغل) پاسخ دهندگان

جدول (۵) در حال انجام وظیفه					
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	دکاندار	۱	۱,۱	۱,۱	۱,۱
	استاد دانشگاه	۱	۱,۱	۱,۱	۲,۳
	فروش بولانی	۱	۱,۱	۱,۱	۳,۴
	پذیرش	۱	۱,۱	۱,۱	۴,۵
	تجارت کوچک	۱	۱,۱	۱,۱	۵,۷
	تولید کننده	۱	۱,۱	۱,۱	۶,۸
	تولید کننده قالین	۱	۱,۱	۱,۱	۸,۰
	خیاط	۴	۴,۵	۴,۵	۱۲,۵
	دست دوز	۱	۱,۱	۱,۱	۱۳,۶
	دهقان	۱	۱,۱	۱,۱	۱۴,۸
	دکاندار	۷	۸,۰	۸,۰	۲۲,۷
	ریس انجمن	۱	۱,۱	۱,۱	۲۳,۹
	ریس انجمن ولسوالی بلخ	۱	۱,۱	۱,۱	۲۵,۰
	ریس تصدی	۱	۱,۱	۱,۱	۲۶,۱
	فارم دار	۱	۱,۱	۱,۱	۲۷,۳
	فروشنده	۱	۱,۱	۱,۱	۲۸,۴
	قالین	۱	۱,۱	۱,۱	۲۹,۵
	کارمند مکتب	۵	۵,۷	۵,۷	۳۵,۲
	کارمند پوهنتون خصوصی	۱	۱,۱	۱,۱	۳۶,۴
	گلدوز	۲	۲,۳	۲,۳	۳۸,۶
	لبنیات فروشی	۱	۱,۱	۱,۱	۳۹,۸
	محصل	۳۸	۴۳,۲	۴۳,۲	۸۳,۰
	مزرعه	۱	۱,۱	۱,۱	۸۴,۱
	مزرعه دار	۱	۱,۱	۱,۱	۸۵,۲
	معلم	۱۳	۱۴,۸	۱۴,۸	۱۰۰,۰
	Total	۸۸	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

منبع : یافته های تحقیق توسط خود محقق

طوری که در جدول فوق مشاهده میشود، از میان پاسخ دهندگان به تعداد ۳۸ محصل، ۱۳ نفر معلم، ۷ نفر دوکاندار، ۴ خیاط و متباقی فارم دار، گلدوز، مزرعه دار، ریس تصدی، کارمند مکتب، ریس انجمن ولسوالی بلخ و لبنیات فروش میباشد.

شکل (۵) در حال انجام وظیفه



منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

گراف فوق نشان دهنده وظیفه پاسخ دهندگان می باشد.

درآمد ماهانه پاسخ دهندگان

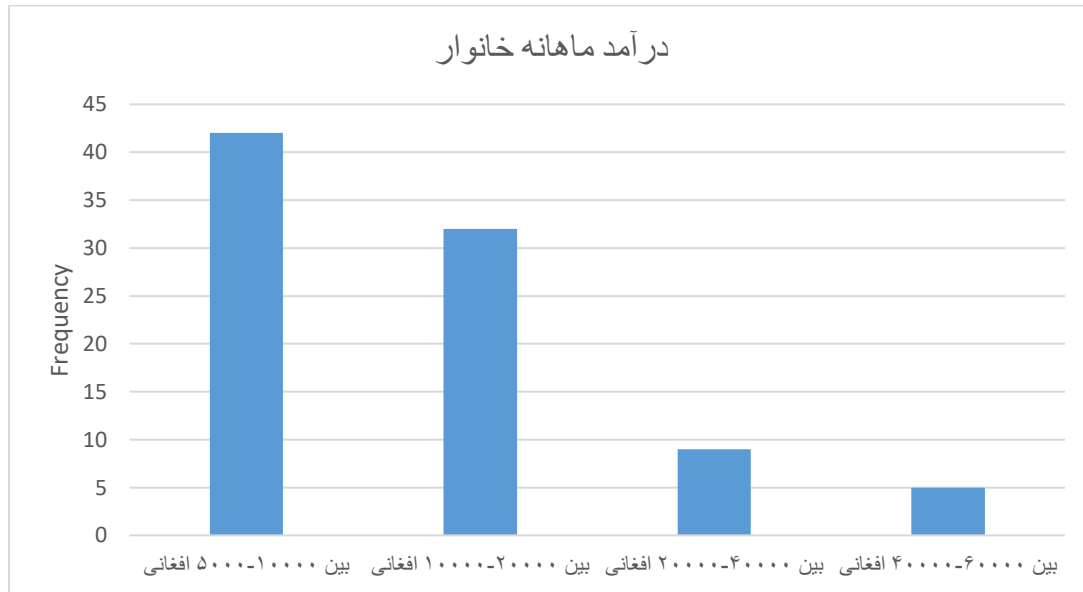
		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	افغانی ۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ بین	۴۲	۴۷,۷	۴۷,۷	۴۷,۷
	افغانی ۱۰۰۰۰-۲۰۰۰۰ بین	۳۲	۳۶,۴	۳۶,۴	۸۴,۱
	افغانی ۲۰۰۰۰-۴۰۰۰۰ بین	۹	۱۰,۲	۱۰,۲	۹۴,۳
	افغانی ۴۰۰۰۰-۶۰۰۰۰ بین	۵	۵,۷	۵,۷	۱۰۰,۰
	Total	۸۸	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

جدول فوق نشان دهنده درآمد ماهانه پاسخ دهندگان می باشد که بیشترین آنان بین ۵۰۰۰-

۱۰۰۰۰ افغانی در ماه عاید دارند و بعدی بین ۱۰۰۰۰-۲۰۰۰۰ افغانی عاید در ماه داشته اند.

شکل (۶) درآمد ماهوار خانوار



منبع : یافته های تحقیق توسط خود محقق

گراف فوق نشان دهنده میزان عاید ماهانه می باشد که بیشترین آن بین ۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ است.

۴-آزمون فکتور آنالیز

نتایج بدست آمده از سوالات جمعیت شناختی در زیر با جداول و گراف ها نشان داده شده است. که در برگیرنده "جنسیت، سن، درجه تحصیلی، محل سکونت و درآمد ماهوار می باشد" می باشد. تحقیق انجام شده در فابریکه تولیدی پروفیل که از میان کل کارکنان تنها ۸۸ تن شامل این تحقیق است، از میان ۸۸ تن تمام آنان زنان بودند که به پرسشنامه ها جواب ارایه نموده بودند، بیشترین پاسخ دهنده گان افراد بودند که از تحصیلات متوسط (بکلوری) برخوردار بوده اند.

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.۸۱۸
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۱۶۷۰.۰۰۰
	Df	۵۱۵
	Sig.	.۰۰۰

منبع : یافته های تحقیق توسط خود محقق

بعد از تست انجام شده $KMO=0,818$ میباشد یعنی عدد است به ۱ نزدیک است و این مفهوم را ارایه میکند که رابطه بین متغیر ها قوی است، قیمت KMO هر قدر به یک تقرب نماید نشان دهنده ارتباط قوی و مستحکم میان متغیر های تحقیق است و با استفاده از فکتور آنالیز به اساس روابط میان متغیر ها تمامی سوالات به یک فکتور وابسته و چندین فکتور مستقل تقسیم شده است.

آزمون فرضیه ها

فرضیه ۱: به نظر می رسد اخذ قرضه های کوچک و متوسط بر عاید خانواده ها کارایی داشته است.

One-Sample Test						
	Test Value = ۱					
	t	df	Sig. (۲-tailed)	Mean Difference	۹۵% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
ایا اخذ قرضه های کوچک و متوسط کارایی و موثریت داشته است؟	۲,۲۸۹	۸۷	.۰۲۴	.۰۵۷	.۰۱	.۱۱

منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

با توجه به تحلیل انجام شده رابطه معنادار بین اشتغال زایی زنان ولسوالی بلخ و موثریت قرضه های کوچک و متوسط وجود دارد و نخستین فرضیه ارتباط موثریت قرضه های کوچک و متوسط و اشتغال زایی زنان ولسوالی بلخ که با سطح معنا دار ($Sig=۰,۰۲۴$) با فواصل اطمینانی مثبت فرضیه تایید گردید، فرضیه جایگزینی تایید نگردیده و این مفهوم را ارایه میکند به هر اندازه که زنان از قرضه های کوچک و

One-Sample Test						
	Test Value = ۲					
	t	df	Sig. (۲-tailed)	Mean Difference	۹۵% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
قرضه های کوچک و متوسط بالای افزایش عاید زنان چقدر تاثیر گذار بوده است؟	-۱,۰۵۵	۸۷	۲۹۴۰.۰	-.۱۱۴	-.۳۳	.۱۰

متوسط استفاده نمایند به همان اندازه موثریت و کارایی خواهد داشت.

فرضیه ۲: گمان می رود قرضه های کوچک و متوسط بالای افزایش عاید زنان تاثیر گذار بوده است.

منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

با توجه به تحلیل انجام شده رابطه معنادار بین قرضه های کوچک و متوسط و عاید زنان ولسوالی بلخ وجود دارد و دومین فرضیه ارتباط میان قرضه های کوچک و متوسط و عاید زنان ولسوالی بلخ که با سطح معنا دار ($Sig=۰,۰۲۹۴$) فرضیه قبول گردید، فرضیه جایگزینی تایید نگردید این مفهوم را ارایه میکند که به هر اندازه زنان از قرضه های کوچک و متوسط استفاده نمایند به همان اندازه عاید خانواده

های آنان بلند خواهد و هم چنان باید گفت در صورت بلند رفتن عواید خانواده ها عواید اجتماع نیز بلند می رود.

فرضیه ۳: به نظر می رسد تبلیغات در افزایش قرضه های کوچک موثر بوده است.

One-Sample Test						
	Test Value = ۲					
	t	df	Sig. (۲-tailed)	Mean Difference	۹۵% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
میزان تبلیغات در اخذ قرضه های کوچک و متوسط به چی اندازه اثر گذار بوده است؟	-.۸۴۷	۸۷	۳۹۹۰.۰	-.۰۶۸	-.۲۳	.۰۹

منبع: یافته های تحقیق توسط خود محقق

با توجه به تحلیل انجام شده رابطه معنادار بین قرضه های کوچک و متوسط و تبلیغات وجود دارد و سومین فرضیه ارتباط بین قرضه های کوچک و متوسط و تبلیغات که با سطح معنا دار (SIG=۰,۰۳۹۹) فرضیه تایید میگردد، فرضیه جایگزینی تایید نگردیده و این مفهوم را ارایه می نماید، به هر اندازه که بانک های قرضه های کوچک و متوسط تبلیغات نماید به همان اندازه میتواند برای بانک خود مشتری جذب نماید. و جذب نمودن مشتری بهترین عاید را برای سازمان قرضه دهی دارد.

نتیجه گیری

زنان نصف جامعه را تشکیل می دهند، و فعالیت های اقتصادی زنان نیز سبب افزایش قدرت اقتصادی کشور می گردد بلخصوص در افغانستان بیشتر زنان در بخش زراعت برابر با مردان سهم فعالانه دارند و همین امر سبب گردیده است که زنان نیمی از پیکر جامعه حساب شوند. زنان نمی توانند که به تنهایی بدون کمک سازمان های قرضه به این هدف دست پیدا نمایند. و قرضه های کوچک و متوسط سبب شده که بیشتر خانمهای ولسوالی بلخ به یک سلسله فعالیت های اقتصادی دست بزنند. و باتوجه به تحقیقات انجام شده به این نتیجه می رسیم که:

با توجه به تحلیل انجام شده رابطه معنادار بین اشتغال زایی زنان ولسوالی بلخ و موثریت قرضه های کوچک و متوسط وجود دارد و نخستین فرضیه ارتباط موثریت قرضه های کوچک و متوسط و اشتغال زایی زنان ولسوالی بلخ که با سطح معنا دار (Sig=۰,۰۲۴) با فواصل اطمینانی مثبت فرضیه تایید گردید، فرضیه جایگزینی تایید نگردیده و این مفهوم را ارایه میکند به هر اندازه که زنان از قرضه های کوچک و متوسط استفاده نمایند به همان اندازه موثریت و کارایی خواهد داشت.

با توجه به تحلیل انجام شده رابطه معنادار بین قرضه های کوچک و متوسط و عاید زنان ولسوالی بلخ وجود دارد و دومین فرضیه ارتباط میان قرضه های کوچک و متوسط و عاید زنان ولسوالی بلخ که با سطح معنا دار ($Sig=0,0294$) فرضیه قبول گردید، فرضیه جایگزینی تایید نگردید این مفهوم را ارایه میکند که به هر اندازه زنان از قرضه های کوچک و متوسط استفاده نمایند به همان اندازه عاید خانواده های آنان بلند خواهد رفت و هم چنان باید گفت در صورت بلند رفتن عواید خانواده ها عواید اجتماع نیز بلند می رود.

با توجه به تحلیل انجام شده رابطه معنادار بین قرضه های کوچک و متوسط و تبلیغات وجود دارد و سومین فرضیه ارتباط بین قرضه های کوچک و متوسط و تبلیغات که با سطح معنا دار ($SIG=0,0399$) فرضیه تایید میگردد، فرضیه جایگزینی تایید نگردیده و این مفهوم را ارایه می نماید، به هر اندازه که بانک های قرضه های کوچک و متوسط تبلیغات نمایند به همان اندازه میتوانند برای بانک خود مشتری جذب نمایند. و جذب نمودن مشتری بهترین عاید را برای سازمان قرضه دهی دارد.

منابع و ماخذ

- (۱) باقر، شهلا، اشتغال زنان در ایران، شماره ۸، سال ۱۳۸۵.
- (۲) ریکا، مهرا و دیگران، ۱۳۸۲، اعتبارات مالی برای زنان، مترجم، فضیله خانی، انتشارات دانشگاه الزهرا (س) با مشارکت دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشور
- (۳) ستار فروغ ۱۳۸۹ اعطای قرضه های کوچک به زنان باعث رشد اقتصادی خانواده و اشتغال

آنان

- (۴) علی زاده، مرجان، نقش اشتغال زنان در توسعه، فصلنامه علمی پژوهش زن و فرهنگ، شماره ۵،

۱۳۸۹

- (۵) گزارش ورکشاپ آگاهی در مورد قرضه های کوچک، ۱۳۸۹
- (۶) محمد شریف، قرضه های کوچک و تاثیر آن بالای اقتصاد زنان، شماره ۹، ۱۳۹۵
- (۷) ملک زاده، دکتر فهیمه، نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش ها، ۱۳۸۷

واقعات کمبود کلسیم نوزادی

نویسنده: داکتر سید محمد مجتبی سدیس متخصص امراض داخله اطفال و نوزادان

چکیده:

هدف از این تحقیق بررسی و دریافت واقعات هایپوکلسیمی نوزادی میباشد که چرا یک تعداد از نوزادان نیاز به تداوی فوری برای بهبود هایپوکلسیمی پیدا میکنند. کلسیم یکی از منرال های فراوان در بدن بوده و عمدتاً (۹۸ فیصد) در نسج استخوانی قرار دارد. آیون کلسیم در فعالیت های مهم بدن از جمله تحتر یا علقه سازی خون، اتصالات عصبی و تنبیه عضلی رول دارد.

واژگان کلیدی

exchange, Neonatal hypocalcemia, ۱,۲۵ dihydroxy vitamin D, Congenital Rickets
transfusion

مقدمه:

هایپوکلسیمیا یک آفت میتابولیک عام دوره نوزادی راتشکیل میدهد، در زمان حاملگی مقادیر زیاد کلسیم بواسطه پلاسنتا برای طفل انتقال پیدا میکند وبعد از تولد انتقال کلسیم ذریعه پلاسنتا برای طفل از بین میرود وسویه کلسیم خون نوزاد کاهش پیدا میکند و در ظرف دو هفته بعدی دوباره به حالت نورمال برمیگردد. آفاتی همچون خفه گی زمان ولادت، ولادت قبل از وقت، مرض شکر مادری، هایپرتایرویدیزم درنزد مادر و کمبود مگنیزیم هر یک به نوبه خود در بروز هایپوکلسیمیا نزد نوزاد رول بسزای خود را بازی میکنند. هایپوکلسیمیا نزد نوزادان باعث مخرشیت، اختلاجات، شخی عضلی، تشوشات تنفسی، وبالآخره باعث مرگ نوزادان میگردد.

آیون کلسیم درپروسه های بیوشیمیک چون:

Blood coagulation, neuromuscular excitability, cell membrane integrity

ضروری میباشد.

تحقیق هذا به شکل توصیفی به میتود Case series اجرا میگردد، در این تحقیق بالای شیوع واقعات هایپوکلسیمی نوزادان درشفاخانه حوزوی آموزشی ابوعلی سینای بلخی در طول سال ۱۴۰۰ ه. ش بحث صورت خواهد گرفت.

سوال تحقیق:

Pattern و Frequency و اوقات Neonatal Hypocalcemia در شفاخانه حوزوی آموزشی

ابو علی سینا بلخی در طول سال ۱۴۰۰ هـ. ش به چه پیمانانه است؟

اهمیت تحقیق:

حملات اختلاجی و تیتانی نوزادان در ۲۸ روز اول حیات ایشان زیاد واقع میگردد که علت عمده آن را هایپوکلسیمی دوره نوزادی تشکیل میدهد. هایپوکلسیمی یک مشکل عمده صحتی را در جهان خصوصاً کشور های رو به انکشاف تشکیل میدهد. مراقبت نادرست مادر و عدم دسترسی مادران به خدمات صحتی منجر به آفات متعدد نزد نوزاد گردیده که یکی از اینها را هایپوکلسیمی دوره نوزادی تشکیل میدهد. ولادت های غیر معیاری منجر به خفگی نوزاد در هنگام خروج از کانال ولادی شده که یکی از علت های معمول هایپوکلسیمی را نزد نوزادان تشکیل میدهد که اگر بصورت عاجل و جدی اقدامات صورت نگیرد باعث آفات غیرقابل بازگشت خواهد گردید. در ضمن با توجه به اینکه خفگی زمان ولادت و همچنان تولد قبل از وقت ارتباط مستقیم با این موضوع دارد، و واقعات ولادت های قبل از وقت و خفگی زمان ولادت رو به افزایش است بناءً لازم دانسته شد تا درمورد موضوع فوق تحقیق صورت گیرد.

همچنان شیوع واقعات هایپوکلسیمی دوران نوزادی به کثرت در سرویس های اطفال دیده میشود که تحقیق در این مورد از اهمیت برخوردار بوده و شیوه های تداوی موثر و سیر مرض در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

کاربرد عملی و فواید آن در سیستم صحتی:

این تحقیق نزد نوزادان صورت گرفته است که مصاب هایپوکلسیمی دوره نوزادی بوده و در سرویس داخله اطفال تحت مراقبت بوده اند. تحقیق ما بر علاوه از اینکه در مورد شیوع واقعات هایپوکلسیمی نزد نوزادان معلومات میدهد، فکتور های مساعد کننده مرض، اختلاطات، نتایج تداوی، موثریت تداوی و غیره را معلومات میدهد. در نتیجه تحقیق دریافت گردیده است که شیوه های موثر و قایه از مرض کدام ها بوده و در کل ارقام عمومی از شیوع مرض را به اذهان سکتور صحتی داده تا در صورت امکان اهتمامات جلوگیری را روی دست گیرند تا شیوع مرض کاهش یابد.

اهداف تحقیق: دریافت تعداد واقعات هایپوکلسیمی نوزادی در شفاخانه حوزوی آموزشی ابوعلی سینا بلخی در طول سال ۱۴۰۰ ه. ش .

مقاصد:

دریافت تعداد واقعات هایپوکلسیمی نوزادی نظریه variable های ذیل:

۱. جنس.
۲. سکونت.
۳. سن حملی.
۴. نوع ولادت (عادی و یا عملیات).
۵. وزن زمان تولد .
۶. دریافت پرابلم های عمده ضمیموی در نزد آنها..
۷. نوع هایپوکلسیمی.
۸. اسباب.
۹. انذار مرض.
۱۰. نوع تغذی طفل .

تیوری:

هایپوکلسیمی نوزادان

آفات میتابولیکی در نوزادان نسبت به دیگر گروپ سنی زیادتر اتفاق میفتند که منجر به مرگ خاموش و غیر قابل افاده میگردند. زیادتر این نوزادان را اطفال قبل از میعاد تشکیل میدهد که بنا بر عدم پختگی فعالیت های بیوشیمیکی و فزیولوژیکی بدن شان اتفاق میفتند. در یک طفل که در دوره نوزادی دچار آفت میتابولیک شده باشد ، مشکلات عصبی حرکی در آینده رونما میگردد. بنابراین اطفال باید به صورت روتین بخاطر آفت میتابولیک دوره نوزادی معاینه گردند. در صورت گرفتن اهمات لازم و سر وقت میتوان اختلالات این آفت را در نوزادان کاهش داد.

هایپوکلسیمی نوزادان یک آفت میتابولیکی دوران نوزادی را تشکیل میدهد که وقوعات مرض در بخش نوزادان شفاخانه ها به صورت نسبی دیده میشود. هایپوکلسیمی برای یک نوزاد زمانی اطلاق میشود که سویه کلسیم سیروم کمتر از 7mg/dl و یا سویه کلسیم آیونایز شده کمتر از 4mg/dl شود.

میتابولیزم و وظایف کلسیم:

کلسیم از جمله وافرتترین منرال بدن است که 99% آن در استخوان و 1% آن در مایعات خارج الحجروی موجود است. در مایعات خارج الحجروی کلسیم به سه شکل آتی موجود است:

۱- 40% آن با البومین متصل است.

۲- 10% آن با سلفات و لکتات متصل است.

۳- 50% آن بصورت آزاد به شکل آیونایز موجود است.

کلسیم آیونایز شده در بسیاری از فعالیت های حیاتی بدن همچو تحتر خون ، فعالیت های عصبی عضلی ، حفظ تمامیت غشای حجروی و تولید انزایم های مخصوص ، رول بسزای دارد.

یک جنین 30mg کلسیم روزانه بخاطر فعالیت های نارمل فزیولوژیک بدن خصوصاً استخوان ها ضرورت دارد و یک ضرورت یک نوزاد در چند ماه نخست حیات بیشتر میباشد. تطابق مختص به فرد مادر بدون متضرر ساختن فعالیت های فزیولوژیک عظمی مادر ، تمام نیازمندی های جنین و نوزاد را از بابت کلسیم مرفوع میسازد.

کلسیم و هورمون های پاراتایروئید از پلاسنتا عبور میکنند. انتقال کلسیم و فاسفورس بصورت فعال (Active Transport) صورت میگیرد. مقدار کلسیم سیروم جنین 1md/dl نسبت به مادر بلند تر میباشد. زیادهترین نقل کلسیم به جنین در ترایمستر سوم اتفاق میفتد، که این کلسیم از امعا مادر جذب شده است. مقدار جذب کلسیم در زمان حاملگی دوچند افزایش پیدا میکند . بنا بر اینکه کلسیم در سه ماه اخیر حاملگی به کثرت انتقال پیدا میکند ، اطفال قبل از میعاد که سن حملی خود را تکمیل نکرده باشند ، ذخایر کم کلسیم را دارا میباشند.^(۵)

مقدار متوسط کلسیم موجود در حبل سروی $(9-12)\text{md/dl}$ میباشد. هورمون های پاراتایروئید (پاراتورمون) و $1,25\text{-dihydroxy vitamin D}$ در تنظیم میتابولیزم کلسیم رول بسزای دارد. پاراتورمون باعث بازجذب کلسیم از استخوان ها ، و کلیه ها شده و تولید $1,25(\text{OH})_2\text{D}_3$ را در کلیه ها افزایش میدهد. و

هورمون اخیر الذکر جذب کلسیم را در امعا افزایش داده و باعث بازجذب دوباره کلسیم و فاسفورس از عظام میشود.

بعد از ۲۴-۳۶ ساعت حیات خارج رحمی ، سویه کلسیم سیروم سیر نزولی را اختیار میکنند. این حالت در نوزادان قبل از میعاد زیادتر اتفاق میفتند. بنابر عدم پختگی کامل غده پارائتایروید و تیوبول های کلیوی ، بدن نمیتواند کمی کلسیم را اعاده کند. از باعث علت مذکور سویه کلسیم خون کاهش و سویه فاسفورس خون افزایش بیابد. از این موضوع استنباط میگردد که سویه کلسیم خون در روز های نخست حیات کم میباشد در ضمن سویه فاسفورس افزایش میابد.

بعضی از حالات کمبودی کلسیم را در چند روز نخست حیات افزایش میدهد که در نتیجه باعث هایپوکلسیمی شدید میگرددند و در بعضی از حالات هایپوکلسیمی تو ام با هایپوگلاسیمی همراه میباشد.^(۵)

منبع عمده کلسیم را در دوره نوزادی شیر مادر تشکیل میدهد . شیر های مروجہ بازار نیز غنی شده با کلسیم میباشد.

پتافزیولوژی هایپوکلسیمی:

هایپوکلسیمی متصف با تخرشیت سیستم عصبی مرکزی و تقلصیت ضعیف عضلات که در نتیجه در این واقعات حساسیت نیورون ها در مقابل هیجانان افزایش پیدا نموده و باعث عکس العمل های متعدد در مقابل یک محرک بوجود میاید. هایپوکلسیمی هردو سیستم حسی و حرکی را متاثر میسازد و در نتیجه باعث اعراض و علایم گسترده از قبیل تیتانی ، تقلص عضلات دست ، پا و حنجره ، باعث اختلاج و در نهایت باعث تغییرات روانی نزد طفل میگردد.

اسباب هایپوکلسیمی:

واقعات هایپوکلسیمی در نوزادان نسبت به اطفال کاهل زیادتر اتفاق میفتند. هرگاه هایپوکلسیمی در ۳ روز نخست حیات اتفاق بیفتد Early onset hypocalcemia و اگر بعد از ۳ روز اتفاق بیفتد بنام Late onset hypocalcemia یاد میگردد ، که اسباب هرکدام از اینها ذیلا" نگاشته شده است :

CAUSES OF NEONATAL HYPOCALCEMIA	
EARLY ONSET < ۷۲ HR	LATE ONSET > ۷۲ HR
Immaturity	Exogenous phosphate load & Drugs
Birth Asphyxia	Vitamin D deficiency & DiGeorge syndrome
Infant of diabetic mother	Congenital rickets & renal disorder
Intrauterine growth restriction	Idiopathic Hypoparathyroidism & ET
Maternal hyperparathyroidism	Hypomagnesemia & Hypoproteinemia

Early onset neonatal hypocalcemia

زمانیکه هایپوکلسیمی در ۷۲ ساعت اول حیات اتفاق بیفتد، به این اسم نامیده میشود. در اکثر اوقات اعراض و علائم هایپوکلسیمی بعد از ۴۸ ساعت اول حیات رونما میگردد که اسباب آن قرار زیر است:

۱- Immaturity: بین سویه سیروم کلسیم و وزن طفل رابطه غیر مستقیم وجود دارد که هر قدر وزن طفل پایین باشد به همان مقدار چانس مبتلا شدن به هایپوکلسیمی زیاد تر میشود. ۵۰% نوزادان که وزن شان کمتر از ۲۵۰۰ گرام استند و ۷۵% نوزادان که وزن شان کمتر از ۱۵۰۰ گرام استند، میتوانند به صورت موقتی نزدشان هایپوکلسیمی در ۲۴ ساعت اول حیات رونما گردد. فتکورهای متعدد از قبیل ذخایر ناکافی کلسیم از باعث تولد قبل از وقت، به تاخیر انداختن تغذی با شیر مادر، عدم پختگی کلیه، ناقص بود GFR، هایپوپروتینمیا، تطبیق دوامدار سودیم بای کاربونات و RDS در بوجود آوردن هایپوکلسیمی نزد اطفال قبل از میعاد رول بسزای را دارد.

۲- دیابت مادری: ۲۵%-۵۰% نوزدان که از مادران دیابتیک تولد میشوند، میتوانند به هایپوکلسیمی دچار شوند. دلیل اصلی این حالت هنوز هم نامعلوم است.

۳- اختلالات زمان ولادت: اسفکسی زمان تولد، ولادت طولانی، سیزارین عاجل، توکسیمی و خونریزی زمان ولادت موارد هستند که در ۳۰%-۱۰۰) واقعات زمینه را به هایپوکلسیمی نوزادی مساعد میسازد. علت اصلی را افزایش

مقدار فاسفورس سیروم بنا بر تخریب حجرات و بلند رفتن سوپه کورتیزون بنا بر تحریک عصب سمپاتیک میباشد. بنا برین تمام این مریضان باید به وقفه های ۲۴-۴۸ ساعت از نظر سیروم کلسیم ارزیابی گردند.

۴- Maternal hyperparathyroidism: افزایش در سطح کلسیم و هورمون های پاراتاایروید مادر باعث انتقال این مواد به دوران طفل میگردد که در نتیجه غده پاراتاایروید طفل فیدبک منفی جهت افراز هورمون های پاراتاایروید دریافت میکند. در صورت بروز هایپوکلسیمی نوزاد، باید مادران از بابت سیروم کلسیم، فاسفورس و هورمون های پاراتاایروید چک شود.

Late onset neonatal hypocalcemia

هرگاه اعراض و علایم هایپوکلسیمی بعد از ۷۲ ساعت حیات خارج رحمی نزد طفل هویدا شود، Late onset neonatal hypocalcemia نامیده میشود. معمولاً این حالت نزد اطفال با میعاد که از شیر گاو و یا شیر مصنوعی استفاده میکنند، در روزهای ۵-۱۰ بشکل تیتانی تظاهر کند. شیر گاو مقدار کم کلسیم و فاسفورس را دارا میباشد که تناسب اینها ۱/۱٫۳ میباشد. در حالیکه در شیر مادر این تناسب به اندازه ۱/۲٫۲ میباشد. نظر به این حالت مقدار کلسیم شیر مادر نسبت به شیر مصنوعی بلند میباشد. بنا بر این اطفالیکه از شیر های مصنوعی استفاده میکنند به هایپرفاسفیتیمی و هایپوکلسیمی دچار میشوند. یکی از علت های دیگر هایپوکلسیمی را تشوش در افراز و تاثیر غده و هورمون پاراتاایروید تشکیل میدهد.

موارد زیر میتواند باعث Late onset neonatal hypocalcemia شوند، که عبارت اند از:

۱- Idiopathic hypoparathyroidism: این حالت نادرا" اتفاق میفتد که متصف

است با سوپه پایین کلسیم، سوپه بلند فاسفورس و موجودیت اعراض و علایم Rickets و Steatorrhea میباشد. در این حالت طفل به عدم کفایه کلیوی مصاب نمیشد.

۲- Vitamin D deficiency: این حالت نادرا" اتفاق میفتد. طفل مادرانیکه در هنگام

بارداری از ادویه ضد اختلاجی استفاده کرده باشند و یا به کمبود ویتامین D مصاب بوده باشند میتواند به کمبود ویتامین D دچار شوند. این حالت در نهایت باعث هایپوکلسیمی میگردد. اسباب که در دوران نوزادی باعث کمبود ویتامین D میگردد، عدم کفایه کلیوی، نفروزیس، امراض کبدی صفراوی و سوء جذب میباشد.

۳-Hypomagnesemia: اطفالیکه به هایپومگنیزیمییا دچار میباشند از طریق کاهش در افراز هورمون های پاراتایروید باعث هایپوکلسیمی میگرددند. در این حالت در صورت عدم اصلاح سویه مگنیزیم سیروم ، هایپوکلسیمی برطرف نمیشود.

۴-DiGeorge syndrome: مریضان که به این سندروم مصاب میباشند ، نزدشان غده پاراتایروید تشکل پیدا نکرده و غده تایمس این مریضان به اپلازیا دچار میشود. این مریضان با لمفوپنیا ، انتانات مکرر ، تشوشات وجهی، گوش های غیر نارمل ، Cleft palate و تشوشات ولادی قلبی متصف میباشند.

۵-Hypoproteinimia: در مریضانیکه سویه البومین خون شان 1gr/dl کاهش پیدا کند سویه کلسیم به اندازه 0.8mg/dl کاهش میابد. بنابراین به خاطر تشخیص دقیق هایپوکلسیمی باید سویه آیونایز کلسیم چک شود ، چون با کاهش البومین سویه کلسیم آیونایز کاهش پیدا نمیکند.

۶-Congenital Rickets: مادرانیکه به Osteomalacia دچار باشند ندرتا" نزد اطفال شان کمبود ویتامین D، Rickets و هایپوکلسیمی رونما میگردد.

۷-Exchange transfusion: اطفالیکه توسط Citrated blood نزدشان DVET صورت میگيرد ، سویه کلسیم آیونایز شده کاهش پیدا میکند و نزدشان اعراض و علائم هایپوکلسیمی رونما میگردد.

۸-تشوشات الکترولیت ها : زمانیکه اسیدوزیس بصورت عاجل و فوری اصلاح گردد ، میتواند منجر به تیتانی و هایپوکلسیمی گردد. در این حالت افزایش در سودیم سیروم بنابر تطبیق سودیم بای کاربونات باعث اطراح کلسیم از طریق تیوبول های کلیوی میگردد که در نتیجه باعث هایپوکلسیمی میگردد.

۹-اختلالات کلیوی : تشوشات گلو میرول های و تیوبول های کلیوی باعث هایپوکلسیمی میگردد . در ضمن عدم کفایه کلیوی باعث کاهش کلسیم از طریق افزایش فوسفورس و کاهش ویتامین D میگردد.

۱۰-Phototherapy: مطالعات نشان داده است که فوتوتراپی باعث تغیر در وظایف کورتیزول شده و در نتیجه جذب کلسیم را از عظام کاهش میدهد.

۱۱- تداوی با فروز امید : با تطبیق این ادویه Hypercalciuria رخ میدهد که در نتیجه کلسیم از این طریق اطراح میگردد.

۱۲-Intravenous lipid infusion: افزایش اسید های شحمی باعث کاهش کلسیم آیونایز خون میشود. مطالعات نشان داده شده است که افزایش در 5mmol/lit اسید شحمی باعث کاهش سویه کلسیم آیونایز به اندازه 0.6mmol/lit میشود.

Clinical features

اکثر مریضان مصاب هایپوکلسیمی بدون عرض و یا دارای عرض گذری میباشند. اعراض نخستن هایپوکلسیمی نزد اطفال قبل از میعاد را تنفس ضعیف، سیانوز و حملات Apne تشکیل میدهد. تشوشات عصبی عضلی با تحریک طفل به واسطه صدا، لمس و نور افزایش پیدا میکند که با Jitterness متصف میباشد.

یکی از عرض و علامه معمول هایپوکلسیمی را اختلاج تشکیل میدهد. یکی از مشخصه های که اختلاج از باعث هایپوکلسیمی را با سایر اسباب اختلاج متمایز میسازد این است که شعور در مریضان هایپوکلسیمی زایل نمیشود.

در بسیاری از نوزادان Carpopedal spasm و Chovstek sign دیده میشود. در حالات شدید مریضان High pitch cry، Hypotonia، و Laryngospasm را تجربه میکنند.

Diagnosis

تمامی اطفال که در کتگوری High risk infant قرار میگیرند، باید نزد شان کلسیم آیونایز خون مورد بررسی قرار بگیرد. در صورتیکه سویه کلسیم خون مریض کمتر از ۷ ملیگرام فی دیسی لیتر باشد، تشخیص هایپوکلسیمی وضع میگردد.

یکی از میتود های که میتوان به طرف هایپوکلسیمی مشکوک شد، ECG monitoring طفل است. تغییرات که در ECG نزد مریض بوجود میاید قرار زیر است:

- Atrioventricular block with low voltage

- Prolonged QT interval > ۲sec

قبل از تزریق کلسیم زرقی باید نمونه خون به لابراتوار جهت بررسی سویه کلسیم آیونایز خون اخذ شود.

در پهلوی معاینات فوق باید سویه هورمون های پاراتایروید، سویه فاسفورس و ویتامین D نزد مریضان چک گردد. افزایش در سطح فاسفورس سیروم میتواند یکی از حالات زیر را بیان کند:

- اخذ مقدار زیاد فاسفورس

- عدم کفایه کلیوی

- هایپوپاراتایرویدیزم

عدم موجودیت سایه غده تایمس آفات در اکسری بیانگر DiGeorge syndrome میباشد که بخاطر رد ولادی قلبی نزد شان Echo صورت میگردد. بخاطر رد واقعات Pseudohypoparathyrodism باید نزد مریض Brain CT scan و معاینات قعر عین صورت گیرد.

Management

مریضان مصاب هایپوکلسیمی دوران نوزادی میتواند بدون عرض و یا با عرض باشند ، که چگونگی تداوی نزد هرکدام شان فرق میکند.

۱- Asymptomatic hypocalcemia: در صورتیکه مریض از طریق فمی بتواند ادویه را اخذ نماید، باید کلسیم به شکل شربت های Calcium gluconate به اندازه ۲ml/kg هر ۶ ساعت بعد داده شود. در صورتیکه مریض نتواند کلسیم فمی را اخذ نماید ، باید کلسیم به شکلی زرقی برای طفل تطبیق شود. ۲ml/kg کلسیم گلوکونات با مقدار مشابه دکستروز ۵% مخلوط شده و هر ۶ ساعت بعد برای مریض داده میشود. این تداوی الی ۴۸ ساعت بعد نارمل شدن ECG مریض ادامه پیدا میکند.

۲- Symptomatic hypocalcemia: برای نوزادان هایپوکلسیمیک که اختلاجات متواتر ، حمله های Apneic و Irritability زیاد دارند ، باید کلسیم به شکل زرقی داده شود. مقدار ۲ml/kg کلسیم گلوکونات همراه با حجم مساوی دکستروز ۵% مخلوط شده طوریکه به اندازه ۱ml/min به ورید محیطی تطبیق شود. بعداً مقدار ۸ml/kg/day برای ۴۸ ساعت بعد از نارمل شده ECG بصورت انفیوژن دوامدار ادامه داده میشود. هرگاه کلسیم از طریق حبل سروی تطبیق شود باعث نکروز کبدی و هرگاه از طریق عضلی تطبیق شود باعث نکروز عضلی میشود. بنابراین کلسیم هیچگاهی نباید به این دو طریق تزریق شود. در مریضان که از دایجوکسین و سودیم بای کاربونات استفاده میکنند ، باید به احتیاط داده شود. هرگاه اختلاج طفل با وجود تطبیق کلسیم برطرف نگردد ، باید به مریض به اندازه ۰,۲mg/kg مگنیزیم سلفات به دو دوز داده شود و بعداً ۰,۲ml/kg مگنیزیم سلفات روزانه از طریق فمی برای ۳ روز داده شود. خارج شدن کلسیم از اوعیه باعث نکروز جلدی میشود. در صورت وقوع این حادثه هرچه زودتر برایش در ناحیه تراوش کرده hyaluronidase به اندازه unit (۱۵-۳۰) که با یک ملی سلین مخلوط میشود ، زرق شود. زرق ویتامین D در تداوی هایپوکلسیمی رول ندارد.

Resistant Hypocalcemia

زمانیکه هایپوکلسیمی در نزد نوزاد دوام دار شود ، باید علت های دیگر از قبیل هایپومگنیزیمیا جستجو گردد. بلند بودن سویه فاسفورس سیروم با وجود عدم استفاده از شیر گاو و نارمل بودن فعالیت های کلیوی ، نمایندگی از هایپوپاراتایرودیزم میکند. این نوزادان باید ۵۰mg/kg/day کلسیم به سه دوز منقسم و (۰,۵-۱) Microgram/kg/day کلسیتروول و یا ویتامین D دریافت کند.

وقایه:

اطفال که در معرض هایپوکلسیمی قرار دارند از قبیل اطفال قبل از میعاد با وزن پایینتر از ۱۵۰۰ گرم، اطفال مادران دیابیتیک و یا اطفال که خفگی و یا اسفیکسی را سپری کرده اند باید روزانه $(35-45) \text{mg/kg/day}$ کلسیم دریافت نمایند. کلسیم گلوکونات به اندازه 1ml/kg هر ۶ ساعت برای $48-72$ ساعت داده شود.

منابع کلسیم و فاسفورس:

اطفال قبل از میعاد که وزن آنان کمتر از ۱۵۰۰ گرم باشند بنا بر کمبود ذخایر آهن و افزایش سریع رشد نوزاد باید به تناسب $1/2$ کلسیم و فاسفورس دریافت کنند. اطفال قبل از میعاد که از شیر مادر استفاده میکنند باید روزانه 160mg/kg کلسیم و 80mg/kg فاسفورس دریافت نماید و تا زمانیکه طفل وزن 2000 گرم را تکمیل کند، تداوی ادامه داده میشود.

ویتامین D:

اطفالیکه از شیر مادر استفاده میکنند باید روزانه مقدار 400iu ویتامین D دریافت کنند. ویتامین D رول عمده را در تداوی هایپوکلسیمی بازی نمیکند. دو شکل از ویتامین D که به مقدار 5000iu/day است به مریض داده میشود که قرار زیر است:

Dihydrocholesterol -

Calcitriol -

انذار:

اختلاجات که از باعث هایپوکلسیمی باشد انذار خوب دارد و اما اگر سبب هایپوکلسیمی را Asphyxia و غیره اختلالات زمان تولد تشکیل بدهد، انذارش رابطه مستقیم با وخامت آفت مربوطه دارد.

نتایج تحقیق Results:

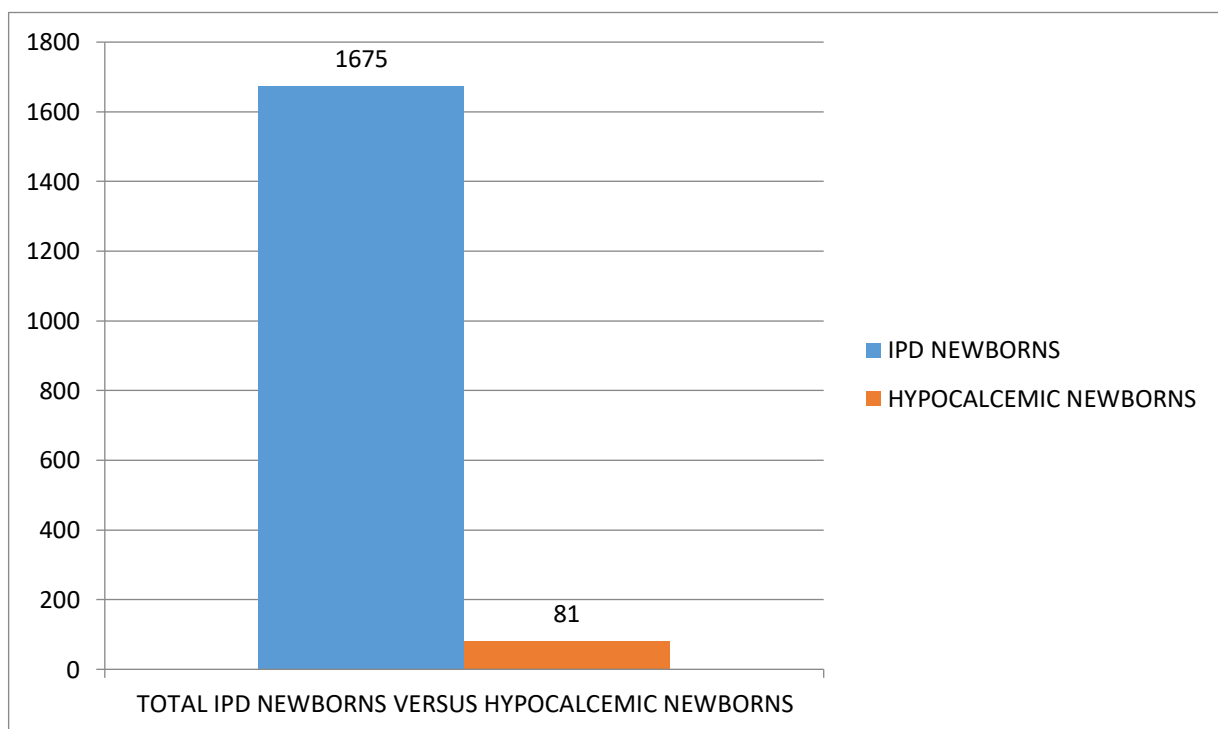
در مطالعه دیسکریپتیف بالای تعداد ۸۱ مریض که به شکل universal انتخاب شده است، تحقیق صورت گرفت. این تعداد مریضان از نظر سن حمل مادر، جنس، اسباب، امراض مترافقه، انذار، وزن، نوع ولادت، نوع هایپوکلسیمی و نوع تغذی تحت مطالعه قرار گرفته اند.

در ذیل نتایج تحقیق به شکل جداول، گراف ها و چارت ها نشان داده شده است.

جدول ۱: فیصدی و تعداد واقعات Neonatal hypocalcemia نظر به مجموع نوزادانیکه در طول سال ۱۴۰۰ ه.ش دربخش نوزادان بستر شده اند.

فیصدی	تعداد	مجموع مریضان بستر شده در طول سال ۱۴۰۰ ه.ش
۱۰۰%	۱۶۷۵	مجموع مریضان نوزاد بسترشده دربخش نوزادان
۴٫۸%	۸۱	تعدادنوزادان مصاب هایپوکلسیمی

گراف ۱: تعداد مریضانی مصاب به Neonatal hypocalcemia در مقایسه با مجموع نوزادان بستر شده در طول سال ۱۴۰۰ ه.ش

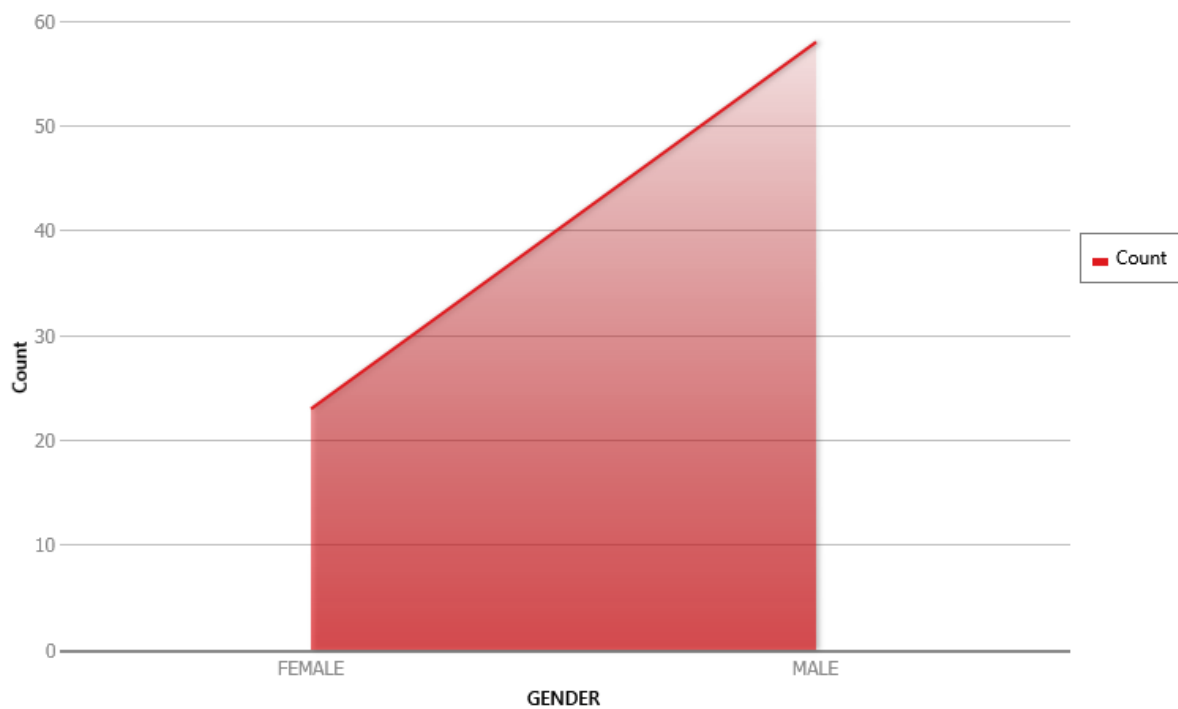


چنانچه در جدول فوق مشاهده میگردد در طول سال ۱۴۰۰ ه.ش مجموعاً به تعداد ۱۶۷۵ طفل نوزاد بستر وتحت تداوی قرار گرفته اند که از آن جمله ۸۱ طفل مصاب هایپوکلسیمی بوده که ۴٫۸% مجموع مریضان نوزاد را تشکیل میدهد.

جدول ۲: مریضان مصاب هایپوکلسیمی نوزادی را نظربه جنس نشان میدهد که در طول سال ۱۴۰۰ ه.ش مورد ارزیابی قرار گرفته اند:

GENDER	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
FEMALE	۲۳	۲۸,۴۰٪	۲۸,۴۰٪	۱۸,۹۳٪	۳۹,۵۰٪
MALE	۵۸	۷۱,۶۰٪	۱۰۰,۰۰٪	۶۰,۵۰٪	۸۱,۰۷٪
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰٪	۱۰۰,۰۰٪		

گراف ۲: مریضان مصاب هایپوکلسیمی نوزادی را نظربه جنس نشان میدهد که در طول سال ۱۴۰۰ ه.ش مورد ارزیابی قرار گرفته اند:



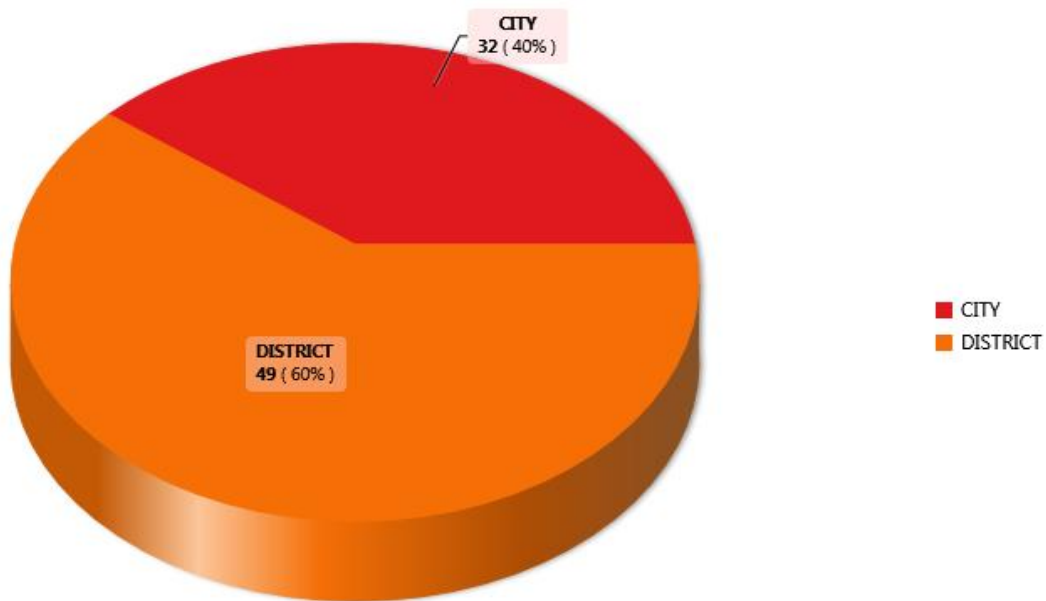
مطابق جدول بالا، واقعات هایپوکلسیمی نوزادی نزد جنس مذکر نسبت به جنس مونث بیشتر شیوع داشته است. که مریضان دختر ۲۸,۴٪ و مریضان پسر ۷۱,۶٪ واقعات را تشکیل میدهد.

جدول ۳: فیصدی و تعداد اطفال مصاب به هایپوکلسیمی نوزادی را نظر به سکونت شان نشان

میدهد:

RESIDENCE	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
CITY	۳۲	۳۹,۵۱٪	۳۹,۵۱٪	۲۸,۸۱٪	۵۰,۹۹٪
DISTRICT	۴۹	۶۰,۴۹٪	۱۰۰,۰۰٪	۴۹,۰۱٪	۷۱,۱۹٪
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰٪	۱۰۰,۰۰٪		

گراف ۳: تعداد اطفال مصاب به هایپوکلسیمی را نظر به سکونت شان نشان میدهد:

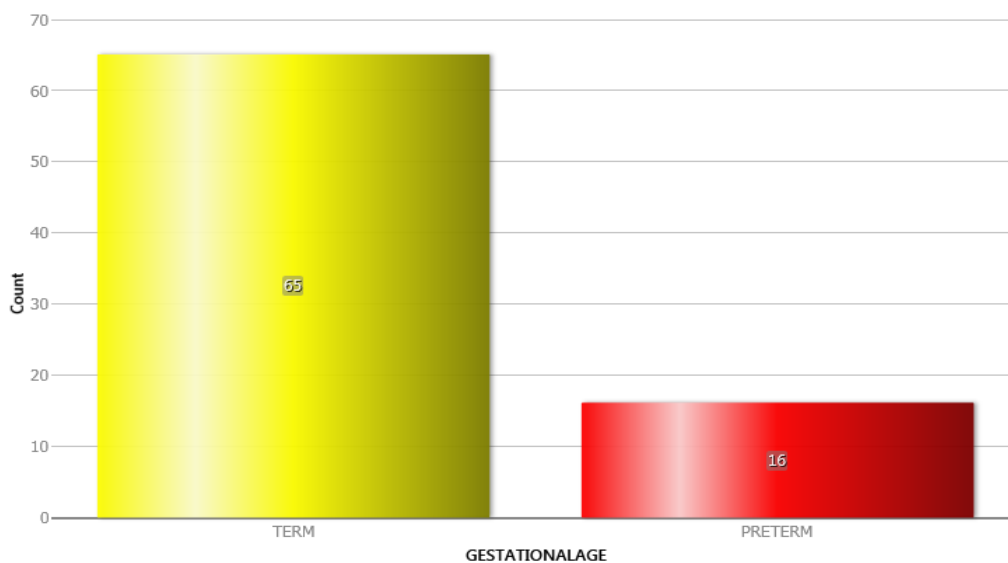


مطابق جدول فوق، اکثر مریضان که به لوحه هایپوکلسیمی نوزادی داخل بستر گرفته شده اند، از ولسوالی ها بوده اند. نزد شهر نشین ها ۳۹,۵۱٪ و ولسوالی ها ۶۰,۴۹٪ واقعات موجود بوده است.

جدول ۴: جدول ذیل تعداد و فیصدی واقعات Neonatal hypocalcemia را نظر به gestational age نشان میدهد.

GESTATIONAL AGE	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
PRETERM	۱۶	۱۹,۷۵%	۱۹,۷۵%	۱۱,۷۳%	۳۰,۰۹%
TERM	۶۵	۸۰,۲۵%	۱۰۰,۰۰%	۶۹,۹۱%	۸۸,۲۷%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

گراف ۴: گراف هذا واقعات Neonatal hypocalcemia را نظر به gestational age نشان میدهد.

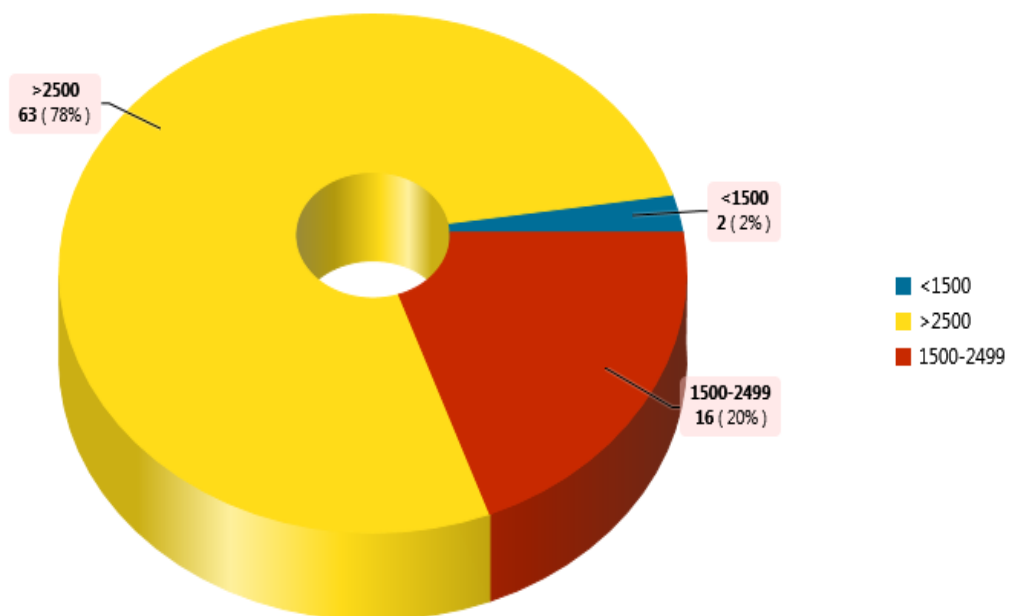


نظربه جدول فوق دیده میشود که واقعات هایپوکلسیمی نوزادی نزد اطفال که سن حملی شان را تکمیل کرده اند ، زیادتر اتفاق میفتد. ۸۰,۲۵% مریضان Term بودند.

جدول ۵: جدول وزن اطفال مصاب Neonatal hypocalcemia در زمان تولد که در سرویس اطفال بخش نوزادان وزن و ثبت گردیده است.

WEIGHT	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
>۲۵۰۰	۶۳	۷۷,۷۸%	۷۷,۷۸%	۶۷,۱۷%	۸۶,۲۷%
۱۵۰۰- ۲۴۹۹	۱۶	۱۹,۷۵%	۹۷,۵۳%	۱۱,۷۳%	۳۰,۰۹%
<۱۵۰۰	۲	۲,۴۷%	۱۰۰,۰۰%	۰,۳۰%	۸,۶۴%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

گراف ۵: گراف وزن اطفال مصاب به هایپوکلسیمی نوزادی در زمان تولد که در سرویس اطفال بخش نوزادان وزن و ثبت گردیده است.



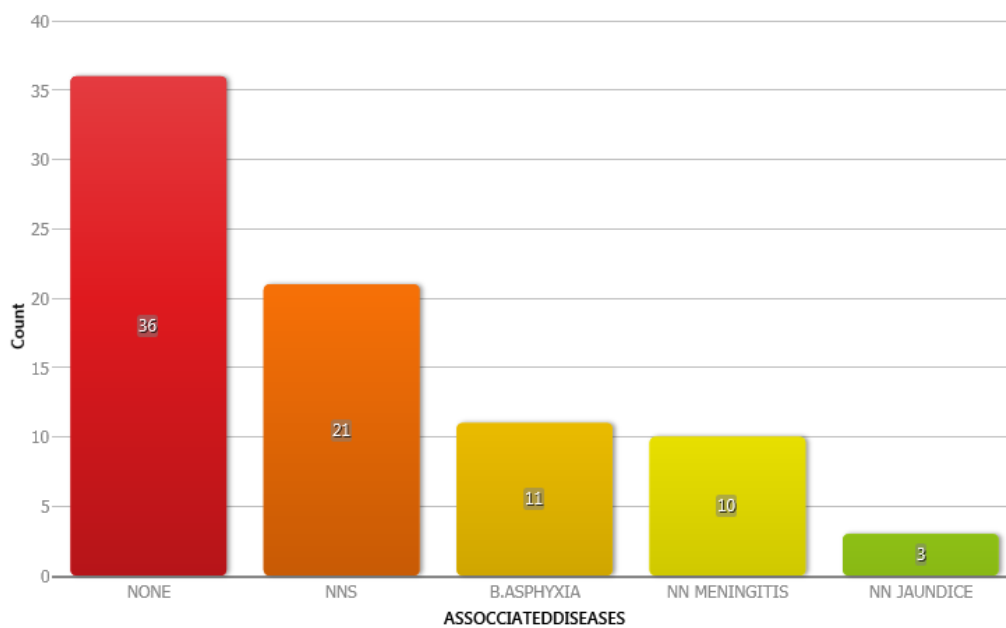
مطابق جدول بالا، اکثر اطفال مصاب به هایپوکلسیمی نوزادی دارای وزن بیشتر از ۲۵۰۰ گرم بودند که (۷۷,۷۸%) را تشکیل میدهد.

جدول ۶: جدول ذیل امراض مترافقه را در نزد اطفال مصاب به هایپوکلسیمی نوزادی را نشان

میدهد.

ASSOCIATED DISEASES	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
NONE	۳۶	۴۴,۴۴%	۴۴,۴۴%	۳۳,۴۰%	۵۵,۹۱%
NNS	۲۱	۲۵,۹۳%	۷۰,۳۷%	۱۶,۸۲%	۳۶,۸۶%
B. ASPHYXIA	۱۱	۱۳,۵۸%	۸۳,۹۵%	۶,۹۸%	۲۳,۰۰%
NN MENINGITIS	۱۰	۱۲,۳۵%	۹۶,۳۰%	۶,۰۸%	۲۱,۵۳%
NN JAUNDICE	۳	۳,۷۰%	۱۰۰,۰۰%	۰,۷۷%	۱۰,۴۴%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

گراف ۶: گراف ذیل امراض مترافقه را در نزد اطفال مصاب به هایپوکلسیمی را نشان میدهد.



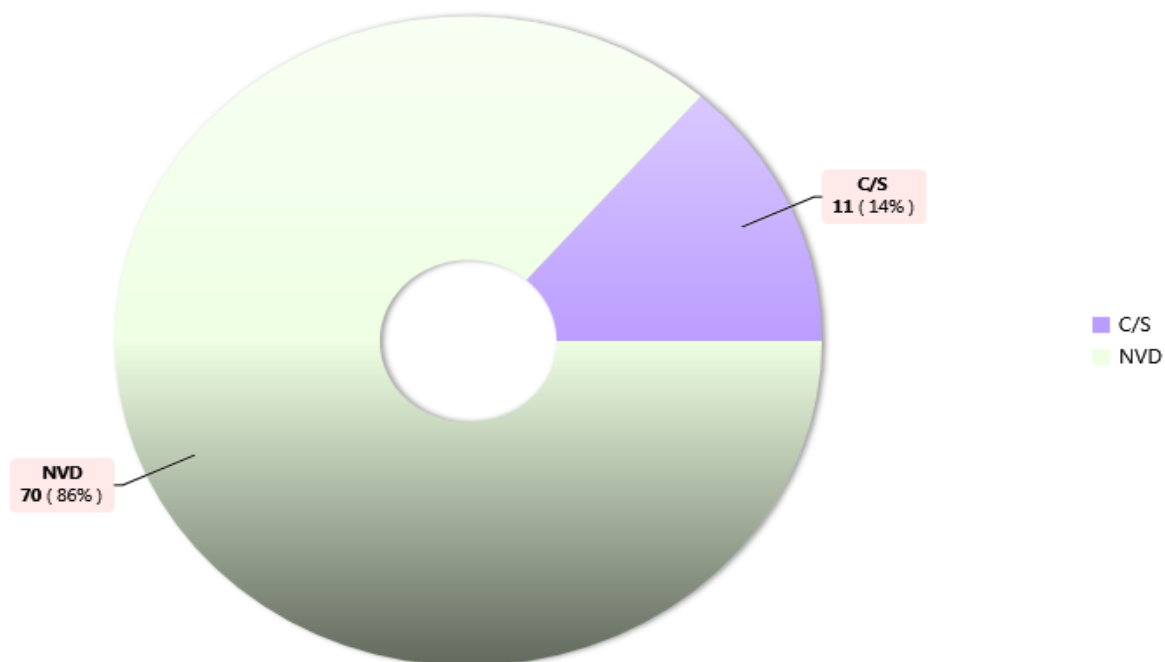
قرار جدول فوق، اکثر نوزادان کدام مرض مترافقه نداشتند که ۴۴,۴۴% فیصد را تشکیل میدهد. ۲۵,۹۳% مریضان مصاب Sepsis، ۱۳,۵۸% مریضان مصاب اسفکسی زمان ولادت، ۱۲,۳۵% مریضان neonatal meningitis و ۳,۷% مریضان مصاب یرقان نوزادی بودند.

جدول ۷: جدول ذیل نوع ولادت را در نزد اطفال مصاب به هایپوکلسیمی نشان میدهد.

Delivery mode	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
NVD	۷۰	۸۶,۴۲%	۸۶,۴۲%	۷۷,۰۰%	۹۳,۰۲%
C/S	۱۱	۱۳,۵۸%	۱۰۰,۰۰%	۶,۹۸%	۲۳,۰۰%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

نظر به جدول فوق از مجموعه ۸۱ طفل مصاب به هایپوکلسیمی ۷۰ طفل که ۸۶,۴۲% را تشکیل میدهد ذریعه ولادت نارمل مهبللی به دنیا آمده است و متباقی ۱۳,۵۸% سیزارین سکشن را تجربه کرده اند.

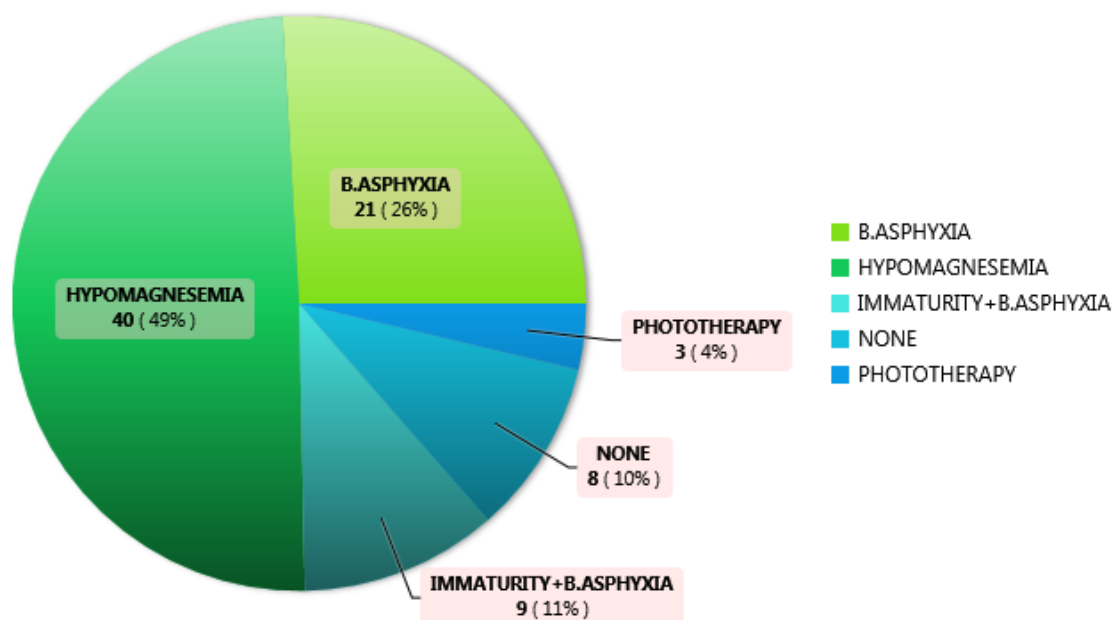
گراف ۷: گراف ذیل نوع ولادت را در نزد اطفال مصاب به هایپوکلسیمی نوزادی نشان میدهد.



جدول ۸: تعداد و فیصدی واقعات هایپوکلسیمی نوزادی را نظر به اسباب اش نشان میدهد.

CAUSES	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
B. ASPHYXIA	۲۱	۲۵,۹۳%	۲۵,۹۳%	۱۶,۸۲%	۳۶,۸۶%
HYPOMAGNESEMIA	۴۰	۴۹,۳۸%	۷۵,۳۱%	۳۸,۰۸%	۶۰,۷۳%
IMMATURITY+B.ASPHYXIA	۹	۱۱,۱۱%	۸۶,۴۲%	۵,۲۱%	۲۰,۰۵%
NONE	۸	۹,۸۸%	۹۶,۳۰%	۴,۳۶%	۱۸,۵۴%
PHOTOTHERAPY	۳	۳,۷۰%	۱۰۰,۰۰%	۰,۷۷%	۱۰,۴۴%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

گراف ۸: گراف هذا واقعات هایپوکلسیمی نوزادی را نظر به اسباب اش نشان میدهد.

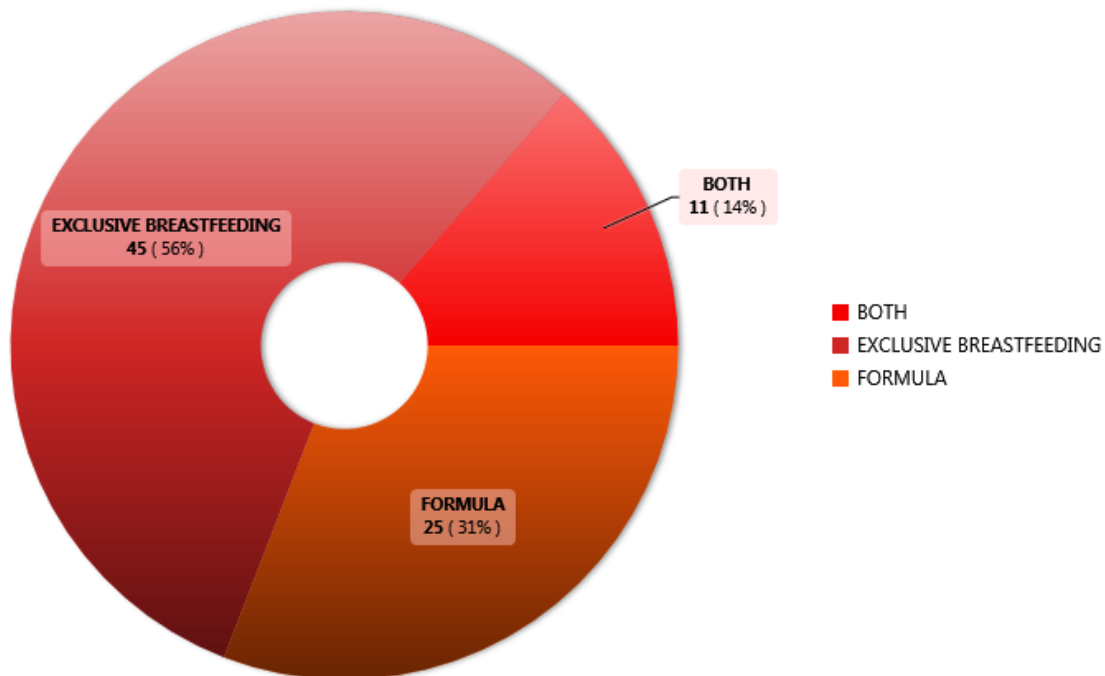


نظر به جدول فوق بیشترین سبب هایپوکلسیمی نوزادی را هایپومگنیزیمیا که ۴۹% واقعات را در بر میگیرد ، تشکیل میدهد. به تعقیب آن اسفکسی زمان تولد ۲۶% ، قبل از میعاد بودن ۱۱% ، ۴% فوتوتراپی و در اخیر ۱۰% علت هایپوکلسیمی نا معلوم است.

جدول ۹ : تعداد و فیصدی واقعات هایپوکلسیمی نوزادی را نظر به نوع غذایی شان نشان میدهد.

FEEDING	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
BOTH	۱۱	۱۳,۵۸%	۱۳,۵۸%	۶,۹۸%	۲۳,۰۰%
EXCLUSIVE BREASTFEEDING	۴۵	۵۵,۵۶%	۶۹,۱۴%	۴۴,۰۹%	۶۶,۶۰%
FORMULA	۲۵	۳۰,۸۶%	۱۰۰,۰۰%	۲۱,۰۷%	۴۲,۱۱%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

گراف ۹ : واقعات هایپوکلسیمی نوزادی را نظر به نوع غذایی شان نشان میدهد.

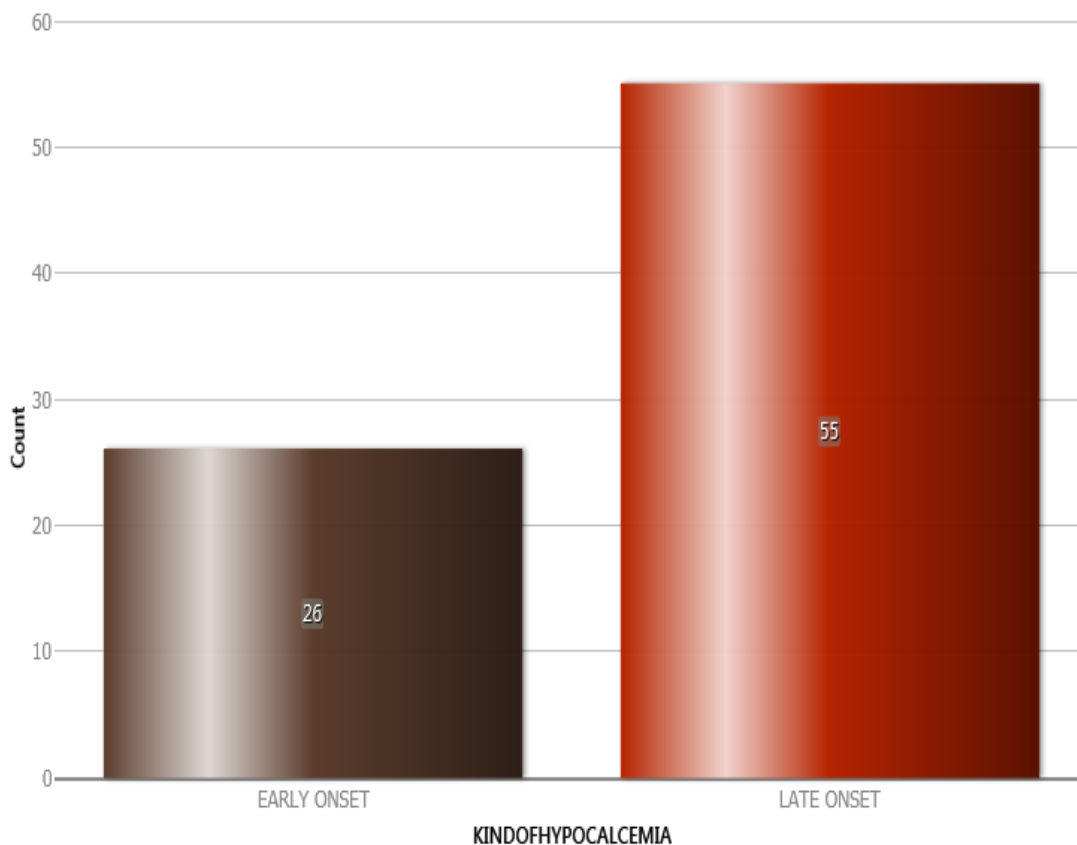


نظر به جدول فوق از مجموع نوزادان تحت مطالعه ۵۶% آنها صرف با شیر مادر ، ۳۱% با شیر فورمولا و متباقی ۱۴% آنها هم با شیر مادر و شیر فورمولا تغذیه میگردیدند.

جدول ۱۰ : تعداد و فیصدی واقعات هایپوکلسیمی نوزادان نظر به نوع هایپوکلسیمی .

KIND OF HYPOCALCEMIA	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
EARLY ONSET	۲۶	۳۲,۱۰%	۳۲,۱۰%	۲۲,۱۵%	۴۳,۴۰%
LATE ONSET	۵۵	۶۷,۹۰%	۱۰۰,۰۰%	۵۶,۶۰%	۷۷,۸۵%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

گراف ۱۰ : واقعات هایپوکلسیمی نوزادان نظر به نوع هایپوکلسیمی .

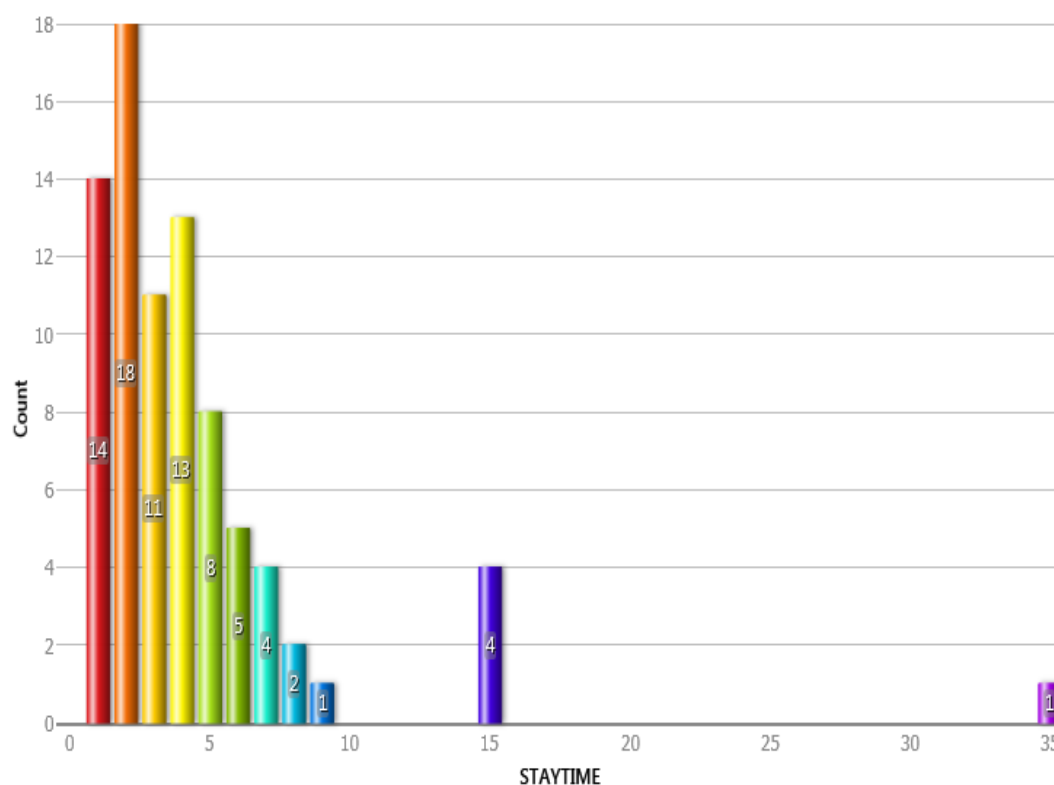


نظر به جدول فوق ۶۷,۹% واقعات را Late onset neonatal hypocalcemia و ۳۲,۱% را Early onset neonatal hypocalcemia تشکیل میدهد.

جدول ۱۱ : تعداد و فیصدی واقعات هایپوکلسیمی نوزادی را نظر به مدت اقامت شان نشان میدهد.

STAY TIME	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
۱	۱۴	۱۷,۲۸%	۱۷,۲۸%	۹,۷۸%	۲۷,۳۰%
۲	۱۸	۲۲,۲۲%	۳۹,۵۱%	۱۳,۷۳%	۳۲,۸۳%
۳	۱۱	۱۳,۵۸%	۵۳,۰۹%	۶,۹۸%	۲۳,۰۰%
۴	۱۳	۱۶,۰۵%	۶۹,۱۴%	۸,۸۳%	۲۵,۸۸%
۵	۸	۹,۸۸%	۷۹,۰۱%	۴,۳۶%	۱۸,۵۴%
۶	۵	۶,۱۷%	۸۵,۱۹%	۲,۰۳%	۱۳,۸۲%
۷	۴	۴,۹۴%	۹۰,۱۲%	۱,۳۶%	۱۲,۱۶%
۸	۲	۲,۴۷%	۹۲,۵۹%	۰,۳۰%	۸,۶۴%
۹	۱	۱,۲۳%	۹۳,۸۳%	۰,۰۳%	۶,۶۹%
۱۵	۴	۴,۹۴%	۹۸,۷۷%	۱,۳۶%	۱۲,۱۶%
۳۵	۱	۱,۲۳%	۱۰۰,۰۰%	۰,۰۳%	۶,۶۹%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

گراف ۱۱ : واقعات هایپوکلسیمی نوزادی را نظر به مدت اقامت شان نشان میدهد.

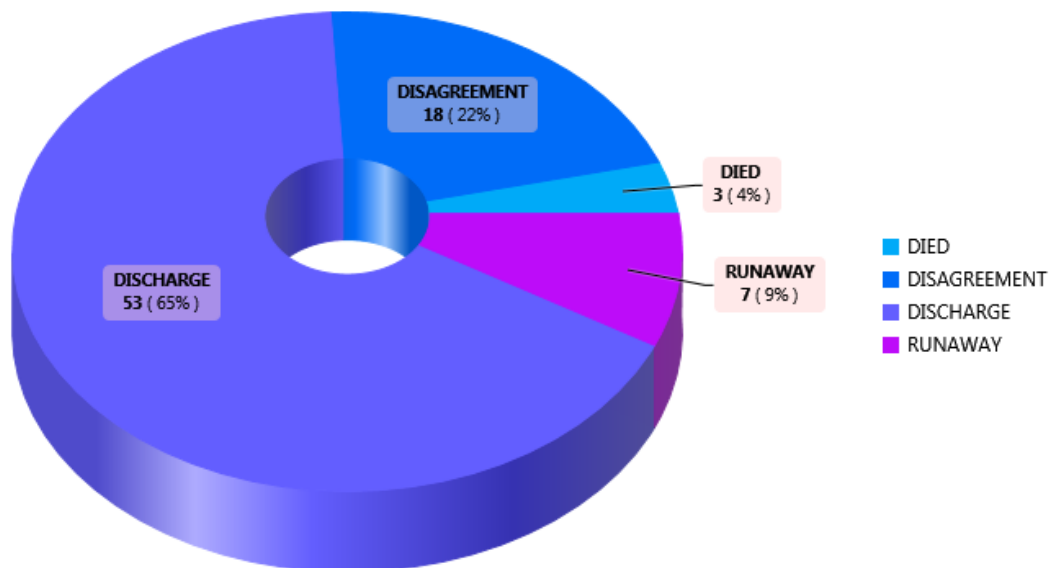


مطابق جدول فوق اکثر مریضان ۵ روز در شفاخانه مدت اقامت داشتند که ۷۹% را تشکیل میدهد. به طور اوسط مدت اقامت مریضان ۴ روز است.

جدول ۱۲: تعداد و فیصدی واقعات هایپوکلسیمی را نظر به انداز شان نشان میدهد.

PROGNOSIS	Frequency	Percent	Cum. Percent	Exact ۹۵% LCL	Exact ۹۵% UCL
DIED	۳	۳,۷۰%	۳,۷۰%	۰,۷۷%	۱۰,۴۴%
DISAGREEMENT	۱۸	۲۲,۲۲%	۲۵,۹۳%	۱۳,۷۳%	۳۲,۸۳%
DISCHARGE	۵۳	۶۵,۴۳%	۹۱,۳۶%	۵۴,۰۴%	۷۵,۶۶%
RUNAWAY	۷	۸,۶۴%	۱۰۰,۰۰%	۳,۵۵%	۱۷,۰۰%
TOTAL	۸۱	۱۰۰,۰۰%	۱۰۰,۰۰%		

گراف ۱۲: واقعات هایپوکلسیمی را نظر به انداز شان نشان میدهد



مطابق جدول فوق ۶۵% مریضان شفایاب شده اند، ۲۲% مریضان عدم موافقه به ادامه تداوی نشان دادند، ۹% مریضان از شفاخانه فرار نموده اند و متاسفانه ۴% مریضان فوت نموده اند.

مناقشه:

در طول سال ۱۴۰۰ هـ. ش به تعداد ۳۳۷۷۸ طفل به سرویس عاجل داخله اطفال مراجعه نمودند که از این جمله ۲۱۷۲۷ طفل که ۶۴٫۳٪ مریضان را تشکیل میدهد بصورت سرپا تداوی شده اند و متباقی ۱۲۰۵۱ طفل که ۳۵٫۷٪ مریضان را تشکیل میدهد تحت تداوی داخل بستر قرار گرفته است. از جمله مریضان بستر شده ۱۶۷۵ مریض که ۱۳٫۹٪ را تشکیل میدهند نوزاد اند، که از این جمله ۸۱ مریض که ۴٫۸٪ را تشکیل میدهد مصاب به هایپوکلسیمی نوزادی میباشد.

در این تحقیق اکثر مریضان را جنس مذکر تشکیل میدهد که ۷۱٫۶٪ را در بر میگیرد. و متباقی ۲۸٫۴٪ مریضان را جنس مونث تشکیل میدهد.

اکثر این مریضان از ولسوالی ها به شفاخانه مراجعه نموده اند که ۶۰٫۴۹٪ را تشکیل میدهد و متباقی ۳۹٫۵۱٪ مریضان از داخل شهر به شفاخانه حوزوی آموزشی ابو علی سینا بلخی آورده شده بودند.

۸۶٫۴۲٪ نوزادان ولادت نارمل مهلبی را تجربه نموده اند و متباقی ۱۳٫۵۸٪ مریضان از طریق C/S به دنیا آمده اند. از نظر سن حملی ۸۰٫۲۵٪ مریضان Term و متباقی ۱۹٫۷۵٪ مریضان Preterm هستند.

در اکثریت واقعات وزن اطفال زیادتر از ۲۵۰۰ گرام بوده است که ۷۷٫۷۸٪ را تشکیل میدهد. ۱۹٫۷۵٪ مریضان دارای وزن بین ۱۵۰۰-۲۴۹۹ گرام بودند و متباقی ۲٫۴۷٪ مریضان دارای وزن کمتر از ۱۵۰۰ گرام هستند.

اکثر نوزادان مصاب Sepsis بودند، که ۲۵٫۹۳٪ را تشکیل میداد. ۱۳٫۵۸٪ واقعات توام با اسفکسی، ۱۲٫۳۵٪ مننجیت و ۳٫۷٪ به زردی مبتلا بودند. نزد ۴۴٫۴۴٪ مریضان هیچ مرض مترافقه موجود نبود.

در اکثر واقعات Hypomagnesemia علت اصلی هایپوکلسیمی را تشکیل میداد که ۴۹٫۳۸٪ را در بر میگیرد. ۲۵٫۹۳٪ هایپوکلسیمی از باعث اسفکسی زمان ولادت، ۱۱٫۱۱٪ از باعث Immaturity، ۳٫۷٪ از باعث فوتوتراپی بوجود آمده بود. در ۹٫۸۸٪ واقعات علت نامعلوم است.

اکثر مریضان بصورت مختص از شیر مادر استفاده میکردند که ۵۵٫۵۶٪ را تشکیل میدهد. ۳۰٫۸۶٪ مریضان از شیر Formula و متباقی ۱۳٫۵۸٪ مریضان از هر دو شیر استفاده میکنند.

نزد اکثر از مریضان هایپوکلسیمی از نوع Late onset بوده است که ۶۷٫۹٪ را در بر میگیرد و متباقی ۳۲٫۱٪ شکل Early onset میباشد.

اکثر مریضان ۱ الی ۵ روز مدت اقامت داشتند که ۷۹٪ را تشکیل میدهد. حد اوسط مدت اقامت ۴ یوم میباشد.

۶۵٫۴۳٪ شفایاب شدند. ۳٫۷٪ فوت نمودند، ۲۲٫۲۲٪ عدم موافقه به ادامه تداوی داشتند و ۸٫۶۴٪ بدون مطلع ساختن داکتر معالج شفاخانه را ترک کردند.

نتیجه گیری Conclusion:

اطفال مصاب به هایپوکلسیمی نوزادی حدوداً ۴٫۸٪ تمام مراجعه اطفال را در وارد اطفال در طول سال ۱۴۰۰ ه.ش تشکیل میدهد. فیصدی وقوعات هایپوکلسیمی نزد پسر ها نسبت به دختر ها بلند است. زیادتر اطفال که وزن ایشان بیشتر از ۲۵۰۰ گرم است به هایپوکلسیمی مبتلا میشوند. اکثر اطفال که در خارج از شهر سکونت دارند، به هایپوکلسیمی دچار شده اند. اکثر اطفال Term به هایپوکلسیمی دچار میشوند. اکثر اطفال که ذریعه ولادت نارمل مهبلی به دنیا آمده اند به هایپوکلسیمی دچار میشوند. علت اصلی هایپوکلسیمی را Hypomagnesemia تشکیل میدهد. اکثر واقعات هایپوکلسیمی از شکل Late onset میباشد. حد اوسط مدت اقامت همانا ۴ روز میباشد. اکثر مریضان شفایاب میشوند.

پیشنهادات:

- پیشنهاد میگردد تا این تحقیق بار دیگر تکرار گردد و جوانب مختلف مرض بررسی گردد.
- پیشنهاد مینمائیم تا در صورت امکان از طریق رسانه های اطلاعات جمعی در مورد بلند بردن سطح آگاهی مردم کار صورت گیرد.
- پیشنهاد مینمائیم در صورت امکان بودیجه مختص به موارد تحقیقی کمک گردد و دوکتوران که تحقیق مینمایند فرصت بیشتر و امکانات بیشتر داده شود تا باشد که بهترین و واقعی ترین نتایج را در خدمت مردم قرار دهند.
- از طریق رسانه ها، اخبار، مجلات به سمع مردم رسانیده شود تا مراقبت های Antenatal در جریان حاملگی را مد نظر داشته و حد اقل ماهانه یک مرتبه جهت چک و معاینه به کلینیک های صحی مراجعه نمایند.
- از آنجایی که این واقعه بعضاً قابل پیشگیری بوده برای مادران توسط افراد مسلکی در کلینیک های صحی محل و شفاخانه ها در مورد اعراض و علایم ولادت های قبل از وقت فهمانده شود تا در صورت چنین اعراض و علایم خود را به مراکز صحی برساند.

فهرست مأخذ:

١. Yogangi Malhotra . Pediatric hypocalcemia[Internet]. Newyork: Medscape; ٢٠١٦. Available from:<https://emedicine.medscape.com/article/٩٢١٨٤٤-overview>.
٢. Asmaa Y. Elsary, Alkasssem A. Elgameel, Shaimaa A. Taha, Wael S. Mohammad, Osman M. zaki. Neonatal Hypocalcemia and its relation to vitamin D and Calcium Supplementation. Saudi Med J. ٢٠١٨;٣٩:٢٤٧-٢٥٣. [Accessed ٢٣rd Semptember ٢٠١٨]. Available from:URL;<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/m/pubmed/٢٩٥٤٣٣٠٢>.
٣. Thomas TC, Smith JM, White PC, Adhikari S. Transient Neonatal Hypocalcemia. AAP. ٢٠١٢;١٢٩:٦. [Accessed ٢٤th Semptember ٢٠١٨]. Available from:URL;<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/m/pubmed/٢٢٦١٤٧٧١>.
٤. Fathi Hassan Toaima, and Khalid Al Ansari. Symptomatic Neonatal Hypoclcemia. Journal of Tropical Pediatric. ٢٠١٠;٥٦:٢. [Accessed ٢٤th Semptember ٢٠١٨] Available from:URL;<https://watermark.silverchair.com/fmP٠٦٣>.
٥. Mehraban Singh. Care of newborn, revised ٨th edition; ٢٠١٦. P. ٤٧٥-٧٨.
٦. Ramesh Agarwal, Vinod K Paul, Ashok K Deorari. Ghai Essential pediatrics; ٨th edition, ٢٠١٩. P. ١٨٠.

اختصارات (Abbreviations)

- Hr (Hour)
- ET (Exchange Transfusion)
- GFR (Glumerolar filtration rate)
- RDS (respiratory distress syndrome)
- DVET (Double Volume Exchange Transfusion)
- ECG (Electrocardiography)
- IPD (In patient department)
- NNS (Neonatal sepsis)
- B. Asphyxia (Birth Asphyxia)
- NN (Neonatal)
- NVD (Normal Vaginal Delivery)
- C/S (Cesarian Section)

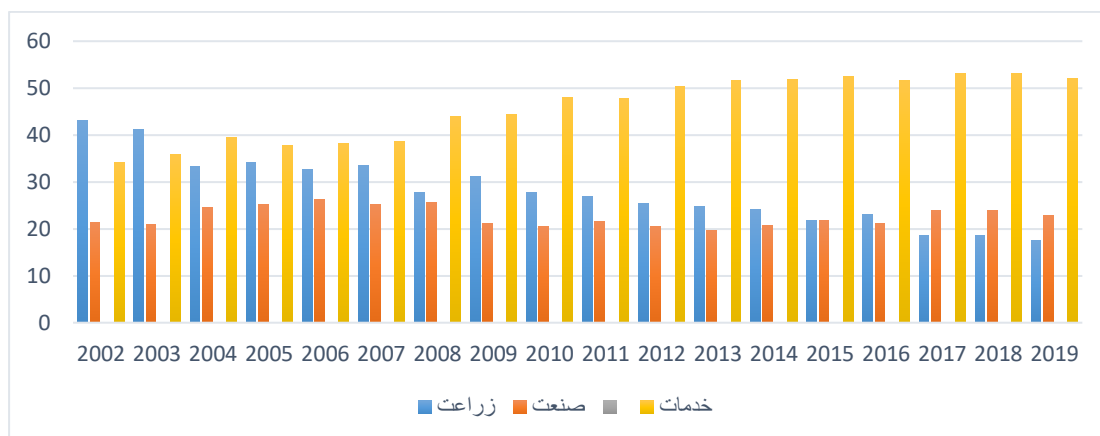
اقتصاد افغانستان در دو دهه گذشته

نویسنده: محمد اکبر فرهمند

۱. سکتورهای اقتصادی افغانستان پس از سال ۲۰۰۲

قبل از سال ۲۰۰۱ در نتیجه درگیری ها ، علاوه بر تخریب زیرساخت های اقتصادی به ارزش ۲۴۰ میلیارد دلاری ، دو میلیون نفر جانهای خود را از دست دادند ، یک میلیون نفر معلول شدند و تقریباً پنج میلیون نفر به عنوان پناهنده به کشورهای خارجی مهاجرت کردند. ازسوی دیگر این جنگ ها باعث تخریب منابع صادراتی گازافغانستان شده ، افغانستان از سال ۱۹۸۰ به بعد سالانه در حدود ۳۰۰ میلیون دالر ازبابت صادرات گاز بدست میاورد این عواید تاثیرات مثبت بالای وضعیت اقتصادی کشورداشت. این درگیری های اقتصاد کشور را به ویرانه مبدل نمود. سال ۲۰۰۱ پس از جنگ ، این کشور با بحران های اقتصادی و نیروی بشری روبرو شد. هیچ نوع منابع مالی برای کمک به کشور برای بازسازی این وضعیت موجود نبود. پس از ۲۰۰۱ ، به منظور احیای اقتصاد ، بازسازی و گسترش زیرساختها ، افزایش قدرت نظامی ، تقویت دموکراسی ، تقویت آموزش و پرورش و بهداشت در افغانستان روند بازسازی آغاز شد ، این روند توسط کمک های خارجی به ویژه ایالات متحده آمریکا تامین میشد (Farahmand and Esen, ۲۰۲۰). پس از سال ۲۰۰۱ یک صفحه تازه در عرصه سیاست و اقتصاد افغانستان ورق زده شد. این کمک ها بدون شک در توسعه و رشد بخش های کشاورزی ، صنعت و خدمات کشور نقش اساسی داشته است. در جدول ذیل فیصدی سهم سکتورها در تولیدات ناخالص داخلی نشان داده شده است.

شکل ۱. فیصدی سهم سکتورها در تولیدات ناخالص داخلی



منبع: مرکز آمار افغانستان، بانک جهانی

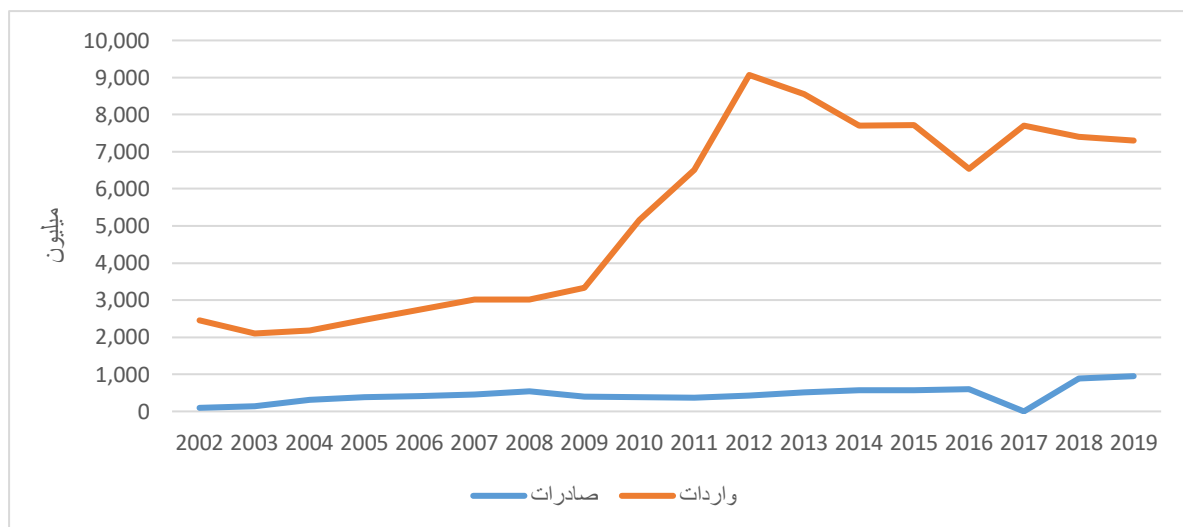
از زمان مداخله ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ ، افغانستان کانون کمک های مالی بشردوستانه ، توسعه و امنیتی بین المللی بوده است. این کمک ها بدون شک به توسعه بخش های کشاورزی ، صنعت و خدمات کشور کمک کرده است. خدمات ؛ علاوه بر بخش ارتباطات ، حمل و نقل ، بانکداری ، بهداشت و آموزش را نیز شامل می شود. با نگاهی به شکل بالا سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کشور از سال ۲۰۰۲ به بعد کاهش یافته است ، در حالی که سهم بخش خدمات به تدریج افزایش یافته است.

از سوی دیگر، بخش صنعتی به صورت نوسانی توسعه یافته است. در سال ۲۰۱۹، سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ۱۸.۸ درصد و سهم بخش خدمات ۵۲،۳ درصد بوده است. خلاصه اینکه از سال ۲۰۰۲ بدینسو سهم سکتور خدمات و صنعت در تولیدات ناخالص داخلی کشور بطور چشمگیر افزایش یافته است.

۲. رشد تجارت خارجی

تجارت خارجی افغانستان به دلیل درگیری ها بین سالهای ۱۹۸۰ و ۲۰۰۱ کاهش یافته است. دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ برای افزایش حجم تجارت خارجی توافق نامه های تجاری با کشورهای خارجی امضا نموده وعضوبعضی از سازمان های تجاری جهان شد. سیستم اقتصادی افغانستان قبل از سال ۲۰۰۱ یک سیستم اقتصادی متمرکز بود. پس از سال ۲۰۰۱، هنگامی که دولت جدید روی کارآمد، سیستم اقتصادی کشور به عنوان یک سیستم بازار آزاد تعیین نمود. سیاست تجارت افغانستان برای تنظیم تجارت داخلی و خارجی برای حمایت از منافع ملی، تسریع در رشد اقتصادی و متنوع سازی صادرات طراحی شده است. بعد از سال ۲۰۰۱، به طور کلی افغانستان به یک کشور مصرف کننده تبدیل شده و ۹۰ درصد کالاهای مورد نیاز خویش را وارد می نماید (T.C. Kabil Büyükelçiliği Ticaret Müşavirliği, ۲۰۱۷).

شکل ۲. تجارت خارجی افغانستان بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۱۹



Source: World Bank Database

درگیری های شدید زیرساخت های اقتصادی افغانستان را نابود کرده بود. هنگامی که دولت جدید پس از سال ۲۰۰۱ قدرت را برای احیای اقتصاد متلاشی به دست گرفت، برای افزایش رشد اقتصادی تمرکزروی افزایش تجارت کشورداشت. همانطور که در شکل ۲ مشاهده می شود، پس از دوره جنگ، آمار تجارت خارجی این کشور از سال ۲۰۰۲ روند صعودی داشته است. اما واردات کشورنسبت به صادرات بیشتر بوده است. از سال ۲۰۰۱ به بعد، کشور با کسری تجاری روبرو بوده. صادرات در سال ۲۰۰۲، ۱۰۰ میلیون دلار بود، در حالی که واردات ۲،۴۵ میلیارد دلار بود. با رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۹، واردات نیز تا سال ۲۰۱۲ به طور مداوم افزایش یافته است. فلهاذا در سالهای بعد با کاهش کمک های مالی

خارجی، واردات کشور کاهش یافت. برای بهبود اقتصاد برای اولین بار پس از سال ۲۰۰۱، یک برنامه ۵ ساله صنعتی سازی ۲۰۱۱-۲۰۱۵ توسط وزارت صنعت و تجارت کشور برای افزایش صادرات، کاهش واردات، افزایش رقابت بین المللی و کاهش فقر تهیه شد (Ministry of Commerce and Industry, ۲۰۱۶). به دنبال این طرح، روند صعودی در ارقام صادراتی دیده میشود. پس از روی کار آمدن دولت رئیس جمهور اشرف غنی در سال ۲۰۱۴، برنامه توسعه و رشد پنج ساله دوم بین سالهای ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ طراحی شد، که اهداف اساسی این طرح را افزایش رشد اقتصادی، رهایی از وابستگی خارجی، افزایش تجارت و کاهش کسری خارجی، افزایش درآمد دولت، افزایش سرانه درآمد ملی، جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی، حمایت از بخش های خصوصی، کاهش فقر و بیکاری تشکیل میداد (Ministry of Economy, ۲۰۱۸). اما این طرح بنابر به مشکلات مالی و سیاسی بطور کلی تطبیق نگردید. اقتصاد افغانستان هنوز هم با چالش های اساسی روبرو است. این چالش ها از قبیل؛ مشکلات امنیتی، فساد اداری جامع، زیرساخت های ضعیف، عدم دسترسی به خدمات مالی، سرمایه مالی و انسانی محدود و ناکافی است.

۳. کمک های خارجی و تاثیرات آن به متغیر های اقتصادی

شاخص های رشد اقتصادی افغانستان بعد از ۲۰۰۱ افزایش قابل ملاحظه ی نشان داده است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۲ حدود ۵ میلیارد دلار بود، در حالی که در سال ۲۰۱۸ بیش از ۲۰ میلیارد دلار رسیده و در سال ۲۰۱۹ به شمول درآمد ناشی از تولید تریاک به ۲۰،۱۰ میلیارد دلار رسیده است. بنابراین تولید ناخالص داخلی کشور بعد از به روی کار آمدن حکومت جدید بعد از سال ۲۰۰۱ روند صعودی نشان داده است. رشد اقتصادی این کشور بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۱۳ به طور متوسط ۹٪ رشد به ثبت رسانده است. اما با کاهش تدریجی نیروهای امنیتی بین المللی در سال ۲۰۱۴، کمک های مالی خارجی نیز کاهش یافت. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۹، کمک های خارجی از ۱۲،۵ میلیارد دلار به حدود ۸،۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ کاهش یافت. کاهش تدریجی نیروهای امنیتی بین المللی در سال ۲۰۱۴، کمک های مالی خارجی را نیز کاهش داد. کاهش کمکهای خارجی، کاهش سرمایه گذاری با افزایش بی ثباتی در داخل کشور، افزایش خشکسالی و بازگشت پناهندگان تأثیرات منفی بر شاخص های کلان اقتصادی کشور پس از سال ۲۰۱۲ داشته است. بنابراین رشد اقتصادی کشور در سال ۲۰۱۴ به ۲،۷۲٪، در سال ۲۰۱۷ ۲،۶۶٪ و در سال ۲۰۱۸ به ۲،۴٪ کاهش یافت. امادر سال ۲۰۱۹ حدود ۲،۹ درصد اقتصاد کشور رشد داشته است (World Bank, ۲۰۱۸). در جدول ۳ درآمد سرانه از ۱۸۴ دلار در سال ۲۰۰۲ به ۶۲۵ دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. اما در سالهای بعدی رشد درآمد سرانه کاهش را نشان داده است.

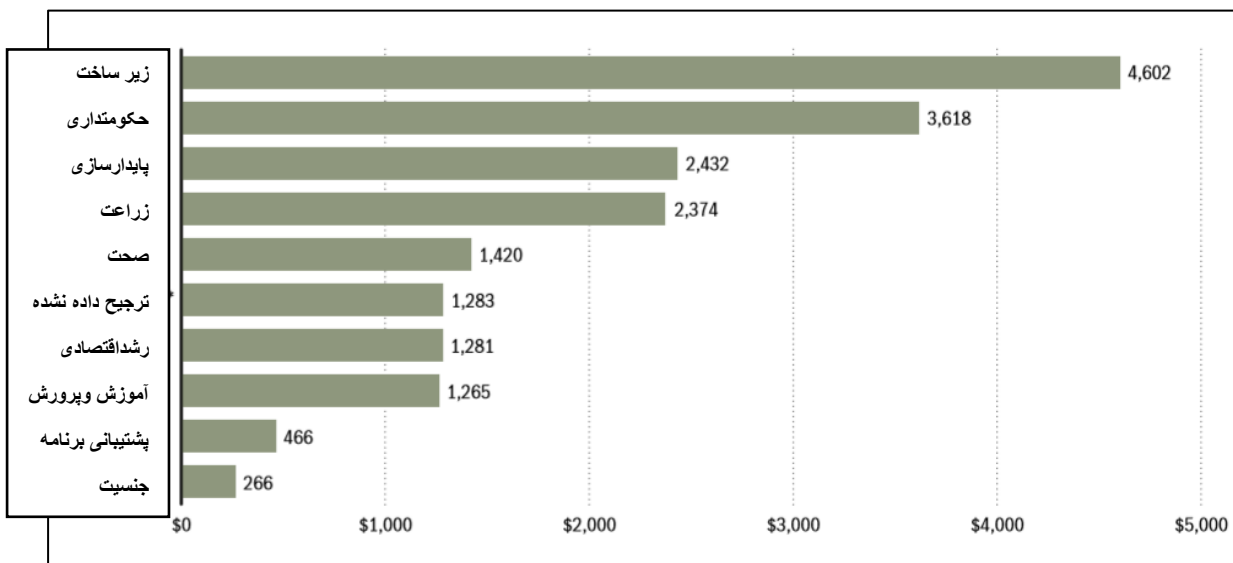
جدول ۳. شاخص های رشد افغانستان

افغانستان	۲۰۰۲	۲۰۱۴	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۰ با قیمت ثابت) (میلیارد دلار)	۴'۳	۲۰'۶	۲۰'۸	۲۰'۹	۲۰'۱۰
رشد اقتصادی (%)	۲۸'۶	۲'۷	۲'۶	۲'۴	۲'۹
درآمد سرانه (\$)	۱۸۴	۶۲۵	۵۵۰	۵۴۸	۵۵۰

Source: World Bank Database

در سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع ویروس کرونا و چالش های سیاسی و امنیتی و کاهش کمک های خارجی رشد اقتصادی کشور منفی ۵٫۵ درصد بوده است. افغانستان سابقه طولانی در جذب کمک های جامعه جهانی داشته است. در مراحل مختلف تاریخی، انگیزه ها، مقدار و شیوه کمک به افغانستان متفاوت بوده است. بدون هیچ تردیدی پس از شکل گیری حکومت مرکزی در افغانستان، و به خصوص در نیم قرن اخیر، هیچ دولتی در افغانستان قادر نبوده است که توازن میان درآمد و مصارف خود ایجاد کند. خصوصاً بعد از سال ۲۰۰۲ افغانستان به مرکز جذب کمک های جهانی مبدل شده بود. مسلماً این کمک ها باعث رشد و انکشاف سکتور های تولیدی، خدماتی و آموزشی گردید. نظر به آخرین گزارش سیگار در حدود ۸۵۰ میلیارد دلار توسط آمریکا در قسمت سیاسی و اقتصادی کشور هزینه شده است. از آن جمله مبلغ ۱۷۰ میلیارد دلار آن در قسمت ساخت و ساز کشور هزینه شده است. در جدول ۲ کمک های توسعه ای USAID از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۱ نشان داده شده است. نظر به ارقام جدول، بیشتر از ۴ میلیارد دلار در بخش انکشاف زیرساخت هزینه شده است. به همین ترتیب به سایر بخش میلیون ها دلار هزینه شده است.

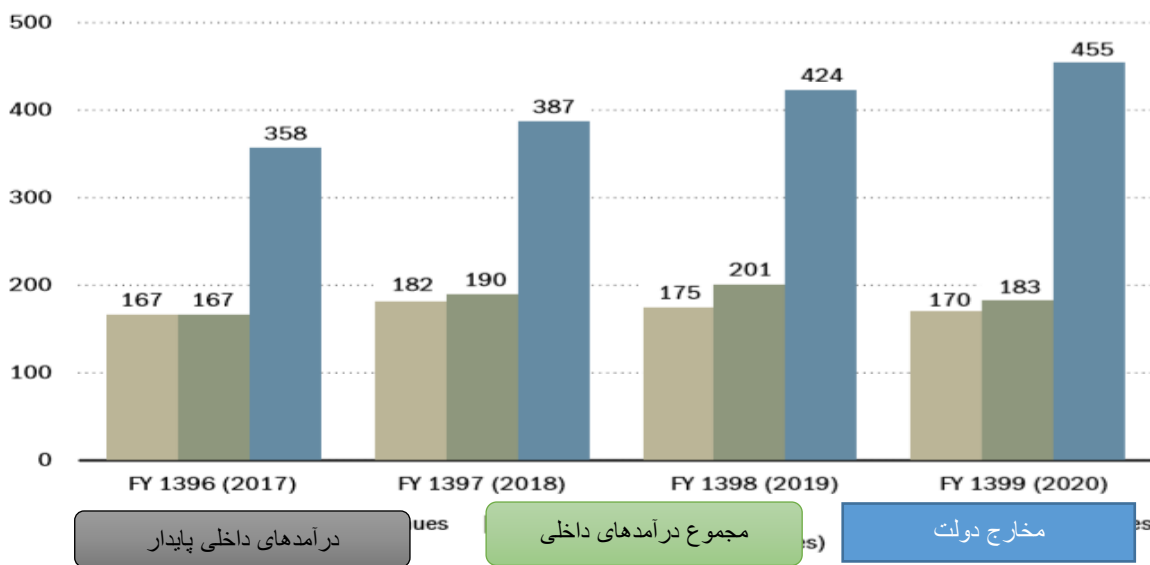
شکل ۴. کمک های توسعه ای USAID، از ۸ ژوئیه ۲۰۲۱ (میلیون دلار)



Source: SIGAR analysis of USAID, response to SIGAR data call, ۷/۱۴/۲۰۲۱; SIGAR analysis of World Bank, ARTF, Administrator's Report on Financial Status as of April ۲۰, ۲۰۲۱.

از سال ۲۰۰۲ بدینسو بودجه دولت افغانستان به کسر مواجه بوده است. از زمان ظاهر شاه بدین سوهیچگاه عواید و مصارف دولت یکسان نبوده است. گذشته ها تا به امروز کسر بودجه دولت افغانستان توسط کمک های خارجی تامین میشود. در جدول ۳ مصارف و عواید دولت افغانستان نشان داده شده است.

شکل ۵. عواید و مصارف دولت افغانستان (میلیارد افغانی)



Source: SIGAR analysis of MOF-provided AFMIS data exported ۱/۱۰/۲۰۱۸, ۱/۱۲/۲۰۱۹, ۱/۶/۲۰۲۰, and ۱/۱۰/۲۰۲۱.

نظر به ارقام ارائه شده؛ در سال ۲۰۱۷ درآمد های داخلی ۱۶۷ میلیارد افغانی بود و مخارج دولت ۳۵۸ میلیارد افغانی بود. یعنی ۱۹۱ میلیارد افغانی تفاوت میان درآمد و مخارج دولت وجود داشت، که این مقدار مبلغ توسط کمک های خارجی تمویل میشود. از سال ۲۰۱۷ به بعد عوامد و مصارف دولت افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۰ بدلیل شیوع ویروس کرونا و چالش های سیاسی در کشور، مجموع درآمد های دولت نسبت سال پار کاهش نشان داده، ولی مخارج دولت افزایش را نشان میدهد.

۴. اثرات اقتصادی شیوع ویروس کرونا در افغانستان

اقتصاد افغانستان به جود چالش های اقتصادی و کاهش کمک های خارجی در سال ۲۰۱۹ حدود ۲،۹ درصد رشد داشته است. در جریان بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۰۸، اقتصاد افغانستان تاجای تحت تاثیر قرار نگرفت، زیرا عمدتاً اقتصادش به کمک ها بستگی داشت و ادامه دارد. حتی نوسانات و شوک های موجود در بازار جهانی نفت نیز مانند سایر کشورهای جهان تاثیر چشمگیری بر اقتصاد افغانستان نداشته

است. اما شیوع ویروس کرونا تاثیرات منفی در تمام فعالیت های اقتصادی، سیاسی، ورزشی، اجتماعی، آموزش و پرورش و بهداشتی افغانستان داشته است. آغاز سال ۲۰۲۰ نه تنها برای افغانستان بلکه برای تمام کشور های جهان یک سال بحران آفرین بوده، انتشار ویروس کرونا در ابتدا سال ۲۰۲۰ اقتصاد افغانستان جهان را دامن گیر یک بحران جدید نموده است. گرچه یک بخش عظیم اقتصاد افغانستان به کمک های خارجی وابسته بوده با این وجود هم کرونا بالای متغیرهای اقتصاد خرد و اقتصاد کلان تاثیرات منفی داشته است. شیوع ویروس کرونا در سطح اقتصاد کلان بالای متغیر های از قبیل بیکاری، فقر، کاهش تجارت، کاهش درآمد ملی، کاهش تولید ناخالص داخلی، کاهش عاید سرانه ملی و کاهش سرمایه گذاری تاثیر منفی به جا گذاشت. در سطح اقتصاد خرد بالای قدرت خرید خانواده ها و کاهش فعالیت های سکتورهای خصوصی کوچک تاثیر منفی به جا گذاشت. به همین لحاظ ولی در سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع ویروس کرونا و چالش های سیاسی و امنیتی رشد اقتصادی کشور منفی ۵٫۵ درصد بوده است (World Bank, ۲۰۱۹).

پیامدهای اقتصادی خروج نیروهای خارجی از افغانستان

ازاینکه افغانستان دارای یک اقتصاد مصرفی و وابسته به کمک های خارجی است خروج نیروی های خارجی از کشور بدون شک تاثیرات نامطلوب بالای وضعیت اقتصاد گذاشته است. با خروج نیروی های خارجی از کشور روند کمک های مالی هم متوقف شده است. خروج نیروی های خارجی و قطع کمک های خارجی نسبت به هر زمان دیگر کشور را به یک بحران اقتصادی و بشری مواجه ساخته است. چالش های موجوده سیاسی و اقتصادی افغان ها را نسبت به آینده بی باور کرده و این موضوع باعث افزایش فشار روانی در میان افراد جامعه شده است. تیوری روانی (فشار روانی) باعث عدم اطمینان نسبت به آینده شده است. فلهدا در اقتصاد وقتی که امید به آینده کاهش یابد مسلماً تاثیرات نامطلوب بالای سرمایه گذاری ها به جا میگذارد. به همین به خاطر با قطع کمک های مالی و کاهش سرمایه گذاری در کشور تولیدات کاهش پیدا کرده است. در جریان سال ۲۰۲۱ به تعداد ۱۴۰۰ نفر سرمایه گذار نزدیک به ۲ میلیارد دلار سرمایه ی خویش را به ترکیه انتقال داده اند. از سوی دیگر بعد از سقوط نظام جمهوری تعداد زیادی از افغانها بخاطر دست یابی به یک آینده بهتر دست به مهاجرت های غیر قانونی زدند. این روند در حال افزایش است. صندوق بین المللی پول در گزارش خود بیان کرده است که در سال ۲۰۲۱ تولیدات ناخالص داخلی افغانستان ۳۰ درصد کاهش می یابد. این کاهش تولیدات اقتصاد کشور را به یک بحران اقتصادی و بشری مواجه کرده است. باعث افزایش بیشتر بیکاری، افزایش فقر، کاهش ارزش پولی، افزایش کسرتجارت، کاهش عواید و نهایت منجر به یک مهاجرت گسترده و بحران اقتصادی میشود.

۶. نتیجه گیری

در موجودیت چالش های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قطع کمک های خارجی، کاهش سرمایه گذاری، نبود برنامه مدیریت اقتصادی، افزایش نوع جدید ویروس کرونا و مهاجرت های گسترده نمیتوان به آینده کشور خوش بین بود. پس سقوط نظام جمهوری تمام سکتورهای تولیدی که در رشد اقتصادی

کشور نقش اساسی را در طول ۲۰ سال ایفا نموده بود در حال ورشکسته شدن قرار دارد. سکتور خدمات که سهم بیشتر در تولیدات ناخالص داخلی داشت، فعلا در حالت فروپاشی قرار دارد. در سکتور صنعت هم ۲۰٪ کاهش به وجود آمده است. از سوی دیگر عدم حمایت کشاورزان، خشکسالی و نبود بازار برای محصولات کشاورزی، کشاورزان را دوباره وادار ساخته که اقدام به کشت مواد مخدر نمایند. متأسفانه افغانستان از لحاظ سیاسی و اقتصادی در یک مرحله اساس تاریخی قرار گرفته است. اگر این وضعیت مدیریت نشود، تاریخ قبل از سال ۲۰۰۱ تکرار خواهد شد. فلذا آینده اقتصادی کشور وابسته به حل چالش های سیاسی است. اگر چالش های سیاسی حل نشود، تمام دستاورد های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و بهداشتی که در طول ۲۰ سال گذشته بدست آمده بود و فعلا هم در یک وضعیت نامناسب قرار گرفته است، بطور کلی ورشکست خواهد شد. در این حالت یکبار دیگر شاهد یک بحران شدید اقتصادی و بشری خواهیم بود.

منابع استفاده شده

- Farahmand, M., & Esen, E. (۲۰۱۸). The Relationship Between Trade And Economic Growth: The Case of Afghanistan, *The International Journal of Economic and Social Research*, Vol. ۱۶, Year ۱۶, No. ۱, ۲۰۲۰, pp. ۸۱-۹۷.
- Afganistan Ülke Raporu. (۲۰۱۷). *Afganistan Ülke Raporu*. T.C. Kabil Büyükelçiliği Ticaret Müşavirliği.
- Ministry of Economy of Afghanistan. (۲۰۱۸). Import Substitution Strategy - Ministry of Economy, [Online] Available: <https://moec.gov.af>) Productive Afghanistan Strategy, English Version. [Date of access, ۲۰۱۹].
- Ministry of Commerce and Industry of Afghanistan. (۲۰۱۶). Strategic Plan. Kabul: Ministry of Commerce and Industry of Afghanistan, [Online] Available: <https://moci.gov.af>) sites) default) files) strategic plan. [Date of access, ۲۰۱۹].
- SIGAR analysis of USAID, response to SIGAR data call, ۷/۱۴/۲۰۲۱; SIGAR analysis of World Bank, ARTF, Administrator's Report on Financial Status as of April ۲۰, ۲۰۲۱.
- SIGAR analysis of MOF-provided AFMIS data exported ۱/۱۰/۲۰۱۸, ۱/۱۲/۲۰۱۹, ۱/۶/۲۰۲۰, and ۱/۱۰/۲۰۲۱.
- WorldBank. (۲۰۱۸). "Afghanistan Development Update." World Bank Report.
- World Bank. (۲۰۱۹). Afghanistan Development Brief, World Bank.

صلح و همزیستی در اندیشه مولانا و پیام آن برای انسان امروز

نویسنده: سلطان مسعود محب

چکیده

بشر مدرن امروز، در اثر حاکمیت بر کره هستی و دستاوردهای علمی و تکنالوجی، چنان در خود برتریینی و غفلت غرق شده است که آنچه معنویت است به کلی از اندوخته ذهنش فرو ریخته است. عواملی همچون گرایش های پوچ فکری، تعصبات نژادی، ارزش قایل شدن بیش از حد به سودمادی، خود خواهی و خود بالا بینی، علت اصلی این بحران ها است.

در این مقالت و نوشتار به بهره گیری از مفاهیم اجتماعی بکار رفته در آثار مولانا این عارف سترگ پرداخته شده است و نتیجه گیری شده که اگر بشر امروزین، به توصیه های تربیتی و معنوی عارفانه این خداوند سخن و اندیشه که خود شاگرد راستین مکتب قرآن و اسلام است عمل نماید آنچه را که برای کمال خود طلب میکند میتواند در لابلای کلام و فریاد های انسان مدارانه این عارف وارسته بیابد.

کلید واژه ها: مولانا؛ زندگی مدرن؛ تساهل و مدارا، نرم خوئی؛ صلح.

مقدمه

در روزگار امروزین، در روزگار خشم و خشونت و ضد محبتها و عاطفه ها، این ادبیات عرفانی ماست که نشان دهنده حقایق زندگی انسان هاست، عرفان ما، رسالتی را برای بهبود و اصلاح جامعه انسانی شعار میدهد تا انسان بتواند مسیر تکامل را با درستی بییماید و با پیروی از شاخصه های اندیشه های معنوی، برود بدان جایی که برای رسیدنش شکایت و حکایت دارد و برای شنیدن و گوش دادن به این شکایت ها و حکایت ها، سینه های شرحه شرحه از فراق را آرزو می کند و همواره مینالد که انسانم آرزوست. انسانی که در جهان امروزین زیست دارد، متوجه می شود که به نام رسیدن به تمدن و مدنیت، چقدر به ظلالت کشانیده شده و چقدر ذلیل اش ساخته اند. انسان امروزی با اندکی تأمل درمی یابد، در شرایطی که جز به جان هم انداختن انسان ها، از هم دور کردن قلب ها، و رسیدن به آرزوهای مادی و زود گذر که جز به آرام کردن شهوت ها و غرایز حیوانی چیزی در قبال ندارد گام گذاشته، لذا با جان و دل میکوشد و در صدد آن میشود تا دستی از غیب بدر آید و نوع بشر را به سوی کمال به سوی کنگره های عرش بکشاند. (پیترسون، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲)

در عصر امروزین که زندگی انسانی وابسته به ماشین و تکنالوژی است، انسان ها با ذوق ها و سلیقه های متفاوت، جهان بینی ها و جهان نگرایی های دور از هم و با غلط فهمی های که بر سراسر هستی اش سایه افکنده و عرصه زندگی را برای او تنگ کرده است، نبرد اندیشه ها و دلهره از تعبیر گوناگون، اندیشه های انسانی را زیر سوال برده و چنانچه مشاهده می شود تمامی ویژگی های خالصانه انسانی همانند بشر دوستی، اعتلا و تکامل روحی انسان و در کل انسان مداری و انسان نگرایی زیر سوال رفته است و

دارد آهسته آهسته این شیوه های زندگی انسانی که مدار اصلی انسانیت انسان را تشکیل می دهد به باد فراموشی سپرده شده است به امید و آرزوی رسیدن به انسانیت گم شده اش نفس می کشد و آرزو می کند ایکاش باردیگر رهبرانی از جنس معنویت انسان ظهور کنند و باردیگر زندگی انسانی معنوی گم شده ی شان را دوباره احیا کنند.

فرضیه تحقیق

در لابلای اندیشه والا و عارفانه ی مولانای بزرگ ، امکانات رسیدن انسان به انسان شناختی و انسان سازی نهفته است و این انسان اندیشمند با طرح های که در رابطه به انسان و انسان سازی دارد راه های اصلی رسیدن انسان را به کمالات معنوی فراهم ساخته و توانسته است بستر مناسبی را برای امکان تشخیص یک نظام واقعاً انسانی ، در درون این جامعه سراسر لجن امروزی فراراه بشریت هموار سازد .

روش تحقیق

سعی شده با تکیه بر روش تحلیلی ، با جستجو در میان سیل خروشان اندیشه های انسانی مولانا ، گزینه های مختلف انسان مداری را استخراج نموده به معرض مطالعه خوانندگان عزیز قرار دهم . در تهیه این مقاله بیشترین روش تحقیق کتابخانه ای سود جسته ام .

پیام مولانا برای انسان امروز

مولانا در مکتب انسان ساز اسلام ، مکتبی که به گفته قرآن مجید دین رفیق و مداراست و هیچگونه اکراه و اجباری در آن راه ندارد ، دینی که به فرموده قرآن کریم ، محبت و عشق و صلح خواهی ، موعظه و باهم زیستی و همدیگر پذیری در تمامی ابعاد آن تبلیغ شده است زیست کرده و نفس کشیده است. این سخنور بزرگ در قدم اول خود با تمام ابعاد وجودی اش این قواعد و اصول را تجربه کرده است و سپس لب لباب این اندیشه ها را در قالب زیبا ترین ابیات منظوم و سخنان منشور جا داده و برای انسان همه روزگاران شعار داده است و در هر نفسی که کشیده است با این اصول و قواعد انسان مدارانه نفس زده است و سروده است و سخن گفته است و از بشر خواسته است یکبار هم که شده این اصول و ارزش ها را در زندگی بکار بندد تا ببیند که آیا اصل انسانیت اش در معنویتش نهفته است یا در مادیت حیوان گونه اش ؟

« در آثار این عارف بزرگ با رویکردی چون: بی اعتنایی به دایره تنگ قوم اندیشی و تمرکز بر احساسات زلال انسانی که خود حاصل عبور از عواطف شخصی و اجتماعی اوست، مواجه میشویم که چگونه بر فردیت گرایی افراطی و عصبيت های نژادی و مذهبی، خط بطلان کشیده است. در جهان امروز که انسان از بحرانها و معضلات آشکار و پنهان رنج میبرد و شاید دلیل آن هم فراموش کردن حلقه واسط خود با دنیای آرمانی خویش است و در نتیجه این تفکر و عمل، قدم به قدم از مدار اندیشه، زیباشناسی و میراث های معنوی خود دور شده است. » (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۳ : ص ۹۹)

در این نوشتار بصورت خلاصه گونه به این جلوه های فکری مولانا پرداخته شده است :

الف: خودآگاهی (شناخت خود)

مولانا، با مطالعه که در آفاق و انفس زندگی انسانی داشته است درک نموده که انسان استعداد عالی رسیدن به کمال را داراست و میتواند از همین راه ، مقام خلیفه الهی و اشرف مخلوقات را بدست آورد ، چون خود می داند که تنها این مقامات ، کسوت زیننده اندام اوست ، اما چون به این وطن خاکی خو گرفته است و اسیر تعلقات مادی و زمینی گردیده است پس در زندان تن اسیر مانده و در سراچه ترکیب تخته بند تن گردیده است . مولانا معتقد هست که انسان در چنبره خیالات و توهمات ، دچار یک سلسله محدودیتها و تعصب ها و تنگناها شده است . این عوامل باعث شده است که انسان با زندگی کردن در چنین محدوده تنگ و محصور شده چنان به سر در گمی گرفتار آید که خویشتن خویش را گم کرده و در کویر آباد ضلالت و گمراهی هبوط کرده است و هراز گاهی تلاش ورزیده است تا مگر به سرمنزل مقصود راهی یابد ، مگر با کدام توشه ؟ مولانا می گوید :

صد هزاران فضل داند از علوم جان خود را می نداند آن ظلوم
داند او خاصیت هر جوهری در بیان جوهر خود چون خری

(مثنوی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۹، ب ۲۶۴۸)

مولانا به انسانی که باور دارد زندگی فقط برای تکنولوژی و صنعتی شدن بوجود آمده است ، توصیه میکند که این مقوله اگر چه ، مفهوم نا بایی نیست اما در صورتی برای انسان موفقیت و فلاح را بار می آورد که نخست گره هستی انسانی را بگشاید و باعث خودشناسی انسان شود ورنه تنها ماشینی زندگی کردن کاری عبث و بی حاصلی خواهد بود و عقده بی را از عقده بی نخواهد گشود :

در گشاد عقده ها گشتی تو پیر عقده چندی دگر بگشوده گیر
عقده کان بر گلوی ماست سخت که بدانی که خسی یا نیک بخت

(همان: ج ۵، ص ۶۲، ب ۵۶۱)

از مفهوم این ابیات چنین می توان دریافت که مولانا خواسته است برای بشر امروزین تفهیم کند که خود شناسی یکی از لوازمات حل مشکلاتی است که امروزه در زندگی شان سایه افکنده است ؛ زیرا به باور مولانا اگر انسان به خودشناسی برسد در خواهد یافت که تمامی شادی ها و شادکامی هایش در درون خودش نهفته است و او باید این موهبت را در ضمیر خودش جستجو کند ، ضمیرش را خانه تکانی کند و قلبش را برای تجلی رحمت حق شستشودهد ؛ زیرا به قولی عارفی : « رحمت حق ناگاه رسد مگر بر دل آگاه رسد :

چه عروسیست در جان که جهان زعکس رویش چو دو دست نوعروسان، ترو پرنگار باشد

(دیوان شمس، ۱۳۶۹، غ: ۱۶)

و یا در مثنوی به وضوح به این مطلب چنین اشاره دارد :

راه لذت از درون دان، نه برون ابلهی دان جستن قصرو حصون
و آن دگردر باغ، ترش و بیمراد آن یکی در کنج مسجدمست و شاد
(مثنوی، ۱۳۷۸: ب ۳۴۱۹-۳۴۲۰)

ب: توصیه به صبر و نرم خویی

درنگرش این عارف سترگ پیرامون ابعاد گوناگون مسایل اجتماعی بیشتر به این دو گونه باید توجه کرد:

۱- تأسیس آرمان شهر انسانی

۲- ساختار جامعه واقعگرا

برای نیل به این دو اصل باید بامدارا و نرم خویی رفتار کرد؛ قران مجید خطاب به پیامبر(ص) فرموده است، ترجمه (ای پیامبر اگر سختگیرو نامهربان بودی، مردم از دور تو پراکنده میشدند. (آل عمران / ۱۵۹) از دید مولانا باید آنچه می گوئیم نرم باشد، صواب بگوئیم و نرمش داشته باشیم و نرم گویی را پیشه ی خود قرار دهیم :

موسیا رو پیش فرعون زمن نرم باید گفت قولاً لیناً
آب اگر در روغن جوشان کنی دیگدان و دیگ را ویران کنی
وسوسه مفروش درعین الخطاب نرم گو اما مگو غیر صواب
(مثنوی، ۱۳۷۸: ج ۴، ب ۱۷)

بدین وسیله به انسان معاصر میفهماند که مدارا، از مصادیق خوشخویی و ادب محسوب میشود و تحمل بی ادبان، از جلوه های خوش خلقی انسان است، این بخش ارزشمند گفته های مولانا مصداق همان آیه کریمه (واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما) می باشد:

ای مسلمان خود ادب اندر طلب نیست الا حمل از هر بی ادب
هر که را بینی شکایت میکند که فلان کس راست طبع و خوی بد
(همان، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۳، ب ۷۷۱)

از نصایح مولانا می توان چنین نتیجه گرفت که یگانه راه کامیابی انسان در حسن رویه و حسن روش با دیگران نهفته است و اگر بخواهیم در بطن جامعه انسانی با هدف و مرام انسانی زندگی نماییم پس باید با دیگران با حسن خلق و معاشرت رفتار کنیم؛ زیرا:

به حسن خلق توان کرد صید اهل نظر به دام و دانه نگیرند مرغ دانا را
(حافظ، ۱۳۷۸، ص ۵)

ج: دعوت به آرامش و پرهیز از ناامنی

انسان امروز با تمامی اکتشافات و پیروزی های علمی که بدست آورده است ، خود متوجه هست که چه بلای نادرمانی را مبتلاست ، بشر امروزه از هر آن چه دردسترس دارد از منابع طبیعی و غیر طبیعی ، دنیا را برایش خیلی وحشتناک ساخته است ، از این منابع سلاح های کشتار جمعی آفریده است ، جنگ هارا رواج داده است و بذر آدم کشی و انسان کشی را خودش در سرزمین آرزوهایش شخم زده است. پس به باور مولانا ، آرامش در زندگی انسانی از گمشده های انسان مدرن امروزی به شمار می رود و برای رسیدن انسان به این گمشده هایش باید به این مسایل توجه کند:

۱-مدارا و تساهل

مولانا بارها در مثنوی به مدارا و حلم و تساهل اشاره دارد و گاهی واژه مدارا را به معنی اخص کلمه و به معنای عدم اعمال ابزار تندى و خشم در قبال رفتار نادرست انسان های رنجور به کار می برد :

چون بسازی با خسی این خسان گردی اندر نور سنت ها رسان
کانبیا رنج خسان، بس دیده اند از چنین ماران بسی پیچیده اند

(مثنوی ، ۱۳۷۸ ، ج ۶ ص ۵۰ ب ۲۱۴۹)

۲-پرهیز از فردگرایی و خودخواهی

مولانا فرد گرایی و خود خواهی را به تکبر و غرور منفی انسانی تشبیه میکند ، او میداند که آزادی های بی حد و حصر ، کنش ها و واکنش های حیوانی را در وجود انسان بیدار میسازد و نفس حیوانی و غرایز و شهوات شیطانی را بیدار میسازد، زیرا در درون انسان سه نفس همواره بیدار است و هرکدام به هرسویی انسان را میکشاند:

درتو حیوانی و روحانی و شیطانی دراست درشمار آن چه باشی آن شوی روز شمار

(سنایی، ۱۳۸۲: ص ۸۱)

مولانا میخواهد برای انسان همه زمانه ها بفهماند که هیچ عیبی در این عالم هستی جا ندارد و ما نباید به چشم عیب جوئی به این و آن نگاه کنیم . جهان ما صاف و بی آرایش و منزله از هر خطاییست، بر ماست که کدام پدیده را زیبا ببینیم و کدام پدیده در نظر ما نا زیباست ، هرچه را زیبا ببینیم زیبا خواهد بود پس چه زیباست که شیشه های سیاه بینی و سیاه اندیشی را از مقابل دیدگان مان دور بگذاریم تا همه ذرات هستی زیبا و زلال به نظر برسند :

پیش چشمت داشتی شیشه کبود زان سبب عالم، کبودت مینمود

(مثنوی، ۱۳۷۸، ج ۱ ب ۱۲۲۹)

در اندیشه او تکبر و خودخواهی، ریشه اصلی سختگیری های نابخردانه و تعصب های ناروا میباشد :

از تکبر جمله اندر تفرقه مرده از جان، زنده اند از مخرقه
این تکبر، زهرقاتل دان که هست از می پرزهر شد آن گیج مست
چون می پرزهر نو شد مدبری از طرب یکدم بجنابند سری
(همان، ۱۳۷۸: ج ۴ ب ۲۰۳۲ - ۲۰۳۴)

او به انسان امروزی پند می دهد، تا تکبر و خودخواهی را که از بدی های خوی شیطانیت از خود براند و میخواهد بگوید که راز اصلی رانده شدن انسان از درگاه رحمت الهی همان تکبر و خود پسندی او بود که او را مجبور ساخت تا از اطاعت حق سر باز بزند و تکبر بورزد:

زلت آدم ز اشکم بود و باه و آن ابلیس از تکبر بود و جاه
لاجرم او زود استغفار کرد و این لعین از توبه استنکار کرد
(همان، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۲۱ ب ۵۲۰)

توصیه مولانا به ابنای بشرواز جمله نسل معاصرما این است که برای پرهیز از خودخواهی و خودپسندی ها، محبت و عشق را در خود نهادینه کنیم و به مدد این نوشداروی جان ها، ریشه همه روان پریشی های جامعه را بخشکانیم تا همواره نغمه روح بخش عشق، روح و روان ما را طراوت معنوی بخشد :

شادباش ای عشق خوش سودای ما ای طیب جمله علت های ما
ای دواى نخوت و ناموس ما ای تو افلاطون و جالینوس ما
(همان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴، ب ۲۳)

راهبردهای دیگر مولانا پیرامون کسب آرامش معنوی افراد را میتوان اینگونه به اختصار بیان داشت:

۱- مشورت و بهره مندی از آراء و عقاید درست پیران و خردمندان :
ز آنکه با عقلی چو عقلی جفت شد مانع بد فعلی و بد گفت شد
(همان، ۱۳۷۸: ج ۱ ص ۲۰)

۲- پرهیز از همنشینی و مصاحبت با افراد بد که دلهای شان لانه شیطان و ضمیر شان کاشانه دیو و اهرمن است، که هر لحظه دیو های نهاد شان هم خود آنانرا به گمراهی می کشاند و هم ندیمان شان را به بیراهه می برد:

آدمی خوارند اغلب مردمان از سلام علیک شان کم جو امان
خانه دیو است دل های همه کم پذیراز دیو مردم دمدمه
(همان، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲، ب ۲۵۱)

۳- قدر انسان بودن مانرا بدانیم و هرگز بر انسانیت دیگران نتازیم و از کمال وجودی خود و کرامت ذاتی دیگران غافل نمائیم :

روز در خوابی مگو این خواب نیست سایه فرع است اصل جزمهتاب نیست
(همان، ۱۳۷۸: ج ۳، ب ۱۷۳۵)

۴- پرهیز از کینه ورزی : مولوی مانند یک روانشناس، بر رموزات درونی انسان ها و توده های مردم آگاه است ، احساسات منفی را درک می کند ، داغ های که توسط کینه توزی ها بر پا شده اند را شناسایی میتواند ، زخم زبان ها را می شناسد ، قضاوت های نادرست را که عامل بدترین جنگ ها و فجایع شده است ریشه یابی می کند و یگانه راه آرام ساختن چنین منابع فساد را فقط و فقط در مهر ورزیدن صلح خواهی ، بخشش کردن و آرامش خلاصه می کند :

ای برادر صبر کن بردرد نیش تا رهی از نیش نفس گبر خویش

(همان، ۱۳۷۸: ج ۱، ب ۳۰۰۲)

۵- نیکی به خلق به صلح می انجامد : از جمله عواملی که باعث استحکام صلح و آشتی میان طبقات اجتماعی می گردد ، عمل به احسان و نیکی با بندگان خداست به سیاه و سفید و به کوچک و بزرگ . این احسان و نیکی پدید آورنده صلح بین انسان هاست که نتیجه آن نه تنها عاید دیگران که به خود ما نیز برمی گردد. دشمنی را میزداید و حسادت ها و تنگ نظری ها و تعصبات را فروکش می کند :

خیر کن با خلق ، بهر ایزدت یا برای راحت جان خودت
تا همواره دوست بینی در نظر در دلت ناید ز کین ناخوش صور

(همان ، ۱۳۷۸ : ص ۵۴۵ ، ب ۱۹۷۹-۱۹۸۰)

مولانای عارف به فرهنگ و تمدن بشر به خوبی آگاه هست و ما را از فریب همه شگردهای مدرن شیادان امروزی، به خوبی بر حذر میدارد، سبک دشمنی های مدرن را به خوبی میشناسد و از فراخوان ها و استقبال هایی که باعث جدایی انسان از مقام انسانیت شده، هشدار میدهد؛ حتی به نیرنگ های در لباس علم و حکمت که در نوع خود از خطرناکترین مکرهاست و دارندگان این دست نیرنگ هارا که بودند و نبوده شان یکسان نیست، به نحوی میشناساند و یادآوری میکند که شگردهای جدید دشمنی که جای شمشیرهای عریان را گرفته است، بسی خطرناکتر و زهرآگینتر است :

حرف حکمت از زبان ناکحیم حله های عاریت دان ای سلیم
گرچه دزدی، حله ای پوشیده است دست تو چون گیرد او، ببریده است

(همان ، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۴ ب ۶۷۳)

نتیجه

نتیجه مطالعه این نوشتار درحقیقت ارایه پاسخ های است به این پرسش ها :

این عارف بزرگ کیست و از کدام مکتب سبق گرفته است و در کدام کوره آبدیده شده است که سخنش دیروز و امروز هستی بشر را باهم گره زده است ؟ مگر چه دارد که کلامش بر دل های بشر می نشیند و چه دردی در نوای دل انگیز این بزرگ سخنور عالم انسانی نهفته است که حتی انسان امروز نیز از پژواک ناله های پرشورش به وجد می آید ؟

آن چه را میتوان منبأ پاسخ به این پرسش ها عنوان کرد این که ، کلام مولوی چنان عمیق و انسانی مطرح شده که می تواند به بسیاری از نیازمندی های انسانی جوابگو باشد از جمله به این خواست ها و امیالی که امروزه به گم شده انسان مبدل شده است :

الف- تأکید بر ارزش انسان بودن و این که درک کنیم که همه انسان ها با هم برابر اند و هیچ کس بر کسی تفوق ندارد مگر در تقوی.

ب- تأکید بر مدارا ، صلح خواهی ، نرمش نشان دادن ، بر دیگران محبت کردن ، همدیگر پذیری ، ترک غرور و تکبر و منیت ، عدم تعصب به هر نوعی که عرضه شود و احترام به عقاید و آرای دیگران و احترام به کرامت انسانی همه اهل بشر در هر رنگ و نژاد و مذهب و فلسفه و بینشی که هستند .

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. ابراهیمی دینانی، غلام حسین (۱۳۸۳) دفتر عقل و آیت عشق. تهران : مرکز.
۳. پیترسون، مایکل و دیگران (۱۳۸۸) عقل و اعتقاد دینی. ترجمه احمد نراقی. تهران : طرح نو.
۴. حافظ ، شمس الدین محمد (۱۳۷۸) دیوان حافظ ، شرح ابیات عبدالعظیم ادیب برومند . تهران : آگاه.
۵. سنایی ، ابوالمجد مجدود . (۱۳۸۲) دیوان سنایی ، تصحیح و تعلیقات علی محمد صابری . تهران : عرفان.
۶. مولوی ، جلال الدین محمد (۱۳۶۹) دیوان کبیر مولانا ، مقدمه و شرح ابیات : بدیع الزمان فروزانفر . تهران : امیرکبیر.
۷. مولوی ، جلال الدین محمد (۱۳۷۸) مثنوی معنوی ، تصحیح نیلکسون . تهران : امیرکبیر.